پیدا و پنهان مطبوعات

بسم الله الرحمن الرحیم

مسئله شناسی فرهنگی (۲): پیدا و پنهان مطبوعات

نویسنده:

عبدالرسول مهاجر

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مسئله شناسی فرهنگی (۲): پیدا و پنهان مطبوعات

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهاجر، عبدالرسول

عنوان و نام پدیدآور : پیدا و پنهان مطبوعات / عبدالرسول مهاجر، حسین اسحاقی.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : [۲]، ۲۲۷ ص.: جدول.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۹۶۵. مسئله شناسی فرهنگی؛ ۲.

شابک : ۱۳۰۰۰ ریال : ۹۷۸۹۶۴۵۱۴۰۳۱۹

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : مطبوعات -- ایران-- نقد و تفسیر

موضوع : مطبوعات و سیاست-- ایران-- نقد و تفسیر

موضوع : ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶- -- مطبوعات

شناسه افزوده : اسحاقی، سیدحسین، ۱۳۴۱ -

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : PN۵۴۴۹/الف۹ م۹ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی : ۰۷۹/۵۵

شماره کتابشناسی ملی : ۲۳۳۷۸۴۰

ص: ۱

دیباچه

دیباچه

یکی از راه های توجه به حقیقت، درک واقعیت و روشنگری اجتماعی در پرتو آزادی مطبوعات است. قلم ها باید آزاد باشند تا در سایه این موهبت بزرگ و در چارچوب قوانین و حدود اسلامی بتوانند حقیقت را نشر دهند و اصولاً آزادی مطبوعات؛ یعنی امکان دسترسی مردم به واقعیت های اجتماعی و دست یابی به حقیقت. افزون برآن، آزادی مطبوعات را باید ادای تکلیف الهی، انسانی و اجتماعی افراد بیدار و اندیشمند یک اجتماع به شهروندان آن جامعه دانست. بنابراین، افراد باید آنچه را درک می کنند، می فهمند و بدان اعتقاد دارند، بتوانند بنویسند، بیان کنند و دیگران را در جریان آن یافته ها و دانسته ها قرار دهند.

در اندیشه اسلامی، سکوت، خمودی، ناآگاهی و بی مسئولیتی پذیرفته نیست. در تاریخ اسلام بسیار به مواردی بر می خوریم که فردی، جسورانه، پرسشی را با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا حضرت علی علیه السلام در میان گذاشته است و آنان با گشاده رویی پاسخ داده اند. استاد شهید مرتضی مطهری در همین زمینه اشاره دارد که روزی فردی با چهره ای غضب آلود و بیانی جسارت آمیز از حضرت علی علیه السلام پرسشی کرد اصحاب امیرالمؤمنین علی علیه السلام با ناراحتی به پا خاستند و می خواستند او را تنبیه کنند که چنین جسارتی کرده است. با این حال، علی علیه السلام فرمود: این شخص پرسشی دارد و از من پاسخ می خواهد. شما چرا خشم گرفتید و می خواهید خشونت به خرج بدهید، غضب کردید و

عصبانی شدید؟ با عصبانیت نمی توان دین خدا را قائم نگاه داشت. با عصبانیت، برهان خدا ظاهر نمی شود. سرجایتان بنشینید. سپس رو کرد به آن مرد و آن مرد پرسش های خود را بیان کرد و حضرت نیز پاسخ دادند. ناگاه آن شخص در تصدیق حقانیت اسلام گفت: «اشهد انّ لا اله الا اللّه و اشهد انّ محمدا رسول اللّه».

آری، اسلام این گونه به مسئله آزادی می نگرد و در آزادی مطبوعات نیز قضیه از همین قرار است. با این حال، بایسته است نشریات و مطبوعات از این امور دوری گزینند:

۱. تخریب بنیان های مقدس اسلام و مبارزه با کلیت دین؛

۲. نشر عقاید فاسد و تباه کننده باورهای جامعه اسلامی؛

۳. دروغ، تهمت، افترا و هتک حیثیت شخصیت ها؛

۴. دامن زدن به شبهه و رواج شایعه.

بدین سان، اگر روزنامه، کتاب یا مجله ای در راه تضعیف بنیادهای اعتقادی جامعه اسلامی تلاش کند، از فعالیت آن جلوگیری خواهد شد. این مسئله به نظام جمهوری اسلامی ایران نیز اختصاص ندارد، بلکه در همه نظام های سیاسی دنیا وجود دارد؛ یعنی چنانچه مطبوعات بخواهند به بنیادهای نظام سیاسی و اجتماعی آنان خدشه وارد کنند، با قدرت تمام، با آن مقابله خواهند کرد. در یک نمونه کوچک، بارها دولت فرانسه که یکی از مدعیان دولت دموکراتیک جهان شناخته می شود، به مخالفت با روزنامه لوموند برخاسته و محدودیت هایی را برای آن به وجود آورده است. مثلاً در سال ۱۹۸۰ م. حزب های سوسیالیست و کمونیست و جناح هایی از حزب رادیکال ائتلاف

چپ را در برابر روزنامه لوموند به وجود آوردند و دولت نیز این روزنامه را محدود و تهدید به لغو امتیاز کرد. بنابراین، مطبوعات در هیچ جای دنیا، آزادی مطلق ندارند.

از اینها که بگذریم، در سنت اسلامی، نشر کتاب گمراه کننده، محکوم به حرمت است و جامعه اسلامی، نشر عقاید فاسد را بر نمی تابد. امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید:

مطبوعات در عین حال که یک مؤسسه محترم و بسیار مؤثرند، لکن باید روی موازین مطبوعاتی و خدمت به ملت رفتار کنند. آزادی قلم و آزادی بیان معنایش این نیست که کسی بر ضد مصلحت کشور، قلمش آزاد باشد بنویسد. برخلاف انقلابی که مردم خون پایش داده اند، بنویسد. همچو آزادی صحیحی نیست. قلمی آزاد است که مسائل را بنویسد، لکن نه اینکه توطئه برضد انقلاب بکند. بیان، آزاد است که مطالبی اگر دارد، بنویسد، آن هم مطالبی که به او داده می شود، از همه اشخاص بنویسد بدون توطئه. برای مطبوعاتی ما احترام قائل هستیم که بفهمد آزادی بیان و آزادی قلم یعنی چه؛ گفته می شود که مردم آزادند؛ یعنی آزاد هستند که بزند سر مردم را بشکند؟ آزاد است که قانون شکنی کند؟! آزاد است که برخلاف مسیر ملت عمل بکند؟ آزاد است که توطئه بکند بر ضد ملت؟ اینها آزادی نیست.(۱)

باید مطبوعات در خدمت کشور باشند، نه بر ضد انقلاب کشور. مطبوعاتی که برضد انقلاب کشور هستند، اینها خائن هستند. مطبوعات باید منعکس کننده آمال و آرزوی ملت باشند؛ مسائلی که ملت می خواهند آنها را منعکس بکنند. البته آزادند که یک مطلب دیگری هم که کسی می گوید، منعکس بکنند، لکن در توطئه، آزاد نیستند. ما از بعضی مطبوعات، توطئه می فهمیم. برای اینکه می بینیم که مسائلی که به ضد انقلاب است، با آب و

۱- ۱.امام خمینی رحمه الله، صحیفه نور، ج ۶ ، ص ۱۹۲.

تـاب و با طول و تفسـیر می نویسـند. مسائلی که وفق انقلاب است، یا نمی نویسـند یا با اشاره رد می شونـد. این طور مطبوعات مورد قبول ملت نیستند.(۱)

این بررسـی با همکاری گروهی از پژوهشـگران در راسـتای روشـنگری و توجه دادن به اهـداف و روش های به کار گرفته در بعضی از مطبوعات صورت گرفته است. باشد که با شناخت این ترفندها، اصحاب رسانه و خوانندگان فهیم با هوشیاری و تأمل بیشتری به داوری بنشینند.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۶

۱- ۲.همان، ص ۱۹۳.

پیش گفتار

اشاره

پیش گفتار

آزادی بی حد و مرز از ویژگی های مکتب لیبرالیستی غرب است. آزادی مطلوب در مکتب اسلام و نظام جمهوری اسلامی در همه زمینه ها مرز دارد و حدود آن را قانون به ویژه قانون اساسی مشخص کرده است. نخستین حد آن است که آزادی نباید مخل مبانی اسلام باشد. اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این باره می گوید:

نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام و یا حقوق عمومی باشد.

دیگر حد آزادی، مصالح جامعه است. در ماده ۳ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ آمده است:

مطبوعات حق دارند نظریات، انتقادات سازنده، پیشنهادات و توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند.

امام خمینی رحمه الله می فرماید:

قلمی آزاد است که توطئه گر نباشد. قلمی آزاد است [و] روزنامه ای آزاد است که نخواهد این ملت را به عقب و تباهی بکشد. این قلم ها همان سر نیزه سابق است که می خواهند ملت را به تباهی بکشند... . قلم های فاسد، آزاد نباید باشد.(1)

۱- ۱.همان، ج ۱۰، ص ۵۱.

مقام معظم رهبری نیز می فرماید:

در اسلام، مرزهای اخلاقی وجود دارد. در اسلام، آزادی علاوه بر آن حدود مادی، مرزهای معنوی هم دارد. البته بله کسی که علیه منافع کشور و علیه سود کشور اقدامی بکند، آزادی اش محدود می شود... اگر قرار باشد آن کسی که عقیده فاسد دارد، به جان ذهن و دل افرادی که قدرت دفاع ندارند، بیفتد و بخواهد آنها را هم گمراه کند، این برای آدم، یک مرز است. به اینجا آزادی محدود می شود.(۱)

وظایف مطبوعات از دیدگاه امام خمینی رحمه الله

اشاره

وظایف مطبوعات از دیدگاه امام خمینی رحمه الله

همان طور که می دانیم یکی از ابزار مؤثر تبلیغاتی در دنیای کنونی، مطبوعاتند. پس اگر مطبوعات یک جامعه از سلامت کامل برخوردار باشند و وظایف خود را به خوبی انجام دهند، جامعه را در راه صلاح و پیشرفت هدایت خواهند کرد و به عکس، در صورت تسلط قلم های شیطانی بر مطبوعات و چیرگی هواهای نفسانی و اهداف شخصی و گروهی بر گردانندگان آنها، جامعه قربانی خواسته های نفسانی آنان می شود و در اثر تبلیغات ناصحیح، هماهنگ و مغرضانه، کیان اخلاق و دین و تقوا مورد هجوم قرار خواهد گرفت.

امام راحل رحمه الله درباره رسالت قلم فرموده است:

قلم ها می توانند انسان ساز و شهیدپرور باشند.(۲)

از همین جاست که به ارزش والای قلم و اهل قلم می توان پی برد و تأثیر

۱- ۲.سخنرانی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس، کیهان، ۱۴/۶/۱۳۷۷.

۲- ۱.پرتو سخن، ش ۴۰، ص ۵.

مثبت آن را در جامعه ارج نهاد. آری، چنین جایگاه با ارزشی را بایـد پاس داشت و مراقب بود خدشه دار نگردد. بخش عمده ای از سـخنان پیامبرگونه امام بزرگوار را تبیین وظایف خطیر اهل قلم و چارچوب سیاست گذاری مطبوعات تشکیل می دهد. اکنون از دیدگاه امام خمینی، وظایف مطبوعات و اهل قلم را به این قرار بر می شماریم:

۱. هدایت

۱. هدایت

حضرت امام خمینی رحمه الله می فرماید:

مطبوعـات بایـد یک مـدرسه سیار باشـد تا مردم را از همه مسائل به خصوص مسائل روز آگاه نماینـد و به صورتی شایسته از انحرافـات جلوگیری کننـد و اگر از کسـی انحرافی دیدنـد، به آرامی در رفع آن بکوشـند و مطبوعات بایـد یک بنگاه هـدایت باشند؛ یعنی به [این] صورت که اگر دست مردم بیفتند، هدایت شوند.(۱)

اگر اندیشـمندان و نویسـندگان نتواننـد از عهـده این وظیفه الهی برآینـد یا در انجام آن کوتاهی کننـد، مورد قهر خـدا و مردم مسـلمان قرار خواهند گرفت. بخشـی از وظایف مهم مطبوعات، تربیت مردم(۲) و هـدایت آنان است که بایـد به عنوان ویژگی اصلی مطبوعات اسلامی بدان توجه کرد. چنانکه حضرت امام خمینی رحمه الله فرموده است:

کشور اسـلامی باید مطبوعاتش هم اسـلامی باشد.(۳) از ضـلالت هـا بکاهـد و بر هـدایت ها بیفزایـد. وقتی جوانان آنها را می خوانند، هدایت شوند و در صراط مستقیم قرار گیرند.(۴)

ص: ۹

۱- ۱.صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۶۵ و ج ۱۴، ص ۲۵۸.

۲- ۲.همان، ج ۱۳، ص ۴۱ و ج ۶، ص ۱۶۱.

۳- ۳.همان، ج ۱۴، ص ۲۵۹.

۴- ۴.همان، ج ۱۳، ص ۴۰.

گفتنی است همه این سخنان هنگامی عملی خواهد شد که اهل قلم و نویسندگان مطبوعات، خود، در صراط مستقیم و هدایت قدم بردارند.

۲. تبلیغ دین

۲. تبلیغ دین

از دیگر وظایف مهم مطبوعات در یک کشور اسلامی، تبلیغ دین خدا است که هرگونه بی توجهی به آن، خیانت به دین خدا و خون شهیدان والا مقام خواهد بود. در این مورد، باید به چند نکته دقت کرد:

نکته اول ــ مطبوعات حق ندارند اسلام را آن طور که دلشان می خواهد، تفسیر کنند و اسم آن را احیانا قرائت جدید بنامند؛ چون اسلام، متولی و متخصص نیاز دارد و بر طبق مبانی ارائه شده در متون دینی و روایی و تفسیری باید ارائه گردد و تبلیغ شود تا از تفسیر به رأی مصون بماند؛ زیرا اظهار نظر افراد نا آگاه از اسلام در مورد احکام و مباحث آن، نوعی اخلال در مبانی آن به شمار می رود.(۱)

نکته دوم ــ اسلام امام و شیعه، اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است و وجه ممیزه آن با اسلام امریکایی، سازش ناپذیری با استکبار جهانی، زیر بار ظلم نرفتن، عمل به مبانی دینی و الهی، مبارزه با ظالمان و استعمارگران و دفاع از حقوق انسانی ملت های مسلمان و مظلوم است و صد البته مراد از تبلیغ اسلام، تبلیغ اسلام ناب محمدی خواهد بود، نه اسلام امریکایی.

نکته سوم ــ با توجه به اهمیت این بخش و تکرار آن در بیشتر سخنان و نامه های امام، روشن می شود مطبوعاتی که علیه مقدسات اسلامی قلم بزنند و

۱- ۱.همان، ج ۱۰، ص ۷۶.

به ارزش های آن اهانت کنند، به یقین، در خدمت دشمن قرار گرفته اند و برای به انحراف کشاندن جامعه می کوشند. ازاین رو، چنین مطبوعاتی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، ویژگی های مطبوعات سالم را ندارند.

۳. خدمت به مردم

۳. خدمت به مردم

رسانه های عمومی باید صادقانه در خدمت به مردم و منافع مادی و معنوی آنان تلاش کنند و در عمل، زبان گویای مردم باشند؛ یعنی مشکلات آنان را مطرح و خواسته های مشروع آنها را پی گیری کنند. مطبوعات نه تنها نباید درصدد تحمیل خواسته های گروهی و جناحی خود بر مردم باشند، بلکه باید آیینه تمام نمای اراده مردم باشند و برنامه های خود را با خواسته های آنان تنظیم کنند. امام خمینی با بیان اینکه خواسته های مردم مسلمان ایران در همه پرسی ۱۳۵۸ رقم خورده و ملت با اهدای خون جوانان خود، بر آن مهر تأیید زده اند و مصداق عینی آن، احکام و ارزش های اسلامی متجلی در قانون اساسی است، به مطبوعات یادآور می شود که راه خود را از راه مردم و اسلام جدا نسازند و در چارچوب قوانین اسلام و کشور و در دفاع از حقوق مردم که ولیّ نعمت انقلابند، تلاش کنند.(۱)

۴. تهذیب جامعه

۴. تهذیب جامعه

یکی دیگر از وظایف مهم مطبوعات در بیان نورانی امام خمینی، تهذیب جامعه و پاک سازی آن از مسائل غیر انسانی است.(۲) زدودن انحراف های

۱- ۱.همان، ج ۱۳، ص ۲۴۷.

۲- ۱.همان، صص ۴۲ و ۴۳.

موجود در جامعه اسلامی و از بین بردن زمینه های پیدایش انحراف که موجب تباهی جامعه و مردم خواهد شد، وظیفه خطیر مطبوعات اسلامی به شمار می رود.(۱)

مطبوعات در کشور اسلامی باید با آسیب شناسی دقیق در تمام زمینه ها و با ارائه تحلیل درست و پیشنهادهای سازنده در کنار انتقاد دل سوزانه، زمینه های پیشرفت و توسعه کشور را فراهم سازند و از نابه سامانی ها بکاهند. بر همین اساس، آن حکیم فرزانه، ارشاد را از وظایف اولیه روزنامه ها می شمرد(۲) و مایه رشد و تعالی جامعه می داند. ایشان، با فرا خواندن، همگان به راه سپردن در این مسیر، بر بهره گیری از توان هنرمندان و نویسندگان متعهد برای انجام این وظیفه الهی تأکید می ورزد.(۳)

۵. مرکز پخش تقوا

۵. مرکز پخش تقوا

امام خمینی رحمه الله در این زمینه فرموده است:

مطبوعات در کشور اسلامی باید مرکز پخش تقوا باشند؛(۴) یعنی زبان گویای عمل به اسلام باشند، تقوا را به درستی تعریف و تبیین کرده و راه های گسترش و توسعه عملی آن را در میان مردم خصوصا نسل جوان بیان کنند و در رفع موانع آن بکوشند و البته خود تجسم مطبوعاتی نیز باشند.(۵)

۱- ۲.همان، ج ۱۸، ص ۶۵ و ج ۱۳، صص ۴۲ و ۴۳.

۲- ۳.همان، ج ۱۲، ص ۲۰۹.

۳- ۴.همان، ج ۱۹، ص ۱۰۹.

۴- ۱.همان، ج ۱۳، ص ۴۱ و ج ۶، ص ۱۹۳.

۵- ۲.همان، ج ۱۳، صص ۴۰ و ۴۱.

۶. تقویت وحدت ملی۱

۶. تقویت وحدت ملی(۱)

بدون تردید، وحدت یکی از عوامل مهم پیروزی ملت های مستضعف در مسیر مبارزه با طاغوت و استبداد به شمار می رود. اگر عوامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران را در سه عامل مهم؛ یعنی اسلام، رهبری آگاهانه امام خمینی و بیداری مردم خلاصه کنیم؛ وحدت را باید حلقه پیوند این عوامل به شمار آوریم. وحدت، تکمیل کننده تمام حرکت هاست؛ زیرا تمام امکانات و برنامه ها تنها به دلیل تفرقه و اختلاف، به نابودی کشیده می شود. در مراحل بعدی انقلاب اسلامی نیز هرجا عامل وحدت، نمود و ظهور بیشتری داشته باشد، توطئه های مختلف دشمن نقش بر آب می شود و هرجا این عامل تضعیف یا کم رنگ گشته است، دشمنان به موفقیت های نسبی رسیده اند. از همین روست که قرآن کریم می فرماید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا.» آموزه های دینی و ادبی نیز سرشار از توصیه به این اصل حیاتی و مهم است که حضرت امام خمینی رحمه الله نیز بارها بر آن تأکید کرده است.

بدان امید که همه افراد روشن اندیش و مسئول جامعه و به ویژه اهل قلم و مطبوعات به سخنان روشنگرانه ی امام راحل رحمه الله بنگرند و از آن، به عنوان میزان و چراغ راه بهره گیرند و دین، ارزش ها، آزادی و حقوق انسانی را در طول هم بدانند که برای سعادت انسان، از طرف خداوند به بشر عطا شده اند. چنانچه مطبوعات از اهداف و وظایف اسلامی ــ انسانی خود خارج بشوند، حضرت امام تکلیف آنها را چنین مشخص کرده است:

ص: ۱۳

۱- ۱.همان، ج ۱۴، ص ۹۹.

مطبوعات در عین حال که... محترم و بسیار مؤثرند، لکن باید روی موازین مطبوعاتی و خدمت به ملت رفتار کنند. آزادی قلم و آزادی بیان معنایش این نیست که کسی برضد مصلحت کشور، قلمش آزاد است که بنویسد... وقتی ما دیدیم که در یک روزنامه ای از یک اشخاصی مطلب نوشته می شود که اینها عمّال اجانب هستند و می خواهند مملکت ما را باز به خرابی بکشانند، از آن طرف مقالاتی و مطالبی را که راجع به مسائل نهضت است، راجع به مسائل اسلام است، یا تحریف می شود یا نوشته نمی شود، این طور مطبوعات را ما نمی توانیم برایش احترام قائل بشویم. برای مطبوعاتی، ما احترام قائل هستیم که بفهمد آزادی بیان و آزادی قلم یعنی چه... آزاد است که قانون شکنی بکند؟ آزاد است که برخلاف مسیر ملت عمل بکند؟ آزاد است که توطئه بکند بر ضد ملت؟ اینها آزادی نیست. در حد قوانین، در حدود کارهای عقلایی، آزاد است.(۱)

حالا هم یک قلم های فاسدی باز می گویند چرا جلوی فلان مجله [را می گیرند]، نمی دانند اینها، خوب، آن مجله، روزنامه کذا تمام چیزش از اسرائیل بوده است. اینها می خواهند که اسرائیل هم که در اینجا می خواهد توطئه کند نباید جلویش را گرفت... روزنامه ای آزاد است که نخواهد این ملت را به عقب و به تباهی بکشد. این قلم همان سرنیزه سابق است که می خواهند ملت را به تباهی بکشد. البته ملت تحمل نمی کند _ که جوان هایشان داده _ ، حالا چهار نفر پشت میز نشین بنشینند و طرح بدهند و درست بکنند و بگویند قلم آزاد نیست. چه آزاد نیست؟ کدام قلم ها آزاد نیست؟ قلم های فاسد آزاد نباید باشد. الان هم فاسدهایشان آزادند. منجمله همین قلم هایی که می گویند چرا آزاد نمی گذارید. اینها همه توطئه گر هستند.(۲)

اگر ما از اول که رژیم فاسد را شکستیم و این سد بسیار فاسد را خراب کردیم، به طور انقلابی عمل کرده بودیم و تمام مجلات فاسد و مطبوعات فاسد را تعطیل کرده بودیم و

۱- ۲.سخنان امام خمینی رحمه الله در جمع کارکنان روزنامه کیهان ۲۲/۱/۱۳۵۸، برگرفته از: دیدگاه های فرهنگی امام خمینی رحمه الله.

۲- مصاحبه حضرت امام رحمه الله با اوریانا فالاچی، ۲۱/۶/۱۳۵۶.

رؤسای آنها را به محاکمه کشیده بودیم و خبرهای فاسد را ممنوع اعلام کرده بودیم، رؤسای آنها را به سزای خودشان رسانده بودیم و چوبه های دار را در میـدان های بزرگ برپا کرده بودیم و مفسدین و فاسدین را دور کرده بودیم، این زحمت ها پیش نمی آمد.(۱)

نقش مطبوعات از نگاه رهبر معظم انقلاب

نقش مطبوعات از نگاه رهبر معظم انقلاب

من یک بار دیگر هم در اول امسال این هشدار را دادم و این هم بار دوم است. من با مسئولان اتمام حجت می کنم. مسئولان بایـد در این مورد اقـدام بکننـد. ببیننـد کـدام روزنامه است که از حدود آزادی، پا را فراتر می گذارد. آنچه که برای این ملت مفیـد است، آنچه که آزادی حقیقی است، آنچه که بیـان رأی بـدون توطئه است، آن را از توطئه و خیـانت و اضـلال و نـاامید کردن مردم جدا کنند.(۲)

در فضای فرهنگی و مطبوعاتی که در این چند ماه آخر به شدت ناسالم شده و دارد ناسالم می شود. متأسفانه بعضی سم پاشی و زهرافشانی می کننـد! البته سیاست ما این نیست که کسـی را به خاطر نوشـتن چیزی و پخش مطلبی، تا خلاف قانون نباشـد، مـورد ملامت قرار بـدهیم، امـا افشـاگری می کنیـم [و] آنهـا را بـه مردم معرفی می کنیـم. اگر چنـانچه دست برندارنـد، مردم خودشان می دانند که با ایشان چه کار بکنند.(۳)

عزیزان من! در داخل مرزهای ملت ما کسانی هستند که متأسفانه همان حرفی را می زنند که سازمان سیاسی امریکا به وسیله قلم به مزدهای خود در مجلات و مطبوعات دنیا پخش می کنند.(۴)

۱- ۴.صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۱.

۲- ۱.کیهان، ۲۵/۶/۱۳۷۷.

۳- ۲.سخنان مقام معظم رهبری، ۹/۱/۱۳۷۷.

۴- ۳.همان.

مطبوعات در دیدگاه رئیس جمهور

مطبوعات در دیدگاه رئیس جمهور

بیانات رهبر انقلاب درباره آزادی، تکلیف همه را مشخص کرده است... آزادی نباید مخل مبانی دین باشد.(۱) ولایت فقیه محور اصلی نظام جمهوری اسلامی است و مخالفت با آن، مخالفت با اصل و اساس نظام است و هیچ نظامی اجازه نخواهد داد به اصول و مبانی آن حمله شود... کسی حق ندارد به خاطر اینکه برنامه رئیس جمهوری و یا تصویبی را که مجلس شورای اسلامی کرده است و مطابق میلش نیست، به ارکان نظام اهانت کند ویا خواستار از بین رفتن آن شود... مجلس شورای اسلامی، مظهر مردمی بودن نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است و اگر مصوبه یا تصمیمی از مجلس را نمی پسندیم، می توانیم انتقاد کنیم، اما حق نداریم اهانت کرده و یا آن را تضعیف کنیم.(۲)

پس از نگاه به این سخنان، شایسته است تا عملکرد روزنامه ها و نشریات منتشر شده پس از دوم خرداد و میزان بهره برداری آنها از نعمت آزادی را بررسی کنیم. باید توجه داشت که در شرایط کنونی، هرچند فعالیت مطبوعاتی نشریات در نظام جمهوری اسلامی، آزادی بی بدیل سیاسی را به رخ جهانیان می کشد، ولی ضرورت پاسخ گویی به این پرسش اساسی را نیز به میان می آورد که حدود آزادی مطبوعات در جمهوری اسلامی تا کجاست؟ آیا آن گونه آزادی مطبوعاتی که به اصل نظام سیاسی و اصول و قوانین پذیرفته شده مردمی هجوم می برد، در عرف دینی و جهانی امری رایج و پسندیده است؟ و اگر نشریه ای از حریم و حدود خود خارج شد، چگونه برخوردی شایسته خواهد بود؟

ص: ۱۶

۱- ۱.روزنامه جمهوری اسلامی، ۸/۷/۱۳۷۷.

۲- ۲.همان، ۴/۵/۱۳۷۷.

بخش اول: تهاجم به هنجارها و ارزش های اسلام و انقلاب در مطبوعات

اشاره

بخش اول: تهاجم به هنجارها و ارزش های اسلام و انقلاب در مطبوعات

شناسایی دقیق توطئه های دشمنان و مهار موشکافانه و هوشیارانه تحرکات آنان به منظور مقابله با یورش ها، از ضرورت های انکارناپذیری است که هرگونه غفلت از آن، زیان های جبران ناپذیری را متوجه جامعه می سازد. تردید در آسیب رساندن تلاش های تخریب زای دشمن به ساحت دین، ارزش ها و انقلاب، با وجود اقرار و اعتراف صریح بعضی از عوامل آنان، از ساده اندیشی و زمان ناشناسی بر می خیزد. شایسته است کسانی که هنوز هم نسبت به منویات شوم دشمن شک دارند، به نکات زیر توجه کنند:

دیوید کیو، رابط سازمان اطلاعاتی امریکا (سیا) با عناصر ضد انقلاب مقیم خارج از کشور می گوید:

مهم ترین حرکت در براندازی جمهوری اسلامی، تغییر فرهنگ جامعه فعلی ایران است و ما مصمم به آن هستیم.

منوچهر گنجی، (وزیر آموزش و پرورش رژیم ستم شاهی) که هم اکنون در امریکا به سر می برد و نقش رابط سازمان سیا را با عناصر ایرانی مقیم خارج از کشور بازی می کند، در ملاقات هایی که با این عناصر دارد، در راستای

هماهنگی آنان با سیاست های جدید امریکا؛(۱) یعنی مبارزه و تهاجم فرهنگی و با هدف ایجاد تغییر در بینش و فرهنگ مردم ایران، اقداماتی داشته است.

غلام حسین میرزا صالح (روشن فکر وابسته ای که پس از انقلاب، به دلیل انحرافات مختلف از دانشگاه اخراج شد و به خارج از کشور گریخت)، با اشاره به یکی از این دیدارها می گوید:

ایشان (منوچهر گنجی) متذکر شد کمک هایی که به ما می شود،(۲) برای اینکه نقش جدید را ایفا بکنیم، موکول است به تحقق این برنامه و پروژه و در نتیجه، ما در نظر داریم با نفوذ در دانشگاه ها، با نفوذ در مراکز فرهنگی، با نشر مقالات، با نشر کتب، این خواسته را و این چیزی را که به ما گفته شده است، انجام دهیم. در این مورد هر نوع کمکی که لازم باشد، دست ما باز است و می توانیم حتی تا مرحله تأسیس مجله و تهیه هر نوع فیلم، هر نوع تشکیلات و سازمان و عملکردی که منجر به اجرای این سیاست خاص دولت امریکا و به خصوص کنگره امریکا بشود، بکنیم.(۳)

ادوارد برمن، نویسنده امریکایی در کتاب «کنترل فرهنگ»، بخشی از سیاست های امریکا را برای ترویج معیارهای مورد نظر فرهنگی در دیگر کشورها به طور مستند و براساس نتایج تحقیقاتی طولانی تشریح می کند.

ص: ۱۸

---

۱ - ۱.این مطلب بارها مورد تصریح مرتبطان سازمان های امریکایی قرار گرفته است. به عنوان مثال، در نامه وزارت خارجه امریکا به لینکن، کاردار سفارت امریکا در تهران تیرماه ۱۳۵۸ آمده است: «نهایی ترین هدف امریکا در ایران، فعالیت گسترده فرهنگی برای نفوذ در توده های مردم و افکار آنهاست. عناصر خود را آگاه نمایید که فعالیت های فرهنگی، از مهم ترین تلاش های ایالات متحده در ایران است.» تهاجم استراتژیک، ص ۵۴.

۲- ۲.این مطلب در تلویزیون ضد انقلاب در امریکا هم آشکارا ابراز شده است.

۳- ۳.هویت، ص ۱۹۶.

ایشان در بخش «ایجاد یک شبکه روشن فکری» می گوید:

بنیادهای امریکایی که در ورای فعالیت های به ظاهر فرهنگی خود، اهداف مشخص سیاسی را دنبال می کنند، از طریق اجرای برنامه های زمان بندی شده و ترویج مبانی مورد نظر خود، به ویژه در زمینه روش شناسی، به تشکیل «شبکه ای نامرئی از روشن فکران» در کشورهای مختلف جهان اقدام کرده اند... .

فرانسیس ساتون، نایب رئیس بنیاد فورد، سیستم ارتباط غرب با روشن فکران را «شبکه ای از تماس های شخصی» توصیف می کند. این روش باعث می شود که ارتباط سازمانی عناصر روشن فکر در داخل کشور نمودی نداشته باشد.

بنیاد کیان، بنیادی به ظاهر فرهنگی است که در اصل، نقش رابطی برای تأمین مالی نشریات دگراندیشی همچون: فصل نامه کلک، فصلنامه زنده رود، فصل نامه ایران نامه و انجمن ادبی فردوسی را به عهده دارد و اداره کنندگان آن در امریکا، به طور مستقیم مورد حمایت همه جانبه دولت این کشور قرار دارند. یکی از رابطان این بنیاد با امریکا، در جلسه ای در مورد عملکرد عناصر وابسته به این بنیاد، به هم فکران خود می گوید:

برای مقابله با نظام، بهترین روش، فعالیت فرهنگی است. این مهم، از طریق انتشار کتاب های علمی و تاریخی مقدور است و لزوما باید به صورت منسجم و با حرکتی آرام و تدریجی صورت گیرد، تا از هرگونه برخورد احتمالی نظام جلوگیری به عمل آید. با توجه به نفوذی که در نظام صورت گرفته، این روند به صورت «جای گزین شدن افراد»، رو به پیشرفت است و هرگونه تظاهر به فعالیت علنی، به لحاظ امکان تغییر وضع فعلی، خیانت محسوب می شود.

همچنین در یکی از محافل خصوصی ضدانقلابیون نفوذی، رابط این بنیاد در ایران عنوان می کند:

برای براندازی نظام جمهوری اسلامی، باید محافل و فعالیت های فرهنگی را تقویت و

سازمان دهی کرد. هر کس می تواند امتیاز نشریه [ای را به دست آورد] و از این تریبون به مبارزه برخیزد.

در ملاقات منوچهر گنجی، رابط نمایندگان کمیسیون سیاست خارجه امریکا و غلام حسین میرزا صالح آمده است:

من با خیلی از اعضای نمایندگان کمیسیون خارجه امریکا تماس داشتم، از دوستان من هستند و به من صریحا گفته اند... دیگر ما حاضر نیستیم راجع به بمب گذاری و ترور و اعمال خشونت ها، چیزی از ایران بشنویم، بلکه ما آماده هستیم که ببینیم مجلات متعدد، کتب متنوع که در جهت یا در واقع، گویای این سیاست ما باشد، ملاحظه کنیم... ما انتظار بیشتری از شما داریم که بهتر مجری این سیاست باشید.(۱)

کیهان چاپ لندن نشریه سلطنت طلبان با درج مقاله ای با عنوان «روزنامه نگاران تصفیه شده انقلاب باز می گردند»، فضای جدید مطبوعاتی ایران را «درخششی تازه» می نامد و با اظهار شگفتی رضایت آمیزی می گوید:

امروزه بسیاری از مطبوعات، پرده های حرمت را دریده اند و انتقاد در مطبوعات ایران هفته ها است که از مرحله حرف گذشته و به مرزهای دشنام رسیده است.(۲)

سوگ مندانه باید گفت که در راستای تحقق این اهداف نامبارک، بعضی از نشریات و قلم به دستان مغرض از هیچ تلاشی فروگذار نکرده و انواع هجمه ها رابه ساحت دین و انقلاب روا داشته اند. برای اثبات این مدعا، به بررسی تعدادی از شبهه هایی می پردازیم که گستره وسیعی از معرفت شناسی و مبانی اعتقادی تا قوانین جزایی و حقوقی را شامل می شود. البته پنهان نیست

۱- هویت، چاپ مؤسسه فرهنگی انتشاراتی حیان، به افشای ماهیت این بنیاد و کارگزاران آن اقدام کرده است. صص ۷۰، ۱۲۵ _ ۱۳۰ و ۱۸۲.

۲- ۵.هفته نامه ارزش ها، سال دوم، ش ۷۵، ص ۳.

که برخی از این شبهه ها، موسمی و زود گذرند، ولی پاره ای دیگر از دیرینه ای تاریخی برخوردارند که با قلمی نو، آراسته شده و با غرض ورزی خاصی با انگیزه های سیاسی برای ایجاد تردید و تشکیک در باورهای دینی ـ انقلابی مطرح گشته اند.

متولیان امور فرهنگی کشور برای سیاست گذاری در امور فرهنگی باید با جریان های شبهه افکن مطبوعاتی، اهداف، کارکرد و برنامه هایشان آشنایی داشته باشند و به خوبی دریابند که این شبهه ها، در کدام مبانی فکری ریشه دارد و با چه انگیزه ای عنوان می شود تا متناسب با آن برنامه ریزی کنند. رسالت شبهه شناسی مطبوعات، گذشته از نمایاندن بخشی از امور فرهنگی، معرفی آسیب های فرهنگی است؛ آسیب هایی که اکنون با برملا شدن بعضی از توطئه ها، زمان آن فرا رسیده که در اختیار افکار عمومی گذاشته شود تا داوری نهایی به وسیله مخاطبان انجام گیرد. گفتنی است همواره نویسندگان و نشریات متعهدی نیز بوده اند که حرمت قلم و آزادی را پاس داشته و به رسالت مطبوعاتی خود پای بند بوده اند که تلاش آنان مشکور است، ولی بنای ما در این مجموعه، بازنمایی جریان هایی است که در مطبوعات دگراندیش گذشته است. از آنجا که به دلیل فراوانی هجمه ها، ذکر همه آنها ممکن نیست، تنها برای آشنایی مخاطبان، گوشه ای از آن را به تصویر خواهیم کشید. امید است که در ترسیم و تبیین واقعیات، همواره بی طرفی، رفیق را همان باشد.

۱. شبهه پراکنی درباره مبانی دین و انقلاب

اشاره

۱. شبهه پراکنی درباره مبانی دین و انقلاب

دشمنان اسلام، دیانت و پای بندی به شریعت را مانعی برای تحقق آمال و

ص: ۲۱

آرمان های خود در ایران اسلامی دیده اند. ازاین رو، با تمام قوا در تلاشند تا با تضعیف و تشکیک در مبانی دینی و انقلابی، آنها را کنار زنند و جامعه را به سوی سکولاریزاسیون هدایت کنند. در این میان، حتی از تعرض و اهانت به خالق هستی بخش نیز کوتاهی نورزیده و مجوز راه پیمایی علیه خداوند را صادر می کنند! بر همین اساس، وقتی به خود اجازه چنین گستاخی را دادنـد، به دین که از جانب خالق هستی برای تنظیم امور دنیوی انسان ها به دست پیامبران ارزانی شده است، اعتراض می کنند «و وظیفه دین را القـای حیرانی می داننـد و بس و می گوینـد اگر کسـی راه بیفتـد و به دنیـا بگویـد: «ای دنیا! بایـد جهت آباد کردن دنیایتان از دین استفاده کنید»، این حرف اشتباه محض است». (جهان اسلام، ۱۷/۱۰/۷۳)

در این میـان، قرآن، کتـاب آسـمانی و بی تحریف الهی نیز از هجمه آنـان دور نمی مانـد و آن را قابل نقـد عقلی و تجربی می دانند. اینان با پذیرش قرائت های مختلف از دین و رسـمیت بخشیدن به آنها، یافته های شخصی خود را به قرآن بار می کنند و می گوینـد: «کـافر و بی دین هم خـودی است. قرآن هم فرمـود: «لکم دینکم ولی دین». بنی آدم اعضـای یکدیگرنـد». (صبح امروز، شهریور ۱۳۷۸). گاهی نیز دسـتورهای قرآن را مختص صدر اسلام می دانند و می گویند: «نزول عربی قرآن به این معنا نیسـت که تنهـا واژگـان و جملات آن عربی باشـد، بلکه قرآن بـا معلومـات و ادبیـات و معتقـدات آن روز عرب تلائم دارد.» (نشاط، شـماره ۱). این نشـریات به پنـدار خـویش در تلاشـند، بـا سـست کردن مبـانی دینی از حساسـیت مردم در امور قدسـی بکاهنـد و آنهـا را به سوی زنـدگی مـادی و اصول و فرهنـگ غربی بکشاننـد که در نتیجه اصل قرار گرفتن منافع مادی، دیکته شده است. آنها می دانند تا زمانی که دیانت در متن زندگی مردم قرار دارد، نمی توانند به

اهـداف پلیـد و شـیطانی خود دست یابنـد. پس «دیـانت و سـیاست را از هم جـدا می داننـد و حکومت دینی را هم غلط». (پیام هاجر، به نقل از: کیهان، ۲۲/۴/۱۳۷۹). آنان می کوشند تا دین را به ساحت های فردی انسان فرو کاسته و به تدریج، آن را نیز کم رنگ سازنـد. در این میان، از بعضـی عناصـر گمراه که در لباس خودی هسـتند، بهره می گیرنـد و نغمه های شوم جـدایی دیانت از سیاست را از زبان آنان سـر می دهند. برای نمونه، می گویند: «حکومت از مقوله دین نیست و نمی توان در امور آن از دین بهره جست». (یوسفی اشکوری، پیام هامون، به نقل از: کیهان ۲۲/۴/۱۳۷۹)

آنها می کوشند تا توان مندی های فقه شیعی در احیای حکومت دینی و آبادانی دنیای انسان ها را زیر سؤال ببرند: «دین فقهی هیچ چیز از آدمی باقی نمی گذارد و او را برده می سازد و بی اراده» (کیان، شـماره ۳۰) یا می گویند: «ذخایر فقه شیعه به انتها رسـیده است.» (کیان، بهمن ۱۳۷۷) تا بـدین وسـیله توانایی حکومت شـیعی را مورد تشـکیک و تردیـد قرار دهند. با این همه، گردانندگان اصـلی این نشریات، خود را مسلمان و پای بند به اصول اسلام و انقلاب می شمارند. آیا می توان کسانی را که به مقدس ترین اعتقاد دینی؛ یعنی خداوند متعال اعتراض می کنند، دستورهای قرآن را مربوط به دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می داننـد و حتی به خود اجازه می دهنـد که از مرتد دفاع کنند و بگویند: «پذیرش دین، حق است، نه تکلیف، در نتیجه، هرکس حق تبـدیل دین خود را خواهد داشت.» (صـبح امروز، ۲۴/۷/۱۳۷۸)، و یا بنویسـند: ارتـداد حق طبیعی هر انسان است و ادیان همگی بر حقند.» (کیان، فروردین ۱۳۷۸)، اهل دیانت و مسلمان نامید و به آنان اعتماد کرد!

ص: ۲۳

اکنون از میان انواع هجمه هایی که در تحقق این هدف به کار بسته اند، تنها گوشه ای را باز می نمایانیم:

الف) شبهه در مبانی دین

الف) شبهه در مبانی دین

آفتاب امروز ــ ۲/۶/۱۳۷۸

اگر مجوز راه پیمایی به هر گروه براساس قانون داده شود، اشکال ندارد، حتی علیه خدا... .

ایران ــ ۲۴/۴/۱۳۷۹

به خدای خالق وهستی بخش... می توان اعتراض جست... حتی فراتر از آن، او را فتنه گر خواند.

صبح امروز ــ خرداد ۱۳۷۸

صحت قصه حضرت یوسف در قرآن کریم از محالات است.

پیام هاجر ــ شماره ۲۹۶ ــ ۳/۹/۱۳۷۸

قرآن قابل نقد عقلی و تجربی است.

صبح امروز ــ شهریور ۱۳۷۸

در تعارض تکالیف دینی و حقوق بشر، حقوق بشر مقدم است.

زنان ــ شماره ۵۹ ــ دی ۱۳۷۸

ارزش های دینی دایما در تغییرند.

صبح امروز ــ ۲۴/۷/۱۳۷۸

پذیرش دین، حق است، نه تکلیف. در نتیجه، هرکس حق تبدیل دین خود را خواهد داشت.

نگاه نو ــ شماره ۱۷

اگر بتوانیم دین را پاک سازی کنیم، شریعت را آزاد کرده ایم. تنها کاری که از دیانت ساخته است، ایجاد آگاهی کاذب است... .

جهان اسلام ـ ۱۷/۱۰/۱۳۷۳

ص: ۲۴

وظیفه دین، القـای حیرانی است و بس. اگر کسـی راه بیفتـد و به دنیـا بگویـد: «ای دنیا! بایـد جهت آباد کردن دنیایتان از دین استفاده کنید»، این حرف اشتباه محض است.

جامعه سالم _ تیر ۱۳۷۸

مظاهر دینی، نماد عقب افتادگی است.

خرداد _ ۱۹/۸/۱۳۷۸

آیـات قرآن صریحا اصـل عیسـی به دین خود و موسـی به دین خود را تأییـد می کنـد و هرگز اهـل کتـاب یـا حتی کـافران و مشرکان را طرد نمی کند.

ب) شبهه در مبانی و اصول انقلاب

اشاره

ب) شبهه در مبانی و اصول انقلاب

زیر فصل ها

یک _ جدایی دین از سیاست

دو _ تشکیک در اصل ولایت فقیه

سه _ تلاش برای برقراری رابطه با امریکا

چهار _ کوچک شمردن دست آوردهای انقلاب

یک _ جدایی دین از سیاست

یک _ جدایی دین از سیاست

جامعه سالم _ شماره ۳۳ _ صفحه ۱۳

شیرین عبادی:

... اگر مجتهـدی دسـتور سـرپیچی و عـدم اطاعت از قانونی را بدهد، تکلیف چیست؟... فرضا مجتهد یا مجتهدانی معتقدند که جهت بزرگـداشت شـعایر بایـد مراسم برائت از مشـرک باشـد و عـده ای معتقدند به علت ایجاد تفرقه و پی آمدهای آن، جایز

نیست، ... اگر مجتهد جامع الشرایطی با سیاست کلی نظام جمهوری اسلامی موافق نبوده و فرضا به دولت چین کمونیست رسما اعلان جنگ داده و به پیروان خود دستور جهاد بدهد، تکلیف چیست؟ دولت جمهوری اسلامی چگونه باید با این موضوع برخورد کند؟ مرز بین دین و سیاست کجاست؟ ... باید قبل از ایجاد مشکل در فکر راه حل بود و با انجام تغییرات و اصلاحاتی در قانون اساسی، مرزی بین دین و سیاست تعیین و جایگاه هر یک را دقیقا مشخص نمود.

راه نو _ شماره ۱۱ _ صفحه ۱۱

دین، سیاست، توسعه (حسین بشیریه)

در حالی که دلایل مدافعان دخالت مذهب و روحانیت در سیاست عمدتا درون دینی و غیرقابل مباحثه در عرصه عمومی است، دلایل روشن فکران مخالف دخالت دین در سیاست، در خصوص غیردینی کردن سیاست اساسا برون دینی و معطوف به مسائل توسعه و

ص: ۲۵

پیشرفت اجتماعی و سیاسی بوده است. در این گونه استدلال ها، جدایی دین از سیاست و علایق عمومی، شرط بلوغ اجتماعی مردم و رهایی آنها از قید و بندهای دست و پاگیر سنت مذهب تلقی می شود. این استدلال ها را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

با سیاسی کردن دین، آسیب هایی به خود دین وارد می شود؛ یعنی دین به شایبه مسائل و مصالح سیاسی آلوده می گردد و دستاویز حکام واقع می شود. با دینی کردن سیاست، به سیاست و حکومت آسیب می رسد؛ مصلحت اندیشی سیاسی به قید جزمیات دینی مقید می گردد و حیات سیاسی، پویایی خود را از دست می دهد. با ترکیب دین و سیاست، جامعه آسیب می بیند؛ زیرا آزادی اندیشه که شرط ترقی و توسعه است، محدود می شود. جامعه مدرن رو به تخصصی شدن می رود و کار ویژه های نهادهای اجتماعی هرچه اختصاصی تر می شود. پس حتی اگر در گذشته، دین و سیاست در هم آمیخته بودند و به رغم آنکه اسلام اساسا مذهبی سیاسی بوده است، لیکن امروزه دیگر چنین آمیزشی ممکن و مطلوب نیست. محدودیت های فقه و دین از بازاندیشی و نواندیشی و بازسازی جامعه بر وفق تحولات جهانی جلوگیری می کنند. از لحاظ اخلاقی، با ترکیب دین و سیاست، تقوای سیاست مداران لزوما تأمین نمی شود، بلکه در عوض، ظاهرسازی و ریاکاری مجال می یابد.

آثار روشن فکران اولیه ایران مشحون ازاستدلالاتی برضد دخالت دین و روحانیت در سیاست است. بسیاری از آنها دخالت دین در سیاست را عامل اصلی ویرانی و عقب ماندگی کشور می دانستند. مثلاً میرزا یوسف مستشارالدوله در رساله یک کلمه استدلال می کند که ایراد اصلی مذهب اسلام، آمیزش دین و سیاست در آن است و همه نابه سامانی های سیاسی ناشی از همین اصل است. در عوض، وی برای رهایی از مداخله گری های دین و روحانیت در سیاست، در پی قانونی است که چاره همه مشکلات باشد و آن را در قانون اساسی فرانسه می یابد. همچنین طالبوف در مسالک المحسنین، نظریه جدایی دین و سیاست را مشروحا مطرح می کند و از آن به عنوان مقدمه ترقی و پیشرفت در امور اجتماعی و سیاسی کشور دفاع می نماید. سیدحسن تقی زاده، رهبران مذهبی را خودخواه و نادان می شمرد و این را به طور کلی مانع توسعه کشور می دانست و از همین رو، از جدایی سیاست و دین دفاع می کرد و حتی مخالف اعطای قدرت نظارت بر مصوبات مجلس به علما بود. همچنین احمد

کسروی بر آن بود که دخالت مذهب و روحانیت در سیاست و دولت لاجرم موجب برقراری حکومت تئوکراسی غیردموکراتیک می شود. به نظر او، علما از مسائل جامعه جدید بی خبرند و شرط توسعه و دموکراسی به طور کلی، جدایی دین از سیاست است. (در پیرامون خرد، تهران، ۱۳۴۷)

پرسش نهایی به سخن دیگران آن است که آیا دخالت دین در سیاست، بهترین راه توسعه خواهد بود یا نه؛ و نیز اینکه پی آمدها و تبعات علمی چنین دخالتی چه بوده است؟ آیا دنیا و سیاست برای دین است و یا اینکه دین برای دنیا و سیاست است؟ سیاست وقتی صد در صد دینی می شود که هرگونه بحثی درباره توسعه به عنوان هدف را کنار بگذاریم. از سوی دیگر، وقتی غایت، توسعه باشد، لاجرم دین، ابزاری می شود و طبعا در مورد ابزارها با سهولت بیشتری می توان تجدید نظر کرد تا در مورد غایات.

راه نو _ شماره ۱۴

گفت وگو با باقر پرهام

نتایج تمرین بیست ساله حکومت توسط مذهبیان، نزدیکی گروه های مذهبی و غیرمذهبی بوده است. هم اکنون روشن شده که حکومت مذهبی هم از نظر حکومت بودن با حکومت غیرمذهبی فرقی ندارد. حکومت چه مذهبی و چه غیرمذهبی الزاماتی سیاسی و خاص خود دارد که اگر درست با آن برخورد نشود، به شکست می انجامد. به نظر من، روشن فکران مذهبی هم به این تشخیص رسیده اند که مسئله جدایی دین از دولت مسئله خیلی پرتی نیست، به خصوص اینکه جدایی دین از سیاست الزاما به معنای الحاد و ضدیت با دین نیست، بلکه دین به عنوان یک عنصر فرهنگی بسیار سازنده و بسیار مؤثر در جامعه به شکل دیگری باید مطرح شود.

نشریه خانه _ شماره ۶۳ _ ۳۱/۴/۱۳۷۷

هیچ کس فرصت ندارد پاسخ بدهد

آیا یک روحانی نمی تواند با نظام حاکم در کشور مخالف باشد؛ یعنی روحانی باشد، ولی ضد انقلاب و شما بتوانید راحت حرف هایتان را با او بنویسید و امنیت داشته باشید و به عبارت دیگر، آیا فکر می کنید لزوما آن کسی که روحانی است و پاسخ نامه هایتان را

می نویسد، انقلابی است و شما برای حرف های غیرانقلابی تان امنیت ندارید؟ آیا نمی توان به خدا اعتقاد داشت و نماز خواند و روزه گرفت، اما بدون توجه و در نظر گرفتن انقلاب و جمهوری اسلامی؟ آیا هر کس نماز می خواند و ایمان دارد و دزدی نمی کند و مال حرام نمی خورد، باید انقلابی و حزب اللهی باشد و هرکس حزب اللهی نیست، باید بی نماز و بی ایمان و بی اعتقاد باشد؟

آبان _ ۲۱/۶/۱۳۷۷

نظریه عینیت سیاست و دیانت، زاییده افکار عامیانه و قدیمی است.

کیان _ شماره ۴۹ _ صفحه ۴ _ آذر ۱۳۷۸

اسلام نیز چون مسیحیت در نهاد خود قابلیّت عرفی شدن و سکولاریزه شدن را دارد و چنین امری در حال وقوع است و می رود که اسلام هم آرام آرام جایگاه واقعی خود را که امور اخلاق فردی است، پیدا کند.

دو _ تشکیک در اصل ولایت فقیه

دو _ تشکیک در اصل ولایت فقیه

ولایت فقیه

حکومت دینی، مدیریت فقهی و مصداق برجسته آن، ولایت فقیه، از جمله مباحثی است که نشریات دگراندیش از جنبه های گوناگون به آن پرداخته اند. آنان لازمه حکومت دینی را حاکمیت جبر و استبداد می دانند و از آن به قدرت مطلقه و فوق قانون بودن رهبری و...تعبیر می کنند و می نویسند: «ولایت مطلقه؛ یعنی قدرت مطلقه و همان طور که ثروت متراکم فسادآور است، قدرت متراکم هم همچنین.» (پیام هامون، دی ۱۳۷۷) آنان حتی به مشروعیت و منشأ آن می تازند و می کوشند ارزش این اصل مهم و کلیدی را به شدت کاسته و آن را نه از اصول جمهوری بشمارند و نه از اهداف انقلاب اسلامی. در این راستا می کوشند تا ولایت فقیه چنان معرفی شود که رهبری نظام، خود را از هرگونه نقد و نظارتی بی نیاز می داند و در حقیقت، خط قرمز نظام معرفی

شونـد. اینـان در مواجهه با اصل ولایت فقیه حتی ولایت الهی معصوم را نیز نمی پذیرنـد و خلافت امام علی علیه السـلام را نیز انتخابی و به وکالت از مردم تفسیر می کنند و می گویند:

«ائمه صـلوات الله علیهم نیز در بعـد ظـاهری و حکـومت که در واقـع زعـامت دنیوی است، از خطـا مصون نمی باشـند» (کیـان، شماره ۴۴) یا می گویند: «در مسائل حکومت و سـیاست، فعل و قول معصوم حجت نیست.» (کیان، شماره ۴۵) حتی در ولایت و جانشـینی معصومین تشـکیک کرده و می گویند: «ولایت منحصـر در شخص نبی اکرم صلی الله علیه و آله است و با رفتن او ولایت نیز خاتمه می یابـد. او خاتم نبوت و خاتم ولایت بود. ولایت پیامبر بعـد از او به کسـی منتقل نشده است.» (کیان، بهمن ۱۳۷۷) در تقویت این نظریه بی دلیل، روزنامه های همسو به کمک می شتابند و می نویسند: «پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و هیچ فردی را به جانشینی خود انتخاب نکرد. امام حسین علیه السلام جانشین پدر خود نبود.» (صبح امروز، ۲۳/۸/۱۳۷۸)

این همه نشـان دهنـده آن است که در حقیقت، تردیـد کردن در ولاـیت فقیه، ریشه در ناباوری اعتقاد به ولایت معصومین علیه السـلام دارد، ولی چون جامعه دینی توان پـذیرش صـریح این خرافه گویی را نـدارد، به ولایت فقیه می تازنـد تا به پندار خود، زمینه را برای پـذیرش اصل عـدم ولایت امامان و فقـدان معصومیت آنان فراهم آورنـد و بگوینـد: «اعتقاد به عصـمت، مدعایی معیوب و مخدوش است». (توانا، ۲۲/۶/۱۳۷۷)

راه نو ـــ ۲۷/۴/۱۳۷۷ ـــ صفحه ۱۷

ولایت فقیه و جمهوری اسلامی (محسن کدیور)

تأمـل در اظهارنظر فوق و ماننـد آن ثابت می کنـد که در نیمه اول سال ۱۳۵۸، اولاًـ ولایت فقیه از اصول جمهوری اسـلامی به حساب نمی آمده است؛ ثانیا شورای انقلاب منصوب

امام، جمهوری اسلامی بر مبنای ولایت فقیه را نظر امام خمینی رحمه الله نمی شمرده است.

به هر حال، «ولایت فقیه» تا زمان تصویب در مجلس خبرگان قانون اساسی، نه از اهداف انقلاب اسلامی شمرده می شد و نه از اصول جمهوری اسلامی به حساب می آمد و نه حضرت امام رحمه الله به صراحت تلازم آن را با جمهوری اسلامی بیان فرموده بودند.

هفته نامه آبان _ ۳/۵/۱۳۷۷ _ صفحه ۸

جبهه ملی: ملت ایران با دسیسه های ضد ملی مواجه است.

جبهه ملی ایران در اطلاعیه ای به مناسبت قیام سی ام تیر ۱۳۳۱ نوشت:

۴۱ سال پس از آن تاریخ، ملت ایران همچنان با دسیسه های ضد ملی در داخل و خارج از کشور مواجه است... جبهه ملی ایران، استیلای قدرت یک فرد را بر سرنوشت ملت، مظهر استبداد می شناسد. به همین جهت، افعال و اعمال هر گروه یا فرد را که از هر راه و به هرطریق و یا هر بهانه ای مانع دخالت مردم در سرنوشتشان باشد، عملی ارتجاعی، ضد مردمی و فاقد مشروعیت می شناسد.

هفته نامه راه نو _ شماره ۱۵ _ صفحه ۱۸

گفت و گوی اکبر گنجی با فرهنگ رجایی

دیگر شخصی با اختیارات مطلق نمی تواند وجود داشته باشد؛ چون کارکردش را از دست می دهد. برای انسان امروزی قابل قبول نیست که شخصی، خود را دارای اختیارات مطلق بداند، برای خود جایگاهی طبیعی قائل باشد و دیگران را مطیع محض و مکلف در برابر خود بداند. امروزه براساس قرارداد اجتماعی، نهادی انتخاب می شود و افراد در این نهاد براساس قواعد روشن و شفافِ بازی عمل می کنند و این نهاد طبق خواست مردم قابل تعویض است.

هیچ حکومتی مجاز نیست که خود را حکومتی آسمانی دانسته و دیگران را مجبور کند که آسمانی فکر کنند. براساس پست مدرنیزم و نسبیت تمام عیار، هیچ گفتمانی نمی تواند مدعی حقیقت باشد؛ چون حقیقت واحدی وجود ندارد.

روند زوال دولت سابق، روندی طبیعی است و کسی آگاهانه درصدد حذف آن نیست. امروزه انسان ها می گویند که ما مشروعیت آسمانی حکومت را قبول نداریم و حکومت باید

مشروعیتش را از ما بگیرد. از طرف دیگر، ناکارآمدی دولت قدیم موجب روی آوردن انسان ها به دولت جدید می شود.

کیان ــ شماره ۴۲

ولایت فقیه، یک امر دنیوی است و اصلاً وجه معنوی ندارد.

آبان ــ ۱۰/۵/۱۳۷۷

ولایت فقیه؛ یعنی خودکامگی و توسعه سیاسی، نفی خودکامگی است.

پیام هاجر ــ ش ۲۳۶/۱۳۷۷

ولایت فقیه در نحوه ارتباط با مردم و رعایت حقوق آنها، گرفتار تناقضات بسیاری است.

پیام هاجر ــ دی ۱۳۷۷

ولایت مطلقه فقیه، مترادف حکومت اقتدارگراست که متأسفانه بدون ملاحظه تغییرات شگرفی که امروزه در رابطه دولت ــ ملت در جهان به وقوع پیوسته، وارد قانون اساسی ما گردید.

سه ــ تلاش برای برقراری رابطه با امریکا

سه ــ تلاش برای برقراری رابطه با امریکا

مسئله ارتباط ایران با امریکا از مسائلی است که جایگاه ممتازی در این نشریات دارد. آنان در تلاشند با القای ضرورت کارکردی این رابطه، به گونه ای قبح این ارتباط را بشکنند و مردم را به اصطلاح آماده پذیرش چنین رابطه ای کنند. میزان پرداختن این نشریات به رابطه ایران و امریکا، رابطه مستقیمی با سخنان رهبران انقلاب اسلامی دارد؛ یعنی به همان اندازه که قطع رابطه از سوی رهبر فقید و رهبر کنونی انقلاب مورد تأکید قرار می گیرد، برخلاف آن، لزوم برقراری این ارتباط مورد تأکید این مجلات است. تشکیک مکرر در لزوم قطع رابطه با امریکا و تأکید بر ضرورت برقراری آن، در کنار شکستن قبح ارتباط، تردید عمومی نسبت به اهداف و آرمان های اولیه انقلاب

را به دنبال دارد. آنها می کوشند تا برقراری ارتباط را ضرورتی اجتناب ناپذیر برای حل بسیاری از معضلات داخلی و خارجی نظام معرفی کنند. در دیدگاه آنان، بسیاری از مشکلات از جمله بی کاری، تورم، رکود اقتصادی، سقوط سرمایه گذاری ها و... در پرتو ارتباط با امریکا حل و فصل شده و دریچه هایی از بهشت زمینی به روی ایرانیان گشوده خواهد شد؛ چنانچه این دریچه به سوی کشورهایی که با امریکا ارتباط دارند، گشوده شده است.

جالب اینجاست که در این مباحث، اساسا از خطرها یا دست کم احتمال خطری که متوجه استقلال و یک پارچگی سرزمینی کشور می رود، سخن به میان نمی آید و به آثار فرهنگی این ارتباط و طمع خواهی امریکا از انقلاب اسلامی کمترین اشاره ای نمی شود. این قلم به دستان گاهی قطع رابطه با امریکا را محصول تحلیل و ارزیابی نادرست اوایل انقلاب می دانند و به این ترتیب، سیاست ها و مدیریت دو دهه انقلاب را که دوران سربلندی و عزّت ایرانیان است، مورد تردید قرار می دهند و می گویند در دو دهه، ما هزینه های سنگینی بابت این اشتباه بزرگ پرداخته ایم. ازاین رو، خواستار عذرخواهی ایران و دادن تعهد لازم به امریکا و درخواست از رئیس جمهوری برای پی گیری برقراری ارتباط با امریکا هستند.

روزنامه اخبار _ ۲۷/۴/۱۳۷۷ _ صفحه ۱

شنیدنی ها و خواندنی های محافل

دکتر صادق زیبا کلام: شما می گویید که ما بر مواضع خود می مانیم و در عین حال از هیچ بمب گذاری و انفجار و ترور هم حمایت نمی کنیم. اگرشما بر سر میز مذاکره با امریکاییان بنشینید، در همین زمینه ها توضیح می دهید و تصویر ایران را در ذهن آنان اصلاح می کنید و اسناد و مدارکی ارائه می دهید که در ترور مخالفان خود نقشی نداشته اید.

روزنامه اخبار ـ ۷/۵/۱۳۷۷ ـ صفحه ۲

روز جمعه، من و عبدی، گذشته ها را فراموش می کنیم

عبدی در بخشی دیگر از گزارش سی. ان. ان گفت: در یک جمله باید بگویم که گروگان گیری سال ۱۹۷۹ یک واقعه تأسف برانگیز بود.

نشریه آدینه ـ شماره ۱۲۴

دیگر حکم راندن بر این جامعه دشوار است

مسعود بهنود، برای توجیه اهمیت برقراری ارتباط با امریکا می نویسد:

مدیران تازه انقلاب با ساده دلی در پی آن بودند که در اجتماعات بزرگ، شعارهای بزرگ و هیجانی بدهند و این بهترین فرصت را در اختیار تاجران سیاست پیشه یا سیاست پیشه گان تاجر قرار داد که بکنند آنچه کردند. اینک پس از ۱۹ سال هر چه زیان بود داده ایم و بهای تمام شعارها و استقلال خواهی ها و فرصت طلبیدن ها را پرداخته ایم.

توانا ـ شماره ۲۰ ـ صفحه ۲

گامی جدید در روابط ایران و ایالات متحده

ارتباط جامعه امریکا با مقامات سیاسی و رهبران جمهوری اسلامی ایران زمانی ملموس تر گردید که شبکه خبری کابلی موسوم به سی. ان. ان در یک اقدام ابتکاری، مصاحبه ای را با ریاست جمهوری اسلامی ایران به انجام رساند و آن را هم زمان به تمامی جهان مخابره کرد. گزارش خبری و تیترهای بسیاری از روزنامه ها و نشریات معتبر جهان به مدت یک هفته بعد از مصاحبه، مربوط به انعکاس خبر و تحلیل محتوای مصاحبه مطبوعاتی رئیس جمهور اسلامی ایران بود.

مصاحبه یاد شده، بن بست سیاسی و خبری را که در تعاملات ایران و امریکا به وجود آمده بود، برای مدتی از بین برد. به همین دلیل، ابزارهای ارتباط جمعی، روند یاد شده را نقطه عطف جدیدی در دیپلماسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تلقی نمودند.

راه نو ـ ۳/۵/۱۳۷۷ ـ شماره ۱۴

اندیشه

مسئله رابطه با امریکا جزئی از مسئله کلی تر رابطه با بازار جهانی است. واقعیت آن است که حل دومی مستلزم اخذ تصمیم درباره اولی است؛ زیرا بدون عادی سازی روابط یا

دست کم بدون ترک مخاصمه و خروج از وضعیت نه جنگ و نه صلح، گسترش روابط اقتصادی ما با سایر کشورهای پیشرفته صنعتی هیچ گاه عملی نخواهد شد.

ایران فردا _ شماره ۴۴ _ صفحه ۳۴ و ۳۵

شرایط مذاکره و رابطه با امریکا (دکتر نظام الدین قهاری)

در شرایطی هستیم که هدف سیاست خارجی ایران، کاهش تشنج و رفع کدورت ها و استحکام صلح و امنیت در منطقه از طرفی و مذاکره و ارتباط بین ملل و فرهنگ های مردم سرزمین های مختلف از طرف دیگر مطرح است. وزارت خارجه ایران تصمیم دارد چهره انسانی و صلح جویی از ملت ایران به مردم جهان نشان دهد. داشتن روابط مستقیم سیاسی با ملت ها از جمله امریکا برای تسهیل روابط فرهنگی و برقراری تماس ها و مبادلات علمی و اجتماعی ضروری می نماید.

گام نخست، برداشتن موانع ارتباط با یکی از بزرگ ترین کشورهای جهان است که ۱۶۱ جمعیت جهان را داراست و گسترده ترین و بیشترین امکانات علمی و فرهنگی و اقتصادی را در اختیار دارد. به علاوه، قریب دو میلیون ایرانی در آن کشور زندگی می کنند و همواره چشم به ایران دارند و آرزومندند روابط دو کشور بهبود یافته و عادی گردد.

ایران فردا _ شماره ۴۴ _ صفحه ۳۳

«مذاکره، رابطه، معامله، سازش»

لزوم غبارروبی از واژگان

آن گاه باید توجه داشت که چه نوع رابطه ای با امریکا و در واقع با غرب، به نفع منافع ملی ما ایرانیان است؟ بی تردید، حرکت از دیپلماسی ستیز به سوی دیپلماسی مبتنی بر معامله و منافع ملی، اصولی ترین راهکار در سیاست خارجی ما می تواند باشد. این نوع سیاست خارجی نیاز به حمایت مردم و جسارت دولت مردمی دارد. تا زمان و فرصت های ایجاد شده را از کف ندهد.

ص: ۳۴

هفته نامه راه نو ــ مرداد ۱۳۷۷

حل مشکلات کشور در گرو ارتباط با امریکاست.

روزنامه خرداد ــ بهمن ۱۳۷۷

قطع رابطه با امریکا؛ یعنی تحمیل سالانه میلیاردها دلار خسارت به ملت ایران. چرا عاقلانه فکر نکنیم و خود را از این محرومیت نجات ندهیم.

ایران فردا ــ ۲۵/۲/۱۳۷۸ ــ صفحه ۴

طرفداران قطع رابطه با امریکا، دلیلی بر نظر خود ندارند و تن به بحث های محتوایی نمی دهند و عاجز از آنند. لذا آن را با امور ارزشی پیوند زده اند.

چهار ــ کوچک شمردن دست آوردهای انقلاب

چهار ــ کوچک شمردن دست آوردهای انقلاب

این نشریات در حوزه فعالیت های سیاسی از خط مشی ثابت و روشنی پیروی می کنند و این رویه، جز نا امید کردن توده های مردم از حقانیت آرمان ها و اهداف انقلاب اسلامی سرانجام دیگری ندارد. آنها دستآوردهای مثبت انقلاب را نادیده می گیرند و نقاط ضعف را که به عوامل گوناگونی مرتبط است، برجسته می کنند. آنها حتی بدیهی ترین دستآورد انقلاب که همانا شکستن ثبت استبداد و رهایی مردم ایران از ۲۵۰۰ سال حکومت شاهنشاهی است، ناچیز شمرده و حکومت اسلامی را در خط حکومت استبدادی می شمارند و می گویند: «بعد از انقلاب، شاه مستبد رفت، ولی استبداد همچنان باقی است؛ تازه رنگ شرعی هم به خود گرفته است». (آبان، شماره ۶۹، ۱۴/۱/۱۳۷۸).

متأسفانه اینان از آن همه دستآوردها و نکات مثبتی که حکومت دینی برای همگان فراهم آورده، چشم پوشی کرده، با به هیچ انگاشتن توفیق حکومت در عرصه های داخلی و سیاست خارجی می نویسند: «پس از گذشت بیست سال، عدم کارآیی حکومت دینی بر همگان روشن شده است». (جامعه سالم، تیر

(۱۳۷۷

جالب اینجاست که پس از گذشت انقلاب، روز به روز جهان به ویژه غرب به کارآمدی حکومت دینی بیشتر پی برده اند و موج حملات ویرانگر نظامی و فرهنگی آنان نشانه ترسشان از صدور انقلاب اسلامی است. با این همه، آیا پذیرفتنی است که امر به این روشنی هنوز به باور قلم به دستان همسوی آنان نرسیده باشد!؟ آنها می کوشند حکومت دینی را بسته و مستبد معرفی کنند و بنویسند: «جمهوری اسلامی، حکومت لمپنیسم و فشار است.» (آبان، ۲۸/۶/۱۳۷۷) و عجیب اینکه در طول حکومت های شاهنشاهی پیشین به تنها چیزی که توجه نمی شد، منافع ملی و مصلحت عمومی بود که بعضا این ناتوانی در واگذاری امتیازات و الحاق بخشی از میهن به بیگانگان مشاهده می شود و با این حال، این نویسندگان می نویسند: «حاکمیت کنونی در صدد تأمین منافع ملی نیست.» (پیام هاجر، فروردین ۱۳۷۷) و حتی تا بدان جا پیش می روند که اصل انقلاب را نیز منکر شده و می نویسند: «دیگر انقلابی نیست تا ضد انقلابی باقی مانده باشد». (جامعه سالم، شماره ۳۵)

رونامه اخبار _ ۲۱/۴/۱۳۷۷ _ صفحه ۸

شنیدنی ها و خواندنی ها از محافل

ارباب قلم و مطبوعات چه می توانستند بکنند؟ وقتی برای نفس کشیدن هم باید از دولت «مجوز» گرفت، زندگان و یا کسانی که می خواهند زنده بمانند و نشان دهند که زنده اند، چه باید بکنند؟

مهتاب _ فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷

اندیشه، انتخاب و اعتراض امروزی

در سرمقاله شماره قبل نوشته بودم دختر امروز باید امروزی بیاندیشد، امروزی انتخاب کند و امروز اعتراض کند. تعدادی از خوانندگان پرسیده اند: اندیشه انتخاب و اعتراض

امروزی یعنی چه؟ چگونه می توانـد بر بی عـدالتی هایی که فقط به خاطر دختر بودن بر او روا داشـته می شود اعتراض کند؟ و دختر امروز چگونه باید به وضع موجود که اساس نارضایتی او را فراهم کرده، اعتراض کند؟

برای ما نظر خود را درباره دختر امروز و اندیشه، انتخاب و اعتراض امروزی بنویسید.

کیان _ خرداد و تیر ۱۳۷۷

سیاست های دهه اول انقلاب، غیر کارآمد و ناموفق بوده است.

ایران فردا _ ش ۴۶۰ _ شهریور ۱۳۷۷

انزوا و عقب افتادگی، ثمره دو دهه انقلاب است.

توس _ مرداد ۱۳۷۷

انقلاب اسلامی شبیه استبداد قجری است.

خرداد _ بهمن ۱۳۷۷

انقلاب اسلامی در دین دار کردن مردم، کارنامه درخشانی ندارد. مردم در عمل، هیچ فرقی با زمان سابق نکرده اند.

نشریه فرهنگ توسعه _ شماره ۳۱

آرش عاشوری:

ترکیب هـای مفهومی که بر اثر انقلاب در جـامعه مـا و در زبان ما پیـدا شـده، مثلاً «انقلاب اسـلامی» و «جمهوری اسـلامی» و چیزهـایی از این دست، می توانـد از جهـانی با یک نگاه تحلیلی حکایت از تناقضات عمیق مفهومی بکنـد که چگونه مثلاً دین که بنیادش بر سـنت است، می تواند با «انقلاب» ترکیب شود و مثلاً حاکمیت اسلامی که به هر حالت، بنا به تعریف، «حاکمیت الهی» و بنا به سنت، صورت نظام سلطنتی داشته، چگونه می تواند بیاید و ترکیب بشود با «جمهوریت»؟

شیرین عبادی می گوید: «در زمان شاه ما قوانین بسیار مترقی تر از الان داشتیم».

۲. اهانت و تعرض به ارزش های اسلام و انقلاب

اشاره

۲. اهانت و تعرض به ارزش های اسلام و انقلاب

این نشریات پس از حمله به مقدسات و تخریب باورهای دینی و انقلابی مردم، به گمان خویش، زمینه را برای خاکریز بعدی آماده می بینند و این بار با اهانت و تعرض به ارزش های اسلام و انقلاب، برای جای گزینی این باورها با نمادها و شاخص های غربی می کوشند. بنابراین، پای بندی به احکام شریعت اسلام را خشکه مقدسی و تحجر دانسته و به ضروریات دین می تازند و به معرفی و ترویج الگوهای بیگانه می پردازند تا با ترویج ابتذال، به تضعیف غیرت دینی بپردازند. در این راستا، با حمله به حجاب و استفاده از تعبیرهای خلاف عفت عمومی، به آزادی بی قید و بند و ترویج روابط نامشروع به ویژه ارتباط دختر و پسر دامن می زنند. زنان جامعه اسلامی را به ورزش های خلاف عرف عمومی مانند: دوچرخه سواری و فوتبال که با شئون زن اسلامی مغایر است، فرا می خوانند و با موجه سازی رقص و موسیقی های مبتذل، در تغییر ذایقه مردم به ویژه جوانان می کوشند. کوتاه سخن اینکه آنان را به دین گریزی و دین ستیزی دعوت می کنند. آیا این اقدامات زنجیره ای حکایت از توطئه ای حساب شده و کارشناسانه ندارد؟ داوری در این باره را به عهده خوانندگان آگاه می سپاریم.

ص: ۳۸

امید جوان _ ۲۸/۴/۱۳۷۷ _ صفحه ۱۲

نگذاریم جامعه ما ریاکار شود

یک دختر چادری و یک پسر ریش دار با پیراهن یقه بسته را برای ما الگو قرار می دهند. جوانان ما با این کارها ارشاد نخواهند شد.

آفتاب امروز _ ۵/۵/۱۳۷۷ _ صفحه ۵

دختر امروز _ پسر امروز

شجاعی: (با خنده)؛ خب بله... من دلم می خواست جاهایی بود که مثلاً دختران نوجوان ما حجابشان را بر می داشتند، راحت بازی می کردند، ورزش می کردند، می پریدند. این چیزی است که ما توی جامعه مان خیلی خیلی کم داریم. البته ما معتقد به حجاب هستیم، ولی این نباید مانع تفریح و نشاط و... باشد. این چیزی است که ما الان کم داریم.

هفته نامه مهر _ ۳۰/۴/۱۳۷۷ _ صفحه ۶

جالب است، شاید اینجا تنها کشوری باشد که سانسور و ممیزی، نه یک عمل مذموم، اما اجباری است که کشور ما به فراخور موقعیت خود، دست به ممیزی می زند.

«سیما» حتی از نشان دادن جفت گیری پرندگان و تخم ریزی لاک پشت ابا دارد؛ چرا که می ترسد جوانان و مردم ما چنان مستعد فساد باشند که این تصاویر گمراهشان کند. حذف موضوعات عشقی و مسائل مربوط به رابطه دختر و پسر که از کارتون های کودکان آغاز شده و تا فیلم های سینمایی و سریال ها تداوم می یابد.

الف) ترویج دین ستیزی و دین گریزی

الف) ترویج دین ستیزی و دین گریزی

نشریه خانه _ ۲۴/۴/۱۳۷۷ _ شماره ۶۲

هیچ چیز در اطرافم مرا وادار به اطاعت از دین نمی کند و تازه بهتر است بدانید که اگر روزی روزگاری تصمیم به چنین کاری بگیرم، با دنیایی از مشکلات روبه رو می شوم که حتی فکر کردن درباره آنها لرزه به تنم می اندازد. فکر نکنید که جست وجوها و کنکاش های من از سر فراغت و بی کاری است، نه، می خواهم با دستی پر و با منطقی محکم پا در این راه بگذارم.

هر وقت که به این مطالب فکر می کنم، سرم درد می گیرد. من هم از خدا می خواهم

که در یک فضای آسمانی سیر کنم و گوش به موسیقی لطیف و دل انگیز الهی بسپارم، ولی با این کار، عملاً به لباس کسانی در می آیم که پای مال کننده ارزش های انسانی هستند. دوست ندارم که رفتارم، تأیید کننده چنین پلیدی هایی باشد، هیچ می فهمید؟ درک می کنید؟ اتفاقا برخلاف نظر شما، من در ایمان عملی مشکل دارم. اگر پایه های اعتقادی من طوری تقویت بشود که بتوانم برای همه پرسش هایم، پاسخ قانع کننده بیابم، به شما قول می دهم که اگر سرم هم برود، پای عمل به ارزش های ناب انسانی بایستم و مقاومت کنم، ولی وقتی که می بینم سخنان گهربار پیامبر و امامان فقط مال کتاب هاست و راهکار عملی ندارد، هرچه درجه اعتقاد افراد به دین بیشتر می شود، رفتار و کردارشان در زندگی نادرست تر از آب در می آید، چرا نباید در گردن نهادن به دین تردید داشته باشم؟

دنیای تصویر ــ تیر ۱۳۷۷ ــ صفحه ۸۲

صدای غلام: جیغیل جیغیل می ریزن دور و ورت، مدرسه گداگودوله ها. آه، یکی یه همچین؛ توبره رستم... بده، بده، بده... حالاـ تو هی بریز توش، مگه پر می شه؟ نمی شه. سیرمونی ندارند بی پدر مادرا. هی می آری، هی می خورن. هی می آری، هی می خورن. اینا همه واسه خاطر اینه که یه سُک سُک کردی با مهر و محبت. که چی؟ بهشت زیر پای مادران است؛ یعنی افسار تو دادی دست یه پیرزن که یه چیکه شیر کرده تو حلقت و خلاص.

ب) ترویج آزادی بی قید و بند

ب) ترویج آزادی بی قید و بند

پسران و دختران ــ تیرماه ۱۳۷۷ ــ صفحه ۶۳

از دفترچه خاطرات یک دختر

می دانی چه می خواهم؟

آزادی. آزادی به معنای مطلق، نه با قید؛ آزادی که بدانی وجود، درگیر هیچ قیدوبندی نیست. روح و وجود آن قدر تحت اختیار باشد که به معنای واقعی بتوان لجام گسیختگی اش را مهار کرد. تکه های زیادی را بتوان با آزادی، از روح بیرون ریخت. چه فرقی می کند این تکه ها چه باشند. کلمه، صدا، هوار و... .

مهتاب ـ فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷

دختران سوئدی چگونه زندگی می کنند؟

ـ در حال حاضر، بحث داغ دختران سوئدی چیست؟

عشق، پسر، ارتباطات.

ـ در کشور شما بیشتر از دختران حمایت می شود یا از پسرها؟

نه خانواده و نه اجتماع فرقی بین پسرها و دخترها قائل نمی شوند. تمام مسائل آموزشی و بهداشتی و ورزشی و حتی ورزش های سنگین بین دخترها و پسرها، بدون هیچ محدودیتی رواج دارد. من خودم پسر ده ساله ای دارم که هر روز دلش می خواهد موهایش یک رنگ باشد، یک روز سبز، یک روز قرمز، روز دیگر نارنجی. (با خنده) از نظر من مسخره است، ولی من چه کار می توانم بکنم؟ من به عنوان یک مادر، از روی طبیعت انسانی ام، در مورد دخترم نگرانی بیشتری دارم، ولی نمی توانم بین آنها فرق بگذارم، مثلاً به پسرم بگویم تو می توانی تا دیروقت بیرون از خانه بمانی و به دخترم بگویم تو نمی توانی.

ـ برخوردهای قانونی با جرایم نوجوانان چگونه است؟

مجرمین زیر هجده سال به زندان برده نمی شوند. سطح زندگی نسبتا خوب باعث شده که زمان بیشتری داشته باشیم تا به کارهای دیگری بپردازیم، مثل کتاب خواندن، عاشق شدن و مسافرت رفتن. همان چیزی که ممکن است برای آدم های پولدار در ایران هم پیش بیاید. فکر می کنم وضع زنان ایران زیاد خوب نیست.

ـ چرا؟

در ایران ارزش زن نصف ارزش مرد است. این را امروز یکی از حقوق دانان کشور شما مطرح کرد.

روزنامه ایران ـ ۲۵/۵/۱۳۷۷ ـ صفحه ۳

درخت سبز هنر تنها در پرتو آزادی شکوفه می دهد

در اینجا از پنج اصل یا مصالح اصلی خلاقیت که عشق، تخیل، اندیشه، تکنیک و آزادی است، بدون هیچ گونه مقدمه ای به سراغ آزادی می روم و سه ویژگی بارز آن را:

بدون قید و بند بودن هنرمند؛ از درون رها بودنش؛ تحقیر نکردن انسان ها از جانب او،

می دانم. بنابراین، آزادی در همه ابعادش، شرط راستین خلاقیت هنرمند است و این مفهوم را حد و مرزی نیست؛ درست همان گونه که نمی توان خلاقیت را محدود یا محصور تصور کرد. هنر، آزادی محض است... رهایی است، فوق عادت است، ابداع و نوآوری است.

ایران جوان _ شماره ۳

در این مجله، نوعی بی بندوباری ترویج می گردد، به گونه ای که از قول یکی از شرکت کنندگان در به اصطلاح میزگرد می آورد:

اگر رابطه به جایی برسد که در میان جوانان یا خانواده ما پذیرفته بشود و اعتماد به وجود بیاید که اگر من خواهرم را با یک پسر غریبه دیدم می توانم امیدوار باشم که این مسئله خاصی نیست و نگران هم نشوم.

ایران جوان _ شماره ۱۸

در میزگردی در این مجله، دختر خانمی در پاسخ یکی از پسران که تأکید می کند: «عشق و عاشقی باید از روی حساب و کتاب باشد»، می گوید: «عشق با یک جرقه و تلنگر به وجود می آید، نه با طرح و نقشه قبلی! این گونه نیست که اول آدم تصمیم بگیرد، بعد عاشق بشود. به اصطلاح رنگش بپرد و قلبش تند تند بزند...»

یکی از پسران شرکت کننده از این دختر می پرسد: «چرا وقتی آدم عاشق می شود، قلبش طور دیگری می زند؟»

هفته نامه مهر _ شماره ۴۵ _ ۱۲/۱۲/۱۳۷۵

سخنرانی کورت ونه گوت در مراسم فارغ التحصیلی ام. آی. تی

آواز بخوانید. تعریف هایی را که از شما می شود، به خاطر بسپارید. نامه های عاشقانه قدیمی تان را حفظ کنید... از بدنتان لذت ببرید. هر طور که دلتان می خواهد از آن استفاده کنید. از آن و یا آنچه دیگران درباره آن می اندیشند، وحشت نداشته باشید.

برقصید، حتی اگر جز اتاق نشیمن خود جایی برای آن ندارید. دستورالعمل ها را بخوانید، حتی اگر از آنها پیروی نمی کنید... یک بار در نیویورک زندگی کنید، اما پیش از آنکه شما را سخت کند، ترکش کنید. در کالیفرنیای شمالی هم یک بار زندگی کنید،

لیکن قبل از آنکه بیش از حد نرمتان کند، ترکش کنید... برخی حقایق لاینفک را بپذیرید: قیمت ها صعود می کنند، سیاست مداران کلک می زنند، شما هم پیر می شوید و آن گاه که شدید، در تخیلاتتان به یاد می آورید که وقتی جوان بودید، قیمت ها مناسب بودند و سیاست مداران شریف بودند.

جا دارد از مسئولان این نشریه پرسیده شود آیا همان طور که در توصیه خود با عنوان (اشاره)، خوانندگان را به جدی گرفتن این نصایح!! دعوت کردند، خود نیز به آن عمل می کنند؟!

ماهنامه زنان _ شماره ۴۰ _ صفحه ۳۵

دفاع از هم جنس بازی

«فمنیسم و شکل های نوین خانواده»

هم جنس گرایی زاییده جنبشی فمنیستی نیست. کشش میان دو هم جنس همواره بخشی از رفتار جنسی بوده است. نمونه های بی شماری از این تمایل در سراسر تاریخ بشری وجود دارد... در یونان قدیم، بسیاری از مردان و زنان، علاوه بر همسرانشان که در درجه نخست، نقش همسری را داشته اند و الزاما دلدار شوهرانشان نبوده اند، دل بندانی هم از همجنسان خویش داشتند. محدودیت های اجتماعی زنان کمتر به ایشان اجازه می داد که به خواهش های درون، جامه عمل بپوشانند، اما بسیاری از مردان از این گونه فشارها رها بوده اند. بزرگ مردان اندیشه و فلسفه یونان از جمله افلاطون، از عشق بسیار سخن گفته اند، اما موضوع عشق آنان بیشتر هم جنسانشان به ویژه پسر بچه های نوجوان بودند... در ادبیات فارسی هم نمونه های فراوانی وجود دارد که گواه رابطه ای مشابه است. آنچه در سده اخیر به ویژه پس از جنبش فمنیستی تغییر کرده این است که گروهی هم جنس گرایی را به عنوان هویتی برای خود پذیرفته اند.

ص: ۴۳

ج) ترویج ابتذال و تضعیف غیرت دینی

ج) ترویج ابتذال و تضعیف غیرت دینی

معرفی و ترویج الگوهای بیگانه

روزنامه زن _ ۱۷/۵/۱۳۷۷ _ صفحه ۱۱

زیر خط قرمز

از شیراز به گوش ما رسانده اند: بازار غنایم جنگ مغلوبه «تایتانیک» و کوه یخ در این شهر نیز رونق فراوان دارد. در این شهر علاوه بر «تی شرت»هایی که با عکس «لئوناردو دی کاپریو»، بازیگر مرد نقش اول فیلم تایتانیک به وفور به فروش رسیده است و جوانان شیرازی به این ترتیب، علاقه خود را به این فیلم نشان می دهند، کیف هایی نیز با نشان تایتانیک به بازار آمده است.

علاوه بر این، اخیرا لباس هایی در «بازار زیرزمینی» شیراز عرضه شده است که عکس «جک و رز» هنرپیشه های اصلی تایتانیک را بر آن نقش کرده اند. این لباس ها به طور مخفیانه در میان دختران و پسران شیرازی رد و بدل می شود.

آرایشگاه های شهر حافظ و سعدی نیز از «تایتانیک» بی نصیب نمانده اند و کاکوهای جوان شیراز از آرایشگران این شهر می خواهند که موی سر آنان را شبیه به«دی کاپریو»اصلاح کنند.

همچنین لوازم آرایش با نشان «رز» شخصیت اول زن تایتانیک از آن سوی آب ها به شیراز رسیده است و مورد استفاده برخی دختران شیرازی قرار گرفته است. استقبال از فیلم «تایتانیک» در بیشتر شهرهای بزرگ کشورمان چشمگیر بوده است.

د) حمله به حجاب اسلامی

د) حمله به حجاب اسلامی

جامعه سالم _ شماره ۲۳ _ صفحه ۳۱

شیرین عبادی: «تأکید بیش از اندازه قوانین ما و پافشاری آن بر آداب، سنن و رسوم ملی ومذهبی برای ما بسیار مضر است. به عنوان مثال، رعایت حجاب برای زن مسلمان ضروری است و ازاین رو، بی حجابی یا بدحجابی در قوانین ایران جرم بوده با مرتکب آن برخورد قانونی خواهد شد. حال اگر به دولت چین اجازه داد و ستد و سرمایه گذاری در ایران داده شود و خانمی در مقام کارشناس ارشد بخواهد در ایران به سر برد، آیا الزام وی

به رعایت حجاب موجب دل سردی او و فرارش از این مملکت نخواهد شد؟... یکی از دلایل شکست ما در صنعت توریسم آیا همین قوانین نیست؟ ... باید فکری به حال قوانین موجود بکنیم».

ایران جوان _ شماره ۲۹

می خواهم آزاد باشم

سعید: به عقیده من آزادی؛ یعنی احترام گذاشن به نظرات دیگران.

اصغر: ... فکر می کنم در سه شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، به شعار آزادی جفا شده است. الان ما حرف می زنیم، ولی مسئولان نمی فهمند که ما چه می گوییم.

حسین: معتقدم که آزادی باید نهادینه شود. برای اینکه باید نهادها با یکدیگر مشارکت داشته باشند.

مهرداد: آزادی لباس پوشیدن چه ربطی به این حرف ها دارد؟ می خواهم فلان لباس را بپوشم، اما نمی گذارند. حالا این چه ربطی به نهادینه شدن و همکاری نهادها با یکدیگر دارد؟ من نمی فهمم!

امیر: شما چون دوست دارید این لباس را می پوشید و حتی اگر پوشیدن این لباس ممنوع شود، باز هم این لباس را می پوشید. اما اگر یک دختر ۱۵ یا ۱۶ ساله نخواهد با چادر و روسری بیرون بیاید، نمی تواند. آیا این ظلم در حق این دختر و امثال او نیست؟!

جامعه سالم _ تیر ۱۳۷۷

مظاهر دینی چون حجاب و حیای زنان، نماد عقب افتادگی است.

زن _ ۲۸/۹/۱۳۷۷

در فرهنگ ملی ما، چادر یک حجاب برتر نیست. در حالت گذر از سنت به مرحله مدرنیته هستیم که زنان مشارکت های بیشتری در جامعه پیدا می کنند و می روند که سنت های متعلق به گذشته را پس بزنند.

ه_) ترویج روابط نامشروع (به ویژه ارتباط دختر و پسر)

ه_) ترویج روابط نامشروع (به ویژه ارتباط دختر و پسر)

دنیای تصویر _ تیر ۱۳۷۷ _ صفحه ۸۲

نمایش نامه زبان پشت کوهی

گروهبان: اگه درباره زندگی در این محل به اطلاعاتی نیاز دارین، یکی رو داریم که سه شنبه هرهفته می آد، البته جز روزهایی که بارون می آد. تو کارش حسابی وارده. یکی از این روزها یه زنگی بهش بزنین، سریع می آد بیندتون. اسمش دوکسه. جوزف دوکس.

زن جوان: می شه باهاش از اون کارا بکنم؟ اگه بکنم مسئله ای نیست که؟

گروهبان: نه. مشکلی نداره.

زن جوان: متشکرم

زن امروز _ ۲۲/۴/۱۳۷۷ _ صفحه ۶

اعتماد به نفس زنان در کارهای مدیریتی

زنان در محل کار می توانند با همکار مردشان رابطه برقرار کنند؛ چون آنها را در نظر می گیرند و راجع به طرز عملشان تفکر می کنند. از سوی دیگر، مردها فقط می خواهند همسران شان را مشاهده کنند و عکس العمل نشان دهند و نمی توانند زنان اطراف خود را به درستی ببینند.

پسران و دختران _ شماره هشتم _ صفحه ۲۵

ای پسرهای بی مهر!

جدا که این پسرها چقدر بی وفا هستند. به حدی که انگار بویی از این صفت انسانی نبرده اند. به آسانی دلی را به دست می آورند و به آسانی آن را _ شَتَرق! _ می شکنند و... والسلام نامه تمام!

چش شد آن «قربان و صدقه رفتن»های اوایل کار؟! همه شان را لولو خورد؟ (یا برد؟!) آخه، من که همان دختر هستم و همان احساسات لطیف و مهرورزانه همیشگی. چی شد که این طور شد؟!

ای دخترهای بی وفا!

گاهی از دست دل های بی ثبات بعضـی از دخترها کفرم می گیرد. بعضـی هایشان به حدی دمدمی مزاجند که حوصله آدم را سر می برند. اولش برای اینکه تو را به دست آورند، با هر

چیزی کنار می آیند و بعد که مطمئن شدند دوستدارشان شده ای، کم کمک شروع می کنند به کنار کشیدن از مواضع اعلام شده قبلی!

آن احساس های _ به قول خودشان _ لطیف و عاشقانه (!) تماما رنگ می بازد و از رونق می افتند، عین رونق عهد شباب! تا دیروز کشته مرده تو بودند و به هر ساز تو سازگار و امروز بنای ناسازگاری را می گذارند و شروع می کنند به شکستن همان دل بیچاره ای که هیچ توقعی ندارد جز مقداری وفا و مهربانی. ولی افسوس و حتی صد افسوس که همه چیز تغییر شکل می دهد و در یک چرخش ۱۸۰ درجه ای، روابط به سمتی می رود که دیگر از آن حال و هوای ابتدایی خبری نیست.

امید جوان _ ۲۸/۴/۱۳۷۷ _ صفحه ۱۲

چرا ازدواج نکردی تا فراموش کنی؟

دوبار نامزد کردم. اما هر دو بار نتوانستم طاقت بیاورم. همیشه فکر می کنم روزی متین بر می گردد و با هم ازدواج می کنیم. با نامزدهای قبلی ام که بودم، یاد متین یک لحظه راحتم نمی گذاشت. حتی گاهی اوقات، ناخودآگاه، آنها را متین صدا می کردم. هر دوی آنها ماجرای متین را می دانستند و از من خواسته بودند او را فراموش کنم، اما نتوانستم و بعد از چند ماه از آنها جدا شدم. متین یک روزی بر می گردد و وقتی ببیند به او وفادار مانده ام، از کارش شرمنده می شود. دوستی ها همیشه نباید به ازدواج ختم شود. می توانستم با او به عنوان یک دوست باشم و تجربه برای زندگی به دست آورم و از این تجربه ها در زندگی با مرد دیگری استفاده کنم.

مردم و زندگی _ تیر ۱۳۷۷ _ صفحه ۱۹

ارتباط دخترها و پسرها از نگاهی دیگر...

نظر ما غیرعادی می آید، اما می گوییم: از طریق نظارت باشد، عاقلانه است! در کشورهای دیگر جوان ها روابط آزاد دارند، اما در کشور ما مسئله ارتباط دختران و پسران افتضاح است. نمی گذارند ارتباط برقرار کنیم. احتیاج به آزادی داریم. مسئله ارتباط به منزله نگاه منفی نیست.

هفته نامه توانا _ ۴/۵/۱۳۷۷ _ صفحه ۱

ایدز در ایران

باید با لحاظ کردن روش شرعی، شرایطی فراهم شود که جوان ما بتواند با غیر هم جنس خود در محافل عمومی حضور داشته باشد.

مهتاب ــ فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷ ــ صفحه ۳

این چه مطالبی است که به خورد همشیره های ما می دهید؟

بعدش هم، خوش ندارم مطالب عشقی مشقی چاپ کنیدها! این چه وضعیتی است؟ اگر دخترها و پسرها می خواهند برای هم نامه بنویسند، خب، آدرس های هر کدام را برای طرف مقابل بفرستید تا هم شما یک کار خیری کرده باشید و هم آنها بدون هیچ رودربایستی باهم به گفت و گو و جست وجو بپردازند... .

مهتاب ــ فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷.

آزادی، محدودیت و...

یعنی آدم هرکاری را دوست داشت، باید انجام بدهد؟

می دوند طرف درخت ها، مأموران نیروهای انتظامی هم. یکی از مأمورها دست پسر را می گیرد. دختر هنوز می دود. مأمور دیگری کاپشن دختر را می گیرد. مأمور کاپشن دختر را گرفته.

دختر: ولم کن، چرا من رو چسبیدی؟

ــ ولت کنم تا فرار کنی!

ــ خب حالا گیریم که گرفتی، چی کار می کنی؟

دختر کاپشن چرم مشکی پوشیده با شلوار تنگ مشکی و چکمه های بلند بنددار. روسری را دور گردنش گره زده. آدامس می جود.

مأمور: این پسره کی بود؟

ــ نمی دانم، نمی شناسمش.

ــ پس داشتید کجا می رفتید؟

ــ گفت بیا بریم فوتبال بازی کنیم، گفتم بریم.

ـ آخر کجای جنگل می شه فوتبال بازی کرد؟

ص: ۴۸

ـ من چه می دانم، از خودش بپرس.

ـ چند سالته؟

ـ ۱۶ سال.

ـ با کی اومدی اینجا؟

ـ خودم تنها.

ـ این چه طرز لباس پوشیدنه؟

ـ ای بابا! یعنی چه؟ یعنی من حق لباس پوشیدن هم ندارم؟ یعنی من نمی تونم برای خودم بیام پارک؟ یعنی من...

مأموری نزدیک می شود و در گوش همکارش می گوید: «مراقب باش چاقو دارد.»

ـ چاقو داری؟

ـ آره.

ـ برای چی؟

ـ اگر کسی اذیت کرد، می زنمش.

ـ پس اون پسره چی؟ اذیتت نمی کرد؟

پسران و دختران ـ شماره ۵

کدام عشق؟

«ع. ش. ق... ؟ (عشق) دو کلمه با شما» عنوان اختصاصی مجله پسران و دختران است. در صفحه مورد اشاره با به کارگیری عنوان ها و عبارت های تحریک آمیز آمده است:

پسرها! دخترها! نظر شما در مورد ع. ش. ق؟ چیست؟

برایمان نامه بنویسید. شما بنویسید و از عشق و انواع آن بگویید، ما هم می نویسیم و از عشق برایتان می گوییم. از عشق، فرآیند عشق، اهداف عشق، مسیر عشق، موانع و مشکلات عشق و... .

گفته بودید که نامه بنویسیم و در مورد عشق صحبت کنیم. و از اینجا با صدای بلند

می گویم چشم! امر شما اطاعت شد (...) اکثر دخترها و پسرها عشق را یک احساس عالی می دانند و با آن زندگی می کنند؛ زیرا من هم قبلاً شب با یاد عشق می خوابیدم و صبح ها با خیال آن بر می خواستم (می خاستم). فکر می کردم زندگی من بسته به همین رؤیای عشق است. آسمان ها را در نگاه او (؟) می دیدم. دوست داشتم که در نی نی چشمانش محو و نابود شوم (...).

پسران و دختران _ شماره ۵

«عشق، آتش است و آب»

وقتی که دلم می گیرد می روم داخل اتاقم و یک ترانه غمگین گوش می دهم و همراه آن گریه می کنم. من فقط یک نفر را در این دنیا دوست دارم و او هم مرا دوست دارد. البته من به خاطر کمبود محبت این کار را کردم و با او دوست شده ام. او هم به من محبت می کند و احترام می گذارد (...) لطف کنید نامه مرا در مجله «پسران و دختران» بنویسید و تو را به خدا مرا راهنمایی کنید. با تشکر M.G از بابلسر.

ایران جوان _ شماره ۲

بگذارید خودمان تجربه کنیم

مجله «ایران جوان»، مجله هفتگی سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، در میزگردی از قول نوجوانان چنین آورده است:

نیوشا: هیچ مانعی نباید در روابط سالم و مشروع میان دختر و پسر وجود داشته باشد.

سهیل: مگر تعریف ما از دوستی چیست؟ وقتی می گوییم با فلانی دوستیم؛ یعنی اینکه با او حرف می زنیم، با هم قدم می زنیم و یا مثلاً به سینما می رویم. چه کسی گفته است چنین روابطی بین دختر و پسر نباشد؟

الهام: آخر این روابط تا کی می تواند ادامه پیدا کند؟ بالاخره انسان به سنی می رسد که باید این روابط را محدود کند.

علی: اصلاً چنین چیزی نیست. این روابط همیشه می تواند وجود داشته باشد.

ایران جوان _ ۱۵ مرداد _ صفحه ۵۲

بگذارید دیگران هم سخن بگویند

ما حق نداریم با پسر همسایه، هم کلاسی، فامیل یا... دو کلمه حرف بزنیم. از جنس مخالف برای ما غولی ساخته اند که نگو. پدرم می گوید بسیاری از طلاق ها نتیجه ناآشنایی زن و شوهر پیش از ازدواج است، به ویژه زوج های جوان که به شدت از این مسئله در عذابند.

زهره: ببخشید. همه صحبت ما به آزادی در مذهب خلاصه نمی شود. روحانیون جامعه فقط می توانند مسائل به خصوص را برای ما حل کنند و یا راه حل نشان دهند؛ نه همه را.

جوانی که حق ندارد با دیگر جوانان فامیل و یا دوستان و آشنایان و هم کلاسی هایش به کوه برود و اگر برود، باید به خاطر همراهی خواهرش، به چند ده نفر توضیح دهد، این جوان چگونه می تواند به تجربه های تازه دست یابد؟ فکرش را بکنید، مردم برای تشویق و همراهی با سخنران و شور و حال بخشیدن به گردهمایی، دست می زنند و عده ای اعتراض می کنند که چرا دست زده اید؟

و) ترویج و موجه سازی رقص و موسیقی های مبتذل

و) ترویج و موجه سازی رقص و موسیقی های مبتذل

روزنامه اخبار ـ ۲۹/۴/۷۷ ـ صفحه ۸

شنیدنی ها و خواندنی های محافل

رانندگان جوان؟

جمهوری اسلامی در ستون «جهت اطلاع» خبر داده است:

رادیو دولتی انگلیس در تفسیری درباره تغییرات فرهنگی و اجتماعی در ایران گفت: «اکنون اگر در ایران سوار اتومبیل یک راننده جوان بشوید، می توانید آخرین و جدیدترین موسیقی امریکایی را که به طور قاچاق وارد کشور شده، گوش کنید و ببینید که هیچ کس مانع این کار نمی شود».

نور، صدا، تصویر، حرکت ـ شماره ۲ ـ صفحه ۸۵

ویژگی های آثار ماندگار و پر مخاطب این سبک عبارتند از:

نفی جوانب مخالف زندگی مدرن، اعتراض به نظام و سامان آموزشی و ارزش های فرهنگی غربی، تقدیس هیجان و... بیش از همه بیان آرمان های جدید برای نسل جوان غرب، صلح، عشق، از بین رفتن مرزها، نفی پول و در آخر، زندگی بر مبنای احساسات... .

موسیقی متال حتی در ملایم ترین و آهسته ترین آهنگ ها، پرهیجان و تحریک کننده است. این امر نه فقط به علت نوع موسیقی، بلکه همچنین به دلیل اشعاری است که در موسیقی متال بسیار پرانرژی است. روند آهنگ سازی معکوس متال ها، استفاده از قطعات برای موسیقی که پرانرژی و ظاهرا ناهمگون هستند. صدا سازی های عجیب و غریب و بهره گیری فراوان از ریتم های نامأنوس موسیقیایی به همراه سرعت زیاد آهنگ ها، همگی باعث پرانرژی شدن این آهنگ ها می شوند.

اگرچه موسیقی متال، سبک جدیدی است که بسیاری از قواعد کلاسیک را بر نمی تابد، اما آهنگ سازان آن رابطه خود با موسیقی کلاسیک غرب را قطع نکرده اند و با استفاده از توانایی ها و تجربیات آهنگ سازان و تنظیم کنندگان موسیقی کلاسیک، به دارایی های خود می افزایند. نمونه بارز این امر را می توان در آهنگ هایی مثل «هیچ موضوع دیگری مهم نیست» (که موسیقی متن یک مجموعه اپرایی درباره اعتیاد نیز بود) سراغ گرفت که با تنظیم گیتار و ارکستر توسط «مایکل کهن» و به رهبری خودش، به همراه «ارکستر فیلارمونیک لندن» اجرا شد.

روزنامه زن _ ۷/۷/۱۳۷۷ _ صفحه ۱۰

شرکت کاسپین، منتشرکننده انواع کاست و CD این روزها بسیار فعال شده است. این شرکت به تازگی یک کاست از گروه مشهور جیپسی کینگ که یک گروه اسپانیایی _ فرانسوی است، منتشر کرده است. با توجه به علاقه جوانان به موسیقی اسپانیایی و شهرت جیپسی کینگ انتظار می رود که نوار اخیر از فروش قابل توجهی برخوردار شود.

از قرار اطلاع

گروه موسیقی جیپسی کینگ که موسیقی و آوازهای تند و هیجانی آنها در رابطه با عشق، هوس و... شهره است، گروهی متشکل از افراد لاابالی هستند که با مسافرت های مدام در سراسر اروپا به اجرای موسیقی و آوازهای بی سر و ته می پردازند. این گروه با ایجاد تغییر در آلات موسیقی اسپانیایی و استفاده از موسیقی تند عربی شمال آفریقا، شدت، هیجان و تنش موزیک گروه خود را افزایش داده اند. اشعار ترانه های این گروه موضوع خاص و ریتم خاص را دنبال نمی کند (هرچند عشق، هوس و آزادی های مختلف از جمله

آزادی جنسی را در شعر خود مطرح می کنند.) تمامی اشعار این گروه با فریادهای خشن و گوش خراش و گاهی آرام خوانده می شود.

موسیقی گروه جیپسی کینگ عصیان گرانه و پر التهاب ارائه می شود. (گویا جیپسی کینگ به معنی پادشاه دربدر و آواره است)

ازیانی آهنگ ساز معروف موسیقی الکترونیک که یونانی الاصل است، نوار تازه ای به نام آکروپلیس منتشر شده است. این نوار چندی پیش به صورت غیرمجاز در بازار منتشر شده بود، اما اینک با دریافت مجوز به صورت قانونی انتشار آن آغاز شده است. استقبال از کارهای یانی همواره درخور توجه بوده است. به همین علت اکثر صاحبان فروشگاه های کاست موسیقی، فروش خوبی را برای این نوار پیش بینی می کنند.

ز) تکیه بیش از حد بر نوع خاصی از ورزش بانوان (فوتبال ـ دوچرخه سواری)

ز) تکیه بیش از حد بر نوع خاصی از ورزش بانوان (فوتبال ـ دوچرخه سواری)

روزنامه زن ـ ۹/۶/۱۳۷۷ ـ صفحه ۱۳

«گلوله آتش» رکورد شکست

«فلیسیا» روی دوچرخه که می نشیند، می شود یک گلوله آتش! انگار نه انگار که او همان دختر آرام فرانسوی است. «فلیسیا بالانژ» در مسابقات قهرمانی جهان در شهر بوردو جلوی چشم هم وطنانش به میزان یک چشم به هم زدن رکورد جهان را شکست. او ۵۰۰ متر زنان را در زمان ۳۴ ثانیه و ۱ صدم ثانیه طی کرد و ۷ صدم ثانیه رکورد قبلی را که در اختیار خودش بود شکست! قهرمان فرانسوی با این پیروزی روز فرانسوی ها را شیرین کرد.

روزنامه زن ـ ۱۲/۶/۱۳۷۷ ـ صفحه ۱۳

عکاس نروژی: بسیاری از زنان فوتبالیست نروژ به ژاپن رفته اند.

وارد تحریریه که شد، با قد بلند و پوست قهوه ای رنگش نگاه های زیادی را به سمت خود چرخاند.

«بیورن لانوسم»، عکاس روزنامه «داگ بلات» نروژ، یک مرد دو رگه است: «افریقایی ـ اروپایی».

ـ مثل اینکه فوتبال زنان نروژ از بهترین های اروپاست؟

بله، نروژ به همراه آلمان و دانمارک؛ این سه کشور همیشه مقام ها را بین خودشان تقسیم می کنند.

ـ این بهترین اروپا چقدر فوتبالش دیدن دارد؟

خب، مسلما نه به اندازه فوتبال مردان.

ـ اما فوتبال مردان نروژ هم خیلی دیدنی نیست!

بله، درست است. همه فوتبالیست های خوب ما در انگلستان هستند.

ـ این مهاجرت بازیکن در فوتبال زنان هم رواج دارد؟

بله، بله! خیلی از فوتبالیست های زن ما به ژاپن رفته اند. اما بهترین بازیکنان تیم ملی نروژ هستند. یعنی «لینو مادالن» بهترین بازیکن زن نروژ با چند تا از دوستانش در ژاپن پول خوبی به آنها می دهند.

ـ اما یک خبرنگار ژاپنی آمده بود اینجا و می گفت درآمد آنها با توجه به مخارج آنجا خیلی هم زیاد نیست!

در ژاپن برای فوتبال حرفه ای زنان حامیان مالی زیادی وجود دارد. آن قدر کارخانه که به فوتبالیست ها پول بدهد هست که حد و حساب ندارد، اما در نروژ این طور نیست. من فکر می کنم هرچه باشد، ژاپن درآمد بیشتری دارد، اگر این طور نبود که آنها این قدر از کشورشان دور نمی شدند.

ـ لیگ بانوان نروژ چند تیم دارد؟

۶ تیم در دسته اول بازی می کنند، اما بازی هایشان پرتماشاگر نیست.

ـ تیم ملی در دست کیست؟

یک مرد! «پرام هوگمو» مربی تیم ملی بانوان است.

ـ راجع به مردان حرفی نمی زنی؟

چرا؟

ـ اصلاً خودت بگو!

فوتبالیست های نروژی اکثرا برای پول به انگلستان رفته اند. آنها حاضرند نیمکت نشین باشند، ولی چون پول خوبی می گیرند، آنجا می مانند. این پول پرستی در بازیکنان جوان

عجیب است. آنها خراب می شوند.

روزنامه زن ـ ۲۸/۵/۱۳۷۷ ـ صفحه ۱۳

خانم اوسوکا در تحریریه «زن»

ـ با توجه به اینکه جذابیت فوتبال مردان بیشتر است، آیا خانم های ژاپنی هم شیفته فوتبال مردان هستند؟

اوه بله، بله. حدود ۴۰ درصد از تماشاگران استادیوم ها در ژاپن، خانم هستند.

ـ آنها بازیکنان ایرانی را می شناسند؟

شما ستارگان بزرگی دارید، مثل عزیزی. او مثل ژاپنی هاست. تیم های ژاپنی دنبال او هستند.

ـ فکر می کنید زنان ایرانی هم بازیکنان خوبی شوند؟

بله حتما، اما زنان باید در استادیوم بازی کنند، نه در سالن. فوتبال فقط روی زمین چمن لذت بخش است.

ـ با کسان دیگری هم راجع به فوتبال زنان ایران صحبت کردید؟

بله! اما، نمی توانم بگویم، جزو اسرار است!

ایران جوان ـ شماره ۲۹ ـ صفحه ۲۹

ارس: چرا نمی شود؟ از ابتدای انقلاب تا به حالا خیلی محدودیت ها حذف شده است. این بستگی به خود ما دارد!

حسین: من تعجب می کنم که خانم ها این گونه فکر می کنند. چرا پسرها فکر نمی کنند که آزادی نیست؟

مارال: پاسخ شما خیلی ساده است چون ما در کارهای مورد علاقه مان اختیار نداریم. مثلاً دوچرخه سواری!

مهرداد: اما بسیاری از خانم ها دوچرخه سواری می کنند و هیچ مشکلی هم برایشان پیش نمی آید.

روزنامه زن ـ ۲/۷/۱۳۷۷ ـ صفحهه ۱۳

تیم فوتبال بانوان ایالات متحده قهرمان جام ۴ جانبه شد

تیم فوتبال زنان ایالات متحده با پیروزی ۳ _ ۰ مقابل تیم ملی برزیل، قهرمان مسابقات چهارجانبه امریکا شد.

تیم ملی امریکا در این مسابقه توسط «جوی فاوست» در دقیقه ۲۲، «میشله ایکرز» در دقیقه ۴۳ و «دبی کلر» در دقیقه ۷۴ گل زد. در این بازی، «برندی چیستن» درخشید و دو گل اول و آخر توسط پاس های طلایی او به ثمر رسید. ضمنا پاس زیبای «میاهام» گل دوم را که توسط میشله ایکرز به ثمر رسید، باعث شد.

تیم امریکا در این مسابقات سه بازی انجام داد و هر سه بازی را برد، بدون اینکه گلی دریافت کند.

درمسابقه دیگر این تورنمنت، تیم روسیه و مکزیک به مصاف هم رفتند که تیم زنان روسیه با نتیجه ۵ _ ۱ بر مکزیک فایق شد.

روزنامه زن _ ۱۱/۷/۱۳۷۷ _ صفحه ۱۲

در فوتبال بانوان امریکا چه می گذرد؟

شکایت دو بازیکن فوتبال از مربی؛ درخواست غرامت ۱۲ میلیون دلاری

دو تن از بازیکنان تیم فوتبال زنان دانشگاه کارولینای شمالی علیه مربی این تیم، ابسون دورانس و کمک او بیل پالادینو به دادگاه شکایت کردند و از این مربی و کمک او، درخواست ۱۲ میلیون دلار غرامت کرده اند. این دو دانشجوی دانشگاه کارولینای شمالی که در عین حال بازیکنان فوتبال تیم دانشگاه کارولینای شمالی نیز هستند، دبی کلر و جنینکز نام دارند. دبی کلر در سال ۱۹۹۶ بازیکن سال فوتبال زنان امریکا شده است و جنینکز نیز در حال حاضر دروازه بان ذخیره تیم دانشگاه کارولینای شمالی است. دبی کلر از سال ۹۳ تا ۱۹۹۶ در تیم تار هیلز مشغول به بازی بود و از آن سال به بعد در تیم دانشگاه کارولینای شمالی در حال توپ زدن است. او در مورد علت شکایتش علیه دورانس گفته است: دورانس از زمانی که او در تیم تارهیلز بازی می کرده است و شخصا از سال ۹۴ به بعد برخوردهای دور از اخلاق و شئون اجتماعی با او داشته است و به او به عنوان یک زن نظر سوء و غیراخلاقی داشته که این رفتارها از یک مربی فوتبال بسیار زشت و ناپسند است. از طرفی جنینکز نیز در دادخواستش به دادگاه مدعی مسائل مشابهی شده است.

۳. مطبوعات و ارکان نظام

اشاره

۳. مطبوعات و ارکان نظام

زیر فصل ها

الف) مسئولان نظام

ب) مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان

ج) نهادهای انقلاب

د) شهر مقدس قم

هـ) روحانیت

و) بسیج

الف) مسئولان نظام

الف) مسئولان نظام

این نشریات در اختیاراتی که قانون اساسی به رهبری نظام جمهوری اسلامی داده است، با تعبیرهایی تند و منفی، تشکیک وارد کننـد. در این میان، بررسـی مکرر عملکردهای نادرست نهادها و سازمان هایی که زیر مجموعه رهبری هسـتند و بزرگ نمایی آنهـا از جمله مطـالبی است که بسـیار به آن می پردازنـد. نکته قابـل تأمل این است که بررسـی و نقـد موشـکافانه عملکرد این نهادهـا و سازمان ها، بهانه ای برای پرداختن به رهبری و انتساب القاب و صـفاتی است که به طور مسـتقیم نمی توان به رهبری انقلاب نسبت داد و همچنین به منظور توجه دادن اذهان عمومی به این مطلب که مسئول اصلی کوتاهی ها و نابه سامانی ها در این گونه بنیادها و نهادها و سازمان ها، رهبری نظام است. برای مثال، در مخالفت با شورای نگهبان می نویسند:

شورای نگهبان به وجود آمـد و با اختیاراتی که به آن داده شـده، می بایست حافظ قانون اساسـی و شـرع باشد، اما این شورا به تدریـج دامنه نظـارت خـود را گسـترش داد و کم کم از آن حـدودی که قـانون برایش پیش بینی کرده بـود، خـارج شـد و در برنامه، سلیقه ای عمل کرد و در انتخابات، نظارت استصوابی را برگزیده است.

تعبیرهـای این نشـریات در برخورد بـا قوه قضاییه و رئیس آن از غلظت و هتاکی بیشتری برخوردار است. این امر شایـد به دلیل حساسیت عمومی به این قوه و همگامی و استفاده از این وضعیت برای به دست آوردن مقبولیت همگانی باشد. همچنین صدا و سیما از دیدگاه این جراید، ابزار مؤثری است

که در خدمت انحصار و سرکوب قرار گرفته است. با این همه تاخت و تازها باز هم از استبداد و خفقان دم می زنند!!؟

ب) مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان

ب) مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان

ماهنامه آبان ـ شماره ۳۷ ـ صفحه ۷

سیف زاده: بسیاری از تدوین کنندگان قانون اساسی ما با حقوق اساسی آشنایی نداشته اند. آنها حتی دو واحد قانون اساسی نخوانده بودند تا قانون اساسی؛ یعنی این سند و میثاق ملی را تدوین کنند. متأسفانه همه چیز ما شکلی شده است. کارهای ما تقلیدی شده است. کسانی قانون اساسی کشورهای دیگر را مقابل خودشان گذاشته اند و رونویسی و یا تعدیل کرده اند. البته ما به هر حال به قانون اساسی به عنوان میثاق ملی احترام می گذاریم، ولی کسی که قانون اساسی می نویسد باید بداند دولت چیست. دولت برای ایجاد امنیت به وجود آمده است، اما چون ما مسلمان هستیم، همان طوری که شرکت اقتصادی را بر اساس اسلام اداره می کنیم، دولت و تولید امنیتمان هم براساس اسلام خواهد بود.

جامعه سالم ـ شماره ۳۱ ـ صفحه ۶

شیرین عبادی: «داوطلبان نمایندگی شورای ملی، در صورت عبور از صافی ساواک، حق حضور در صحنه انتخابات را داشتند. از بین احزاب گوناگون هم فقط حزب رستاخیز اجازه فعالیت داشت... اولین درخواست مردم از انقلاب اسلامی، «آزادی» بود. مردم می خواستند به هر شیوه ای که مایل هستند، زندگی کنند و مملکت خود را اداره کنند... [ولی] بعد از پیروزی انقلاب اسلامی متأسفانه به قوانینی بر می خوریم که با اولین خواست مردم؛ یعنی «آزادی» منافات دارد و به آرای مردم در اداره کشور بهای لازم داده نمی شود... مردم آزاد نیستند به هرکس که مایلند رأی دهند و او را به عنوان رئیس جمهور یا نماینده مجلس انتخاب کنند. آنها باید کسی باشند که قبلاً از صافی شورای نگهبان رد شده و صلاحیت او مورد تأیید قرار گرفته باشد... بنابراین، از جهت احترام به «آزادی»؛ یعنی اولین درخواست مردم در انقلاب اسلامی، نظارت شورای نگهبان در احراز صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس شورای اسلامی، باید محدود باشد».

ص: ۵۸

مصاحبه با شیرین عبادی

از دید من، قانون نمادی است از طرز تفکر هیئت حاکمه و ناشی از برداشت های غلط نویسندگان قانون از اسلام... بسیاری از قوانین هم بر حسب زمان و مکان و طبق احکام ثانویه و با اجتهاد عوض شده است، اما چگونه است که این اجتهادها در مورد زنان صورت نمی گیرد؟ چگونه است که ما یک حکم ثانویه در مورد زنان نداریم؟ معلوم است به دلیل طرز تفکر مردسالارانه نویسندگان قانون... اگر گفته شود قوانین جمهوری اسلامی ریشه مذهبی دارد و ناشی از اسلام است، من با قاطعیت می گویم که از اسلام نیست. مهم ترین مسئله زنان در این کشور، تفکر مردسالارانه حاکم بر نظام قانونی است و همه ما می دانیم که قانون زبان گویای حکومت هاست. قوانین ما به شدت ضد زن هستند حتی تا آنجایی که حق حیات که مهم ترین منشأ حقوق انسانی است، در مورد زن و مرد یکسان نیست.(۱)

ایران فردا ـ شماره ۴۶ ـ صفحه ۲۵

نیروهای بومی چه کاره اند؟

وی در پایان، ضمن انتصابی خواندن اکثر نمایندگان مجلس شورای اسلامی، خواستار لغو قانون نظارت استصوابی شورای نگهبان گردید. بعد از سخنرانی نام برده، از سخنرانی خسرو کردپور، یکی از فعالان مستقل بوکان جلوگیری شده و جوّ جلسه متشنج گردید.

ایران فردا ـ شماره ۴۴ ـ صفحه ۵

به کجا چنین شتابان؟!

اما هیچ کس در مجلس و خارج از مجلس نگفت که همه این امضا کنندگان استیضاح و سخنرانان که در تریبون داد سخن می دادند و سخن فرسایی می فرمودند، چه کسانی هستند، نمایندگان کدام طرز فکر و مکتب یا منافع و مصالح بودند و چند درصد از جمعیت کشور را سخن گویی می کردند. آنها همگی و بدون استثنا، تفکرات و منافع یک طبقه؛ یعنی حاکمیت را منعکس می نمودند. پس ۱۳۸ نفرشان و تمام ۸ نفر گویندگانشان، یکی

۱- نک: زنان، ش ۳۴، ص ۳۴. در بسیاری دیگر از سخنرانی ها و مقالات وی نکاتی در این زمینه به چشم می خورد. به عنوان مثال نک: جامعه سالم، ش ۴، مصاحبه با شیرین عبادی.

بودند و فقط یکی، اما این یکی یا آن ۱۳۸ نفر از جانب چه کسانی و چه بخشی از جمعیت به مجلس رفته اند و از آنجا بر سر این ملت ستم دیده چوب حاکمانه می نوازند؟ آنها نمایندگان اقلیت فقط ۱۲ تا ۱۵ درصد جمعیت واجد حق رأی کشورند که در دوره پنجم با نظارت استصوابی و با ترفندهایی انتخاب شدند. آنها سخن گویان بیش از ۱۵ درصد جمعیت کشور نمی باشند که بر سر ۸۵ درصد بقیه حکمرانی می کنند و لابد این موقعیت یک وضعیت کاملاً قانونی، شرعی و عادلانه است که اعتراض به آن، موجب سلب امنیت کشور می شود!!

ج) نهادهای انقلاب

ج) نهادهای انقلاب

جامعه سالم ـ شماره ۳۶ ـ صفحه ۲۵

شیرین عبادی: «همیشه در این گونه موارد [(شکایت به وزارت اطلاعات)]، طرف را صدا می زدند و سین، جیم و آخر و عاقبتی که خدا می داند. آن قدر احساس مالکیت مردم دارد یواش یواش قوی می شود که حکومت را وادار به اطاعت از قانون کرده است».

ایران فردا ـ شماره ۴۶ ـ صفحه ۱۶

رسوخ فرهنگ غربی: این دیدگاه که از سوی اقلیتی کوچک از تحلیلگران هواخواه حاکمیت به عنوان ریشه بحران جامعه مطرح می شود، به دلایل روشنی مردود است. در شرایطی که کلیه رسانه های گروهی مهم کشور اعم از صدا و سیما و اکثریت قاطع مطبوعات و نهادهای حکومتی به گونه ای یکدست و هم آوا در ترویج یک بینش خاص از مذهب با مایه غلیظ ضد غربی می کوشند و سالانه بخش بزرگی از بودجه مملکت صرف تبلیغات به سود بینش مزبور و رد ارزش های فرهنگی رقیب از جمله فرهنگ غرب می شود و تمامی دستگاه های امنیتی و انتظامی برای مقابله با استفاده از ماهواره و فیلم و سخنرانی غیرمجاز بسیج شده اند، چگونه می توان رسوخ فرهنگ غرب را ریشه بحرانی دانست که پیش از انقلاب، با آن جو کاملاً متفاوت فرهنگی و وجود حاکمیتی که شیفته و مبلّغ فرهنگ غرب بود، هرگز وجود نداشت؟ گذشته از این، آیا به راستی منطقی است که تمامی نابه سامانی های جامعه همچون شیوع رشوه خواری و فساد برخی از مقامات و کاهش

منزلت قانون حاصل تأثیر فیلم و موسیقی و مکتوبات غربی قلمداد شود؟

د) شهر مقدس قم

د) شهر مقدس قم

روزنامه زن _ ۱۳۷۷/۶/۴ _ صفحه ۳

خط مستقیم

از اینکه روزنامه زن چند وقته که چاپ می شه، خوشحالم. می خواستم در مورد صحبتی که در خط مستقیم شده بود، بگویم. خانمی گفته بودند که افسردگی در میان دانش آموزان استان قم بعید است که باشد. این طورنیست، من خودم ده سال است که معلم هستم و می دانم در شهرهایی که خشک مقدس هستند، دختران دانش آموز خیلی محدودیت دارند. بنابراین، افسردگی هم در بینشان خیلی زیاد است.

ه_) روحانیت

ه_) روحانیت

این نشریات در گام نخست به دنبال ترسیم وضعیتی آشفته و بحرانی از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هستند و در گام دوم، این نابه سامانی ها را در محدوده داخل و خارج که همواره به القای آن می پردازند، از ناکارآمدی روحانیت در اداره کشور می دانند. این ناکارآمدی نیز در افکار و عقاید سنتی و ضد تجدد ریشه دارد. در این میان، روحانیت را ساده لوح شمرده و آنان را کسانی می دانند که قدرت تحلیل مسائل سیاسی را ندارند و با مشکلات عوامانه برخورد می کنند و خود نیز عوام پروری می کنند، نه عاقل پروری. آنان به بهانه های واهی به ساحت روحانیت حمله می کنند و از هیچ دشنام و تهمتی دریغ نمی ورزند. مانند زدن برچسب هایی چون قیم مآبی، روحانیت خود برتربین، انحصارطلب، تمامیت خواه، بدعت گذار، ساده دل، سودجو، اختلاس گر و... اساسا این برچسب ها را بیشتر متوجه روحانیونی می سازند که تفکر ضد لیبرالیستی و غرب گرایی دارند. این نویسندگان، با ظرافت هر چه

تمام تر، روحانیت انقلابی را در مقابل هم حتی در برابر رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی رحمه الله قرار می دهند و با دامن زدن به اختلافات، با دعوت از آقای خاتمی و هواداران ایشان برای مقابله و مقاومت در برابر فشارها و تعرضات جبهه انحصار، مشارکت خود را برای یاری رساندن به ایشان و تشکیل جبهه متحد علیه دشمن مشترک اعلام می دارند.

فاصله گذاری، پر رنگ کردن و برجسته سازی حد و مرزهای جناحی میان صفوف انقلابیون مسلمان و تشدید اختلافات آنان از جمله تحرکات سیاسی این نشریات است. آنان به جای تحلیل روشن، مطالب و اخبار را به گونه ای ارائه می کنند که گویا صحنه انقلاب، به کارزار قدرت تبدیل شده است.

هدف اصلی از در پیش گرفتن این تدابیر، استهلاک نیروهای وفادار به اسلام و انقلاب در درگیری با یکدیگر و تشکیل جبهه متحد برای بیرون راندن به اصطلاح جناح روحانیون انحصارطلب است. اختلافات جناحی به صورتی تشریح می شود که احتمال هرگونه مصالحه و مودّت میان دوستداران واقعی اسلام و انقلاب را از بین می برد. آنان از هر فرصتی استفاده می کنند تا با ایجاد تفرقه و دسته بندی در میان مسئولان نظام، به اهداف و سودای دیگری که در سر دارند دست یابند. برخورد منفی با روحانیت و مدیران ارشد نظام در حالی صورت می گیرد که چهره های ناراضی و روشن فکران غرب زده مورد حمایت جدی قرار می گیرند و گاه به عنوان الگوی جامعه معرفی می شوند؛ تو گویی که در دیروز و امروز ایران اسلامی هیچ کس جز این افراد نقش مثبت و سازنده ای نداشته و نخواهند داشت.

ص: ۶۲

نشریه خانه ـ ۲۴/۴/۱۳۷۷ ـ شماره ۶۲

اگر می بینید که نمی خواهم از خودم برای شما بگویم، به این خاطر است که فضای امروز جامعه مان برای طرح آزادانه چنین مباحثی (خصوصا مطالب سیاسی که امروز به آنها می پردازم) به قدر کافی امن نیست و شما هم به هر حال، یک روحانی هستید و حکومت، امروز در دست روحانیت است و من حتی اگر نگران خودم هم نباشم، نگران خانواده ام هستم و شما باید این مسئله را درک کنید.

روزنامه اخبار ـ ۱۴/۵/۱۳۷۷ ـ صفحه ۸

شنیدنی ها و خواندنی های محافل

مسعود بهنود: علت این است، یک نفر با صداقت و برنامه وارد حکومت شده که شاید بشود گفت، بیش از یک قرن بود که ما کسی را که دارای هدف مشخص و معین باشد و پس از به قدرت رسیدن، آن را گم نکند، ندیده بودیم، به جز مصدق که هدفش ملی کردن نفت بود و قوام السلطنه که می خواست آذربایجان را نجات دهد!

ایران ـ ۱۸/۶/۱۳۷۷

روحانیت، قشری گرا و انحصارطلب است. آنها عوام پرور و مقلدپرورند نه عاقل پرور.

توانا ـ شماره ۴۹ ـ مرداد ۱۳۷۸

روحانیت، جماعتی ساده دل و فریب خورده اند و تحلیل سیاسی ندارند.

توس ـ شهریور ۱۳۷۷

نظریات شخصی متولیان مذهبی و بدعت گذاری های آنان منشأ گمراهی مردم است. این به خاطر پیروی رهبران دینی از هوا و هوس است.

زنان ـ مهر ۱۳۷۷

نهاد روحانیت مانع مشارکت زنان است.

جهان اسلام ـ دی ۱۳۷۷

قلم فقها در طول تاریخ، آغشته به خون آزاداندیشان بوده است.

عصر آزادگان ـ ۹/۸/۱۳۷۸ ـ صفحه ۵

مهندسان و طراحان اصلی انقلاب، روشن فکران دینی بوده اند و روحانیان، ابزار دست روشن فکران برای بسیج توده ها بوده اند.

ص: ۶۳

ایران فردا ـ شماره ۴۴ ـ صفحه ۱۲

حامی پروری؛ مشخصه قدرت سیاسی

فساد دستگاه های حکومتی ایران در سال های پس از انقلاب شگفت انگیز و بی سابقه بوده است. رشوه گیری امری عادی است. سوء استفاده های کلان از بانک ها از صدها موارد و میلیاردها دلار فراتر رفته است. تحت لوای مذهب هرگونه تخلف سیاسی و حقوقی از جمله تقلب در انتخابات توجیه شده و برخی رهبران روحانی جامعه که باید منشأ ارتقای اخلاق در جامعه باشند، اگر در این تخلفات و سوء استفاده های مالی و سیاسی و حقوقی سهیم نباشند، توجیه گر آنها بوده اند. در یک عبارت، جامعه ایران از نظر اخلاقی به پایین ترین حد خود سقوط کرده است.

و) بسیج

و) بسیج

اخبار و تحلیل های این روزنامه ها به گونه ای رقم می خورد که فضای سیاسی کشور را تیره و تار و نا امن جلوه می دهند و مدعی می شوند که بدیهی ترین حقوق انسانی و اجتماعی به وسیله نیروهای قضایی و نظامی و گروه های فشار پای مال می شود و همسو با رادیوهای بیگانه در برچسب زنی و طالبان گرایی، همه نهادهای جمهوری اسلامی را به باد تهمت و افترا می گیرند و از عواطف و احساسات مردم در نقل اخبار کذب همچون حمله نیروهای بسیج و حزب الله به بانوان جوان و بی دفاع که حس ترحم و تنفر هر خواننده ای را بر می انگیزد، بهره می گیرند. همچنین با استفاده از جملات مبالغه آمیز، خوانندگان خود را به اعتراض عملی و عمومی فرا می خوانند.

به نقل از رادیوهای بیگانه:

زمانی، زنان را به ندرت آزار می دادند. اما بعد از انتخابات، هر بار اتوبوس را ۳ یا ۴ دقیقه متوقف می کنند و داوطلبان بسیجی و انصار حزب الله «لشکریان خداوند» که خودسرانه تحمیل پوشش اسلامی انعطاف ناپذیر را به عهده گرفته اند، مشغول بازرسی

می شوند. هرگونه نمایش موها، ماتیک روشن یا روسری مد روز، سرزنش و تحقیر به بار می آورد.

دنیای سخن _ شماره ۷۸ _ صفحه ۲۶ _ مهر ۱۳۷۸

تشکیل بسیج و جواز شرکت جوانان راهنمایی و دبیرستانی در آن، مخالف کنوانسیون حقوق کودک است که به تأیید ایران هم رسیده است. به علاوه با تقویت روحیه صلح طلبی که از اصول اولیه تعلیم و تربیت است، منافات دارد.

۴. تأکید بر نارضایتی مردم و تحریک آنان به مخالفت با نظام

اشاره

۴. تأکید بر نارضایتی مردم و تحریک آنان به مخالفت با نظام

اخبار و تحلیل های این نشریات همواره به گونه ای تهیه و تنظیم می شوند که فضای سیاسی کشور را تیره و تار و نا امن جلوه دهد. در این فضا، بدیهی ترین حقوق انسانی و اجتماعی پای مال می شود. جامعه دینی را کاملاً بسته و ناکارآمد معرفی و انواع آسیب ها و مشکلات را برجسته می کنند. این در حالی است که ذکری از امتیازات و دستآوردهای نظام اسلامی به میان نمی آید. براساس قاعده تبدیل کاه به کوه، وقایع کوچک را بزرگ نمایی و حتی بسیار واقعی جلوه می دهند و در این مسیر، از انواع روش های ژورنالیستی و جنگ روانی بهره می گیرند. به شناسایی زمینه های اختلاف می پردازند. و از باب «تفرقه انداز و حکومت بکن»، به اختلافات جناحی، قومی، فرقه ای و منطقه ای دامن می زنند و با طرح موضوع های تشنج آفرین می کوشند تا در یک پارچگی، همدلی و صفوف به هم پیوسته ملت رخنه کنند. از دگرسو نیز در تلاشند تا میان مخالفان جمهوری اسلامی هم گرایی ایجاد کنند و با ناچیز جلوه دادن اختلافاتشان آنان را برای براندازی حاکمیت نظام به یکدلی و یکرنگی و کنار نهادن سلیقه ها فرا خوانند. افزون بر آن،

سیاست های منطقه ای ایران در خاورمیانه را پرخاشگرانه دانسته و آن را پوششی برای نابه سامانی های داخلی ارزیابی می کنند. در این تحلیل ها همه حرکت های مذبوحانه غرب و امریکا و توطئه های همه جانبه محافل بین المللی در فشار علیه ایران را صرفا معلول ستیزه جویی و پرخاشگری ایران و مسئولان آن می دانند. این نشریات برای تضعیف هم بستگی مسئولان نظام و ملت اسلامی، از هر فرصتی استفاده می کنند تا میان نیروهای انقلابی و مدافعان جمهوری اسلامی تفرقه بیندازد. ازاین رو، به انواع دسته بندی ها میان مسئولان دست می زنند.

الف) ترسیم وضعیتی ناامن و بحرانی از اوضاع سیاسی و اجتماعی

الف) ترسیم وضعیتی ناامن و بحرانی از اوضاع سیاسی و اجتماعی

هفته نامه آزادی ـ ۳/۵/۱۳۷۷ ـ صفحه ۸

به نقل از رادیوهای بیگانه:

محدودیت های خشن اسلامی، به خصوص درباره زنان، رفع خواهند شد و گروه های متعصب ریشو که این محدودیت ها را اعمال می کنند، جای خود را به حکومت قانون خواهند داد. مشاغلی ایجاد می شوند و به انزوای ایران از دنیای خارج خاتمه داده خواهد شد.

کسانی که با امید فراوان به تغییر ـ «بچه های» جوان انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) که شعارهای تندروی روحانیان آنها را می آزارد و خسته می کند و غرب را بت خود کرده اند ـ رأی دادند، به تدریج ناامید می شوند.

مریم ـ دانشجویی که از زیر روسری سیاه توری او یک گوشواره طلایی دیده می شود ـ می گوید: «اوضاع رو به بهبود می رفت، اما حالا بدتر شده است.» روسری توری و گوشواره های مریم، شورشی را علیه حکومت روحانیان نشان می دهند که بسیاری از هم جنس های او در آن شریک هستند.

یک ایرانی از طبقه مرفه می گوید: «نیمی از جمعیت ایران جوان هستند و آنها

ارزش های موجود را قبول ندارند». آنها هنوز آنتن های تلویزیون ماهواره ای را که غیرقانونی هستند، حفظ کرده اند. آنها خود را «مست غرب» کرده اند و از زندگی تحت این محدودیت ها به تنگ آمده اند. دیگر حتی ۵ درصد از مردم هم واقعا به انقلاب اعتقاد ندارند.

ماهنامه فیلم ــ تیر ۱۳۷۷ ــ صفحه ۸۶

پنجه مرگ گرفته است گریبان امید

نسخه ای که فیلم «سیب» برای حل مشکلات این چنینی می پیچد، متعلق به هر جامعه ای باشد، متعلق به اینجا نیست. این راه حل تنها به درد رفع ظاهری قضیه می خورد و مشکل اصلی، جای دیگری است. اینجا، حتی اگر قفس گشوده شود، پرندگانش، پر پرواز ندارند. محسن مخملباف که در ابتدای رمان باغ بلور از «زن، زن مظلوم این دیار» سخن می گوید و اثر دلنشینش را به او تقدیم می کند، این چیزها را باید به خوبی بداند: «چه خوش است آن مرغی که قفس ندیده باشد/ چه نکوتر آنکه مرغی زقفس پریده باشد / پرو بال ما شکستند و در قفس گشودند / چه رها، چه بسته، مرغی که پرش شکسته باشد.»

تا هنگامی که پدر دخترها، آنها را به اسم سعادت در زندان نگه می دارد تا «پسرها با دخترهایش کاری نکنند که موجب شرمندگی او شود، قفس ها همچنان پابرجا خواهد بود و تا زمانی که همه چیز را به دیده جنسیت نگاه می کنیم، وضعیت هیچ تغییری نخواهد یافت. اینها را محسن و سمیرا مخملباف، باید خوب بدانند. همین که جمله تبلیغاتی فیلم، از «دخترها از خانه خسته شده اند» به «این دو دختر از خانه خسته شده اند» تبدیل می شود، نشان می دهد که امیدی به اره کردن میله های قفس نیست. اگر هم میله ها بریده شود، میله های دیگری هست.

گزارش ــ تیر ۱۳۷۷ ــ صفحه ۷۸ و ۷۹

نگاهی به زوایای ناشناخته زندگی صادق هدایت

خودکشی صادق هدایت، نقطه اوج قدرت او در تصمیم گیری بوده است. بار اول که هدایت اقدام به خودکشی کرد، بر اثر جوانی، عجله و کم تجربگی، راهی را برای رسیدن به مرگ برگزید که جالب نبود؛ حتی حساب شده هم نبود.

بعـدها در یکی ازکارت پسـتال های ارسالی نوشت که چون رقص بسـیار مـد روز است، مجبور شده رقص یاد بگیرد و شوخی کرد: «باسنت را قر بده، خاصیت دارد!»

برگردیم به خودکشی هدایت. صادق تا ۴۸ سالگی هرطور بود به زنـدگی ادامه داد، ولی چه ادامه دادنی؟ به آینده مملکت و مردمی که به آنها عشق می ورزید، امیدی نداشت. احساس می کرد این مردم زیر چکمه اسـتبداد خرد می شوند و عده ای این کشوررا شـخم نابودی می زننـد. صادق زیاد می دانست و بـدتر آنکه زیاد می فهمیـد. انسان هر چه بیشتر بدانـد و بیشتر بفهمد بـدبخت تر است. خاصه آنکه در شـرق زنـدگی کنـد. او می دید خرافات، زهد ریایی، کم سوادی، غلط انگاری ها و بسـیاری مسائل دیگر چگونه مردم را به ذلت و خواری کشانیده است.

به هر تقدیر، عمویم صادق هدایت نه تنها نمرده است، بلکه هر روز زنده تر و جاودانه تر در صـحنه فرهنگ و ادب دنیا متجلی می شود.

پیام هاجر _ خرداد ۱۳۷۷ _ صفحه ۱۰

آزادی را برای چه خواستاریم؟

برای عشـق ورزیـدن، بی آنکـه بـه گنـاه عاشـقی مصـلوبمان دارنـد، برای گفتن کلمه «دوسـتت می دارم»، بی آنکه لبانمـان را بدوزند.

برای تقسـیم عادلانه مواهب الهی و مظـاهر طـبیعت که امروزه تنهـا عـده ای آن را به خود منحصـر کرده انـد بی آنکه لایق و شکرگزار آن باشند. برای بیان حقیقت، برای عمل به اعتقاداتمان، برای لحظه لحظه زندگی مان که بی آزادی، انسان بودنمان، تهی بودنی است مثل نقطه صفر، خالی و بی معنا بر پهنه پر اعجاب و لایتناهی هستی.

آزادی را خواسـتاریم برای آنکه بتوانیم نظرات و اعتقادات خود را بـدون ترس اخراج از مرکز آموزشـی، محل کار و یا بـدون تهدید به زندان و شلاق بیان داریم.

جامعه سالم _ شماره ۳۵ _ صفحه ۵۶

شیرین عبادی: «دیگر انقلابی نیست تا ضد انقلابی باقی مانده باشد».

راه نو _ شماره ۱۱ _ صفحه ۷

در واقع، باید گفت در ایران با این پدیده روبه رو هستیم که به علت سیاست کاملاً

پلورالیستی، تنها یک مرکز قدرت و یا تصمیم گیری وجود ندارد. از مجلس صداهای متعارض به گوش می رسد. بعضی از آنها از سر دل سوزی است و بعضی دیگر چنین نیست. تشکیلات پلیس غیررسمی و نهادهای امنیتی مزاحمت هایی برای شهروندان عادی فراهم می آورند و زمام انصار حزب الله را به دست دارند. آیا ما باید بر اساس شواهد، انگشت خود را به سمت آیت الله جنتی نشانه رویم که گفته است جمهوری اسلامی به زمان احتیاجی ندارد یا آن را متوجه مقام بالاتری سازیم؟

راه نو ـ شماره ۱۱ ـ صفحه ۲۱

در عین حال بی پرده باید بگویم جامعه مدنی به معنای اخص کلمه ـ که متضمن وجود نهادهای اجتماعی ـ فرهنگی مستقل از دولت، پلورالیسم سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و البته مهم تر از همه اینها بهره مندی مستمر شهروندان نه تنها از آزادی های اساسی سیاسی، بلکه از آزادی های اجتماعی، مدنی و فرهنگی است ـ در شرایط فعلی ایران، به گمان من، چندان محلی از اعراب ندارد.

مثلاًـ در ایران خیلی ها از پلورالیسم یا چندگانگی حرف می زنند، ولی توجه کافی نمی کنند که پلورالیسم مستلزم پذیرش وجود و احترام به برداشت های متفاوت و گاه متعارضی از اخلاق و فضیلت است و طبعا با تحمل آمرانه برداشت های خاصی از اخلاق و فضیلت به هیچ وجه سازگار نیست. البته اگر در ایران، مراد از جامعه مدنی بسط عقلانیت سیاسی ـ اداری و گسترش مشارکت مردمی و آزادی های سیاسی، از جمله آزادی های نشر و بیان باشد، بله دست یافتنی است، ولی نباید فراموش کرد که شرایط فعلی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران موجب می شود آزادی های به دست آمده نا استوار و شکننده باقی بماند و واکنش ها و چالش های گوناگونی را در پی داشته باشد. در عین حال، دامن زدن به امیدها و آرزوهای گروه هایی مانند جوانان، در شرایطی که تحقق امیدها و آرزوهای آنها، مثلاً در زمینه تأمین شغل، عملاً ناممکن است، می تواند پی آمدهای خطرناک داشته باشد.

توانا ـ شماره ۲۰ ـ صفحه ۶

دکتر حبیب الله پیمان: «جامعه احساس امنیت نمی کند.» شرایط ایجاد شده ظرف ده پانزده سال گذشته سبب شد تا نیروهای مبارزی مانند ما محدود شدند و فعالیت ما در این مدت به

حداقل رسید، نشریه امت تعطیل شد، دفاتر ما در سراسر کشور از فعالیت خود بازماندند و ما فعالیتمان به انتشار یک سلسله بولتن و جزوه و ارتباطات با دوستان محدود شد که آن هم زیر فشار بود. بعد از پایان جنگ، تحولات جدیدی آغاز شد، برخی از ضعف ها آشکارشد و بحران های اقتصادی و اجتماعی سربرآوردند. سرخوردگی ناشی از دست نیافتن به اهداف مورد نظر در جنگ به شکاف و تضاد میان نیروهای درون حاکمیت منجر شد. این شرایط تشدید شد و در برخی از شهرها به شورش انجامید. در نتیجه، نظام با مسائل جدی برای پاسخ گویی به بحران های درون جامعه مواجه شد و یک پارچگی در سرکوب از میان رفت. فضا بازتر شد و از درون حاکمیت چند گرایش که از قبل تشکیل شده بود، اما امکان بروز نیافته بود، آشکار شد. خواه ناخواه این وضعیت نمی توانست به نیروهای نظام محدود شود و بخشی از نسیم آزادی در جامعه هم وزیدن گرفت. ضروری بود که ما هم در این فضا برای گسترش فعالیت و حضور بیشتر تلاش کنیم و این حق طبیعی پیش بینی شده ما در قانون بود.

ایران فردا ــ شماره ۴۵ ــ صفحه ۶۴

آقای مختاری ــ تهران

دوست عزیز، اینکه آزادی در این سرزمین، درختی بی ریشه است، سخنی درست است. در این مرز و بوم، امیرکبیرها را می کشند و ناصرالدین شاه ها بعد از مرگ، «شاه شهید» خوانده می شوند. با این حال، چاره کار انفعال نیست، اما حرکت های تند و بدون پشتوانه می تواند موجب انفعال شود. اگر به کتب تاریخ معاصر مراجعه کنید، به خوبی می توانید افراط و تفریط ها را که به یک سو ختم می شوند، بشناسید. با وجود این، باید آزادی را شورانگیز، ولی همراه با شعور شناخت و با همراهی و همدلی با دوستداران آزادی، از حقوق حقه مردم در چهارچوب مناسب دفاع کرد. بی گمان، شما این گونه رفتار می کنید. نهال نوپای آزادی و دموکراسی در ایران نیاز به شور و شعور توأمان دارد.

ب) طرح موضوع های تشنج آفرین و دامن زدن به آنها

ب) طرح موضوع های تشنج آفرین و دامن زدن به آنها

ایران فردا ــ شماره ۴۴ ــ صفحه ۶۲

نامه ها

آقای صدیق مینایی ــ سنندج

ص: ۷۰

در نامه خود، آزادی عقیده و بیان را از حقوق اصلی انسانی و اسلامی هر انسانی دانسته اید و با استناد به اصل ۱۲ قانون اساسی خواستار رعایت حقوق انسان ها و اقلیت های مذهبی به ویژه اهل سنت در ایران گشته اید. نوشته اید که اهل سنت، روزنامه، مجله و نشریه مذهبی مستقل ندارند و از برنامه های مذهبی رادیو و تلویزیون محروم هستند، به تنگناهایی که در انتصابات، استخدام ها، گزینش دانشجو و گزینش در ادارات بدون توجه به صلاحیت علمی و اخلاقی و کارآیی بالای افراد و به دلیل سنّی بودن اعمال می گردد، اعتراض نموده اید. گرچه از نظر ما این گونه محدودیت ها و تنگناها در مورد بسیاری از شیعیان نیز که دارای دیدگاه های متفاوتی با حاکمیت هستند، اعمال می شود، اما همانند شما معتقدیم که حقوق قانونی مردم و اقلیت های دینی و مذهبی مصرح در قانون اساسی بایستی توسط دولت محترم شمرده شود.

ایران فردا _ شماره ۴۴ _ صفحه ۴

به کجا چنین شتابان؟!

طالبان حکومت انحصاری موسوم به ولایی آگاه نیستند که برای رسیدن به نظام مورد علاقه شان باید با جناح یا جناح های رقیب جدال و تنازع و تخاصم بسیار ورزند. از آنجا که فعلاً ابزارهای قدرت اجتماعی را در ید اختیار دارند، ناگزیرند که در جریان تخاصمات و منازعات خود از ابزارهای قدرت بسیار استفاده کنند. همین موجب خشم جناح های رقیب و مردم و تماشاگر می شود. ارج و اعتبار طالبان قدرت انحصاری در نظر مردم بسیار پایین می آید و تبدیل به سوءظن و نفرت می شود. لذا تسلیم و انقیاد ایشان به حکومت انحصار و خفقان بسیار مشکل تر و پیچیده تر و محتاج اعمال زور و خشونت بیشتر می گردد و این دور باطل تا فروپاشی یا جنگ داخلی ادامه می یابد.

راه نو _ شماره ۱۰ _ صفحه ۲

آپارتاید سیاسی؛ یعنی حرس کردن شهروندان و دو مرتبه ای کردن شهروندی. اگر در

آفریقـای جنوبی، سـیاهان به لحـاظ رنـگ پوست در مرتبه دوم شـهروندی قرار می گرفتنـد و قانونـا از حقوق سیاسـی و مـدنی محروم می شدنـد، طرفـداران آپارتایـد سیاسـی در ایران نیز شـهروندان را بر حسب دوری و نزدیکی به خودشـان، به دو گروه تقسـیم می کنند و مخالفان خود را در مرتبه دوم شهروندی قرار می دهند و از برخی حقوق سیاسی و مدنی محروم می نمایند. مظهر روشن و بـارز این نگرش را در بحث نظـارت اسـتصوابی می توان دیـد. منطق حـاکم بر نظـارت اسـتصوابی این است که شهرونـدان، خود، قادر به تشـخیص خیر و صـلاح خویش نیسـتند. پس بایـد عـده ای که از چنین صـلاحیتی برخوردارند، افراد حـایز شـرایط را برای آنهـا تشـخیص دهنـد. منطق قومیت گرایی، روح اصـلی حاکم بر نظارت اسـتصوابی است و نتیجه آن در مورد انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان، ظهور نوعی آپارتاید سیاسی محسوب می شود. به علاوه، طرفداران انحصارگرایی با طرح ادعاهایی در زمینه ارزش آرا، پرده از منویّات خود برمی دارند.

ج) تلاش برای ایجاد همگرایی بین مخالفین جمهوری اسلامی

ج) تلاش برای ایجاد همگرایی بین مخالفین جمهوری اسلامی

توانا ـ شماره ۲۰ ـ صفحه ۱۳

گفت و گو با حبیب الله پیمان

از اختلافتان با نهضت آزادی و امکان فعالیت مشترک با آنان بگویید؟

جنبش با نهضت آزادی از لحاظ اهداف مبارزاتی، اختلاف اصولی ندارد. امروز ضـرورت توسعه سیاسی و تأمین آزادی مطرح است و مـا و نهضت و دیگران در این هـدف مشترک هستیم. انتقـاد مـا به نهضت به زمانی باز می گردد که آنان در قـدرت و دولت سـهیم بودند (دولت موقت)، اما از زمانی که دولت موقت، قدرت خود را از دست داد، ما دیگر هیچ انتقادی به نهضـت نـداشتیم و به عنوان نیرویی که برای آزادی تلاش می کند، به نهضت نگاه کردیم. ظرف این مدت اختلاف های ایدئولوژیک مان را دیگر مطرح نکردیم. امروز معتقـدیم که بایـد با تمامی کسانی که آزادی را فقط برای خود نمی خواهند و بلکه خواهان آزادی برای همگان هستند، همکاری کنیم.

ایران فردا ـ شماره ۴۶ ـ صفحه ۶۹

نامه ها

ص: ۷۲

آقای یگانه ــ قم

با سلام متقابل، گفته اید مدتی تحت تأثیر افرادی متعصب بوده و سپس کنار کشیده اید، اما همواره به بزرگانی چون مرحوم بازرگان، طالقانی، شریعتی و چمران احترام گذاشته اید و اینک اینان بیش ازپیش تنهایی تان را پر می کنند. از محیط بسته زندگی خود یاد کرده اید. دوست گرامی! برخی نشریات، کتاب ها و محافل، دنیای بازی هستند که می توانید از تنگی زمین به گستردگی آسمان آنها پناه ببرید. شما جوانی هستید که با شوروعطش و هوش واشتیاقی که در شما وجود دارد، راه طولانی و موفقیت آمیزی در پیش رو دارید. ناامید نباشید، با حوصله و پشتکار، هر دشواری به آسانی تبدیل می شود. سعی کنید دوستان هم فکری بیابید و از تنهایی خارج شوید. رأی انبوه مردم در دوم خرداد، از جمله در شهر شما، نشان می دهد که شما تنها نیستید. با کمی دقت و حوصله، دوستان خوبی خواهید داشت. موفق باشید.

ایران فردا ــ شماره ۴۴ ــ صفحه ۶۳

نامه ها

آقای کاوه آزادی ــ تهران

مقاله شما را با عنوان «هشدار مردم در صحنه» دریافت کردیم. در مقاله خود به مقایسه راه پیمایی های رسمی که هر از چندی و به بهانه ای ترتیب داده می شود و به تبلیغات گسترده در رادیو و تلویزیون و صرف هزینه ها و مخارج سرسام آور (برای حضور در راه پیمایی ها) و حضور بی سابقه مردم در انتخابات دوم خرداد و سپس هشتم آذر (پس از پیروزی تیم ملی فوتبال ایران بر استرالیا) پرداخته اید و آورده اید که مردم پای کوبان ــ خروشان، ولی آرام ــ خنده بر لب، اشک در چشم ها، پرچم های ایران عزیز در دست ها و جعبه های شیرینی و نقل و نبات گردان نه تنها در تهران، بلکه در تمام نقاط دور و نزدیک کشور بیرون آمدند و بدون آنکه کسی از مردم خواسته باشد در عرض چند دقیقه سطح خیابان ها و معابر را با آن تجمع شورانگیز و فراموش نشدنی پوشاندند و از صمیم قلب به یکدیگر تبریک گفتند و جز یک کلمه بر زبان نیاوردند: «ایران ــ ایران ــ ایران.» همچنین نتیجه گرفته اید که این دومین هشدار مردم بعد از دوم خرداد بود که گفتند اگر بخواهیم این گونه در صحنه حضور

ص: ۷۳

خواهیم یافت، برای آنچه خود بخواهیم و نه آنچه به ما دیکته می شود. در انتظار مقالات و مطالب دیگری از شما هستیم.

د) جناح بندی و ایجاد اختلاف بین مسئولان نظام

د) جناح بندی و ایجاد اختلاف بین مسئولان نظام

راه نو ـ شماره ۱۰ ـ صفحه ۵

اکثریت عابران پیاده با جناح راست هم زبان و همراه نیستند. بنابراین، انتظار آنها از آقای خاتمی این است که در برابر تهاجم و حمله جناح راست باید تاکتیک های مناسبی انتخاب کند. بدیهی است که از نظر عابران پیاده، در این «فوتبال سیاسی» که جناح راست به راه انداخته، نباید میدان خالی کرد، بلکه با «بازی جوان مردانه» باید به این مسابقه ادامه داد. آقای خاتمی در میدان سیاست نشان داده است که اهل «بازی جوان مردانه» است و از او هم همین انتظار می رود، اما با رعایت همین اصول باید توپ هایی را به زمین رقیب انداخت. مسئله «امنیت اقتصادی و اجتماعی» در جامعه به عنوان پیش شرط ها یا مکمل های توسعه سیاسی، شعار، سیاست یا اصلی است که دولت آقای خاتمی باید با آن به مسابقه خود ادامه دهد.

راه نو ـ شماره ۱۰ ـ صفحه ۳۵

به نظر می رسد اولین و فوری ترین پی آمد، ادامه حملات مخالفان به دروازه دولت است. باید توجه کرد که دفاع دولت ناشی از یک اشتباه تاکتیکی است، نه ضعف ناشی از اختلاف سطح با حریف. اگر دولت با منشأ قدرت خود که همان جنبش جامعه مدنی است «عملاً» قطع رابطه کند، ناچار در لاک دفاعی باقی خواهد ماند و این جز به معنای دعوت مخالفان به حملات بیشتر نخواهد بود. در این حال، محتمل است که دولت بازهم گل های دیگری دریافت کند.

درهرحال، فراموش نباید کرد که گرچه دولت جامعه مدنی گل هایی خورده یا خواهد خورد، اما خود جنبش گل های زیادی را وارد دروازه مخالفان کرده است که حالا حالا، برای جبران مافاتش باید بدوند. به علاوه، خوب است به یاد داشته باشیم که جنبش جامعه مدنی گل هایش را در شب های ساکتی به ثمر می رساند که خیلی ها در خوابند. در واقع،

صدای گل های جنبش فقط در صبح روزهایی چون دوم خرداد در می آید.

راه نو _ شماره ۱۱ _ صفحه ۳۱

با ارائه تصویری تمثیلی از عرصه رفتارهای سیاسی کشور در یک سال گذشته می توان گفت که خاتمی در برابر یورش های آشکار و نهان به جبهه دوم خرداد، حداکثر با شلیک تیرهای هوایی یا پرتاب گاز اشک آور تلاش کرد تا بدون اینکه خونی از دماغ کسی بریزد، مهاجمان را به عقب براند و آنان را از اهداف مخرّبشان منصرف سازد. خاتمی حتی در مواردی، تیرهای هوایی خود را با استفاده از فیلترهای صوتی شلیک کرد تا حتی صدای آن نیز گوش مردم را آزار ندهد. سهل است که بعضا حتی مهاجمان نیز صدای آن تیرها را نشنیدند! این در حالی بود که مخالفان به سرعت به سامان دهی و بازسازی خود مشغول بودند و تلاش کردند تا با فراخوان همه نیروهای رسمی، زیر پرچم و حتی احتیاط در برابر جبهه اصلاح گرای دوم خرداد صف آرایی کنند. امروز مخالفان جنبش اصلاحی در حال کامل کردن حلقه محاصره خود هستند و در عین حال تلاش می کنند تا با فتح خاکریزهای دفاعی جبهه پرچم داران و حامیان این جنبش، حریم امنیتی آن را تنگ تر کنند و در نهایت بر پایگاه اصلی این جبهه یورش برند و به زعم خود کار را تمام کنند!

راه نو _ شماره ۱۱ _ صفحه ۳۵

جناح راست اکنون نیز با همان تصورات و توهّمات، خط برخورد با آقای خاتمی را دنبال می کنند؛ یعنی با پشتوانه اکثریتی در مجلس که یقینا نماینده اکثریت امروز جامعه نیست _ و اگر به خلاف آن معتقدند، انتخابات زودهنگام برگزار کنند _ خواستار همسو شدن آقای خاتمی با خودشان هستند و از ایشان انتظار دارند که منافع گروهی را به خواسته های یک ملت ترجیح دهد. به همین دلیل، ایشان را به مذاکره و تفاهم پنهان دعوت می کنند، درحالی که آقای خاتمی نه خودش اهل مذاکرات پنهان است و نه جامعه به او این اجازه را می دهد که از اصول و خواسته های خود عدول کند.

راه نو _ شماره ۱۴ _ صفحه ۳۵

عماد الدین باقی:

به عقیده اینجانب، در جریان رخدادهای یک سال اخیر، سرنخ همه حوادث به یک

کـانون قـدرت مسـتقل بر می گردد کـه از جنـاح راسـت مسـتقل اسـت و این امر حـاکی از آن است که در همه این حـوادث، کـارگردان جای دیگری است و جناح راست، تنها ذی نفع است، نه طراح و کارگردان. گرچه جناح راست با در دست داشـتن برخی اهرم های اجرایی، سیاسـی و به ویژه اقتصادی یک نیروی اثرگـذار است، اما سـتاد عملیات و فرماندهی جبهه مقابل دوم خرداد نیست و فقـط نیروی پیـاده و توپ خانه تابع سـتاد عملیات به شـمار می رود و آن را تـدارک می کنـد. ممکن است تنها عناصری از جناح ذی نفع با کارگردانان، پیوند نزدیک تری داشته باشند، اما در کل، انواعی از وحدت منافع یا وحدت عاطفی و اعتقادی چنان آنان را به هم پیوند داده که تمایزشان را از یکدیگر دشوار کرده است و چه بسا برخی از عناصـر و چهره های جناح راست، درحالی دنباله رو حوادث اخیرنـد که دقیقا نمی داننـد در خدمت چه کارگردانی قرار گرفته اند. فقط با تفکیک این دو جریـان است که می توان هـدف هـای مشترک نهفته در پشت حوادث زنجیره ای ماه های اخیر (به ویژه از ۱۱ اسفند به بعد) را شناخت.

ایران فردا ــ شماره ۴۳ ــ صفحه ۱۳

حربه ای برای حذف

به طـور کلی، حـاکمیت فعلی همـان حزب جمهـوری اسـلامی است که بعـد از انقلاب، مـذهبی هـای میـانه رو و تنـدرو، ملی گراهای میانه رو و مارکسیست های میانه رو و تندرو را از صحنه سیاست حذف کرد (البته قصد ما در این نوشتار بررسی نحوه عملکرد جریان های سیاسی نیست.) این حاکمیت به مرور زمان به دو گرایش یا دو جریان عمده تقسیم شد: روحانیون مبارز و روحـانیت مبـارز که در جریـان انتخابات مجلس سوم (سال ۶۶) شـکل گرفتنـد و بعدها در سال های ۷۰ تا ۷۲ بـه سه گرایش تقسـیم شدند. این سه گرایش که عبارتند از: خط امام، کارگزاران سازندگی و جناح تمامیت طلب سنتی، انواع طیف ها را در خود جای داده اند.\

بخش دوم: بررسی علمی و تحلیل محتوای مطبوعات

اشاره

بخش دوم: بررسی علمی و تحلیل محتوای مطبوعات

گفت وگوی فرهنگ ها و تمدن ها و فرآیند فرهنگ پذیری، از پدیده های کهن و کارکردی زندگی اجتماعی به شمار می آید. این پدیده از آن جهت که همواره زمینه را برای استفاده از دانش و تجارب دیگر جوامع فراهم می آورد، سرچشمه آثار و برکات فراوانی بوده و هست. پدیده دیگری که بیشتر در دوران معاصر دیده می شود و به دلیل برخورداری از صبغه فرهنگی، گاه با گفت وگوی تمدن ها اشتباه می شود، هجوم فرهنگی است. این پدیده هنگامی رخ می دهد که جامعه ای به منظور دست یابی به اهداف سیاسی و اقتصادی، با یک برنامه ریزی دقیق و هدفمند، ابزار کارآمد فرهنگی خود را برای ایجاد دگرگونی در ساختار فرهنگی جامعه دیگر به کار می گیرد. این هجوم از ارتباط و گفت وگوی ساده و صمیمی با اعضای جامعه رقیب آغاز می شود و پس از شناخت قربانیان خود، به تحقیر عناصر فرهنگی مقابل و بزرگ نمایی عناصر فرهنگ خودی می پردازد.

ناخدای دریادل و بیدار انقلاب اسلامی، چند سال پیش، از آغاز هجومی پرده برداشت که امروز شواهد و قراین بسیاری (از جمله اظهارات رسمی و

ص: ۷۷

غیررسمی عناصر اطلاعاتی و فرهنگی بیگانه) آن را تأیید می کند. این هجوم به گستره همه اصول، مبانی، ارزش ها و هنجارهای اسلام و انقلاب، در گام نخست، به دنبال ایجاد روزنه ای برای ارتباط با مردم و گفت وگو با آنهاست.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، چه روزنه ای برای ارتباط و گفت وگوی فرهنگ بیگانه با اقشار مختلف مردم مؤمن، به ویژه قشر جوان وجود دارد؟

صدا و سیما با وجود مخاطبان بی شمار، رسانه ای در اختیار نیست. ابزاری مانند ویدئو، مخاطبانی اندک و انگشت شمار دارد. ماهواره و رسانه های رایانه ای نیز که هنوز فراگیر نشده اند.

بنابراین، تنها رسانه ای که به دلیل حجم گسترده مخاطبان، در دسترس بودن، ارزان تمام شدن و ضعف نظارت نظام بر آنها، کانون توجه طراحان فرصت طلب هجوم فرهنگی قرار گرفته، مطبوعات و نشریات کشور است.

بررسی علمی و تحلیل محتوای مطبوعات، به دوستداران واقعی اسلام و انقلاب کمک می کند که تحرکات پنهان و خزنده فرهنگی دشمن را به دقت زیر نظر بگیرند و با شناسایی راه های هجوم، به مقابله با آن برخیزند. از آنجا که تحلیل محتوایی مطبوعات، بررسی عینی و مستندی است که با گزینش و چینش القائات پراکنده و پنهان مهاجمان فرهنگی، از چهره واقعی افکار و عقاید آنان پرده برمی دارد، در برهه کنونی انقلاب، ضرورتی انکارناپذیر می نماید. اهداف اصلی بررسی علمی و تحلیل محتوای مطبوعات کشور بدین شرح است:

۱. آشنایی نزدیک با نویسندگان و چهره های فکری مطبوعات و دیدگاه ها و عقاید آنان؛

۲. آگاهی از جایگاه ارزشی اصول، مبانی و هنجارهای اسلام و انقلاب در مطبوعات کشور؛

۳. آگاهی از آخرین وضعیت ترویج فرهنگ بیگانه و الگوهای غربی؛

۴. شناخت میزان همگامی و همسویی مطبوعات کشور با رادیوهای بیگانه؛

۵. شناسایی شبکه های نامرئی سیاسی ـ اطلاعاتی ایجاد توطئه؛

۶. در پیش گرفتن تدابیر لازم جهت مقابله مؤثر و به موقع با تحرکات سیاسی و فرهنگی کشور؛

۷. جلوگیری از ابتلا و انحراف دیگر جراید؛

۸. معرفی مستند مطبوعات منحرف به مردم و افکار عمومی.

روش تحلیل محتوا

اشاره

روش تحلیل محتوا

در این پژوهش از دو روش تحلیل محتوا استفاده شده است.

۱. تحلیل محتوای کیفی لاسول (Lasswell)

۱. تحلیل محتوای کیفی لاسول (Lasswell)

تحلیل محتوای مطبوعات به شیوه های متعددی امکان پذیر است. در پژوهش حاضر، بیشتر از روش لاسول ـ جامعه شناس امریکایی ـ استفاده شده است. لاسول به یک معنا، بنیان گذار تحلیل محتوای علمی در دوران معاصر به شمار می آید که پیشینه آن به جنگ جهانی دوم باز می گردد. انگیزه اصلی ابداع این روش به دست لاسول، بررسی شیوه تبلیغات آلمان در جنگ جهانی دوم و میزان تأثیرگذاری آن بر روی جامعه امریکا بود. برخی از محافل امریکایی بر سر آنکه تعدادی از روزنامه ها، مطالبی به سود آلمان و بر

ضد امریکا می نویسند، به جدال برخاسته و معتقد بودند که مثلاً روزنامه The True American مطالبش در جهت منافع آلمان است. عده ای دیگر این مسئله را نمی پذیرفتند تا آنکه کار به دادگاه کشید و در آنجا نیاز به ضوابط عینی ملموس و قابل سنجش نمایان شد. به این منظور، آقای لاسول در پی ابداع روشی برآمد که دارای ضوابط نسبتا عینی باشد. او بدین وسیله نشان داد در میان ماه های مارس تا دسامبر ۱۹۳۴، این روزنامه چند بار جمله ها و اصطلاحاتی به کار برده که له یا علیه امریکا بوده است. (مقایسه جدول شماره ۱)

جدول تحلیل محتوای روزنامه The True American به دست لاسول

جمله ها و اصطلاحات	علیه	له
امریکا از درون فاسد است	۳۰۱	۳۴
سیاست خارجی امریکا غیرمسیحی است	۴۱	–
رئیس جمهور امریکا قابل انتقاد است.	۱۵۰	۱۷

کار آقای لاسول نقطه عطفی در راه کاربرد این روش بود که به تدریج در کشورهای دیگر و در زمینه های گوناگون (نظیر تحلیل نامه ها، فیلم ها، خبرها و برنامه های رادیو و تلویزیون و غیره) مورد استفاده قرار گرفت و تکامل یافت.(۱)

ص: ۸۰

۱- ۱.فرامرز رفیع پور، پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهید بهشتی، ۱۳۷۰.

۲. تحلیل محتوای کمّی اسگود (Osgood)

اشاره

۲. تحلیل محتوای کمّی اسگود (Osgood)

در این شیوه که هدف از آن، دست یابی به نوع و مقدار گرایش نویسنده و نیز میزان تأثیر متن برگیرنده پیام است، در ابتدا جمله های چند محتوایی به جمله های یک محتوایی تجزیه می شوند.(۱) سپس جهت بار ارزشی (مثبت یا منفی بودن) تعیین و در مرحله سوم، شدت و ضعف آن از صفر تا ۳ ارزیابی می شود. گفتنی است در تعیین شدت و ضعف افعالِ به کار رفته، فعل های زمان حال، نوعا نمره ۳؛ فعل های کمکی، نمره ۲ و فعل هایی که رابطه فرضی و احتمالی میان موضوع و مفهوم عامیانه ایجاد می کنند، نمره ۱ می گیرد.(۲) در این روش، حاصل ضرب نمره های مفهوم عامیانه و فعل، نشان دهنده گرایش در جمله است. در مرحله پایانی، برای سنجش گرایش کلی نویسنده به موضوع مورد نظر، نمره های به دست آمده از گرایش هرجمله براساس فرمول زیر محاسبه می شود:

(تعداد جملات (نمره مفهوم عامیه × نمره فعل) ۱ ۳ (E

گفتنی است نمره گرایش مثبت و منفی در شاخص کمی اسگود بین ۳+ تا ۳_ در نوسان است (۳ ۳ X-). به بیان دیگر، نمره ۳+ گویای شدیدترین

---

۱ - ۱.مثلاً «ملت شریف و آگاه ایران در صحنه هستند» به سه جمله جداگانه تبدیل می شود: «ملت ایران آگاه است»، «ملت ایران شریف است» و «مردم ایران در صحنه هستند».

۲ - ۲.در مثال یاد شده، به «شریف، آگاه و در صحنه» هر یک، سه نمره و «است و هستند» نیز سه نمره تعلق می گیرد.

گرایش مثبت و نمره ۳ـ نشان دهنده شدیدترین گرایش منفی (کینه و دشمنی) است.

سطح تحلیل محتوا

سطح تحلیل محتوا

سطح تحلیل محتوا در مجموعه حاضر طولی است. در این سطح، یک نشریه در یک زمان مشخص، مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرد.

موضوع پژوهش

موضوع پژوهش

از آنجا که امکان تحلیل محتوای تمام روزنامه ها با این گستردگی ممکن نیست و تحلیل مختصر هریک از روزنامه ها نیز برای داوری چندان مناسب نیست، بنابراین، کوشیده ایم تا دو روزنامه همسو که در امتداد همدیگر هدف مشترکی را پی می گرفتند، بررسی کنیم. بنابراین در این پژوهش، روزنامه های جامعه و توس مورد بررسی و تحلیل محتوا قرار گرفته اند. دو روزنامه یاد شده، از نشریاتی هستند که در سال های اخیر حساسیت های متضادی را در جامعه ما برانگیخته اند. ازاین رو، در سلسله بحث های تحلیل محتوای مطبوعات کشور در اولویت قرار گرفتند و در محدوده زمانی زیر بررسی شدند:

روزنامه جامعه: فاصله زمانی ۳۰/۱۱/۱۳۷۶ تا ۱/۵/۱۳۷۷

روزنامه توس: فاصله زمانی ۳/۵/۱۳۷۷ تا ۲۴/۶/۱۳۷۷

فرضیه ها و پرسش های اصلی پژوهش

فرضیه ها و پرسش های اصلی پژوهش

روزنامه های جامعه و توس در موارد متعددی با اعلام پای بندی به قوانین موضوعه جمهوری اسلامی، به تبیین اصول، اهداف و شیوه های فعالیت

ص: ۸۲

مطبوعاتی خود پرداخته انـد، ولی شاید بتوان سر مقاله آقای شـمس الواعظین در شـماره نخست روزنامه توس (۳/۵/۱۳۷۷) را رسـمی ترین و صـریح ترین اعلاـم مواضع آنان به حساب آورد. وی در این سـرمقاله که با عنوان «اصول ده گانه توس» منتشـر شده است، به معرفی و تبیین «منشور یک نهاد مطبوعاتی نوین» و مرام نامه آن می پردازد. متن مشروح این سرمقاله به این شرح است:

روزنـامه تـوس کـه اولیـن شـماره دوره جدیـد آن پیش روی خواننـدگان گرامی اسـت، قصـد دارد بـه امیـد خـدای بزرگ در چارچوب وظیفه مطبوعاتی خود جانشین روزنامه جامعه شود و در راه تحقق جامعه مدنی در ایران گام بردارد.

اصـولی که در زیر نظر خواننـدگان گرامی تـوس می گـذرد، در واقـع منشور یـک نهـاد نوین مطبوعـاتی است که به گونه ای شفاف و صمیمی با مخاطبان در میان نهاده می شود:

۱. روزنامه توس، قبل از هر چیز یک روزنامه حرفه ای است که می کوشد با اتکا به تکنیک های اطلاع رسانی، وظیفه خود را در چارچوب قانون مطبوعات و با رعایت امانت خبری، بی هیچ داوری یا پیش داوری انجام دهد؛

۲. روزنامه توس، تمامی مندرجات و آثار نوشتاری و تصویری خود را شناسنامه دار کرده است...؛

۳. روزنامه توس در نقل نام منابع خبری داخلی و خارجی از علایم اختصاری استفاده می کند...؛

۴. روزنـامه توس در چارچوب رسالت مطبوعاتی و در حـد توان خود، جغرافیای سیاسـی، فرهنگی و اجتماعی ایران را از طریق شفاف کردن فعل و انفعالات اجتماعی منعکس کرده و هیچ نهاد و گروه و پدیده ای را از این قاعده خارج نمی کند؛

۵. روزنامه توس به کلیه نهادها، احزاب، جمعیت ها و گروه های اجتماعی، در دو طیف مدرن و سـنتی احترام می گذارد و در راه توسعه گفتمان و گفت و شنود تعالی بخش، به دور از هرگونه جانب داری و تعصب کوشش می کند...؛

۶. روزنامه توس از به کارگیری القاب و عناوین اضافی برای کلیه مقام های مملکتی

پرهیز کرده و به بیان نام و نام خانوادگی و حوزه مسئولیت آنها اکتفا می کند... ؛

۷. روزنامه توس در راه تخصصی کردن قلمروهای گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گام برمی دارد... ؛

۸. روزنامه توس قصد دارد از نظام روشمند و علمی نظرسنجی عمومی برای درک و درج نوسان های تحولات افکار عمومی در قبال رویدادهای مهم داخلی و خارجی بهره گیری کرده و خدمات خود را در این زمینه تقدیم ملت و دولت کند؛

۹. روزنامه توس قصد دارد ویژگی های مرسوم مطبوعات را در حوزه تحلیل، گزارش، زبان تصویر و کاریکاتور و... مورد توجه ویژه قرار دهد و گامی در راه جهانی شدن مطبوعات ایران بردارد؛

۱۰. روزنامه توس از طریق نظارت دقیق بر عملکرد نهادهای رسمی کشور (که طبق اصول قانون اساسی پاسخ گو شمرده می شوند) و انتقاد از نابه سامانی های اجتماعی می کوشد از حقوق بشر و آزادی های عمومی پاسداری کرده... .

شرکت جامعه روز در اطلاعیه ای که در شماره اول روزنامه توس به چاپ رسید، خط مشی توس را همان خط مشی روزنامه جامعه دانسته، می نویسد: «این روزنامه با کادر و خط مشی روزنامه جامعه انتشار می یابد.» پس گزاف نخواهد بود اگر اصول ده گانه توس، مرام نامه روزنامه های جامعه و توس قلمداد شود.

نکته اینجاست که با توجه به بحث های جنجالی پیش آمده درباره روزنامه های جامعه و توس، دست کم سه پرسش اساسی در افکار عمومی مطرح شد:

۱. آیا روزنامه های جامعه و توس به اصول و مبانی دینی، قانون اساسی، ارزش های هنجاری اسلامی و انقلابی یا دست کم مرام نامه و منشور یک نهاد مطبوعاتی نوین پای بند بوده اند یا خیر؟

۲. اگر در مواردی از چارچوب دین، اخلاق، قانون اساسی یا مرام نامه اعلام شده منحرف شده اند، فراوانی، سطح و عمق این موارد چگونه بوده است؟

۳. آیا محتوا و تعداد این گونه موارد به گونه ای بوده است که لغو امتیاز روزنامه های یاد شده را تجویز کند یا خیر؟

در پاسخ به این پرسش ها، سه فرضیه اصلی مطرح شد:

الف) فرضیه اول: روزنامه های جامعه و توس اصلاً خطایی مرتکب نشده و قربانی سیاست های انحصارطلبانه صاحبان قدرت گشته اند.

ب) فرضیه دوم: روزنامه های جامعه و توس مرتکب خطاها و خلاف های انکارناپذیری شده اند، ولی کمیت و کیفیت آنها هرگز به گونه ای نبوده است که حکم صادره را ــ که اشدّ مجازات و به منزله اعدام روزنامه محسوب می شود ــ تجویز کند.

ج) فرضیه سوم: این فرضیه، تخلفات جامعه و توس را به مراتب بیشتر و اساسی تر از چند موردی می داند که مسئولان این نشریه ها آنها را پذیرفته اند.

برای دست یابی به پاسخی مستند برای اثبات یکی از فرضیه های پیشین، مقاله های مدیران ارشد روزنامه جامعه و توس (آقایان جلایی پور و شمس الواعظین) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت:

اکنون هنگام آن رسیده است که افکار عمومی به ویژه خوانندگان گرامی این مجموعه را به دیدن اطلاعات، آمار و فراوانی های به دست آمده از روزنامه های جامعه و توس فرا بخوانیم و قضاوت نهایی را به محکمه عدالت جوی آنان بسپاریم. گردآورندگان این اثر گرچه تلاش کرده اند تحلیلی\

ص: ۸۵

علمی و بی طرفانه سامان دهند، خود را از خطا و اشتباه و تعبیرها و داوری های جانب دارانه مصون نمی دانند. از این رو، با استقبال از دیدگاه های انتقادی صاحبان خرد و اندیشه به ویژه در عرصه مطبوعات و رسانه های گروهی، نقد و نقادی عالمانه آنان را زینت بخش و مایه مباهات این مجموعه قلمداد می کنند.

بررسی دیدگاه ها و گرایش ها

اشاره

بررسی دیدگاه ها و گرایش ها

مطبوعات را رکن چهارم دموکراسی می دانند. این امر نشان دهنده اهمیت و تأثیر عمیق این ابزار در جامعه امروزین است. اهمیت و تأثیر مطبوعات تا بدان جاست که اگر در مسیری ناصواب به کار گرفته شود، از هر سلاحی، مخرب تر و ویرانگرتر خواهد بود؛ زیرا به راحتی می توان به وسیله آن، بنیادهای یک انقلاب، فرهنگ و اجتماع را ویران کرد. در هر روزنامه ای، شماری از نویسندگان در سیاست گذاری کلان و راهبردی روزنامه، نقش مؤثر و ارزنده ای دارند و در حقیقت، خط مشی روزنامه و متون اصلی آن از ناحیه آنان یا از فیلتر آنان عبور می کند. بنابراین، شناخت افکار، سلایق، ایده ها و آرمان های آنها می تواند ما را به انگیزه تأسیس و اهداف جریده آگاه کند. براین اساس، دیدگاه ها و گرایش های دو نفر از گردانندگان اصلی و سه نفر از همکاران نزدیک روزنامه های جامعه و توس را با استناد به مقاله های آنان مورد تحلیل محتوا قرار داده ایم و داوری در این باره را برعهده خوانندگان فهیم وا نهاده ایم. امید است که این مختصر با وجود همه کاستی ها، مورد پسند قاضی حکیم قرار گیرد و گامی هر چند کوچک در جهت تثبیت فرهنگ گفت وگوی سالم و مستدل اندیشه ها باشد.

ص: ۸۶

۱. ماشاء الله شمس الواعظین

اشاره

۱. ماشاء الله شمس الواعظین

آقـای شـمس الواعظین، سـردبیر روزنـامه های جامعه، توس و نشاط و از مقاله نویسان(۱) مطرح آنها به شـمار می آیـد. ایشان ستونی را به عنوان «با مسئولیت سر دبیر» در روزنامه های جامعه و توس منتشـر می کرد که در معرفی آن ــ پس از ۳۹ شماره از انتشار توس ــ نوشته بود:

شماری از فرزانگان که نقـد و نظری در باب مسائل کشور دارند، مایل به درج نامشان در ذیل مقاله نیسـتند. از آنجا که اصول ده گانه توس، روزنامه را در درج نام اصـلی و کامل نویسـندگان ملزم کرده است، سـردبیر درج این مقالات را به عهـده گرفته است.(۲)

قراین و شواهدی چند، نگارش این ستون را به دست خود آقای شمس الواعظین تقویت می کند، از جمله:

الف) آقای شمس الواعظین این مطلب را پس از انتشار ۳۹ شماره از

---

۱ – ۱.بررسـی دیـدگاه هـا لزومـا به معنای داوری قطعی در مورد عملکرد نویسـندگان نیست، بلکه ممکن است در خوش بینانه ترین حالت، نویسـندگان، ناخواسـته، در مسیری قرار گرفته باشند که از اهداف نامبارک دشمنان نیز باشد. با این حال، هرگونه داوری را به هیئت منصفه میلیونی ایران اسلامی و میلیاردی جهان اسلام وا می گذاریم.

۲– ۲.توس، ۱۷/۶/۱۳۷۷.

روزنامه توس اعلام کرده است، در حالی که اگر ستون یاد شده را از آغاز، کسانی به جز سردبیر می نگاشتند، می بایست این مطلب در شماره اول گوشزد شود. چگونه ممکن است در یکی از بندهای مرام نامه توس _ که در شماره اول به چاپ رسید _ تصریح و تأکید شود که «روزنامه توس تمامی مندرجات و آثار نوشتاری خود را در چارچوب احترام به صاحبان اثر و تربیت کادر مسئول و جسور مطبوعاتی، شناسنامه دار کرده است و هیچ مقاله ای و گزارشی و عکسی را بدون قید نام و مشخصات واقعی تولید کننده آن منتشر نمی کند» و از سوی دیگر، از یادآوری این نکته ضروری به خواننده غافل بماند که این ستون از قاعده کلی مرام نامه مستثنی است و در حالی که به نام سردبیر منتشر می شود، ولی نگاشته او نیست. بدیهی است هر خواننده ای با مطالعه مرام نامه توس و نام سردبیر در پیشانی این ستون، شکی به خود راه ندهد که مقاله ها و مطالب طرح شده منسوب به سردبیر است. گفتنی است در روز ۱۶/۶/۱۳۷۷ _ یعنی یک روز پیش از اعلام این سخن _ مطلبی با عنوان «حق دارید بترسید» در روزنامه توس به چاپ رسیده بود که در آن، نویسنده با ستایش از آزادی اندیشه و بیان و لزوم حذف خطوط قرمز و عبور از آن، سردبیر روزنامه _ آقای شمس الواعظین _ را به دلیل انتشار ندادن دیدگاه های دگراندیشانه و ترس و واهمه از حمله و تهاجم فیزیکی گروه های فشار مورد سرزنش و توبیخ قرار داده است. شاید آقای شمس الواعظین با اعلام این مطلب، به دنبال دفاعیه چند منظوره ای بوده است. از یک سو، خواسته است با پذیرش مسئولیت این ستون، جسارت و شجاعت خود را در چاپ دیدگاه های رادیکال دیگران با مسئولیت خویش به رخ منتقد

دیروز بکشد و از سوی دیگر، با تبرّی جستن از نگارش مطلب، احتمالاً به گروه های فشار اعلام کند که مطالب این ستون، نگاشته او نیست.

ب) سبک و سیاق واحد مقاله ها، شیوه ورود به بحث و خروج از آن، مطالب یک دست و هماهنگ در موضوع های مختلف، همگی احتمال وحدت نویسنده را قوت می بخشد و امکان تعدد نویسندگان را به حداقل می رساند. به طور کلی، مطالب این ستون با ذکر مقدمه ای آغاز می شود و پس از ترسیم و تبیین فضای مفهومی، به بحث اصلی می پردازد.(۱)

ناگفته پیداست که وحدت سیاق و وحدت شیوه نگارش متون، قرینه ای بر وحدت نویسنده است؛ زیرا بسیار بعید به نظر می رسد شخصیت های مختلف با افکار، سلیقه ها و انگیزه های گوناگون، تا این اندازه، مشابه همدیگر قلم فرسایی کنند.

ج) در شماره ۱ توس در ستون «با مسئولیت سردبیر»، مقاله ای با عنوان «راه بی بازگشت» منتشر شده است. در این شماره آمده است: «راه دوم خرداد، بی بازگشت است.» درست در ۶ شماره بعد ــ یعنی شماره ۷ ــ می نویسد: «پیش تر هم گفتیم راهی که از دوم خرداد آغاز شده، بی بازگشت است».!!

به نمونه هایی از تکیه کلام ها، تک مضراب ها و ترکیبات ادبی مشابه در جدول زیر توجه کنید:

۱- ۳.توس، ش ۵ آیا فریب کاری، ش ۷ (گردن های باریک تر از مو) و ش ۱۴ (با هیئت منصفه دادگاه مطبوعات).

تعبیرهای به کار رفته

نشانی

تعبیرهای به کار رفته

نشانی

راه دوم خرداد بی بازگشت است.

توس،ش۱

ــ پیش تر هم گفتیم راهی که از دوم خرداد آغاز شده، بی بازگشت است. ــ راه اصلاحات در مقابل مقاومت های آن بی بازگشت است.

توس،ش۷

پی گیری کار گروه های فشار در هاله ای از ابهام است.

توس،ش۴۱

پاره ای از جریانات سیاسی مایلند مسائل مجلس خبرگان در هاله ای از ابهام و تقدس بخزد.

توس،ش۳۹

پاره ای از جریانات سیاسی بیشتر مایلند مجلس خبرگان به نوعی تابو بدل شود.

توس،ش۳۹

ایدئولوژی ها در عرصه تاریخ و فرهنگ بیشترین تابو را می آفریند.

توس،ش۲۹

این سخنان واگویه های نوستالژیک نیست؛ تحذیر از تکرار تجربه های ناخوشایند است.

توس،ش۳۵

چپ مدرن با تک مضراب های نوستالژیک ضد امپریالیستی گاه و بی گاه خود...

جامعه، ۹۹

باید سیستم قانونی را حذف و شبه قانون برپا کنند.

توس،ش۷_

ص: ۹۰

نهادهایی که در قالب قانون حرکات غیرقانونی خط تشنج را دنبال می کنند.... ـ از قانون شبه قانون را مراد کرده اند.

توس،ش۳۷ توس،ش۱۶

خروج از قانون و عمل به فتاوای شخصی ترویج می شود.

توس،ش۳۷ ـ

رفتاری خارج از قانون دارند.ـ شبهه خروج از قانون، اعتدال، مروت و... از آنها انکار ناشدنی است.

توس،ش۱۶توس،ش۱

صدای مردم را در پشت نقاب قانون، قلع و قمع می کنند.

توس،ش۷ـ

قلع و قمع نیروها، دیگر ترفندی شکست خورده است. ـ سوء استفاده از آزادی، سلاح مخالفان آقای خاتمی در قلع و قمع طلایه داران جامعه مدنی بوده است.

توس،ش۱۶ توس،ش۱۹

مردم از آنها مطالبه حقوق سیاسی معوقه را می کنند.

توس،ش۱

دست کم این بیعت مردم تا زمانی است که در مقام سخن از مطالبات سیاسی فرهنگی، مردم دفاع کنند.

توس،ش۱۹

د) آقای شمس الواعظین در شماره ۳۹ روزنامه توس پس از رد انتساب نگارش مطلب ستون «با مسئولیت سردبیر» می افزاید: «مقالات نوشته سردبیر قطعا با نام و امضای ایشان در ستون سرمقاله درج می شود.» این در حالی است که در ۴۱ شماره ای که از روزنامه توس منتشر شد (غیر از سرمقاله شماره اول که به اعلام مرام نامه و اساس نامه روزنامه پرداخته است)، هیچ سرمقاله ای از ایشان و با نام و امضای وی در صفحه اول و صفحات دیگر درج نشده است. به راستی، پذیرش این مطلب کمی مشکل است که سردبیر و سرمقاله نویس یک روزنامه در طول تقریبا دو ماه، هیچ حرف و

حدیثی برای گفتن نداشته باشد.

ه‍ـ) تعبیرها و جمله هایی در این ستون آمده است که انشای آن از کسی جز مدیران و مسئولان ارشد روزنامه یا نماینده رسمی و سخن گوی آن بعید است. جمله هایی مانند این عبارت:

سخن آخر اینکه مؤسسه جامعه به دنبال تفنّن و ماجراجویی نبود؛ آمده بود تا با عزم راسخ و ثبات قدم در جهت توسعه سیاسی و تحکیم مبانی جامعه مدنی در چارچوب پروژه فکری رئیس جمهور تلاش کند، تا زمانی که این سیستم قانونی ــ علی رغم تمامی مشکلاتش ــ حداقل راه های قانونی را بر آن باز کند، به تلاش خود ادامه می دهد.(۱)

اگر احتمال های طرح شده را نادیده بیانگاریم، با این حال، از آنجا که مقاله های ارسالی، با مسئولیت آقای شمس الواعظین و گزینش و صلاحدید ایشان منتشر شده است، انتساب دیدگاه ها و گرایش های موجود به وی، بی پایه و اساس نیست.

در این تحلیل محتوا، ستون «با مسئولیت سردبیر» در روزنامه توس، در فاصله زمانی ۳/۵/۱۳۷۷ تا ۲۴/۶/۱۳۷۷ بررسی و ارزیابی شده است. اطلاعات مربوط به این ستون به شرح زیر است:

ردیف

عنوان یادداشت

نویسنده

موضوع اصلی

موضوع فرعی

نمونه نظریه های ارائه شده

نشریه

۱

راه بی بازگشت

با مسئولیت سردبیر

اقتدارگرایان

دادگاه تجدید نظر روزنامه جامعه

ـ مردم از آنها مطالبه حقوق سیاسی معوقه را دارند.

ـ شبهه خروج از قانون، اعتدال، مروت، رودررویی با مردم و انتقام از آنها، انکارناشدنی است.

توس،ش ۱

ص: ۹۲

۱- توس، ش ۵.

۲

چرا از تعطیلی «فردا» متأسفیم

با مسئولیت سردبیر

تعطیلی روزنامه فردا

روش مطبوعاتی فردا

_ لازم نیست برای دفاع از روحانیت، سنت، اسلام حوزوی، ارزش های انقلابی به لمپنیسم مطبوعاتی که روش راست غیر مدرن است، رو آورد.

توس،ش ۲

۳

گردن های باریک تر از مو

با مسئولیت سردبیر

ناخشنودی دستگاه قضایی از پیروی قانون

محکومیت آقای جلایی پور در دادگاه تجدید نظر

_ دستگاه قضایی از قانونی بودن ناخشنود است. _ برای بستن راه دوم خرداد یک راه وجود دارد و آن هم تبدیل قانون به شبه قانون است.

توس،ش ۷

۴

نعل وارونه

با مسئولیت سردبیر

جناح اقتدارگر

رفتارهای خارج از قانون

ــ رفتاری خارج از قانون دارند و اساسا در تفکر با قانون همساز نیستند.

ــ قانون در بعضی محافل، قرآن سر نیزه کردن است.توس،ش ۷

۵

دو نقل و قول و یک اشاره

با مسئولیت سردبیر

نظام مراتبی ارزش ها

ارزش گذاری عوامانه جامعه مدرسین

درنظام ارزش گذاری جامعه مدرسین، احکام نورانی قرآن در مرتبتی پایین تر از بنیان گذار جمهوری اسلامی است.

توس،ش ۲۲

۶

سخنی درباره حوزه علمیه

با مسئولیت سردبیر

ابهام در ساختار و کارکرد حوزه علمیه

ایدئولوژی و کارکردهای مصلحت اندیشانه

ــ با اعلام «قلمرو ممنوع»، راه تعامل جامعه علمی را با آن می بندند

.ــ ایدئولوژی ها هرگز حاضر نیستند اندرونی خود را آشکار کنند.

ــ تحلیل جوانب گوناگون فرهنگ و تاریخ معاصر بدون شناخت کافی و دقیق از این نهاد ناممکن است.

توس،ش ۲۹

۷

پرواز سنگین سرب

با مسئولیت سردبیر

حکومت و اقتدارگرایان

ترسیم وضع کنونی مراکز قدرت

ـ شبح خشونت پس از دو سال مطالبه خواهی کم رنگ، دوباره خودنمایی می کند.

توس،ش ۳۵

ص: ۹۳

۸

صدای شکستن استخوان اهالی دربخانه

با مسئولیت سردبیر

جناح اقتدارگرا و تغییر ارزش ها

تأیید و سکوت بعضی از مسئولان در برابر گروه های فشار

ــ امروز منازعات کمتر بر سر ارزش ها و بیشتر بر سر موقعیت هاست.

ــ در سال های اخیر، غیبت مطلق ارزش ها به مشام می رسد.

ــ سکوت آنها در برابر گروه های فشار، مصلحت قدرت بود.

توس،ش ۳۷

۹

خبرگان بر سر دوراهی

با مسئولیت سردبیر

خبرگان رهبری

انتقاد به سکوت خبرگان در مقابل تغییرات سیاسی دو سال گذشته

ــ پاره ای از جریانات سیاسی، خبرگان را به تابو تبدیل کرده و اجازه نمی دهد به حریم آن نزدیک شوند.

ــ به علت ارتفاع گرفتن، گزارش عملکرد چند ساله اش را نمی دهد.

توس،ش ۳۹

۱۰

هان ای دل عبرت بین!

با مسئولیت سردبیر

جناح اقتدارگرا در حمایت از گروه های فشار

حمله گروه های فشار به مسئولان مملکتی

ــ کم کاری یا همکاری بعضی از مسئولان، روند خشونت گرایی گروه های فشار را تقویت کرده است.

ــ ممکن است صحنه گردانان در چهره غیر واقعی قانون مدار و خشونت گریز ظاهر شوند.

توس،ش ۴۱

الف) شمس الواعظین، مطبوعات و لزوم رعایت اصول اخلاقی

الف) شمس الواعظین، مطبوعات و لزوم رعایت اصول اخلاقی

پیش از پرداختن به تحلیل محتوای ستونی که با مسئولیت شمس الواعظین منتشر می شد، آشنایی با دیدگاه های ایشان در مورد رعایت اصول اخلاقی و مطبوعاتی در نشریه جامعه مدنی خالی از لطف نیست. آقای شمس الواعظین در مرام نامه روزنامه توس ــ شماره اول ــ که با نام و امضای ایشان منتشر شده می نویسد:

روزنامه توس به کلیه نهادها، احزاب، جمعیت ها و گروه های اجتماعی در دو طیف

مدرن و سنتی احترام می گذارد و در راه توسعه گفتمان و گفت و شنود تعالی بخش، به دور از هرگونه جانب داری و تعصب کوشش می کند. روزنامه توس، تعدد و تقابل دیدگاه ها را معتبر می داند و بدان احترام می گذارد.

نیز در اولین ستون «با مسئولیت سردبیر» (توس ۱۳۷۷/۵/۴) با ابراز تأسف از تعطیلی روزنامه فردا می نویسد:

فردا اثبات کرد که برای دفاع از روحانیت، سنت، اسلام حوزوی، ارزش های انقلابی لازم نیست به مسخره کردن، هتاکی، فحاشی، هوچی گری و در یک کلام، لمپنیسم مطبوعاتی رو آورد... فردا نشان داد که می توان راست بود، اما نجیب؛ می توان نقاد بود، اما عفیف.

آقای شمس الواعظین در این عبارت های کوتاه، ولی معنادار، به لزوم رعایت چند اصل اساسی در روزنامه توس تأکید کرده است:

۱. احترام به دیگران و رعایت حریم و حرمت جناح های مدرن و سنتی و اشخاص حقیقی و حقوقی؛

۲. گفتمان و گفت و شنود تعالی بخش و به دور از تمسخر، هتاکی، هوچی گری و فحاشی؛

۳. نقد و بررسی بی طرفانه و منصفانه دیدگاه ها و عملکردها.

اکنون به نظاره می نشینیم که آقای شمس الواعظین در بحث و گفت وگو و به دور از سخریه و هتاکی و هوچی گری، عفت و نجابت در گفتار و نوشتار را رعایت کرده است یا خیر؟

ب) اوضاع سیاسی نظام جمهوری اسلامی در آثار شمس الواعظین

ب) اوضاع سیاسی نظام جمهوری اسلامی در آثار شمس الواعظین

آقای سردبیر، در ستون یاد شده، به بررسی و تحلیل اوضاع سیاسی کشور گرایش بیشتری نشان داده است. اینکه ایشان چه چهره ای از نظام جمهوری

اسلامی، ارکان و مؤلفه های آن و اوضاع عمومی کشور ترسیم می کند، پرسشی است که این بخش تلاش می کند پاسخی مستند برای آن بیابد.

چهره ای که آقای سردبیر از اوضاع سیاسی کشور به تصویر می کشد، امیدوار کننده نیست. این مطلب را علاوه بر اطلاعات به دست آمده، تعبیر ایشان نیز تأیید می کند:

آیا انقلاب ایران به این مرحله رسیده است؟ ایده آل گرایی ما مقتضی آن است که به این پرسش پاسخ منفی ندهیم. با این حال پاره ای وقایع هست که خوش بین ترین افراد را نیز به سوی پاسخی ناخوشایند می راند.(۱)

مرحله ای که انقلاب به آن رسیده، چه مرحله ای است؟ مرحله ای آکنده از خشونت، جنگ و کشمکش قدرت میان بانیان دیروز انقلاب و حاکمان امروز، خفقان و فقدان آزادی، حمله به مردم، ضرب و شتم هنرمندان و روشن فکران، استفاده ابزاری از قانون و... .

از نمایی نزدیک، با گوشه ای از تعبیرهای ایشان در ترسیم چهره سیاسی کشور آشنا می شویم:

جدول تحلیل محتوای کیفی دیدگاه های آقای شمس الواعظین درباره

اوضاع سیاسی کشور

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

له

علیه

نشانی

اوضاع سیاسی جمهوری اسلامی ایران

۱. ارزش ها در پرتو قدرت کم رنگ می شود.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۲. منازعات کمتر بر سر ارزش ها و بیشتر بر سر موقعیت هاست.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۳. کم کم پرونده فداکاری ها بسته می شود.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۴. کفه به نفع منفعت خواهی می چربد.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۵. ارزش های انقلاب، بهانه حضور در صحنه جدال سیاسی.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۱- ۱.توس، ش ۳۷، ۱۵/۶/۱۳۷۷.

۶. انقلاب برای افراد، نه افراد برای انقلاب.

۱

پتوس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۷. رقابت های زمخت و زخمگین سلطه می یابد.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۸. ارزش ها وجه المصالحه و وجه المنازعه قدرت و منزلت می شود.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۹. خوش بین ترین افراد نیز وضعیت فوق را تأیید می کنند.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۱۰. اردوی انقلاب شکاف های عمیق دیگری برداشت.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۱۱. ارزش های ایدئولوژی انقلاب به تدریج ارزش حقیقی خود را فرو نهاد.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۱۲. بخشی از طیف انقلاب با خشونت به طرد دیگران پرداخت.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۱۳. حاشیه نشینی ارزش ها و به صحنه آمدن قدرت در اینجا نیز توقف نیافت.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۱۴. از روند منازعات سیاسی، غیبت مطلق ارزش ها استشمام می شد.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۱۵. حمله به کتاب فروشی، به سینما، به محل برگزاری کنسرت.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۱۶. ضرب و شتم مردم به جرم رنگ لباس و نقص حجاب.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۱۷. تأیید یا سکوت مسئولان از سویی دیگر در مقابل این تحرکات.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۱۸. بزرگان فکر و فرهنگ و سیاست را به وضوح مورد اهانت و آزار قرار دهند.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۱۹. متخلفان و مهاجمان به مردم و بزرگان هیچ سخن درشتی را نشنوند و مجازاتی نشوند.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۲۰. سکوت و تأیید مدعیان ایدئولوژی انقلاب برای حفظ قدرت خود در برابر هتاکی و خشونت ها.

۱

توس ۷/۶/۱۳۷۷

۲۱. فحش ناموس به برگزیدگان مردم.

۱

توس ۷/۶/۱۳۷۷

۲۲. برداشتن عمامه یک روحانی روشنگر و خوش نام و بر زمین انداختن آن.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۲۳. مجروح و مصدوم نمودن وزیر فرهیخته و محافظان او.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۲۴. استفاده از خشونت برای برقراری تک صدایی.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۲۵. هتک حرمت ها، شکستن حریم ها و وداع با آبرو و ضدیت مطلق با افکار عمومی.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۲۶. کوتاهی آقای رئیس جمهور در دفاع از حقوق و آزادی های مشروع منتقدان.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۲۷. مشخص نبودن ساختار سیاسی به ویژه وضعیت احزاب.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۲۸. عملکردهای مدیران سیاسی در هیچ ساختاری ارزش یابی نمی شود.

۱

توس ۱۵/۶/۱۳۷۷

۲۹. مطبوعات به دلیل جو حاکم توجیه گر امور دولت و دولتمردان هستند.

۱

توس ۷/۶/۱۳۷۷

۳۰. مطبوعات از ترس تعطیل شدن جسارت نوشتن و ارزیابی کردن را ندارند

.

۱

توس ۷/۶/۱۳۷۷

۳۱. جنگ قدرت غیرقانونی.

۱

توس ۱۲/۶/۱۳۷۷

۳۲. توهین به مردم از مهم ترین تریبون ها.

۱

توس ۱۲/۶/۱۳۷۷

۳۳. تبدیل رسانه های ملی به رسانه های گروهی و جناحی.

۱

توس ۱۲/۶/۱۳۷۷

۳۴. زمام اندیشه انتخاب ملت در کف یک شورا.

۱

توس ۱۲/۶/۱۳۷۷

۳۵. انکار کبرآمیز با پرسش های مردم و روشن فکران.

۱

توس ۱۲/۶/۱۳۷۷

۳۶. دادگستری داد نمی گسترد.

۱

توس ۱۲/۶/۱۳۷۷

۳۷. نیروهای امنیتی نماد امنیت نیستند.

۱

توس ۱۲/۶/۱۳۷۷

۳۸. زیبایی، فربهی، شادابی، اندیشه و عقل و میل به زندگی جرم است.

۱

توس ۱۲/۶/۱۳۷۷

۳۹. تسویه حساب جدی با آزادی خواهان، روشن فکران، هنرمندان و هرآنکه استقلال فکر داشت، صورت گرفت.

۱

توس ۱۲/۶/۱۳۷۷

۴۰. آلودگی فضای سیاسی به خشونت، بهانه به دست گروه های اقتدارگرا داده است.

۱

توس ۱۲/۶/۱۳۷۷

۴۱. در یکی دو ماه گذشته شاهد جان گرفتن دوباره حرکات تروریستی بوده ایم.

۱

توس ۱۲/۶/۱۳۷۷

۴۲. موضع گیریهای سیاسی ـ نظامی شدید.

۱

توس ۱۲/۶/۱۳۷۷

ص: ۹۷

۴۳. خطر جدی و بالقوه که با شلیک یک گلوله شاید حتی به اشتباه و ناخواسته، چشم انداز جنگی دیگر آشنا شود.

۱

توس ۱۲/۶/۱۳۷۷

ناگفته نماند آقای شمس الواعظین در توصیف اوضاع سیاسی کشور، تعبیرها و جمله های متعدد دیگری دارد که چون در مورد برخی ارکان، مؤلفه ها و جناح های کشور طرح شده است، در بخش دوم _ ارکان و مؤلفه های نظام جمهوری اسلامی _ جداگانه به بررسی آن پرداخته ایم. ایشان در مقابل ۴۵ عبارت منفی که وضعیت سیاسی جمهوری اسلامی را تأسف بار ترسیم می کند، تعبیر امیدوارکننده ای به جز واقعه دوم خرداد و امیدی که از پیروزی روشن فکران و جناح آزادی خواه در دل ها به وجود آمده _ و در بحث رویارویی جبهه اقتدارگرا و جبهه دوم خرداد به آن خواهیم پرداخت _ در آثار وی به چشم نمی خورد. مهم ترین ویژگی هایی که شمس الواعظین، اوضاع سیاسی جاری را به آن توصیف می کند، به این شرح است:

یک _ جنگ قدرت برای تصاحب موقعیت ها

اوضاع به تدریج شکل و شمایل دیگری به خود می گیرد. ارزش ها در پرتو قدرت کم رنگ می شود، منازعات کمتر بر ارزش ها و بیشتر بر سر موقعیت هاست. کم کم پرونده فداکاری ها بسته می شود و کفه به نفع منفعت خواهی می چربد و ایدئولوژی و ارزش های آن، بهانه حضور در صحنه جدال سیاسی می شود... در هر دوره ای، بخشی از طیف انقلاب در پوستین حقیقت و تمامیت ارزش های انقلاب درخزید و با خشونت، به طرد دیگران برخاست، اما روند حاشیه نشینی ارزش ها و به صحنه آمدن قدرت در اینجا نیز توقف نیافت، درسال های اخیر، روند منازعات سیاسی و شیوه های آن، سیرت و صورتی به خود گرفت که از آن، غیبت مطلق ارزش ها استشمام

می شد.(۱)

دو ـ کم اعتنایی و توهین به مردم و روشن فکران و به مخاطره افتادن امنیت آنان

اگر در ابتدای انقلاب، گروه های سیاسی دست به خشونت نمی زدند، اوضاع چگونه سر می شد؟ ... کسی خود را وارث یا مورّث انقلاب نمی دانست، کسی جرأت نمی کرد از مهم ترین تریبون ها به مردم توهین کند... زمام اندیشه و انتخاب ملت در کف یک شورا قرار نمی گرفت، پرسش های مردم و روشن فکران با انکارهای کبرآمیز روبه رو نمی شد، دادگستری داد می گسترد. نیروهای امنیتی نماد امنیت بودند و زیبایی، فربهی، شادی، اندیشه و عقل جرم نبود، میل به زندگی جرم نبود... در یکی دو ماه گذشته، شاهد جان گرفتن دوباره حرکات تروریستی بوده ایم.(۲)

سه ـ ضرب وجرح مردم و تسویه حساب و قلع وقمع روشن فکران و آزادی خواهان

حمله به کتاب فروشی، به سینما، به محل برگزاری کنسرت و ضرب و شتم مردم به جرم رنگ لباس و نقص حجاب از سوی کسانی که یک قسم ماجراجویی شخصی داشتند و یک قسم کارکرد بازی قدرت.

پدیده ای به نام گروه فشار بروز کرد که برای حفظ ارزش ها به برگزیدگان مردم فحش ناموس داد، عمامه یک روحانی روشنگر و خوش نام را از سر او برداشت، به زمین انداخت و وزیر فرهیخته و محافظان او را مجروح و مصدوم کرد... . هتک حرمت ها و شکستن حریم ها و وداع با آبرو و ضدیت مطلق با افکار عمومی هیچ نیست جز میل به فروپاشی و سرعت در

۱- ۲.توس، ش ۳۷، ۱۵/۶/۷۷۱۳.

۲- ۳.توس، ش ۳۵،۱۲/۶/۷۷۱۳.

سراشیبی.(۱)

در پناه زمینه مساعدی که برای قلع و قمع تروریست ها و جدایی طلبان و مهاجمان خارجی پیش آمد، تکلیف بسیاری دیگر هم روشن شد و با آزادی خواهان، روشن فکران، هنرمندان و هر آنکه استقلال فکری داشت، تسویه حساب جدی صورت گرفت.(۲)

چهار ـ سکوت یا تأیید معنادار مسئولان نظام در برابر توهین و ضرب و شتم مردم و آزادی خواهان

حمله به کتاب فروشی، به سینما، به محل برگزاری کنسرت و ضرب و شتم مردم به جرم رنگ لباس و نقص حجاب... از سوی بعضی تأیید شد و از سوی بعض دیگر مورد سکوت قرار گرفت. آن تأیید و این سکوت، دامنه حمله عناصر بی مسئولیت را به سخنرانی ها، رجال علمی و سرانجام رجال سیاسی کشاند. ارزش ایدئولوژی انقلاب حکم می کرد که مدعیان ایدئولوژی انقلاب از این رفتارها اعلام برائت کنند، ولی نکردند به این دلیل ساده که قدرت از ایدئولوژی سبق می برد... کسانی که در برابر این جریانات سکوت کردند، لابد مصلحت ندیدند سخن بگویند، اما این مصلحت، بی شک مصلحت قدرت بود، نه مصلحت ایدئولوژی.(۳)

پنج ـ نبود نظارت بر عملکرد و رفتار سیاسی مدیران نظام

متأسفانه در کشور ما به دلیل نبودن ساختار مشخص سیاسی، به ویژه

۱- ۴.توس، ش ۳۷، ۱۵/۶/۱۳۷۷.

۲- ۵.توس، ش ۳۵، ۱۲/۶/۷۷۱۳.

۳- ۶.توس، ش ۳۷.

احزاب، عملکردهای مدیران سیاسی در هیچ ساختاری ارزش یابی نمی شود.(۱)

شش ــ نبود آزادی برای مطبوعات و رسانه های گروهی

مطبوعات نیز به دلیل جو حاکم بر آنها، توجیه گر امور دولت و دولتمردان هستند و یا از ترس تعطیل شدن، جسارت نوشتن و ارزیابی کردن را ندارند.(۲)

هیئت منصفه مهم ترین عاملی است که می تواند جلوی قلع و قمع سریع مطبوعات را بگیرد.(۳)

اعضای هیئت منصفه، دست کم آنهایی که مخالف عملکرد دادگستری در این زمینه بوده اند، برای دفاع از حق خود و حقوق مطبوعات و اعلام مخالفت خود از چه چیزی در هراسند؟ با هرکس تماس گرفته می شود، مخالف است، اما به مصلحت نمی داند که نظر او اعلام شود. می ترسد که این اظهارنظر نشانه نوعی گرایش سیاسی تلقی شود. یکی از سر مصلحت دروغ می گوید، دیگری از سر مصلحت، سکوت می کند و در این میان، مردم جامعه مدنی و مطبوعات قربانی می شوند.(۴)

هفت ــ گسترش جنبش اصلاح طلب متشکل از مردم و روشن فکران برای خروج از بحران موجود

آقای شمس الواعظین در ستون «با مسئولیت سردبیر» به تولد، رشد و گسترش جنبش های اصلاحگری پرداخته است که برای اصلاح وضعیت

۱- ۷.توس، ش ۳۰، ۷/۶/۱۳۷۷.

۲- ۸.همان.

۳- ۹.توس، ش ۱۴، ۱۹/۵/۱۳۷۷.

۴- ۱۰.توس، ش ۱۴.

بحرانی موجود و مطالبه حقوق معوقه خود، روزبه روز به سوی تشکل و انسجام پیش می رونـد. از نظر او، بی اعتنـایی به این جنبش ها، حرکت های خشن و تغییرات پر افت و خیز انقلابی را به دنبال خواهد داشت. در این باره، در قسمت بعد (مردم در ستون با مسئولیت سردبیر) مطالبی آمده است.

ج) مؤلفه ها و ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران در آثار شمس الواعظین

اشاره

ج) مؤلفه ها و ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران در آثار شمس الواعظین

زیر فصل ها

یک ـ مردم

دو ـ قانون اساسی جمهوری اسلامی در ستون «با مسئولیت سردبیر»

سه ـ رهبری انقلاب اسلامی

پنج ـ مجلس خبرگان

شش ـ قوه مقننه و قضاییه

هفت ـ حوزه علمیه ـ نهاد روحانیت

هشت ـ راست سنتی یا جناح اقتدارگرا

یک ـ مردم

یک ـ مردم

مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جایگاه ممتاز و نقش تعیین کننده ای در معادلات سیاسی کشور برخوردارند. رهبر، رئیس جمهور و قوه مقننه بـا آرای مسـتقیم و غیرمسـتقیم آنان برگزیـده می شونـد. اینکه مردم در جمهوری اسـلامی چه وضـعیت و جایگاهی دارند، پرسشی است که آقای شمس الواعظین تلاش کرده است به آن پاسخ گوید. برای آشنایی اجمالی با دیدگاه های وی به جدول تحلیل کیفی نگاه می کنیم:

تعبیرهای به کار رفته

فراوانی

تاریخ نشر

مردم ایران

ـ پس از دوم خرداد به اصلاح سیاسی و فرهنگی ایرانیان امید بسته اند.

۱

۱۰/۵/۱۳۷۷

ـ به آقای خاتمی به منظور خاصی رأی داده اند.

۱

۲۵/۵/۱۳۷۷

ـ عشق آنان به خاتمی رو به افزایش است.

۱

۲۵/۵/۱۳۷۷

ـ با آقای خاتمی عقد اخوت ابدی بسته اند.

۲

۲۵/۵/۱۳۷۷

ـ دو مطلب اساسی دارند: عدالت و آزادی.

۱

۹/۶/۱۳۷۷

ـ همه گروه ها و جناح های سیاسی، خود را به آنان منتسب می دانند.

۱

۶/۵/۱۳۷۷

ــ بر اشاعه و استقرار منکری کوچک هم اجتماع نمی کنند؛ چه برسد به منکری بزرگ.

۱

۶/۵/۱۳۷۷

ــ رویارویی با جبهه اقتدارگرا

۷

۳و۹/۵/۱۳۷۷ و ۹/۶/۱۳۷۷

ــ بالغ، فهیم، نجیب، شریف و مؤمن

۱

۶/۵/۱۳۷۷

ــ توهین به آنان در مهم ترین تریبون های جمهوری اسلامی

۱

۱۵/۶/۱۳۷۷

ــ فحش و ناسزا به برگزیدگان آنان

۱

۱۵/۶/۱۳۷۷

ــ ضرب و شتم آنان به جرم رنگ لباس و نقص حجاب

۱

۱۵/۶/۱۳۷۷

ــ مطالبه حقوق معوقه خود

۳

۹/۶/۱۳۷۷

مهم ترین مباحثی که آقای شمس الواعظین درباره ملت ایران به آن پرداخته به شرح زیر است:

ص: ۱۰۲

اول ــ تمجید و تحسین ملت ایران

ملت بـالغ و فهیم ایران... اطمینـان می دهم که مردم نجیب، شـریف و مؤمن ایران حتی بر اشاعه و اسـتقرار منکری کوچک هم اجماع نمی کنند تا چه رسد به منکری بزرگ.(۱)

دوم ــ توهین به مردم و ضرب و شتم آنان بدون پی گرد قانونی

آقای شـمس الواعظین پس از اثبات شـرافت و بزرگواری ملت ایران، از ظلم ها و تعدیاتی که بر این مردم شریف در جمهوری اسلامی رفته است، سخن می گوید:

حمله به کتاب فروشـی ها، به سـینما، به مجلس برگزاری کنسـرت و ضـرب و شـتم مردم به جرم رنگ لباس و نقص حجاب از سوی کسانی که یک قسم ماجراجویی شخصـی داشـتند و یک قسم کارکرد بازی قدرت.(۲) [حتی]برای حفـظ ارزش ها می توان به برگزیدگان مردم فحش ناموس داد.(۳)

سوم ــ تأکید بر آزادی مردم در انتخاب نوع حکومت و تفسیر آن

آقای شمس الواعظین در ستون «با مسئولیت سردبیر» صرفا از حقوق، انتظارات و توقعات مردم از حکومت سخن گفته است، نه از حقوقی که حکومت بر مردم دارد. وی بر این نکته تأکیـد ویژه ای دارد که حـاکمیت مردم بر سرنوشـتشان اقتضا می کنـد با هر حکومتی بیعت کننـد یـا به دلخواه آن را تغییر دهنـد؛ اگرچه حکومت علی علیه السـلام باشـد، چه رسـد به حکومتی که به باطل شبیه تر است تا به حق:

مردم هر سرزمین صاحبان اصلی و واقعی آن سرزمین و ذخایر مادی و

۱- ۱.توس، ش ۴، ۶/۵/۷۷۱۳.

۲- ۲.توس، ش ۳۷، ۱۵/۶/۷۷۱۳.

۳- ۳.همان.

معنوی آن هستند... از سوی دیگر، محدود کردن تصمیم گیری مردم و انحصار آن در انتخاب های محدود نیز با طبیعت انسان ناسازگار است... این نکته را هم بایـد افزود که در تمام آن بیست و پنج سال، حضـرت امیر علیه السـلام طبق عقیده ما شـیعیان امـام بود، هر چنـد حـاکم نبود، همچنین پس از او سایر ائمه هم اگرچه امام بودنـد، اما به دلیل عـدم خواست مردم، آنها حاکم نبودنـد و تاریـخ هم به خاطر نمی آورد که هیـچ کـدام از ائمه تلاش کرده باشـند تا خود را بر مردم تحمیل کند... این البته در صورتی است که حق بودن امری را بتوان به وضوح نشـان داد. در این میـان، دیگر تکلیف بسـیاری از حق هـا که یا اصولاً حق بودن آنها را نمی توان با قاطعیت اثبات کرد و یا چندان اند که به باطل شبیه ترند تا به حق، روشن است.(۱)

چهارم ـ مردم و روشن فکران، خواهان حقوق معوقه خود

مردم به همراه جامعه روشن فکری، حقوق معوقه خود ـ دموکراسـی و آزادی ـ را از نظام اسلامی، مطالبه می کنند؛ مطالباتی که هرگونه تأخیر در اعطای آن، حرکات خشن، تغییرات پرافت و خیز و در نتیجه اتلاف سنگین انرژی را به دنبال دارد.

اشـکال کار حزب کمونیست شوروی این بود که پروژه اصـلاح را آن قدر به تأخیر انداخت که به انهدام و فروپاشی منجر شد. اشکال شوروی آمدن گورباچف نبود، دیر آمدن او بود. اگر زودتر به آن رضایت می دادند، قطعا هزینه کمتری می پرداختند. هیچ راهی جز دموکراسی وجود ندارد؛ چون

ص: ۱۰۴

۱- ۴.توس، ش ۴.

دموکراسی حکومت طبع است و به همین دلیل قوام می گیرد و می مانـد. می توان آن را به تأخیر انداخت، اما نه برای همیشه. تـأخیر آن فرآینـد توسعه ظرفیت هـای سیاسـی ـ فرهنگی جـامعه را بـا بحران هایی مواجه می کنـد که برای عبور از آن، باید اصـطکاک های بیشتری را پذیرفت. اجماع روشن فکران امروز ایران این است که از تأخیر بیشتر اصـلاحات در باز کردن فضـا جلوگیری کننـد تـا فشـار مطالبـات از مردم، تاریـخ سیاسـی ایران را بـا حرکات خشن، تغییرات پرافت و خیز و در نتیجه اتلاف سنگین انرژی مواجه نکند.(۱)

ائتلاف آزادی خواه با خدا پیمان بسته است که فارغ از هرگونه تمایل به هماوردی و برتری طلبی و خشونت ورزی، حقوقی را طلب کنـد که در هر دوره ای به بهـانه ای از آنان سـلب شـده است. بنابراین، مقاومت رقیب برای او قابل فهم است، اگرچه در این راه، گـاه شـبهه خروج رقیب از قـانون، از اعتـدال، از مروّت و شـبهه رودررویی او بـا مردم و انتقـام از آنهـا به اسـتناد انبـوه شواهد انکار ناشدنی است.(۲)

پنجم ـ مقابله و رویارویی مردم با جناح اقتدارگرا و تمامیت خواه

رویارویی مردم با جناح تمامیت خواه از نکاتی است که در ستون با مسئولیت سردبیر به آن پرداخته شده است.

مواردی چون خلع وزیر کشور، محکومیت سـنگین شـهردار و لغو امتیـاز روزنـامه جامعه، واکنش های صـریح و مسـتقیم جبهه اقتدارگرا در برابر مردمی

۱- ۵.توس، ش ۳۲، ۹/۶/۷۷۱۳.

۲- ۶.توس، ش ۱، ۳/۵/۷۷۱۳.

است که تصمیم گرفته اند حقوق سیاسی معوقه خویش را مطالبه کنند.(۱)

نکته مهم این است که بدانیم جناح تمامیت خواه و اقتدارگرا در منظومه فکری جامعه نویسان ـ و از جمله آقای شمس الواعظین ـ به چه اشخاص حقیقی و حقوقی گفته می شود. در تحلیل مقالات آقای جلایی پور به این بحث پرداخته ایم که به بحث جناح اقتدارگرا در آثار شمس الواعظین خواهیم پرداخت.

نقد و نظر

الف) آقای شمس الواعظین در شماره ۳۲ توس ـ ۹/۶/۱۳۷۷ ـ به اینکه جناح ها و گروه های سیاسی در تاریخ ایران همواره از مردم مایه گذاشته و آنان را به خود و حامی و پشتیبان دیدگاه ها و ایده های خویش منتسب دانسته اند، اعتراض کرده، می نویسد:

در ادبیات سیاسی دو دهه اخیر ایران نیز «مردم» و «ملت» آن قدر پشتوانه موضع گیری متضاد قرار گرفته اند که عقل در شگفت می ماند. مگر این پدیده چقدر انعطاف پذیر است که گروه های سیاسی تا این حد متفاوت، همه خود را به آن منسوب و مستند می کنند.

اگر به تعبیرهای پیش گفته دوباره بنگریم، متوجه خواهیم شد که این دقیقا همان شیوه ای است که همواره برای محکومیت و استیصال جناح رقیب و تقویت پایگاه اجتماعی جناح خودی از آن استفاده شده است، مانند آنجا که از مقابله جناح اقتدارگرا با مردم سخن می گوید یا آنجا که از همراهی مردم با روشن فکران برای مطالبه حقوق معوقه سخن می گوید.

ـ مردم در پای سخنان رهبران یک جریان، علیه جریان فکری دیگر ابراز

---

۱ – ۷.همان.

احساسات می کنند.(۱)

ــ مردم تصمیم گرفته اند حقوق سیاسی معوقه خویش را مطالبه کنند.(۲)

ــ افکار عمومی علاقه مندند مواضع اعضای هیئت منصفه دادگاه مطبوعات را درباره قرار توقف انتشار روزنامه توس و تشکیل دادگاه و صدور حکم در غیاب هیئت منصفه بدانند.(۳)

ــ پرسش های مردم و روشن فکران با انکارهای کبرآمیز روبه رو می شود.(۴)

آقای شمس الواعظین ــ مانند گروه ها و جناح های سیاسی دیگر ــ به نام مردم بسنده می کند و توضیح نمی دهد منظورش از مردم چه کسانی است. آیا همه مردم مورد حمله و ضرب و شتم قرار می گیرند، یا نیمی از مردم یا تعدادی از آنان؟ گمان نمی رود منظور ایشان همه مردم یا نیمی از آنان باشد، بلکه به احتمال قریب به یقین، تعدادی از آنان منظور است که در کنسرت یا نمایشی شرکت کرده اند. آیا در این صورت، درست است از عده ای که در حادثه ای مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند، به مردم تعبیر شود یا بهتر است بگوییم: «گروهی از شرکت کنندگان در کنسرت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند» که به واقع نزدیک تر است؟

انصاف آن است همچنان که هیچ روزنامه نویس و گزارشگری بر خود اجازه نمی دهد به مبنای حدس و گمان خود، خبری را به رهبر، رئیس

۱- ۸.توس، ش ۳۲، ۹/۶/۷۷۱۳.

۲- ۹.توس، ش ۱، ۳/۵/۷۷۱۳.

۳- ۱۰.توس، ش ۱۴، ۱۹/۵/۷۷۱۳.

۴- ۱۱.توس، ش ۳۵، ۱۲/۶/۷۷۱۳.

جمهور یا هر شخصیت حقیقی و حقوقی دیگری نسبت دهد، باید شأن مردم و حقوق آنان را دست کم در حد یک شخصیت حقیقی و حقوقی پاس داشته و از استفاده ابزاری از نام آنان، به ویژه در انتساب اخبار و تحلیل ها بر مبنای حدس و گمان شخصی یا ایده های جناحی به منظور وارد آوردن فشار روانی و تبلیغاتی بر رقیبان، پرهیز کرد. ناگفته پیداست انتسابی که بر مبنای نظرخواهی معتبر، رأی گیری و انتخابات صورت می گیرد، از این قاعده مستثنا است. بدیهی است تنها در صورت التزام عملی و اخلاقی به این روش علمی و منطقی، از رخ دادن انتساب های پیش گفته جلوگیری خواهد شد.

ب) اکثر قریب به اتفاق مطالبی که ــ مستند یا غیر مستند ــ به مردم نسبت داده شده است، به نارضایتی از وضع موجود و اعتراض آنان به تهدیدها و فشارهای روزافزون باز می گردد، بی آنکه روشن سازد حضور موهوم مردم و دیدگاه ها و نظر آنان در رویدادهای مختلف را چگونه و از چه راهی به این راحتی به دست آورده اند. این در حالی است که از حضور مشهود و ملموس مردم در نمازهای جمعه، انتخابات و راه پیمایی های سراسری ــ که شاخص آماری خوبی برای سنجش رضایت آنان از نظام، انقلاب و رهبران خواهد بود ــ سخن به میان نمی آید.

دو ــ قانون اساسی جمهوری اسلامی در ستون «با مسئولیت سردبیر»

دو ــ قانون اساسی جمهوری اسلامی در ستون «با مسئولیت سردبیر»

قانون اساسی جمهوری اسلامی با جلب بیش از ۹۸ درصد آرا به خود در ۱۲ فروردین ۵۸، از اعتبار ملی و پشتوانه مردمی بالایی برخوردار است. با تعبیرهایی که درباره این منشور ملی در ستون «با مسئولیت سردبیر» آمده است، از نزدیک آشنا می شویم.

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

تاریخ نشر

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ـ قانون در بعضی محافل، قرآن بر سر نیزه است.

توس ۲۱/۵/۱۳۷۷

ـ اصلاحاتی موافق مذاق اقتدارگرایان در آن صورت گرفت.

توس ۲۱/۵/۱۳۷۷

ـ دارای گرایشی است که دست کم بنا بر یک تفسیر با دیگر شعارهای آقای خاتمی چندان همسو نیست.

توس ۷/۵/۱۳۷۷

ـ چه نظام نامه قانونی است که براساس آن به راحتی می توان یک وزیر برجسته، یک مدیر خلاق، یک روزنامه محبوب را درو کرد و به آرای عمومی و مصالح کشور و آرای کارشناسانه صدها حقوق دان بی اعتنا ماند.

توس ۷/۵/۱۳۷۷

ـ چرا این همه بی اعتنایی به قانون؟

توس ۷/۵/۱۳۷۷

ـ بی اعتنایی آشکار به قانون.

توس ۷/۵/۱۳۷۷

ـ قانون شکنی های به ظاهر قانونی.

توس ۷/۵/۱۳۷۷

ـ فریب کاری قانونی.

توس ۷/۵/۱۳۷۷

ــ یک سیستم قانونی دیگر نیاز هست.

توس ۷/۵/۱۳۷۷

ــ بزرگراه های قانونی در دست شماست، تنها کوره راه های آن محل اتکای محکومان است.

توس ۷/۵/۱۳۷۷

ــ در پناه قانون، فشارها و تهدیدها علیه اصلاحات راه به جایی نخواهد برد.

توس ۱۰/۵/۱۳۷۷

ــ راه اصلاحات از طریق قانون علی رغم تمام مقاومت ها راهی بی بازگشت است.

توس ۱۰/۵/۱۳۷۷

ــ نظام قانونی ما علی رغم مشکلاتش حداقل شرایط یک بازی قاعده مند را فراهم می کند.

توس ۱۰/۵/۱۳۷۷

ــ بگیرید، ببندید، بزنید پدر سوخته ها را منتها نه همین طور بی حساب وکتاب، بلکه طبق قانون.

توس ۷/۵/۱۳۷۷

ــ با قانون می توان جامعه را بست حتی می توان توس را هم بست، ولی بالاخره از جایی دیگر صدا برمی خیزد.

توس ۱۰/۵/۱۳۷۷

ــ این قانون بود که از جان های نا امید ما نیرویی به این قوت بیرون کشید.

توس ۱۰/۵/۱۳۷۷

ــ همین قوانین هم اگر به طور کامل اجرا شود، حداقلی از حقوق برای عموم مردم و حتی منتقدان تضمین می شود.

توس ۷/۵/۱۳۷۷

مهم ترین مطالبی که در ستون با مسئولیت سردبیر درباره قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده حول محورهای زیر است:

اول ــ نارسایی قانون اساسی و تشکیک در توان مندی آن:

تشکیک در اکمال و کارآمدی قانون اساسی از پیام های محوری این ستون است.

ص: ۱۰۹

نظام قانونی ما علی رغم مشکلاتش حداقل شرایط یک بازی قاعده مند را فراهم می کند.(۱)

چه نظام نامه قانونی است که براساس آن به راحتی می توان یک وزیر برجسته، یک مدیر خلاق، یک روزنامه محبوب را درو کرد و به آرای عمومی و مصالح کشور و آرای کارشناسانه صدها حقوق دان بی اعتنا ماند.(۲)

همین قوانین هم اگر به طور کامل اجرا شود، حداقلی از حقوق برای عموم مردم و حتی منتقدان تضمین می شود.(۳)

دوم ـ گرایش جناحی در تقنین قانون اساسی

آقای شمس الواعظین تدوین جناحی قانون اساسی را مسلّم انگاشته، در ستون با مسئولیت سردبیر می آورد:

اگر قانون اساسی لایتغیر است، از ابتدا لایتغیر بود یا بعد از اصلاحاتی که موافق مذاق اقتدارگرایان در آن صورت گرفت، لایتغیر شد و یا اساسا هر بار دیگری هم که از آن دست تغییرات در آن رخ دهد، متغیر است و فقط در مقابل اصلاحاتی که به مشارکت بیشتر منجر می شود، لایتغیر خواهد ماند.(۴)

تعجب از آن بود که قوانین جمهوری اسلامی ایران دارای گرایشی است که دست کم بنا بر یک تفسیر، با دیگر شعارهای آقای خاتمی چندان همسو نیست.(۵)

سوم ـ بی اعتنایی یا استفاده ابزاری و جناحی از قانون در جمهوری اسلامی

اگرچه قانون اساسی، در نظر آقای شمس الواعظین، صرفا حداقلی از حقوق شهروندی را برای مردم درنظر گرفته است ـ چنانکه در محور قبل

۱- ۱.توس، ش ۷، ۱۰/۵/۷۷۱۳.

۲- ۲.توس، ش ۵، ۷/۵/۷۷۱۳.

۳- ۳.همان.

۴- ۴.توس، ش ۱۶، ۲۱/۵/۷۷۱۳.

۵- ۵.توس، ش ۵، ۷/۵/۷۷۱۳.

بیان شد ــ ولی همین مقدار نیز یا مورد بی اعتنایی قرار می گیرد یا مورد سوء استفاده و تفسیرهای جناحی:

پس از دوم خرداد، جریان رقیب آقای خاتمی با خاطر جمعی از اینکه ابزارهای قانونی در دست اوست، از شعار قانون استقبال کرد و بنابر آن گذاشت تا با وسیله ای که حریف به آن تسلیم شده است، به مقابله با او برخیزد و چنین نیز کرد. موارد سه گانه استیضاح وزیر کشور، محاکمه شهردار و لغو امتیاز جامعه نمونه های بارز استفاده از قانون علیه جریان اصلاح طلب است.(۱)

با قانون می توان جامعه رابست حتی می توان توس را هم بست، ولی بالاخره از جایی دیگر صدا برمی خیزد.(۲)

چرا با قرائت های موسّع و مسئله دار از قانون، وزیر، مدیر و ارکان رکن چهارم را قلع و قمع می کنید؟(۳)

هیچ کدام از این قانون شکنی های به ظاهر قانونی، محکومان این پرونده ها را به اعتراض شدیداللحن وانداشت که چرا این همه بی اعتنایی به قانون؟(۴)

چهارم ــ تکیه بر قانون موجود ــ با تمام کاستی هایش ــ تنها روزنه امید اصلاحات و تغییرات مسالمت آمیز

می توان به تمام شهروندانی که از دوم خرداد به این سو به اصلاح سیاسی ــ فرهنگی ایران از طریق قانون امید بسته اند، اطمینان داد، مادامی که در پناه قانون و نه شبه قانون قرار دارند، فشارها و تهدیدها علیه اصلاحات راه به جایی نخواهد برد... راه اصلاحات از طریق قانون، علی رغم تمامی

۱- ۶.توس، ش ۱۶، ۲۱/۵/۷۷۱۳.

۲- ۷.توس، ش ۷، ۱۰/۵/۷۷۱۳.

۳- ۸.توس، ش ۵، ۷/۵/۷۷۱۳.

۴- ۹.همان.

مقاومت هایی که در برابر آن صورت می گیرد، راهی بی بازگشت است... این قانون بود که از جان های نا امید ما نیرویی به این قوت بیرون کشید.

چنانکه گذشت، از میان ۱۷ پیام اصلی درباره قانون اساسی، ۱۴ خبر ــ حدود ۸۲ درصد از مجموع کل اخبار ــ به نارسایی قانون اساسی، گرایش جناحی آن، استفاده ابزاری از آن و قانون شکنی اختصاص یافته است. این در حالی است که تنها ۳ خبر ــ ۱۸ درصد ــ محتوایی امیدبخش دارند. در حقیقت، می توان نتیجه گیری کرد که اخبار و تحلیل های ستون «با مسئولیت سردبیر» به سوی قانون گریزی جهت گیری شده است و قانون ستیزی را تبلیغ و تشویق می کند.

سه ــ رهبری انقلاب اسلامی

سه ــ رهبری انقلاب اسلامی

مقوله رهبری در انقلاب اسلامی ــ اعم از شخص رهبر و جایگاه آن در قانون اساسی و انقلاب اسلامی ــ از جمله موضوع هایی است که در ستون با مسئولیت سردبیر، دو گونه به آن پرداخته شده است:

اول ــ غیر مستقیم (زیر پوشش عنوان عام)

فضای مفهومی عنوان «جناح اقتدارگرا» و جناح «محافظه کار» در مقاله ها و اخبار جامعه و توس ــ و همچنین ستون با مسئولیت سردبیر ــ به گونه ای برای خوانندگان این دو روزنامه تعریف و تبیین شده است که رهبری را نیز شامل می شود. این مطلب پیش تر در تحلیل محتوایی آقای جلایی پور اثبات خواهد شد و پس از این ــ در بحث جناح اقتدارگرا از دیدگاه شمس الواعظین ــ نیز به آن خواهیم پرداخت. به طور طبیعی، اگر این مطلب ــ یعنی شمول عنوان جناح اقتدارگرا به رهبری ــ در جای خود مجددا ثابت شود، تمام اخبار، تحلیل ها و نسبت های روا یا ناروا که به جناح اقتدارگرا داده شده

است، شخص رهبری را نیز در برمی گیرد.

دوم ـ تعریضی و کنایه ای

بعضی تعبیرهای ستون با «مسئولیت سردبیر» به گونه ای است که یا فرداکمل و مصداق برجسته آن، رهبر انقلاب اسلامی ایران است و یا به گونه ای در مشروعیت ولی فقیه تشکیک می کند. مهم ترین این موارد به شرح زیر است:

۱. رهبری و اصلاح قانون اساسی

در جمهوری اسلامی ایران، فرمان بازبینی و اصلاح قانون اساسی در اختیار رهبر انقلاب است. از این رو، اصلاحات پیشین و نیز اصلاحات احتمالی بعدی در قانون اساسی مستقیما به رهبری منسوب است و با نظر و فرمان مستقیم ایشان آغاز و پس از تقریر و تأیید وی به آرای عمومی گذاشته می شود. بنابراین، آشکار است که مرجع اصلی هرگونه جمله وتعبیری در این باره ـ مانند آنچه در روزنامه توس، شماره ۱۶ در تاریخ ۲۱/۵/۷۷ ـ آمده شخص رهبری است:

اگر قانون اساسی لایتغیر است، از ابتدا لایتغیر بود یا بعد از اصلاحاتی که موافق مذاق اقتدارگرایان در آن صورت گرفت، لایتغیر شد و یا اساسا هربار دیگری هم که از آن دست تغییرات در آن رخ دهد، متغیر است و فقط در مقابل اصلاحاتی که به مشارکت بیشتر منجر می شود، لایتغیر خواهد ماند.

۲. رهبری و سکوت در مقابل هجوم و ضرب و شتم مردم و بزرگان

رهبری انقلاب اسلامی اگر مرجع اصلی و نهایی سیاست گذاری کلان نظام و نظریه پرداز انقلاب نباشد، بی گمان، یکی از اصلی ترین مراجع به شمار می آید. بنابراین، در صورتی که مطلبی ـ مثبت یا منفی ـ به مدعیان

ایدئولوژی انقلاب نسبت داده شود، رهبری انقلاب از مصادیق اصلی آن خواهد بود:

حمله به کتاب فروشی ها، به سینما، به محل برگزاری کنسرت و ضرب و شتم مردم به جرم رنگ لباس و نقص حجاب... از سوی بعضی تأیید شد و از سوی بعضی دیگر مورد سکوت قرار گرفت. آن تأیید و این سکوت، دامنه حمله عناصر بی مسئولیت را به سخنرانی ها، رجال علمی و سرانجام رجال سیاسی کشاند... بزرگان فکر و فرهنگ و سیاست را به وضوح مورد اهانت و آزار قرار دهند و هیچ درشتی نشنوند و مجازاتی نبینند. ارزش های ایدئولوژی انقلاب حکم می کرد که مدعیان ایدئولوژی انقلاب از این رفتارها اعلام برائت کنند، ولی نکردند. به این دلیل ساده که قدرت از ایدئولوژی سبق می برد... کسانی که در برابر این جریانات سکوت کردند، لابد مصلحت ندیدند سخن بگویند، اما این مصلحت، بی شک، مصلحت قدرت بود، نه مصلحت ایدئولوژی.(۱)

ناگفته نماند که منظور از «مدعیان ایدئولوژی انقلاب» مطمئنا رئیس جمهور ــ آقای خاتمی ــ نیست؛ زیرا ایشان به طور رسمی و غیررسمی نه تنها اعلام برائت کرد، بلکه دستور داد مسائل به صورت قانونی پی گیری شود. بنابراین، منظور، دیگر نظریه پردازان انقلاب اسلامی ــ مانند رهبری، رؤسای قوای مقننه و قضاییه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، حوزه علمیه و جامعه مدرسین ــ است که رهبر انقلاب، فرد متیقّن آنان به شمار می رود و اتفاقا درباره حوادثی که نامی از آنان برده شده ــ حمله به وزیر ارشاد، وزیر کشور سابق... به طور رسمی اعلام نظر نکرده است.

۳. تشکیک در مشروعیت قانونی رهبر

۱- ۱.توس، ش ۳۷، ۱۵/۶/۷۷۱۳.

یکی از القائات ستون «با مسئولیت سردبیر»، شبهه دور در انتخاب رهبری و بی پاسخ ماندن آن از یک سو و نظارت استصوابی و در نتیجه، ورود اعضای یک جناح به مجلس خبرگان است که از مهم ترین عوامل تزلزل مشروعیت رهبری در نظام جمهوری دانسته می شود:

این سؤالات به کرّات و از سوی گرایش های مختلف سیاسی عنوان شده است. مسائلی از قبیل شبهه دور در انتخاب رهبری، احتیاج به تخصصی به جز فقه و در نتیجه، به افرادی جز فقها در مجلس خبرگان برای تشخیص سایر اوصاف رهبر، ضرورت تناسب جناح های مختلف مجلس خبرگان با آرایش سیاسی در سطح جامعه و... اگر فرض دوم به حقیقت بپیوندد و در برابر آن، مجلس خبرگان تنها پشتوانه درصد محدودی از آرای مردم را در کنار خود ببیند و در برابر آن، درصد بالایی از رأی دهندگان بالقوه، رأی خویش را دریغ دارند و عموم گروه های مرجع از دانشگاهیان تا حتی بخش های عمده ای از روحانیت، بیعت خود را با خبرگان نقض کنند، فردای انتخابات چه کسی شجاعت این را دارد که از پشتوانه مردمی حکومت و از ارزش آرای سی میلیونی داد سخن دهد؟(۱)

همان گونه که پیداست چینش این مطالب در کنار موارد پیش گفته، مجموعه ای از اخبار و تحلیل های یک سویه و منفی را فراهم می آورد که به احتمال زیاد رهبرگریزی ــ بلکه رهبرستیزی ــ را در میان خوانندگان مشتاق روزنامه توس تشویق می کند. اگرچه برای آگاهی دقیق و معتبر از میزان

۱- ۲.توس، ش ۳۹، ۱۷/۶/۷۷۱۳.

گرایش خوانندگان روزنامه های توس و جامعه به رهبری انقلاب، به سامان دهی پژوهش میدانی نیازمندیم، ولی از هم اکنون می توانیم این فرضیه را به طور جدی مطرح کنیم که خوانندگان علاقه مند روزنامه های یاد شده، از گرایش منفی بالایی به رهبری انقلاب و مقوله رهبری برخوردارند.

چهار ـ رئیس جمهور

آقای سید محمد خاتمی ـ رئیس جمهور ـ تنها شخصیتی است که در ستون «با مسئولیت سر دبیر» به نیکی از ایشان یاد شده است. البته در پاره ای موارد نیز تعبیرهایی علیه ایشان به کار رفته است. در این ستون، آقای خاتمی، رهبر جناح آزادی خواهان معرفی شده است که جامعه و توس از اعضای آن هستند. مطالعه دقیق زیر را به خوانندگان پیشنهاد می کنیم؛ چون نقش مؤثری در تحلیل و نتیجه گیری نهایی این بخش دارند:

اما ائتلاف آزادی خواه به رهبری رئیس جمهور(۱)... به گواهی نظرسنجی ها، یک سال و نیم پس از دوم خرداد، عشق به خاتمی در میان مردم همچنان رو به افزایش است. اما این عشق، عشق به آزادی، نواندیشی و توسعه است. عشق به هنرمند، عشق به هنر است.(۲)

روزنامه های جامعه و توس در صف اول ائتلاف دوم خرداد سعی در تحقق برنامه رئیس جمهور داشته است. این نیز درست است که مشابهت میان برنامه توسعه سیاسی، فرهنگی رئیس جمهور و خط مشی این روزنامه گمان هم بستگی میان این دو را در انداخته است.(۳)

سخن آخر اینکه مؤسسه جامعه به دنبال تفنن و ماجراجویی نبود؛ آمده بود تا با عزم

۱- ۳.توس، ش ۱، ۳/۵/۷۷۱۳.

۲- ۴.توس، ش ۱۹، ۲۵/۵/۷۷۱۳.

۳- ۵.همان.

راسخ و ثبات قدم در جهت توسعه سیاسی و تحکیم مبانی جامعه مدنی در چارچوب پروژه فکری رئیس جمهوری تلاش کند.(۱)

ما وجدان جامعه را به قضاوت می گیریم که مواضع رئیس جمهور به حرکت روزنامه جامعه ـ توس نزدیک تر است یا به مواضع آقای محتشمی. آیا ما بیشتر محق نیستیم از ایشان بپرسیم شما به استناد کدام تشابه فکری، خود را به رئیس جمهور منتسب کرده اید؟(۲)

از این تعبیرها به خوبی روشن است که مسئولان محترم روزنامه های جامعه و توس، مدعی داشتن عشق و ارادت به آقای خاتمی هستند و ایشان را رهبر فکری و معنوی خود معرفی می کنند. اکنون هنگام آن رسیده است که در یک بررسی آماری و مستند، میزان ارادت و گرایش آقای سردبیر به رئیس جمهور سنجیده و ادعای همسویی آنان با برنامه ها و ایده های آقای خاتمی بررسی و ارزیابی شود. به همین منظور و برای دادن پاسخ مستند به هر دو پرسش، از دو جدول تحلیل محتوای کمّی و کیفی استفاده می کنیم.

جدول تحلیل کیفی گرایش به آقای خاتمی ـ رئیس جمهور

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

تاریخ نشر

رئیس جمهوری اسلامی ایران

ـ رهبر ائتلاف آزادی خواه

توس ۳/۵/۱۳۷۷

ـ دولت خاتمی بی شباهت به کشتی نوح نیست.

توس ۲۵/۵/۱۳۷۷

ـ پیمان مردم با رئیس جمهور، بیعت مشروط است.

توس ۲۵/۵/۱۳۷۷

ـ مردم عقد اخوت دایمی با رئیس جمهور نبسته اند.

توس ۲۵/۵/۱۳۷۷

ـــ مشاور ایشان، زمان را از یاد برده است.

توس ۲۵/۵/۱۳۷۷

ص: ۱۱۷

۱- ۶.توس، ش ۵، ۷/۵/۷۷۱۳.

۲- ۷.همان.

ـ مشاور ایشان به جای آنکه خود را جلو بکشد، دنیا را عقب می کشد.

توس ۲۵/۵/۱۳۷۷

ـ مشاور ایشان با باز کردن ناسنجیده زبان، دورافتادگی خود را از تحولات برملا می کند.

توس ۲۵/۵/۱۳۷۷

ـ مشاور ایشان از حداقل بینش سیاسی برخوردار است.

توس ۲۵/۵/۱۳۷۷

ـ مشاور ایشان پس از خوابی گران، سکه سیصد سال پیش را به شهر سوغات می آورد.

توس ۲۵/۵/۱۳۷۷

ـ مشاور ایشان از خلوت عزلت به مقام مشاوره برکشیده شده است.

توس ۲۵/۵/۱۳۷۷

ـ مردم رئیس جمهور را پیشوا نمی دانند. همدلی آنها تابعی از همراهی اینهاست.

توس ۲۵/۵/۱۳۷۷

;nbsp

ـ مردم به آقای خاتمی و به هرکس و هر چیزی که رأی می دهند، نظر خاصی دارند که اگر تحقق نیابد، بر رأی خویش باقی و برقرار نخواهند بود.

توس ۱۶/۵/۱۳۷۷

ـ تأخیر در دفاع به موقع از حقوق و آزادی های مشروع منتقدان

توس ۲۵/۵/۱۳۷۷

ـ مؤسسه جامعه در چارچوب پروژه فکری رئیس جمهور گام برمی دارد.

توس ۱۶/۵/۱۳۷۷

ـ عشق مردم به خاتمی رو به افزایش است.

توس ۷/۵/۱۳۷۷

ـ عشق به خاتمی، عشق به هنر و هنرمند، آزادی، اندیشه و توسعه است.

توس ۲۵/۵/۱۳۷۷

ـ مضطرب و مردد است.

توس ۳/۵/۱۳۷۷

جدول تحلیل کمی گرایش آقای شمس الواعظین

موضوع داوری

مفهوم عامیانه

نمره

فعل

نمره

حاصل ضرب

عشق به خاتمی

عشق به هنر و هنرمند

+۳

است

+۳

+۹

عشق به خاتمی

عشق به آزادی، نواندیشی و توسعه

+۳

است

+۳

+۹

خاتمی

رهبر ائتلاف آزادی خواهان

+۳

است

+۳

+۹

دولت خاتمی

بی شباهت به کشتی نوح

_۲

نیست

_۳

+۶

پیمان مردم با رئیس جمهور

بیعت مشروط

+۱

است

+۳

+۳

عشق به خاتمی

روبه افزایش

+۲

است

+۳

+۶

مردم با رئیس جمهور

عقد اخوت دایمی

+۳

نبسته اند

_۳

_۹

مشاور ایشان

زمان را از یاد برده

- ۲

است

+۳

۶ _

مشاور ایشان

دنیا را عقب

۳ -

می کشد

+۳

۹ _

مشاور ایشان

زبان خود را ناسنجیده

۳ _

باز می کند

+۲

۶ _

مشاور ایشان

از حداقل بینش سیاسی برخوردار

+۳

نیست

۳ _

۹ _

مشاور ایشان

پس از خوابی گران، سکه سیصد سال قبل را به سوغات

۳ _

می آورد

+۳

۹ _

مشاور ایشان

از خلوت عزلت به مقام مشاوره

۲ -

برکشیده شد

+۲

۴ _

مردم رئیس جمهور را

پیشوا

+۳

نمی دانند

۳ -

ص: ۱۱۸

_ ۹

رئیس جمهور

دفاع از حقوق و آزدای های مشروع منتقدان را

۳

تأخیر انداخته است

_ ۲

_ ۶

رئیس جمهور

مضطرب و مردد

_ ۳

است

+۳

_ ۹

۳۱ × −۱۵۳۴ = −۷۵/۰

نتیجه به دست آمـده نشان می دهد که برخلاف ادعاهای اولیه، روزنامه توس _ ستون «با مسئولیت سردبیر» _ نه تنها عشق و ارادتی به آقای رئیس جمهور نـدارد؛ که مقـداری گرایش منفی را نیز نشـان می دهـد و به بیـان دیگر، در یـک تحلیل خوش بینـانه، این عـدد، بی تفـاوتی آنـان را نسـبت به رئیس جمهور و رأی و نظر و دیـدگاه هـای ایشـان گواهی می دهـد و به تعـبیر توس(۱) همدلی آنان با رئیس جمهور تابعی از همراهی ایشان است و نه برعکس.

گفتنی است بـا وجود اینکه آقـای خـاتمی به عنوان رهبر فکری و معنوی جنـاح آزادی خواه _ که روزنامه های جامعه و توس خود را از آن می داننـد _ معرفی شده است، اما به جز تکریم و تعظیم نام ایشان، نه تنها از ایده ها، دیدگاه های وی سـخنی به میـان نیامـده است، بکله موضع گیری هـای طرح شـده در بسـیاری مـوارد، بـا موضـع گیری هـا و گرایش هـای رئیس جمهور مخالفت آشـکار دارد. برای نمونه، در ستون «با مسئولیت سردبیر»، به مقوله رهبری _ شخص رهبر یا جایگاه آن _ نمی پردازد و یا _ چنانکه گذشت _ جایگاه عقلی، قانونی و مردمی آن را مورد تردید قرار می دهد.

این در حالی است که آقای خاتمی در سخنان مختلف، نه تنها تعرض تحقیرآمیز مستقیم یا غیرمستقیم به مؤلفه ها و نهادهای انقلابی و قانونی _ مانند قوای مقننه، قضاییه، مجلس خبرگان و شورای نگهبان _ نمی کند، بلکه

ص: ۱۱۹

۱- ۸.توس، ۲۵/۵/۷۷۱۳.

حتی در بحرانی ترین شرایط که آتش اختلاف ظاهرا زبانه می کشد، به خیر و نیکی از آنان یاد می کند، تصمیم های قانونی آنان را پاس می دارد و در عمل نیز از آنان پیروی می کند. عملکرد آقای رئیس جمهور در استیضاح وزیر کشور و جریان محاکمه شهردار تهران به خوبی گواه این حقیقت است. قانون اساسی و روحانیت نیز در فرازهای فراوانی از سخنان وی مورد تکریم و تعظیم قرار گرفته اند. ستون «با مسئولیت سردبیر»، از این نظر، در نقطه مقابل رئیس جمهور قرار دارد. نگاهی گذرا به مطالب مستند پیشین ــ و آنچه بعد از این خواهد آمد ــ نشان می دهد:

ــ توان مندی و کارآیی قانون اساسی مورد تردید جدی قرار گرفته، شبهه تمایلات جناحی در تدوین آن تقویت می شود؛

ــ بارها به قوه قضاییه و مقننه توهین می شود؛

ــ روحانیت و جامعه مدرسین یک سویه و از روزنه منفی در ترازوی نقد و بررسی قرار می گیرند؛

ــ توان مندی و مشروعیت مجلس خبرگان مورد تردید قرار می گیرد؛

ــ طیف وسیعی از کارگزاران نظام و چهره های سیاسی و انقلابی با عنوان جبهه و جناح اقتدارگرا و با بهره گیری از واژه ها و القاب ناپسند، هتک حرمت و حیثیت می شوند؛

ــ ستیز با اشخاص و جناح ها به جای گفت وگوی مسالمت آمیز و تعالی بخش با آنها.

چگونه ممکن است مأمومین، با کسی که او را به رهبری فکری و معنوی خود برگزیده اند و آمال و آرزوهای خود را در او مجسم می بینند، به این

انـدازه تفاوت، بلکه تباین فکری و رفتاری داشـته باشـند. در این صورت ــ یعنی در صورتی که نه عشق و ارادت ما به او ماند، نه ایده ها و افکارمان ــ اصولاً رهبری وی به چه معنایی است؟

این، مسـئله ای است که مسـئولان محـترم روزنـامه توس بایـد برای آن پاسـخی روشن و قـانع کننـده داشـته باشـند، در غیر این صورت، این فرضـیه به شـدت تقویت خواهد شد که آنان آقای خاتمی را نه به خاطر ایده ها و افکارش، بلکه برای اسـتفاده از مقبولیت و محبوبیت او و بیرون رانـدن رقیبـان خود از صـحنه سیاسـی می خواهنـد و دقیقـا به همین منظور، تنهـا نام و یاد او را تکریم و تعظیم می کننـد و نه انـدیشه، افکار و دیـدگاه های وی را. در حقیقت، جامعه و توس راه خود را می روند و گرایش ها و دیـدگاه های خویش را در این میان، ترویج می کنند. با منتسب کردن خویش به رئیس جمهور محبوب، به ویژه نزد نسـل جوان، هم رقیبـان و مخالفـان خود را رقیبـان و مخالفـان رئیس جمهور معرفی می کنند(۱) و هم به این وسـیله، بـا تثبیت پایگاه اجتماعی خویش، ضـریب پـذیرش دیـدگاه ها و گرایش های خود را از سوی علاقه مندان خاتمی افزایش می دهند. اتفاقا این دو مورد (هدف و برنامه مشترک، دشمن مشترک) از

ص: ۱۲۱

---

۱ - ۹.هر چنـد به خـاطر آوردن شـکست افراد، به ویژه هنگامی که این شـکست شـکننده و سـهمگین بوده باشـد، خلاف آیین جوان مردی است، ولی این شـکست خوردگـان مـا را مجبور می کننـد مطـالبی را به آنـان یادآوری کنیم. اگر رقیب شکسـت خورده آقای خاتمی در دوم خرداد پیروز می شد، به احتمال قوی، گوینده همین سخنان را به عنوان دست راست خویش برمی گزیـد. بنـابراین، اصـلی ترین شـریک آقـای ناطق نوری در غم آن موقعیت از دست رفته همین جناب است و بنابراین، هرگونه سم پاشی از این نوع و از هر نوع، از طرف ایشان قابل درک است. توس، ش ۱۶، ۲۱/۵/۱۳۷۷.

مواردی است که بیشترین فراوانی را ــ در جایی که از آقای خاتمی نام برده شده است ــ به خود اختصاص داده است.

پنج ــ مجلس خبرگان

پنج ــ مجلس خبرگان

مجلس خبرگـان رهبری که از ارکـان اساسـی نظام جمهوری اسـلامی ایران به شـمار می آیـد، از دیگر موضوع هایی است که ستون «با مسئولیت سردبیر» به آن پرداخته است. جدول تحلیل کیفی نشان می دهد که فراوانی تعبیرهای منفی نسبت به آن، به مراتب بیشتر از تعبیرهـای مثبت است؛ یعنی از مجموع ۱۶ گزینه، در حدود ۸۱ درصد به اخبار و تحلیل منفی اختصاص دارد و به گونه ای خبرگان گریزی را ترویج می کند.

جدول تحلیل کیفی گرایش به مجلس خبرگان

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

تاریخ نشر

مجلس خبرگان خبری

ــ انتخاب خبرگان مهم ترین حادثه سیاسی کشور.

توس ۱۷/۶/۱۳۷۷

ــ انتخاب خبرگان مهم تر از انتخاب مجلس شورا یا ریاست جمهوری.

توس ۱۷/۶/۱۳۷۷

ــ به چه دلیل این گونه ارتفاع گرفته است.

توس ۱۷/۶/۱۳۷۷

ــ خود را موظف به ارائه گزارش به مردم نمی داند.

توس ۱۷/۶/۱۳۷۷

ــ به ایرادات و شبهات پاسخ گو نیست.

توس ۱۷/۶/۱۳۷۷

ــ واکنشی به تغییرات سیاسی کشور نشان نمی دهد.

توس ۱۷/۶/۱۳۷۷

;nbsp

ــ با نظارت استصوابی، تصفیه جناحی کرد.

توس ۱۷/۶/۱۳۷۷

ــ گفت و گوهای خبرگان را می توان همچون گذشته محرمانه اعلام کرد.

توس ۱۷/۶/۱۳۷۷

ــ می توان همچون گذشته از هرگونه گزارش به موکلان خودداری نمود.

توس ۱۷/۶/۱۳۷۷

ــ نمایندگان مجلس خبرگان، نمایندگان مردم هستند.

توس ۱۷/۶/۱۳۷۷

ــ خبرگان مجبورند برای مدت کوتاهی که شده، مردم را به رسمیت بشناسد.

توس ۱۷/۶/۱۳۷۷

ــ همچون گذشته می توان سکه سیاست را از رویه قدرت نگریسته و نه از رویه حقوق.

توس ۱۷/۶/۱۳۷۷

ــ خبرگان را امری به دور از دسترس مردم و روشن فکران می توان شمرد.

توس ۱۷/۶/۱۳۷۷

ــ رفتارهای غیرقانونی و متناقض آن برملا می شود.

توس ۱۷/۶/۱۳۷۷

ـ خبرگان در معرض قضاوت ملت است و هیچ گریز گاهی نیست.

توس ۱۷/۶/۱۳۷۷

ـ اختفاء، سکوت و بی مسئولیتی در برابر موکّلان

توس ۱۷/۶/۱۳۷۷

ص: ۱۲۲

جدول تحلیل کمی گرایش آقای شمس الواعظین

ردیف

موضوع داوری

مفهوم عامیانه

نمره

فعل

نمره

حاصل ضرب

۱

انتخاب خبرگان

به مهم ترین حادثه سیاسی کشور

+۳

تبدیل می شود

+۲

+۶

۲

انتخاب خبرگان را

به امری بسیار مهم تر از انتخابات مجلس شورا یا ریاست جمهوری

+۳

تبدیل می کند

+۲

+۶

۳

خبرگان

به چه دلیل این گونه ارتفاع

_۲

گرفته است

+۲

_۴

۴

خبرگان

خود را موظف به ارائه گزارش به مردم

+۳

نمی داند

_۳

_۹

۵

خبرگان

به ایرادات مختلف پاسخ گو

+۲

نیست

۳ _

۶ _

۶

خبرگان

واکنشی به تغییرات سیاسی کشور

۲+

نشان نمی دهد

۲ _

۴ –

۷

خبرگان

همچون گذشته می تواند با نظارت استصوابی، تصفیه جناحی

۳ -

کند

۲+

۶ _

۸

گفت وگوهای خبرگان را

می توان همچون گذشته محرمانه

۳_

اعلام کرد

+۲

۶_

۹

خبرگان

می تواند همچون گذشته از هرگونه گزارش به مردم خودداری

۳ -

کند

+۲

۶_

۱۰

نمایندگان خبرگان

نمایندگان مردم

+۲

هستند

+۳

+۶

۱۱

خبرگان

مجبورند مردم را برای مدت کوتاهی به رسمیت

۳_

بشناسند

۳+

۹_

۱۲

خبرگان

رفتارهای غیر قانونی و متناقض شان

۳_

برملا می شود

۲+

۶_

ص: ۱۲۳

۱۳

خبرگان

در برابر موکلان اختفاء سکوت و بی مسئولیتی

۳_

در پیش گرفته اند

۲+

۶_

۳۱ × -۱۳۵۶ = -۴۳/۱

ناگفته نماند اصلی ترین پیام ستون «با مسئولیت سردبیر» درباره خبرگان رهبری، نادیده گرفتن مردم و به رسمیت نشناختن آنان از سوی خبرگان و بی مسئولیتی در برابر موکلان است. از نزدیک با تعبیرهای ایشان آشنا می شویم:

پاره ای از جریانات سیاسی بیشتر مایلند مجلس خبرگان به نوعی تابو بدل شود و کمتر کسی به حریم آن نزدیک شود. مایلند مسائل مربوط به آن محرمانه تلقی شود و مسائلی که در اطراف آن مطرح است، چون: شرایط نامزدی، نظارت استصوابی رأی گیری و سرانجام عملکرد خبرگان چندان عرصه نقد و سنجش قرار نگیرد. این در حالی است که تقریبا نزدیک به تمام سرنخ های قدرت سیاسی، مستقیم یا غیرمستقیم در دست رهبر است و این موضوع، انتخاب خبرگان را به مهم ترین حادثه سیاسی کشور تبدیل می کند، بسیار مهم تر از انتخابات مجلس شورا و ریاست جمهوری.... اینک سؤال این است که مجلس خبرگان با وجود آن اهمیت و این وابستگی به رأی مردم، به چه دلیل این گونه ارتفاع گرفته است، نه خود را موظف به ارائه گزارش از عملکرد چند ساله اش به مردم می داند، نه در مقابل ایراداتی که به شرایط نامزدی و نحوه انتخاب و ترکیب نهایی آن وارد می شود، پاسخ گوست و نه در مقابل تغییرات مهمی که در دو سال گذشته در صحنه آرایش سیاسی ایران واقع شده است، واکنشی نشان می دهد... گویی... هیچ اتفاقی در ایران نیافتاده است و به راحتی می توان روند گذشته را همچنان ادامه داد، با نظارت استصوابی، تصفیه جناحی کرد، گفت وگوهای خبرگان را محرمانه اعلام کرد و از هرگونه گزارش به موکلان خودداری نمود. نمایندگان مجلس خبرگان نمایندگان مردمند و اگر در طول مدت نمایندگی خویش، هیچ گونه رابطه ای با مردم نداشتند و هیچ گونه نیازی به این رابطه احساس نکردند، اینک به حکم قانون، برای کسب رأی و انتخاب مجدد، ناگزیر سر و

کارشان با مردم می افتد و بنابراین، مجبورند آنان را برای مدت کوتاهی هم که شده، به رسمیت بشناسند... البته کماکان می توان سکه سیاست را از رویه قدرت نگریست و نه از رویه حقوق و به این سؤالات، پاسخ های کوتاه و مبهم و یک طرفه داد. کماکان می توان مجلس خبرگان را امری به دور از دسترس عوام یا حتی روشن فکران شمرد و نسبت به جنجال سیاسی بر سر آن راه انداختن، هشدار داد... اما خوشبختانه یا متأسفانه، تمامی این موارد اگر در گذشته کارا بوده است، امروز دیگر از چنین وصفی برخوردار نیست. خبرگان در معرض قضاوت ملت است و هیچ گریزگاهی هم نیست.(۱)

شش _ قوه مقننه و قضاییه

شش _ قوه مقننه و قضاییه

مجلس شورای اسلامی و قوه قضاییه جمهوری اسلامی از ارکان اساسی نظام جمهوری اسلامی به شمار می آیند. ستون «با مسئولیت سردبیر» در چند مقاله، به نقد و بررسی عملکرد آنها پرداخته است. اینکه چه چهره ای _ خوب یا بد _ از قوای مقننه و قضاییه در ستون یاد شده،ترسیم گشته، پرسشی است که جدول های تحلیل کمی و کیفی به آن پاسخ می دهند:

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

له

علیه

نشانی

قوه مقننه و قضاییه

۱. استفاده از قانون علیه جریان اصلاح طلب

;nbsp

×

توس ۷/۵/۱۳۷۷

۲. درو کردن یک وزیر، یک مدیر خلاق، یک روزنامه محبوب

;nbsp

×

توس ۷/۵/۱۳۷۷

۳. بی اعتنایی به آرای عمومی، مصالح کشور و آرای کارشناسانه صدها حقوق دان

;nbsp

×

توس ۷/۵/۱۳۷۷

۴. در اجرای استیضاح وزیر کشور، تعطیلی جامعه و محاکمه شهردار، مواد قانونی دچار ابهام و نقایص

;nbsp

×

توس ۷/۵/۱۳۷۷

۵. بی اعتنایی به پرسش ها و شبهات مستدل مطبوعات

;nbsp

×

توس ۷/۵/۱۳۷۷

۶. بزرگراه های قانون به دست آنان، کوره راه ها به دست محکومان، به این هم رضایت نمی دهند. با قرائت موسع و مسئله دار از قانون، وزیر، مدیر و ارکان رکن چهارم را قلع و قمع می کنند.

;nbsp

×

توس ۷/۵/۱۳۷۷

۷. زمام اندیشه و انتخاب ملت در کف یک شورا قرار گرفته است.

;nbsp

×

توس۱۲/۵/۱۳۷۷

۸. دادگستری، داد نمی گسترد.

;nbsp

×

توس۱۲/۵/۱۳۷۷

ص: ۱۲۵

۱– ۱.توس، ش ۳۹، ۱۷/۶/۷۷۱۳.

۹. بی اعتنایی آشکار به قانون در طول محاکمه روزنامه

;nbsp

×

توس۱۲/۵/۱۳۷۷

۱۰. مخالفت حقوق دان ها با حکم لغو امتیاز جامعه

;nbsp

×

توس۱۲/۵/۱۳۷۷

۱۱. اقدام بر خلاف مصالح ملی و...

;nbsp

×

توس۱۲/۵/۱۳۷۷

۱۲. عدم ابلاغ حکم به متهم از طرق شناخته شده

;nbsp

×

توس ۷/۵/۱۳۷۷

۱۳. قانون شکنی های به ظاهر قانونی

;nbsp

×

توس ۷/۵/۱۳۷۷

۱۴. ناخشنودی از فعالیت قانونی جناح ها

nbsp;

×

توس ۷/۵/۱۳۷۷

۱۵. به سیستمی نیازمند است که مخالف و منتقد را چنان به چوب و فلک ببندد و دکانش را تعطیل کند که اثری از او به جا نماند.

nbsp;

×

توس۱۰/۵/۱۳۷۷

۱۶. خطاب و عتاب به قوه مجریه برای جواز انتشار توس

nbsp;

×

توس ۱۰/۵/۱۳۷۷

۱۷. رئیس قوه قضاییه باید به افکار عمومی پاسخ دهد.

nbsp;

×

توس۱۰/۵/۱۳۷۷

۱۸. منظور ایشان از قانون معنای ما قبل مدرن این واژه هست؛ یعنی شبه قانون.

nbsp;

×

توس۱۰/۵/۱۳۷۷

;nbsp

۱۹. یعنی آیین نامه یک طرفه جرم و جزا؛ یعنی بگیرید، ببندید، بزنید پدر سوخته ها را.

;nbsp

×

توس۱۰/۵/۱۳۷۷

۲۰. هرکس را به اندازه سرسختی و جدیت و توانایی چنان گوشمالی بدهید که در هر صورت ادامه حرکت پیشین از او سلب شود.

;nbsp

×

توس ۱۰/۵/۱۳۷۷

۲۱. خشمگین شدن در خطبه های نماز جمعه

;nbsp

×

توس ۱۰/۵/۱۳۷۷

آقای شمس الواعظین در ستون «با مسئولیت سردبیر» صرفا به ذکر نکته های منفی درباره قوای مقننه و قضاییه بسنده کرده و از امتیازات و نکات مثبت آنها سخن به میان نیاورده است. از حدود ۲۲ جمله ای که به بحث درباره قوه مقننه و قضاییه پرداخته است، همگی بار ارزشی بسیار منفی دارند و تحریک احساسات و عواطف مردمی علیه این قوا را به دنبال می آورد. از آنجا که واژه های به کار رفته و تعداد و فراوانی آنها به خوبی گویای تمایلات ستیزه جویانه آقای سردبیر است، از ترسیم جدول کمّی اسگود بی نیازیم. مهم ترین مواردی که مجلس شورا و قوه قضاییه در این ستون به آن متهم شده اند، به شرح زیر است:

اول ـ تفسیر جناحی قانون و تحریف آن

با قرائت موسّع و مسئله دار از قانون، وزیر، مدیر و ارکان رکن چهارم را قلع و قمع می کنید... در جریان اجرای تمامی این موارد سه گانه،(۱) نه تنها موارد تطابق قانون با مصادیق، بلکه رعایت مواد و تبصره های روشن قانونی هم دچار بعضی ابهام ها و نقایص است.(۲)

دوم ـ استفاده ابزاری و جناحی از قانون علیه جبهه آزادی خواه به رهبری رئیس جمهور

قانون در بعضی محافل، قرآن بر سر نیزه است(۳)... پس از دوم خرداد، جریان رقیب آقای خاتمی با خاطر جمعی از اینکه ابزارهای قانونی در دست اوست، از شعار قانون استقبال کرد و بنا را بر آن گذاشت تا با وسیله ای که حریف به آن تسلیم شده است، به مقابله با او برخیزد و چنین نیز کرد. موارد سه گانه استیضاح وزیر کشور، محاکمه شهردار و لغو امتیاز جامعه، نمونه های بارز استفاده از قانون علیه جریان اصلاح طلب است... جهت روشن شدن افکار اشاره می کنیم که برای جلوگیری از این نوع فریبکاری های قانونی، به سیستم قانونی دیگر نیاز هست. سیستمی که در آن بشود گفت هرکسی را که به نحو من الانحاء مخالف ماست، چنان به چوب و فلک ببندید و درِ هر دکانی که به ما منتقد است، چنان تخته کنید که اثری از آثار او بر جا نماند. چنین نظام قانونی علی القاعده بسیار صریح، کوتاه، خلاصه و قاطع خواهد بود... بزرگراه های قانون در دست شماست، تنها کوره راه های آن، محل اتکای محکومان است. شما آن را هم رضایت نمی دهید سلّمنا، اما در آن صورت دیگر همین رقابت نابرابر هم پایان یافته است.(۴)

این نشان می دهد که بعضی از افراد که در جامعه ما از قانون سخن می گویند،

ص: ۱۲۷

۱- ۲.یعنی استیضاح وزیر کشور، محاکمه شهردار تهران و تعطیلی روزنامه جامعه.

۲- ۳.توس، ش ۵، ۷/۵/۷۷۱۳.

۳- ۴.توس، ش ۱۶، ۲۱/۵/۷۷۱۳.

۴- ۵.توس، ش ۵.

منظورشـان معنای ماقبل مـدرن این واژه است؛ یعنی شـبهه قانون؛ یعنی آیین نامه یک طرفه جرم و جزا؛ یعنی بگیریـد، ببندیـد، بزنید پدر سوخته ها را، منتها نه همین طور بی حساب و کتاب، بلکه طبق قانون؛ یعنی هرکس را به میزان سرسختی و جدیت و توانایی که دارد چنان گوشمالی بدهید که در هر صورت، امکان ادامه حرکت پیشین از او سلب شود.(۱)

سخن آخر اینکه جامعه بسته شد، شهردار محکومیتی سنگین و آمیخته به تحقیر یافت، وزیر کشور برکنار گردید و به این سان اقتدارگرایان با بهره گیری از حداکثر حقوق قانونی و ساخت کارهای نامرئی قدرت هرکاری نکردند، نتوانستند. در این میان، اما ائتلاف آزادی خواه به رهبری رئیس جمهور، حتی در استفاده از حقوق قانونی خود، گاه مضطرب و مردد است.(۲)

سوم ــ بی اعتنایی به نظرها و اعتراض های مردم، کارشناسان و رسانه های گروهی

چه نظام نـامه قـانونی است که براسـاس آن، به راحتی می توان یک وزیر برجسته، یک مـدیر خلاق، یک روزنامه محبوب را درو کرد و به آرای عمومی و مصالـح کشور و آرای کارشـناسانه صـدها حقوق دان بی اعتنـا مانـد... نه تنهـا اعتراضات درباره دعـاویی چون بی کفـایتی وزیر کشور در بـاب تـأمین امنیت، اختلاـس شـهردار و اشـاعه موارد خلاـف عفت عمومی به وسـیله روزنامه جامعه گوش شـنوایی نیافت، بلکه ابهام های جریان رأی اعتماد به وزیر کشور، اِن قلت های قانونی صـلاحیت ریاسـت دادگـاه شـهردار و بی اعتنـایی آشـکار بـه قـانون در طـول محـاکمه و محکـومیت روزنـامه جـامعه نیز علی رغم اصـرار صـدها کارشناس حقوقی گوش شنوایی نیافت.(۳)

۱ــ این گونه تعبیرهـا شـگردی متـداول در حرفه روزنامه نگاری برای تأثیر بر افکار عمومی است که مبتنی بر حـدس، گمان و استحسانات شخصی است و نه تحقیق معتبر و میدانی.

هفت ــ حوزه علمیه ــ نهاد روحانیت

هفت ــ حوزه علمیه ــ نهاد روحانیت

نهـاد روحـانیت از جمله موضوع هایی است که به دلیل نقش تعیین کننـده آن در معادله های سیاسـی، اجتماعی و فرهنگی این مرز و بوم، در ستون «با

۱- ۶.توس، ش ۷، ۱۰/۵/۷۷۱۳.

۲- ۷.توس، ش ۱، ۳/۵/۷۷۱۳.

۳- ۸.توس، ش ۵، ۷/۵/۷۷۱۳.

مسئولیت سردبیر» در دو مقاله جداگانه(۱) مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. آقای شمس الواعظین درباره این نهاد آورده است:

نهادی است که در جامعه ما نقش فوق العاده مهم و مؤثری دارد و در همه ابعاد حیات جمعی ایرانیان حضور و فعالیت قوی دارد... این نهادِ بسیار عظیم و پرتأثیر، نهاد «حوزه علمیه دینی» به معنای عام آن است. اهمیت و نقش اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، روان شناختی و تاریخی (و حتی اقتصادی) این نهاد در چند سده اخیر قابل انکار نیست.(۲)

اکنون باید دید با وجود اعتراف آقای سردبیر به جایگاه ممتاز و انکارناپذیر روحانیت در تاریخ ایران، چه تحلیل ها و تعبیرهایی درباره این نهاد در این ستون ارائه شده است.

جدول تحلیل کیفی گرایش سردبیر به روحانیت

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

له

علیه

نشانی

نهاد روحانیت و ا یدئولوژی آن

۱. تشویق و تقویت عوام به جای تصحیح رفتار و عقاید آنان، آفت روحانیت است.

;nbsp

×

توس ۲۸/۵/۷۷

۲. استاد مطهری این آفت را «عوام زدگی» روحانیت نام، نهاده است.

;nbsp

×

توس ۲۸/۵/۷۷

۳. مشکل اساسی سازمان روحانیت

;nbsp

×

توس ۲۸/۵/۷۷

۴. در نظام ارزش گذاری از ناحیه فحول علما و از ناحیه جامعه مدرسین، احکام نورانی قرآن در مرتبتی پایین تر از بنیان گذار جمهوری اسلامی قرار دارد.

;nbsp

×

توس ۲۸/۵/۷۷

۵. حوزه علمیه قلمرویی است که ایدئولوژی موجود از آن مشروعیت می گیرد.

;nbsp

×

توس ۵/۶/۷۷

۶. این ایدئولوژی تلاش می کند قلمرویی بسته، دست نیافتنی و ناشناختنی برای همگان نگاه دارد و حق داوری و تحلیل و بررسی آن را به صورت انحصاری تنها برای خود محفوظ بداند.

×

توس ۵/۶/۷۷

;nbsp

۷. حاضر نیستند اندرونی و پشت پرده خود را برای دیگران بر آفتاب افکنند و در معرض داوری قرار دهند.

;nbsp

×

توس ۵/۶/۷۷

۸. «قلمرو ممنوع» اعلام کردن و فراموشاندن و پنهان ساختن واقعیت های مربوط به خود.

;nbsp

×

توس۵/۶/۷۷

۹. سعی دارند راه تعامل جامعه ــ به ویژه جامعه علمی ــ را با آن ببندند.

;nbsp

×

توس۵/۶/۷۷

۱- ۱.مقاله «سخنی درباره حوزه علمیه»، ش ۲۹، ۵/۶/۱۳۷۷ و مقاله «دو نقل قول و یک اشاره»، ش ۲۲، ۲۸/۵/۷۷۱۳.

۲- ۲.توس، ش ۲۹، ۵/۶/۷۷۱۳.

۱۰. سعی دارند رابطه را با جامعه رابطه ای یک سویه سازند، رابطه ای آمرانه و تحکم آمیز که البته در دنیای مدرن تاریخ مصرف دارد و نمی تواند پایدار بماند.

;nbsp

×

توس ۵/۶/۷۷

۱۱. طرح پرسش ها و پی گیری آنها را خوش ندارد و تحمل نمی کند.

;nbsp

×

توس ۵/۶/۷۷

۱۲. با تقدیس این نهاد تلاش می کند آن را به زاویه های تاریک امور ممنوع و محرم فرو برد و در پستوهای تابو پنهان سازد.

;nbsp

×

توس ۵/۶/۷۷

۱۳. این راهبرد نمی تواند برای همیشه دوام بیاورد.

;nbsp

×

توس ۵/۶/۷۷

۱۴. اینک وقت آن رسیده که این گره های ظلمانی، روشن و شفاف شوند.

;nbsp

×

توس ۵/۶/۷۷

این تعبیرها به خوبی گویای گرایش بسیار منفی آقای سردبیر نسبت به روحانیت است؛ تعبیرهایی که به علت برخورداری از بار ارزشی منفی، روحانی گریزی را در جامعه ترویج و تشویق می کند. پیام های اصلی ستون «با مسئولیت سردبیر» درباره نهاد روحانیت حول محورهای زیر طرح شده است:

اول _ ابتلا به آفت عوام زدگی

نویسنده در مقاله ای با عنوان «دو نقل قول و یک اشاره» به آفت عوام زدگی می پردازد که گریبان گیر روحانیت شده است. وی در این مقاله، در ابتدا، بخشی از اطلاعیه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم(۱) را نقل می کند:

کسانی که به بهانه آزادی، روشن فکری و نوگرایی، با قلم های زهرآگین خود، احکام نورانی قرآن و ارکان مقدس انقلاب را مورد تعرض قرار می دهند، اکنون کارشان به جایی رسیده که گستاخانه به ساحت مقدس بنیان گذار جمهوری اسلامی جسارت کرده و دل میلیون ها انسان متدین را به درد می آورند.

در ادامه، به نقل داستانی از حضرت امام خمینی رحمه الله از زبان آقای حسین رحیمیان می نویسد:

فرمودند: اینها چیست؟ به عرض رسید که اینها قرآن هایی است که... خواسته اند تبرک

۱- ۳.اطلاعات، ۱۲/۵/۷۷۱۳.

شود! امام که همیشه حرکاتش کاملاً آرام و معتدل بود، ناگهان... با شتاب و شدت مضطربانه ای، دستشان را عقب کشیدند و با لحن تند و عتاب آمیز فرمودند... من قرآن را تبرک کنم؟ این چه کارهایی است که می کنید؟

سپس می نویسد:

اگر چه در «ذهنیت» رایج دینی ما «زنا» به مراتب مذموم تر از «غیبت» است و حال آنکه براساس نظام ارزش گذاری اسلام، درست برخلاف آن است: «الغیبه اشد من الزنا»، ولی یکی از وظایف عالمان دین در هر برهه ای تصحیح ارزش متدیّنان بر الگوی نظام ارزشی دینی است.

آقای سردبیر پس از بیان مقدمات پیش گفته، نتیجه گیری می کند:

اگر خدای ناکرده، عالمان دین به جای تصحیح یا همسویی با عامه متدینان، آنها را «تقویت» و «تشویق» کنند، آفتی پدیدار می شود که آن را استاد مطهری، «عوام زدگی روحانیت» نام نهاده است.(۱)

اگر نقل قول نخست(۲) از ناحیه عامه متدینان بود، جای شگفتی نبود. اگر فحوای سخن عامه متدینان چنین می نمود که در نظام ارزش گذاری آنها احکام نورانی قرآن در مرتبتی پایین تر از موارد مذکور در نقل قول نخست(۳) قرار دارد، می شد آنها را معذور دانست، اما چه کنیم که این ارزش گذاری، از ناحیه فحول علما و از ناحیه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است؛ آن هم به عزم دفاع از ارزش ها. جایی که امام خمینی از تبرک قرآن های چاپی چنین مضطربانه پرهیز می کند و خواهان را عتاب می کند، چگونه می توان از این ارزش گذاری آن هم از چنان مراجعی دفاع کرد؟

دوم ــ پنهان کاری عامدانه

ص: ۱۳۱

۱- ۴.مقاله «مشکل اساسی سازمان روحانیت».

۲- ۵.منظور بخشی از اطلاعیه جامعه مدرسین است که نقل شد.

۳- ۶.منظور «بنیان گذار جمهوری اسلامی» است.

آقای شمس الواعظین در روزنامه توس، شماره ۲۹ _ ۵/۶/۷۷ _ مقاله ای با عنوان «سخنی درباره حوزه علمیه» منتشر کرده است. در این مقاله، در ابتدا، به پنهان کاری و سرپوشی که ویژگی همه ایدئولوژی هاست، می پردازد:

ایدئولوژی ها اهل سر و سرپوشی اند و همواره می کوشند بسیاری از مسائل را در هاله ای از ابهام نگاه دارند و از این ابهام ها، ابهت و اقتدار بیافرینند. بسیاری از مفاهیم، پدیده ها، نهادها و... که مشروعیت بخش ایدئولوژی ها هستند، اگر شفاف شوند و تن به تحلیل علمی دهند و مورد کندوکاو عقل جمعی قرار گیرند، نقش ثابت و پنهان خود را از دست می دهند و دیگر نمی توانند به صورت سابق پشتوانه ای برای دست یابی ایدئولوژی ها به آمال و آرمان هایشان باشند و رفتارها و کنش های آنها را توجیه کنند. به همین خاطر است که یکی از شگردهای مهم هر ایدئولوژی، پنهان سازی و پنهان کاری و سعی در فراموشاندن بسیاری از امور است. همین امر یکی از نقاط تقابل و تضاد رهیافت علمی و رهیافت ایدئولوژیک است. ایدئولوژی در قلمرو ویژه ای خواهان و فراخوان فراموش کردن و نیاندیشیدن است، ولی رهیافت علمی همواره جست وجوگر، کنج کاو و پرده در است.

سپس نتیجه گیری می کند که حوزه علمیه و نهاد روحانیت نیز مروّج ایدئولوژی است که پنهان کاری و تقدس پروری را ترویج می کند:

نهاد حوزه علمیه، قلمرویی است که ایدئولوژی موجود، علی رغم آنکه مشروعیت خود را از آن وام می گیرد، تلاش می کند که آن را قلمرویی بسته و دست نیافتنی و نشناختنی برای همگان نگاه دارد و حق داوری و تحلیل و بررسی آن را به صورت انحصاری تنها برای خود محفوظ بداند... ایدئولوژی ها هم هرگز حاضر نیستند اندرونی و پشت پرده خود را برای دیگران برآفتاب کنند و در معرض داوری آنان قرار دهند. از این رو، سعی بسیار دارند که با «قلمرو ممنوع» اعلام کردن آنها و فراموشاندن و پنهان ساختن واقعیت های مربوط به آن، راه تعامل جامعه _ به ویژه جامعه علمی _ را با آن ببندند و رابطه آن را با جامعه، رابطه ای یک سویه سازند؛ رابطه ای آمرانه و تحکم آمیز که البته در دنیای مدرن تاریخ مصرف دارد و نمی تواند پایدار بماند.

نگاهی گـذرا به مجموعه تعبیرها و تحلیل های پیش گفته، شـکی باقی نمی گذارد که سـمت وسوی مقاله های آقای سـردبیر، بررسـی جانب دارانه، منفی و مخرب نهاد روحانیت بوده و روحانی گریزی را تبلیغ و ترویج می کند. نکته قابل توجه این است در حـالی که آقـای شـمس الواعظین به جایگـاه ایـدئولوژیک نهـاد روحـانیت معترض است و بررسـی عالمـانه و نقادانه آن را پیشـنهاد می کنـد، دربـاره جـامعه روشن فکری نه تنهـا به بررسـی علمی و منتقـدانه نمی پردازد، بلکه بـا اسـتفاده از جمله ها و عبارت های حماسـی، به دنبال ترسـیم جایگاهی ایدئولوژیک برای آن است. با گوشه ای از این تعبیرها از نمایی نزدیک آشـنا می شویم:

ائتلاف آزادی خواه با خدا پیمان بسته است که فارغ از هرگونه تمایل به هماوردی و برتری طلبی و خشونت ورزی، حقوقی را طلـب کنـد که در هر دوره ای، به بهـانه ای از آنـان سـلب شـده است... ائتلاـف آزادی خـواه که در طـول دو سـال گذشـته به پیروزی های شگرفی دست یافت، باید آماده باشد که نیروهای مقابل با تمام توان به مواضع او حمله کنند. ائتلاف آزادی خواه آن قـدر سـاده انگـار نیست که گمـان بَرَد حتی ابتـدایی ترین حقوق خود را آسان و بـدون پرداخت هزینه می توانـد به دست آورد.(۱)

روشن فکران این کشور در کنار بیست میلیون همراه و هم رأی، اجازه نمی دهند این گذر از قانون به شـبه قانون، گذر از نظام متقابل حق و تکلیف، به نظام یک طرفه جرم و جزا، در خفا و بدون پرداخت هزینه آن صورت گیرد.(۲)

این در حالی است که جامعه روشن فکری یا ائتلاف آزادی خواه که آقای

۱- ۷.توس، ش ۱، ۳/۵/۷۷۱۳.

۲- ۸.توس، ش ۷، ۱۰/۵/۷۷۱۳.

سردبیر بارها به آن استناد جسته، از زوایای متعدد، مرموز و پرسش برانگیز است:

ـ آیا جامعه روشن فکری و ائتلاف آزادی خواهان، شخصیتی حقوقی و مستقل دارد یا موجودی موهوم، غیرواقعی و ایدئولوژیک است که صرفا مصرف سیاسی و تبلیغاتی دارد؟

ـ اگر از شخصیت حقوقی و رسمی برخوردار است، هیئت مؤسس و اعضای آن کیست و سال تأسیس، اهداف و برنامه های آن چیست؟

ـ منصب های جامعه روشن فکری چگونه و برپایه کدام مراحل و در پی کدام عوامل به دست می آیند؟

ـ منابع تأمین کننده حیات این تشکل چگونه ضبط، مدیریت و هدایت می شود؟

ـ مراجع رسمی و غیررسمی تصمیم گیری در جامعه روشن فکری و ائتلاف آزادی خواه کدام هستند و مشروعیت خود را از کجا می گیرند؟

ـ رابطه و نسبت این جامعه با نهاد قدرت در نظام جمهوری اسلامی چیست؟

ـ آمار دقیق اعضای این تشکیلات چیست؟

ـ تأسیسات، ساختمان ها و مؤسسه وابسته به جامعه روشن فکری چگونه پدید می آیند، چگونه اداره می شوند و در برابر کدام مرجع قانونی یا غیرقانونی پاسخ گو هستند؟

ـ چرا در رویدادهای مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به طور رسمی مواضع خود را علام نمی کنند یا اینکه روزنامه های جامعه و توس

ص: ۱۳۴

و به ویژه ستون «با مسئولیت سردبیر» سخنگوی رسمی آنان است؟

در پایان این بحث، خالی از لطف نیست که به جدول مقایسه ای تعبیرهای به کاررفته ایشان برای روحانیت و جامعه روشن فکری نظری بیاندازیم.

روحانیت

موضوع

روشن فکران

نهاد حوزه علمیه تلاش می کند که خود را قلمرویی بسته، دست نیافتنی و ناشناختنی برای همگان نگاه دارد. (توس ۵/۶/۷۷)

پنهان کاری یا همدلی

روشن فکران این کشور در کنار بیست میلیون همراه و هم رأی اجازه نمی دهند... (توس، ۱۰/۵/۷۷)

روحانیت آفتی دارد که استاد مطهری، آن را عوام زدگی روحانیت نامیده است. (توس، ۵/۶/۷۷)

عوام زدگی و ساده انگاری

ائتلاف آزادی خواه آن قدر ساده انگار نیست که گمان برد حتی ابتدایی ترین حقوق خود را آسان و بدون پرداخت هزینه می تواند به دست آورد. (توس، ۳/۵/۷۷)

سعی بسیار دارند که «با قلمرو ممنوع» اعلام کردن آنها و فراموشاندن و پنهان ساختن واقعیت ها، راه تعامل جامعه روشن فکران را با خود ببندند و رابطه ای بسازند آمرانه و تحکم آمیز. (توس ۵/۶/۷۷)

قدرت طلبی

ائتلاف آزادی خواه با خدا پیمان بسته است که فارغ از هرگونه تمایل هماوردی و برتری طلبی و خشونت ورزی، حقوقی را طلب کند که هر دوره ای به بهانه ای از آنان سلب شده است. (توس، ۳/۵/۷۷)

این نهاد، صرفا نهادی علمی نبوده و نیست و به ویژه در سال ها و سده های اخیر کانون مهم قدرت و خاستگاه نیرومندترین ایدئولوژی در کشور بوده است. (توس، ۵/۶/۷۷)

قدرت طلبی

در پناه زمینه مساعدی که برای قلع و قمع تروریست ها و جدایی طلبان و مهاجمان خارجی پیش آمد تکلیف بسیاری دیگر هم

روشن شد و با آزادی خواهی، روشن فکران هنرمندان و هر آنکه استقلال فکر داشت تسویه حساب های جدی صورت گرفت. (توس، ۱۲/۶/۷۷)

هشت _ راست سنتی یا جناح اقتدارگرا

هشت _ راست سنتی یا جناح اقتدارگرا

در ابتدای تحلیل محتوای دیدگاه ها و گرایش های آقای شمس الواعظین، فرازهایی از سخنان ایشان نقل شد که در آن، از احترام به جناح های رقیب و مخالف و رعایت حقوق آنان، نقد و بررسی بی طرفانه و گفت وگوی منطقی و مسالمت آمیز سخن به میان آورده بود. شاید بهترین آوردگاه برای ارزیابی پای بندی ایشان به اصول اخلاقی و قانونی اعلام شده، گفت وگو و مباحثه وی با جناح رقیب است. وی این جناح را راست سنتی، انحصارگرا، اقتدارگرا و در برخی اوقات، جبهه شکست خورده دوم خرداد نامیده، ولی از جناح خودی به جناح آزادی خواه، روشن فکر و اصلاح طلب یاد کرده است. نکته

ص: ۱۳۵

جالب توجه، فضای مفهومی جناح اقتدارگرا در روزنامه های جامعه و توس است که طیف وسیعی از اشخاص حقیقی و حقوقی نظام را شامل می شود مانند: قوه مقننه، قوه قضاییه، شورای نگهبان، جامعه روحانیت، جامعه مدرسین و حتی رهبر انقلاب. اگرچه پیش از این، در تحلیل محتوای آثار آقای جلایی پور درباره فضای مفهومی «جناح محافظه کار» در روزنامه های جامعه و توس و مصداق های خارجی آن به تفصیل بحث و گفت وگو شد، در اینجا به نقل عبارت هایی می پردازیم که در ستون «با مسئولیت سردبیر» برای تعریف جناح اقتدارگر آمده است. آقای سردبیر در مقاله «خبرگان بر سر دوراهی» ــ توس ۱۷/۵/۷۷ ــ چنین آورده است:

تقریبا نزدیک به تمام سر نخ های قدرت سیاسی، مستقیم و یا غیرمستقیم در دست رهبر است.

در جایی دیگر(۱) می نویسد:

جریان سیاسی ای که آقای ناطق نوری به آن متعلق است و در دهه اخیر بخش عمده حاکمیت سیاسی را در دست داشته است... .

این دهه؛ یعنی دقیقا پس از رحلت بنیان گذار جمهوری اسلامی و تعیین آیت اللّه خامنه ای به عنوان رهبر انقلاب اسلامی. نتیجه گیری از این دو عبارت مشکل نیست. از یک سو، تمام سر نخ های قدرت در جمهوری اسلامی را به دست رهبری می دهد و از سوی دیگر، اشاره می کند با رحلت امام و روی کار آمدن رهبر فعلی انقلاب، قدرت به جناح راست رسید. آقای شمس الواعظین درباره قوای مقننه و قضاییه با صراحت بیشتری سخن گفته

۱- ۱.توس، ش ۳۲، ۹/۶/۷۷۱۳.

است، مانند عبارت پیش گفته که با ذکر نام، آقای ناطق نوری را به جناح اقتدارگر منسوب کرد یا مانند این عبارت که قوه قضاییه و مقننه را به جناح انحصارگر منتسب می کند:

پس از دوم خرداد، جریان رقیب آقای خاتمی با خاطر جمعی از اینکه ابزارهای قانونی در دست اوست، از شعار قانون استقبال کرد و بنا بر آن گذاشت تا با وسیله ای که حریف به آن تسلیم شده است، به مقابله با او برخیزد و چنین نیز کرد. موارد سه گانه استیضاح وزیر کشور، محاکمه شهردار و لغو امتیاز جامعه نمونه های بارز استفاده از قانون علیه جریان اصلاح طلب است... . بزرگراه های قانون به دست شماست، تنها کوره راه های آن، محل اتکای محکومان است.(۱)

اکنون هنگام آن رسیده که تعبیرهای آقای سردبیر را در وصف گروه بزرگی از رجال دینی، سیاسی و فرهنگی انقلاب و کشور به نظاره بنشینیم.

جدول تحلیل کیفی گرایش آقای شمس الواعظین به جناح راست سنتی

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

له

علیه

نشانی

جناح راست سنتی ـ اقتدارگرا

۱. چون ابزار قانونی را در دست داشتند، از شعار قانون استقبال کردند.

;nbsp

۱

توس ۷/۵/۱۳۷۷

۲. مقابله با خاتمی به وسیله قانون

;nbsp

۱

توس ۷/۵/۱۳۷۷

۳. استیضاح وزیر کشور، محاکمه شهردار، لغو امتیاز جامعه، مصادیق بارز استفاده از قانون علیه جریان اصلاح طلب

;nbsp

۴

توس ۳/۵/۱۳۷۷ و ۷/۵/۱۳۷۷

۴. درو کردن یک وزیر برجسته، یک مدیرخلاق و یک روزنامه محبوب

;nbsp

۱

توس ۷/۵/۱۳۷۷

۵. بی اعتنایی به آرای عمومی، مصالح کشور، آرای کارشناسانه صدها حقوق دان

;nbsp

۱

توس ۷/۵/۱۳۷۷

۶. اجرای مبهم و ناقص قانون

;nbsp

۱

توس ۷/۵/۱۳۷۷

۷. گوش شنوایی برای شنیدن اعتراضات مردم و کارشناسان ندارند

;nbsp

۱

توس ۷/۵/۱۳۷۷

۸. قانون شکنی های به ظاهر قانونی

;nbsp

۱

توس ۷/۵/۱۳۷۷

۹. بزرگراه های قانون به دست آنهاست و کوره راه ها به دست محکومان. به این هم رضایت نمی دهند.

;nbsp

۱

توس ۷/۵/۱۳۷۷

ص: ۱۳۷

۱- ۲.توس، ۷/۵/۷۷۱۳.

۱۰. به دنبال جزیره ثبات و یک دستی و یک صدایی

;nbsp

۱

توس ۱۰/۵/۱۳۷۷

۱۱. اصلاحات نیم بند خشمشان را برانگیخته.

;nbsp

۱

توس ۱۰/۵/۱۳۷۷

۱۲. واکنش صریح و مستقیم در برابر مردمی که حقوق سیاسی معوقه خویش را مطالبه می کنند.

;nbsp

۱

توس ۱۳/۵/۱۳۷۷

۱۳. از برآورد پیچیده منافع خود و رعایت مصالح گروهی خویش نیز بی بهره اند.

;nbsp

۱

توس ۱۳/۵/۱۳۷۷

۱۴. خروج از اعتدال از مروت

;nbsp

۱

توس ۱۳/۵/۱۳۷۷

;nbsp

۱۵. رودررویی با مردم و انتقام از آنها

;nbsp

۱

توس ۱۳/۵/۱۳۷۷

۱۶. مقاومت آنان از مدار عقلانیت و محاسبه خارج می شود.

;nbsp

۱

توس ۱۳/۵/۱۳۷۷

۱۷. مواضع متضاد در ارتباط با جایگاه رأی مردم

;nbsp

۱

توس ۱۳/۵/۱۳۷۷

۱۸. بسیاری از تصمیم گیری ها از سنخ واکنش های غریزی و محاسبه نشده.

;nbsp

۱

توس ۱۳/۵/۱۳۷۷

۱۹. روزنامه های آنان به مسخره کردن، هتاکی، فحاشی، هوچی گری و در یک کلام لمپنیسم مطبوعاتی روی آوردند.

;nbsp

۱

توس ۴/۵/۱۳۷۷

۲۰. روزنامه های آنان روی ناموس مردم چوب حراج زدند.

;nbsp

۱

توس ۴/۵/۱۳۷۷

۲۱. روزنامه های آنان پرونده خصوصی افراد را باز می کند یا برای آنان پرونده سازی می کند.

;nbsp

۱

توس ۴/۵/۱۳۷۷

۲۲. روزنامه های آنان در قالب روزنامه نگاری، فعالیت های اطلاعاتی و امنیتی می کنند.

;nbsp

۱

توس ۴/۵/۱۳۷۷

۲۳. بحران مشروعیت

;nbsp

۱

توس ۴/۵/۱۳۷۷

۲۴. اعتراف به مخالفت مردم با جناح خود

;nbsp

۱

توس ۴/۵/۱۳۷۷

۲۵. عدالت را به بازی نمی گیرند.

;nbsp

۱

توس ۴/۵/۱۳۷۷

۲۶. آزادی را نیز فقط به بازی می گیرند

;nbsp

۱

توس ۴/۵/۱۳۷۷

۲۷. دفاع از اقتدارگری آهنین حکومت شوروی سابق

;nbsp

۱

توس ۲۱/۵/۱۳۷۷

۲۸. راه حل مشکل را در محدودیت بیشتر آزادی، سد کردن مسیر اصلاح و حذف اصلاح گرایان می دانند.

;nbsp

۱

توس ۲۱/۵/۱۳۷۷

۲۹. قلع و قمع کردن مخالفان

;nbsp

۱

توس ۲۱/۵/۱۳۷۷

۳۰. برای راست سنتی به جز خود آنان، هیچ کس خودی نیست.

;nbsp

۱

توس ۲۱/۵/۱۳۷۷

۳۱. هرکس کمترین استقلالی در رأس و کمترین شراکتی در عمل طلب کند از آنها نیست.

;nbsp

۱

توس ۲۱/۵/۱۳۷۷

۳۲. از قانون، شبه قانون را مراد کرده اند.

;nbsp

۱

توس ۲۱/۵/۱۳۷۷

۳۳. اجرای جناحی قانون

;nbsp

۱

توس ۲۱/۵/۱۳۷۷

در مجموعه عبارت هایی که در ستون «با مسئولیت سردبیر» از جناح راست سنتی سخن گفته است، عبارت مثبتی دیده نشد. به هر حال، از آنجا که عبارت ها به خوبی گویای سرّ درون است، خوانندگان گرامی قضاوت خواهند کرد که آیا این تعبیرها، مصداق گفت وگوی علمی، بی طرفانه و

مسـالمت آمیز است یـا جنـگ و ستیز بی رحمـانه و نـاجوان مردانه بـا جناح رقیب؟ و آیا انتساب این گونه صـفات به رهبران و چهره های برجسته نظام و انقلاب در رسانه های جمعی، کاری سترگ و جسارتی بزرگ به شمار نمی آید؟

نتیجه گیری

نتیجه گیری

نظـام جمهوری اسـلامی ایران از ارکـان و مؤلفه هـایی تشـکیل شـده است که مهم ترین آنها عبارتنـد از: مردم، قانون اساسـی، رهبری، قوای سه گـانه، روحـانیت و مجلس خبرگـان. بی شـک، وجود هرگونه نابه سامانی در ارکان و مؤلفه های یادشـده به تزلزل و فروپاشـی نظامی می انجامد که بر آنها اسـتوار است. این در حالی است که سـتون «با مسـئولیت سردبیر» با نقدوبررسی یک سویه و منفی ارکان و مؤلفه های نظام، به سوی تشکیک، تخریب و تقبیح آنها در انظار و افکار عمومی جهت گیری شده است. نگاهی گـذرا به جـدول های کمّی و کیفی و فراوانی های به دست آمـده نشان می دهد که در سـتون مذکور ــ بیش از ۹۰ درصـد ــ به اخبار و تحلیل های منفی بسـنده شـده است و کمتر از محاسن و امتیازات مثبت نظام و ارکان و مؤلفه های آن سخن به میان آمده است. در حقیقت، می توان سـتون «با مسـئولیت سـردبیر» را به سنگری تشبیه کرد که سنگربان یا سنگربانان آن به مبارزه خصمانه ــ البته ستیز قلمی و مکتوب ــ با نظام اسلامی پرداخته اند.

ص: ۱۳۹

۲. حمید رضا جلایی پور

اشاره

۲. حمید رضا جلایی پور

آقای جلایی پور، صاحب امتیاز و مدیر مسئول روزنامه جامعه و نیز رئیس هیئت مدیره نشریه توس بوده اند.

الف) عنوان ها و موضوع های مقاله ها و یادداشت ها

الف) عنوان ها و موضوع های مقاله ها و یادداشت ها

یادداشت ها و مقاله هایی که ایشان در روزنامه های جامعه و توس ـ در فاصله ۳۰/۱/۷۷ تا ۲۴/۶/۷۷ ـ به رشته تحریر درآورده، به شرح زیر است:

ردیف

عنوان مقاله

موضوع اصلی

موضوع فرعی

نظریه های ارائه شده

نشریه

۱

آقای سردبیر، قرارنیست به دوران تسلط مقالات خشونت زا بازگردیم

توصیه به سردبیرجامعه به پرهیز ازنشر مقاله ها وتعبیرهای خشونت زا

انتظار روشن اندیشان این مرز و بوم از روزنامه جامعه، نمونه هایی از خروج جامعه از مسیر اعتدال و گفت وگو

در حریم فکری (روشن فکری) جامعه مقولاـتی چون جزمیت گرایی، جدال متعصبانه چپ و راست، تضاد نیروهای سنتی و مدرن جای خود را به گسترش مفاهیمی چون خردمندی انتقادی، هم زیستی، گفت وگو و تفاهم و مروت و مدارا سپرده است.

جامعه۳۱/۱/۷۷

۲

جامعه و رجال سیاسی

بررسی دیدگاه روزنامه جامعه

زیربنای فکری روزنامه جامعه

۱. درمان درد کهنه جامعه و تقویت کننده دین و دنیای ما، تأمین فرهنگ هم زیستی و انتقاد و تفاهم اندیشه ها است.

۲. مشکل بیشتر ما ایرانیان است که در فعالیت های جمعی با الگوی استبدادی خو کرده ایم.

۳. جامعه، تمرین هم زیستی انتقادی در فضای به دست آمده از دوم خرداد را بنیانی ترین همکاری با دولت خاتمی برای حل معضلات جمعیت توده وار می داند.

جامعه۱۹/۲/۷۷

۳

منافع ملی در جنگ شاه لوله ها

۱. نحوه بهره برداری پنج کشور از حوزه دریای خزر۲. مسیر عبورشاه لوله های نفت و گاز از ایران، ترکیه، روسیه یا گرجستان؟

اشاره به تحرکات سیاسی کشورهای حوزه دریای خزر

۱. سیاست اتخاذشده از سوی نظام اگرچه از لحاظ حقوقی وسیاسی امری پسندیده و اصولی است، اما با توجه به اتخاذسیاست «تقسیم» از سوی چهارکشور حوزه خزر، چشم انداز امیدبخشی را برای ایران پدیدنمی آورد.

۲.لزوم اتخاذدیپلماسی«بازی بادست های باز»

جامعه۳۰/۲/۷۷

۴

انقلاب اسلامی و دوم خرداد (حامی انقلاب، حامی دوم خرداد است).

بررسی نتایج سیاسی انقلاب اسلامی

اهداف و انگیزه های انقلاب اسلامی

۱. دوم خرداد اوج روند مشارکت سیاسی مردم که از ۲۲ بهمن آغاز شده بود.

۲.رقابت کاندیداهادرانتخابات ریاست جمهوری،رقابتی حقیقی وجدی ونه فرمایشی.

۳. حامی واقعی انقلاب اسلامی، حامی سرافراز دوم خرداد است.

جامعه ۲/۳/۷۷

۵

چرا «شخصیتهای مرجع»، خاتمی را گرامی می دارند؟

علل محبوبیت روزافزون ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

راه پیمایی مدنی دوم خرداد ۷۷

۱. علت محبوبیت روزافزون آقای خاتمی عبارت است از تقدم هویت آزادی خواهی او بر هویت اعتقادی و جناحی او؛ یعنی آزادی فی نفسه برای او اصالت دارد.

۲. خاتمی به عنوان یک سیاست مدار آزادی خواه، روحانی، دین دار و مسلمان می تواند الگویی برای جهان امروز باشد جهانی که رویکردی مجدد، اما آگاهانه به مذهب را در مرکز توجه خود قرار داده است.

جامعه ۶/۳/۷۷

۶

استیضاح وزیر کشور (تقدم توسعه سیاسی بر امنیت و معیشت یا بالعکس؟)

علل و انگیزه های استیضاح وزیر کشور

توسعه سیاسی کشور و موانع راه

۱. عبدالله نوری، مجری شجاع و استوار برنامه های توسعه سیاسی دولت آقای خاتمی بوده است.

۲. به اعتقاد آنان ـ به خلاف مخالفان و استیضاح کنندگان ـ توسعه سیاسی نه تنها مقدم بر امنیت و معیشت است، بلکه پیش شرط الزامی تحقق آن دومی باشد.

جامعه ۳۰/۳/۷۷

۷

عبدالله نوری، شخصیتی صاحب سبک و ثابت قدم

برنامه ها و سیاست های آقای عبدالله نوری در دوران تصدی وزارت کشور

عکس العمل مخالفان دولت خاتمی در مجلس شورای اسلامی

۱. وزارت آقای نوری به رغم عمر کوتاه؛ اصولی، دارای سبک و ایده بود.

۲. سیاستی که نوری پی گیری می کرد در یک چشم انداز بلندنگر، تأمین کننده منافع و مصالح مخالفان خاتمی نیز بود.

۳. درمقابل استواری دولت خاتمی و عبدالله نوری در اتخاذ توسعه سیاسی، عکس العمل و برخورد گروه های مخالف، سطحی و فاقد یک ایده قابل دفاع بود.

جامعه ۳/۴/۷۷

۸

جامعه؛ پدیده ای برای درس آموزی

مؤسسات جمعی خصوصی ـ غیر دولتی و موانع فعالیت در جامعه ایران

راهها و شیوه های غیر قهرآمیز در کنترل بحرانهای دایمی جامعه ایران

۱. بنیان اصلی جوامع مدنی بردوش کارآفرینانی است که با خطرپذیری و به کارگیری دستآوردهای علمی، خلاقیت و ابتکارات فردی مؤسسات جمعی را سازمان می دهند.

۲. یکی از جهت گیری های حکومت ها و پارلمان ها و دستگاه های قضایی در جوامع مدرن، دفاع از این مؤسسات جمعی (در داخل و خارج کشور) می باشد.

۳.درایران،دریک صدسال اخیر،مؤسسات جمعی مدرن که خصوصی باشند، کمتر وجود دارد.

جامعه۱۳/۴/۷۷

۹

ارزیابی موقعیت کنونی محافظه کاران در جمهوری اسلامی

علل و عوامل فقدان پایگاه سیاسی اجتماعی محافظه کاران نزد تحصیل کردگان و روشن فکران

ــ ویژگی گروه های محافظه کار در جوامع جدید

ــ ولایت سیاسی، ولایت باطنی و معنوی

ــ جامعه روشن فکری

ــ نهادهای دینی و مراسم دینی

ــ حوادث اخیر پیرامون مراسم دوم خرداد

۱. جناح محافظه کار یا طیف گروه های همسو فاقد پایگاه سیاسی و اجتماعی نزد تحصیل کردگان وجامعه روشن فکری هستند.

۲. ضرورت حضور جناح محافظه کار در ساختار سیاسی ایران اقتضا می کند آسیب ها شناخته شود و مرتفع شوند.

جامعه۱۳/۴/۷۷

ص: ۱۴۱

.۱۰

چرا جامعه از کرباسچی دفاع می کند؟

علل دفاع جامعه از شهردار تهران

ـ اتهامات شهردار تهران

ـ توسعه نیافتگی سیاسی ایران

ـ اذیت، آزار و شکنجه شهرداران

۱. کمک های مالی برج سازان به آقای شهردار رشوه نبود، بلکه هزینه ای برای بهبود توسعه نیافتگی سیاسی این کشور بوده است.

۲. دفاعیه و توضیحات شهردار در دادگاه به شفافیت عرصه سیاسی که از علایم نظام توسعه یافته سیاسی است، کمک می کند.

۳. در تاریخ ایران، مدیران یک بار مصرفند و نظام حقوقی و سیاست جامعه از حیثیت و کارنامه آنان نه به درستی ارزیابی شده و نه دفاع می کرده است.

۴. آزادی سیاسی و توسعه سیاسی، گرفتنی است و محافظه کاران با سلام و صلوات، به شهروندان این کالاها را تقدیم نمی کنند.

جامعه ۱۶/۴/۷۷

۱۱

شهردار، برج سازان و توسعه سیاسی

رابطه شهروندان و برج سازان و ارزیابی تأثیرات مثبت و منفی آن و توسعه سیاسی

نقد مقاله «خدمت بزرگ دادگاه کرباسچی به توسعه سیاسی کشور» از آقای محمود مقدسی در جامعه ۲۴/۴/۷۷

۱. تا توسعه یافتگی سیاسی راه درازی در پیش است.

۲. برج سازان با تشویق شهردار به گروه های سازنده و مثبت در جریان انتخابات کمک کرده اند.

جامعه ۲۷/۴/۷۷

۱۲

آزادی برای شهیدان یا زندگان

واکنش طیف گروه های همسو ومحافظه کار به مقولات

ص: ۱۴۲

شهادت طلبی و آزادی و استفاده ابزاری از آنها

شهادت سه برادر ایشان در جبهه های جنگ

گروه های همسو، آزادی را برای شهدا بی دریغ ارزانی می دارند، اما از زندگان دریغ می دارند.

توس ۴/۵/۷۷

۱۳

خطر لغزش محافظه کاران به سوی راست گرایان

بررسی و تحلیل عملکرد سیاسی گروه های همسو ــ طیف محافظه کار

ــ ویژگی راست گرایان افراطی پی آمدهای سلطه راستی های افراطی

۱. حضور گروه محافظه کاران لازمه توسعه سیاسی و تسلط راست گرایان افراطی مانع توسعه سیاسی است.

۲. علایمی نشان می دهد که گرایش راست افراطی در گروه های همسو در حال پیشروی است.

توس ۱۰/۶/۷۷

گفتنی است از میان مقاله های پیش گفته، مقاله های ردیف های ۱، ۲، ۵، ۷، ۸، ۹ و ۱۲ مورد بررسی دقیق و تحلیل محتوا قرار گرفته اند.

ب) جلایی پور، مطبوعات و لزوم رعایت اصول اخلاقی

ب) جلایی پور، مطبوعات و لزوم رعایت اصول اخلاقی

پیش از پرداختن به تحلیل محتوای مقاله های آقای جلایی پور، آشنایی با دیدگاه های ایشان درباره لزوم رعایت اصول اخلاقی و آداب اجتماعی در نشریات و مطبوعات جامعه مدنی، خالی از فایده نیست. آقای جلایی پور در مقاله ای با عنوان «آقای سردبیر، قرار نیست به دوران تسلط مقولات خشونت زا باز گردیم» (جامعه، ۳۰/۱/۷۷) خطاب به سردبیر روزنامه جامعه ــ آقای شمس الواعظین ــ لزوم گفتمان مدنی به جای رادیکالیسم قالبی را گوشزد می کند و چنین می نویسد:

شما بهتر می دانید که در حریم فکری (روشن فکران) جامعه مقولاتی چون: جزمیت گرایی، جدال طبقاتی، جدال متعصبانه چپ و راست، تضاد نیروهای سنتی و مدرن، آزادی خواه و استقلال طلبی کلیشه ای و خارجی ستیزی خیابانی، مدتی است نخ نما شده و جای خود را به گسترش مفاهیمی چون: خردمندی انتقادی، هم زیستی، گفت وگو و تفاهم، مروت و مدارا در میان گروه ها، اقشار و ملل سپرده است. ازاین رو، روشن اندیشان این مرز و بوم انتظار دارند انعکاس وقایع و تحلیل ها در روزنامه

جامعه در ذیل و سایه مقولات اخیر؛ یعنی گفتمان مدنی، توصیف و تفسیر گردد، نه گفتمان رادیکالیسم قالبی.

ص: ۱۴۳

وی سپس با آوردن نمونه ای چند از گفتمان رادیکالیسم _ که یادآور ادبیات خشونت بار است، _ دیدگاه خود را چنین بیان می کند:

آقای سردبیر، چون هر شماره جدید جامعه، مکنونات بانیان و قلم زنان جامعه را برای مخاطبانش آفتابی تر می کند، لذا وعده ادبیات و گفتمانی مدنی را نباید از یاد برد و به حاشیه راند. جامعه و جهان ما، بیش از پیش، در آتش مشکلاتش می سوزد و می سازد. بیایید با به کار بردن مقولاتی که پی آمد تسویه حساب و خشونت دارند، بر این آتش بیش از این ندمیم و روغن نریزیم.(۱)

وی در جایی دیگر می گوید:

اشاره به اصل زیربنایی جامعه که هم شعار، هم هدف و هم روش آن است، ضروری می باشد. این اصل زیربنایی آن است که جامعه می خواهد رسانه ای باشد در خدمت توسعه فرهنگِ هم زیستی مسالمت آمیز، براساس انتقاد و تفاهم، در میان اندیشه ها، شخصیت ها، گروه ها و قشرهای متنوع جامعه. اگر از جامعه، ناسزاگویی نسبت به شخصیت ها و دستگاه سیاسی و مذهبی کشور انتظار دارید راه به اشتباه آمدید. جامعه به دنبال آنارشیسم نیست و آن را سمّ مهلکی می داند.(۲)

اکنون باید دید که آقای جلایی پور تا چه اندازه به این شعار در مرحله عمل وفادار مانده است؟ آیا القاب، اصطلاحات و تعبیرهایی که ایشان در مقاله های خود به کار برده اند، به رویارویی طبقاتی و جناحی در درون نظام و تشدید اختلافات می انجامد یا خیر؟ آیا آثار قلمی ایشان در پاره ای اوقات، تسویه حساب با نظام، اشخاص و جناح ها را به شکل تسویه حساب قلمی _ لنینی در ذهن خواننده زنده می سازد یا خیر؟ و آیا جامعه به دنبال ثبات است و

۱- ۱.جامعه، ۱۹/۲/۷۷۱۳.

۲- ۲.همان.

از آنارشیسم که سم مهلک است، پرهیز می کند؟

ج) ایران و ایرانی در آثار جلایی پور

ج) ایران و ایرانی در آثار جلایی پور

آقای جلایی پور چه دیدگاهی نسبت به ملت، کشور و جامعه خودی دارد؟ آیا احساس درونی ایشان به ایران و ایرانی، مثبت است یا منفی و اصولاً در مقاله های خود چه گرایشی را نسبت به این مرزوبوم و هویت فرهنگی آن ترویج می کند. جدول های تحلیل محتوای کمّی و کیفی به ما کمک می کند تا برای این پرسش ها، پاسخی مستند بیابیم.

جدول تحلیل کمی

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

علیه

له

نشانی

ایران و جامعه ایرانی

ــ مشکل بیشتر ما ایرانیان این است که در فعالیت های جمعی به الگوی استبدادی خو کرده ایم.

۱

;nbsp

جامعه ۱۹/۲/۷۷

ــ ایرانی جماعت در حرکت جمعی، حوصله انتقاد و سپس تفاهم و توافق مبتنی بر آن را ندارد.

۱

;nbsp

جامعه ۱۹/۲/۷۷

ـ متأسـفانه این نقیصه را در همه سـطوح می توان مشاهـده کرد: چه درسـطح خـانواده و فامیـل، چه گروه های فعال در جامعه مدنی.

۱

;nbsp

جامعه ۱۹/۲/۷۷

ـ همین خصیصه اجتماعی، یعنی الگوی رفتاری استبدادی و دشمن مدارانه به عرصه سیاست و دولت هم کشیده می شود.

۱

;nbsp

جامعه ۸/۴/۷۷

ـ راه دور نرویم، سرّ عقب ماندگی جامعه ما شاخ و دم ندارد.

۱

;nbsp

جامعه ۱۹/۲/۷۷

ـ مشکل ایران اولاً و بالذات استبداد سیاسی نیست، استبداد اجتماعی است.

۱

;nbsp

جامعه ۸/۴/۷۷

ـ چه باید کرد که جامعه ایران در جا نزند؟

۱

;nbsp

جامعه ۸/۴/۷۷

ـ یکی از مشکلات ایران در یکصد سال اخیر، ناکامی مؤسسات خصوصی است.

۱

;nbsp

جامعه ۸/۴/۷۷

ـ مؤسسات خصوصی موفق درسطح ملی، قادر به ادامه حیات نیستند.

۱

;nbsp

جامعه ۸/۴/۷۷

ـ اینك می توانیم به یکی از معضلات اساسی توسعه سیاسی ایران پی ببریم.

۱۶

۲

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ مؤسسات خودکفا و مدرن در جامعه ایران در سطح ملی نمی توانند قد علم کنند.

۱۶

۲

جامعه ۸/۴/۷۷

ـ بیش از چهار جنبش بزرگ سیاسی در ایران رخ داده، اما معضله این جنبش ها که اراده های فوق قانونی بوده، حل نشده است.

۱۶

۲

جامعه ۸/۴/۷۷

ــ جامعه و جهان ما بیش از پیش در آتش مشکلاتش می سوزد و می سازد.

۱۶

۲

جامعه ۳۱/۱/۷۷

ــ هنوز ما برای پایه ریزی یک جامعه خودکفا و مدرن (با توجه به فرهنگ بومی، دینی ایران) با مشکلات اساسی روبه رو هستیم.

۱۶

۲

جامعه ۸/۴/۷۷

ــ درد کهن جامعه ما، تأمین فرهنگ هم زیستی است

۱

۲

جامعه ۱۹/۲/۷۷

ــ سیاست ایران هنوز با توسعه نیافتگی دست و پنجه نرم می کند.

۱۶

۲

جامعه ۱۶/۴/۷۷

ــ انتخابات بی نظیر را برگزار کردند.

۱۶

۱

جامعه ۱۰/۶/۷۷

ـ خاتمی اصلاح گرا را به ریاست نشاندند.

۱۶

۱

جامعه ۱۰/۶/۷۷

گفتنی است در مقالات آقای جلایی پور که مورد بررسی قرار گرفت

ص: ۱۴۵

در مقابل ۱۶ مورد توصیف منفی، از ایران و ایرانی جماعت ــ به اصطلاح ایشان ــ صرفا دو بار به خیر و نیکی یاد شده است.

جدول تحلیل کمّی

موضوع داوری

مفهوم عامیانه

نمره

فعل

نمره

حاصل ضرب

ما ایرانیان

با الگوی استبداد

-۳

خو کرده ایم

+۳

-۹

ایرانی جماعت

حوصله انتقاد

+۲

ندارد

-۳

-۶

در همه سطوح

این نقیصه «تحمل ناپذیری» را

-۲

می توان مشاهده کرد

+۲

-۴

به عرصه سیاست ودولت

رفتار استبدادی و دشمن مدارانه

-۳

کشیده می شود

+۲

-۶

جامعه ما

عقب مانده اش

-۳

شاخ و دم ندارد

+۳

-۹

مشکل ایران

استبداد اجتماعی

-۳

است

+۳

-۹

جامعه ایران

درجا «عقب گرد»

-۲

می زند

+۳

;nbsp

مؤسسات موفق خصوصی

در سطح ملی به ادامه حیات

+۲

قادر نیستند

-۲

-۴

در جنبش های بزرگ سیاسی ایران

مشکل اراده های فوق قانون

+۳

حل نشده است

-۲

-۶

جامعه ما

در آتش مشکلاتش

-۳

می سوزد

+۳

-۹

تأمین فرهنگ همزیستی

درد کهنه جامعه ما

-۲

است

+۳

-۶

جامعه ایران

انتخابات بی نظیر

+۳

برگزار کرد

+۲

+۶

جامعه ایران

خاتمی اصلاح گر را

+۲

به ریاست نشاند

+۲

+۶

نتایج حاصل از جدول تحلیل کمی را برای تعیین میزان گرایش نویسنده در فرمول زیر قرار دهیم:

تعداد جمله ها مجموع نمره های به دست آمده × ۱۳

۱۳ × ۱۳ -۶۲ = - ۵۹/۱

ص: ۱۴۶

نتیجه این محاسبه، گرایش منفی آقای جلایی پور و بیزاری ایشان از ایران و جامعه ایرانی را نشان می دهد. اگرچه این گرایش، از یکایک واژگان و القاب به کار گرفته شده در آثار وی نیز به خوبی روشن و آشکار بود. بررسی و تبیین عوامل ایجاد این کدورت و واگرایی از ملت ایران از حوصله این نوشتار خارج است. امّا با توجه به این گرایش، آیا نظریه فرانتس قانون: «بیزاری از فرهنگ خودی + گرایش به فرهنگ بیگانه»، در مورد ایشان مصداق می یابد یا خیر. اساسا احساس «هویت ملی» بر مفاخر پیشین همان ملت تکیه دارد و تزلزل بی اعتمادی نسبت به افتخارات گذشته، هویت ملی را مخدوش و بی اعتبار می کند. امام راحل که منادی بازگشت به خویش در عصر حاضر است، بر این باور تکیه کرد که: «به آنها حالی کنید که شما خودتان، مفاخر داشتید، خودتان فرهنگ دارید، خودتان همه چیز دارید».(۱) پس از آشنایی با میزان گرایش آقای جلایی پور به ملت و کشور خود، اکنون با استفاده از جدول تحلیل کمی و کیفی، با سطح علاقه و ارادت ایشان به جوامع غربی آشنا می شویم.

جدول تحلیل کیفی

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

علیه

له

نشانی

جوامع غربی مانند انگلیس و آلمان

ــ جوامع مدرن

;nbsp

۳

جامعه ۸/۴/۷۷

ــ جوامع غربی مانند انگلیس و آلمان ــ جوامع توسعه یافته

;nbsp

۳

جامعه ۱۶/۴/۷۷

ــ مراحل تحول اجتماعی را طی نموده اند

;nbsp

۲

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ صحنه سیاسی این کشورها محل رقابت جدید

;nbsp

۲

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ همه احزاب پای بند به اصول و قواعد توسعه سیاسی

;nbsp

۱

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ جوامع جدید

;nbsp

۱

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ پای بند به «مشارکت مردم همراه با رقابت واقعی کاندیداها»

;nbsp

۱

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ هم زیستی مسالمت آمیز گرایشات متنوع سیاسی

;nbsp

۱

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ص: ۱۴۷

۱- دیدگاه های فرهنگی امام خمینی رحمه الله، ص ۵۴.

ـ حمایت های مالی دولت از همه احزاب موافق و مخالف

;nbsp

۱

جامعه ۱۶/۴/۷۷

فراوانی به دست آمده تأمل برانگیز است. در حالی که آقای جلایی پور در پنج مقاله خود، ۱۶ عبارت منفی عله ایران و ایرانی به کار برده و از کاربرد واژه ها و تعبیرهای مثبت پرهیز کرده است، در توصیف جوامع غربی دقیقا رفتاری برعکس دارد؛ یعنی در سه مقاله، ۱۵ تعبیر مثبت بر آنها ـ بدون توصیف منفی ـ به کار برده است. بهتر است برای آشنایی بیشتر با میزان گرایش آقای جلایی پور به جوامع غربی، از جدول تحلیل کمی استفاده کنیم.

جدول تحلیل کمی

موضوع داوری

مفهوم عامیانه

نمره

فعل

نمره

حاصل ضرب نمرات

جوامعی مثل انگلستان وآلمان

مراحل تحول اجتماعی را

+۳

طی نموده اند

+۲

+۶

صحنه سیاسی این کشورها

محل رقابت جدی احزاب

+۲

است

+۳

+۶

آنها

برای کسب قدرت سیاسی به اصل مشارکت مردم و رقابت آزاد

+۲

پایبندند

+۳

+۶

مشارکت مردم و رقابت واقعی را

زیربنای همزیستی مسالمت آمیز گرایشات متنوع

+۳

می دانند

+۳

+۹

در جوامع مدرن

جهت گیری قوای مجری، مقننه و قضاییه آنها دفاع از مؤسسات جمعی و خصوصی را

+۲

می باشد

+۳

+۶

از سوی دولت

کمک های رسمی به احزاب

+۲

صورت می گیرد

+۲

+۴

چنانچه حاصل نمره ها را در فرمول ارزش یابی کمّی قرار دهیم، نتیجه می شود:

۱ ۳ × +۳۷ ۶ = ۰۵/۲

یعنی آقـای جلایی پور در مقابل بیزاری از ملت و جامعه خود گرایش و ارادت خود را به جامعه و ملت دیگر نشان داده است. نگـاه آقـای جلایی پور به جوامع غربی ــ به ویژه اروپایی ــ از سـنخ نگاه به جوامع الگو و نمونه است. دقیقا به همین دلیل، در مقام مقایسه و ارزیابی این دو فرهنگ و جامعه (ایران و غرب)، همواره جانب فرهنگ غرب را می گیرد و فرهنگ خودی را ــ

در مقـایسه با آن ــ فرهنگی توسـعه نیافته و غیر مـدرن می دانـد که برای رهایی از آن، چاره ای جز تقلیـد و پیروی از فرهنگ غرب نـدارد. شایـد علت اصـلی نگرش تحقیرآمیز جلایی پور به ملت و جامعه ایران نیز همین باشد. به هر حال، با گوشه ای از تعبیرهای ایشان درباره الگوبرداری ایران از جوامع غربی آشنا می شویم:

ازایـن رو، راه دور نرویـم؛ سرّ عقـب مانـدگی جـامعه مـا و درجـازنی آن شـاخ و دم نـدارد. یکی از اسـرارش همیـن است که مؤسـسات موفق خصوصـی اگر کارنامه ای در سـطح ملی داشته باشند، قادر به ادامه حیات نیستند. در مقابل، در جوامع مدرن، هزاران مؤسـسه، همچون «جـامعه» در عرصه اقتصـاد و فرهنـگ در تلاشـند و دولت و قانون و دسـتگاه قضایی خـدمتگزار آنان است.(۱)

ریشه یـابی اینکه چرا آقـای جلاـیی پور، جوامع غربی و اروپـایی را جوامع الگو و معیار می دانـد و از ملت و فرهنگ و هویت فرهنگی خود بیزاری می جویـد، بی شـک، امری شخصـی است که به خود ایشـان مربوط می شود،(۲) ولی ابراز و انتشـار آن ارادت و این بیزاری در رسانه های گروهی به دلیل پی آمدهای متعدد فرهنگی و اجتماعی قابل بررسـی و تأمل جدی است. به راستی، روزنـامه ای که روزانه بـا هزاران مخـاطب و خواننـده روبه رو است و یا رسالت های خود را تلاش در ترویـج فرهنگ ملی ــ اسلامی می داند، آیا مجاز است عقیده شخصی مدیرمسئول روزنامه را نسخه همگانی بسازد و آن

۱– ۲.جامعه، ۸/۵/۷۷۱۳.

۲– ۳.در جامعه اسلامی، به حکم «لا اکراه فی الدین»، هر انسانی اختیار دارد بنابر هر دلیل یا علتی، عقیده ای را برگزیند.

را بـا ادبیـات رسـانه ای در اختیـار افرادی قرار دهـد که قـدرت تجزیه و تحلیـل درستی ندارنـد. این تغییر ذایقه های احتمالی و بیزاری از فرهنگ خودی متوجه چه کسی خواهد بود؟

ـ چرا آقای جلایی پور در مقاله های خود به تکریم و تعظیم فرهنگ غرب می پردازد و همواره فرهنگ خودی را از زاویه ای منفی نگریسته و از تعبیرها و صفات منفی استفاده کرده است؟

ـ آیا لزوم و ضرورت استفاده از دستآوردهای مفیـد سیاسـی و فرهنگی غرب ـ در دیـدگاه ایشان، ـ تحقیر و تقبیح عناصر فرهنگ خودی را ایجاب می کنـد یـا بـدون تحقیر و تخریب فرهنگ خودی نیز می توان از عناصر مفیـد فرهنگ بیگانه سود جست؟

ـ آیـا تکرار و استمرار این رویه، گسست فرهنگی، خودبـاختگی، از خودبیگـانگی و گرایش به غرب و مـادی گری را برای خوانندگان مقاله های آقای جلایی پور به همراه ندارد؟

ـ آیا مشتریان جوان و علاقه منـد این نشریه، پس از خواندن این گونه مقاله ها باز هم به هویت و پیشینه فرهنگی خود افتخار می کنند؟(۱)

ـ آیا در قاموس فرهنگ سیاسـی جوامع و ملل مختلف، جلوگیری از چاپ و انتشار نشریاتی که توهین به ارزش ها، هنجارها و هویت ملی و فرهنگی یک ملت را پیشه خود ساخته اند، مخالفت با آزادی به شمار می آید؟

۱- ۴.بی شک، یک پژوهش میـدانی از جامعه آماریِ خواننـدگان روزنامه جامعه می تواند به خوبی میزان گرایش خوانندگان این نشریه به جامعه خودی یا جوامع غربی را نشان دهد.

ـ در جامعه مدنی مورد نظر روزنامه جامعه، نشریات تا چه اندازه مجاز به توهین، تحقیر و تخریب فرهنگ خودی و هویت ملی هستند؟

ـ چرا آقای جلایی پور حتی در مقوله نام گذاری، از فرهنگ و اصطلاحات جهت دار و معنادار بیگانه وام می گیرد و جوامع غربی را مدرن و توسعه یافته و جامعه خودی را عقب مانده و توسعه نیافته معرفی می کند؟

ـ آیا براساس آموزه های فرهنگ اسلامی و ایرانی ـ با توجه به اینکه ایشان مسلمان و ایرانی است ـ نیز جوامع غربی، توسعه یافته و پیشرفته و جوامع شرقی ـ از جمله ایران زمین ـ از هر جهت عقب مانده و توسعه نیافته نامیده می شوند یا اینکه این معنا و مفهوم، تشکیک و تبعیض پذیر است و هر دو نوع جامعه در ابعادی، توسعه یافته و در ابعادی، عقب مانده اند؟

ـ آیا بهتر نبود آقای جلاـیی پور دست کم در این مورد، با استفاده از درون مایه فرهنگ خودی، از واژه ها و اصطلاحاتی سود جوید که به واقعیت نزدیک تر باشد و نیز از تبعات روانی و منفی ـ که در اطلاق عنوان عقب ماندگی و توسعه نیافتگی به جامعه خودی وجود دارد ـ بکاهد؟

آیا طرح پی درپی مشکلات و معضلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و اساسی شمردن آنها و یقینی پنداشتن عقب ماندگی و توسعه نیافتگی نظام سیاسی ایران از یک سو و نادیده گرفتن و ناگفته ماندن توفیقات ملت ایران در عرصه های گوناگون از سوی دیگر، توانایی هیئت حاکمه و نظام سیاسی موجود و شایستگی آن را برای مدیریت کشور به زیر سؤال نمی برد؟ البته در بخش نخبگان سیاسی ـ که به زودی به آن خواهیم پرداخت ـ آقای جلایی پور درباره میزان توانایی نخبگان سیاسی ایران با صراحت بیشتری

سخن گفته است.

ـ آیا استمرار این روش ـ از دیدگاه روان شناسان مدرن و غیرمدرن ـ ناامیدی و بدبینی مخاطبان ـ به ویژه قشر جوان ـ را از اسلام، انقلاب و انقلابیان مسلمان در پی نخواهد داشت؟

د) نخبگان سیاسی ایران از دیدگاه جلایی پور

د) نخبگان سیاسی ایران از دیدگاه جلایی پور

سیاست مداران و نخبگان سیاسی ایران یکی از موضوعاتی است که آقای جلایی پور به نقد و بررسی عملکرد آنان در تاریخ سیاسی این مرزوبوم نیز پرداخته است. آنان که با اصطلاحات علوم سیاسی و جامعه شناسی آشنایی دارند، بهتر می دانند که دو اصطلاح یاد شده از فضای مفهومی وسیعی برخوردار بوده و طیف وسیعی از روشن فکران، صاحب نظران و اندیشمندان سیاسی حوزه و دانشگاه، مجریان، کارگزاران و دولتمردان را دربرمی گیرد. اینکه آقای جلایی پور چگونه چهره ای از بانیان سیاست در ایران ترسیم می کند و اینکه این تصویر مخصوص گروهی از نخبگان است یا عمومیت دارد، پرسش هایی است که در این بخش می کوشیم پاسخی مستند برای آن ارائه شود. در ابتدا با تعبیرهای ایشان از نمایی نزدیک آشنا می شویم.

جدول تحلیل کیفی

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

علیه

له

نشانی

;nbsp

ـ در هنگامه های بحران زیر بار مسئولیت های همکاران خود نرفته اند.

۱

;nbsp

جامعه ۱۶/۴/۷۷

سیاست مداران و نخبگان سیاسی ایران

ــ در هنگامه بحران، همکاران خود را تنها می گذارند، بلکه از روی آنان می گذرند.

۱

;nbsp

جامعه ۱۶/۴/۷۷

ــ در تاریخ ایران یک بار مصرف اند.

۱

;nbsp

جامعه ۱۶/۴/۷۷

ــ خصیصه ثابت قدمی در میان نخبگان سیاسی جامعه ما پدیده کم یابی است.

۱

;nbsp

جامعه ۳/۴/۷۷

ــ یکی از مورخان برجسته تاریخ معاصر ایران که از پدیده اصولی سیاست مداران در تاریخ ایران دلش به تنگ می آید، در عین احترام به آنها، تعبیر شتر مرغان ایران را در مورد آنها به کار می برد.

۱

;nbsp

جامعه ۳/۴/۷۷

ــ همیشه توانسته اند فوق قانون عمل کنند.

۲

;nbsp

جامعه ۸/۴/۷۷

حرکت، عملکرد و رقابتشان کاملاً در ذیل قانون نیست.

۱

;nbsp

جامعه ۸/۴/۷۷

جدول تحلیل کمی

ص: ۱۵۲

موضوع داوری

مفهوم عامیانه

نمره

فعل

نمره

حاصل ضرب

نخبگان سیاسی ایران

در هنگام بحران، زیر بار مسئولیت همکاران خود

+۳

نرفته اند

۳_

۹_

نخبگان سیاسی ایران

در هنگام بحران همکاران خود را تنها

۳_

می گذارند

+۳

۹_

نخبگان سیاسی ایران

بلکه هنگام بحران از روی همکاران

۳ـ

می گذرند

۳+

۹ـ

نخبگان سیاسی ایران

یک بار مصرف

۳ـ

هستند

۳+

۹ـ

در میان نخبگان سیاسی ایران

ثابت قدمی خصیصه کم یابی

۲ـ

است

۳+

۶ـ

سیاست مداران در تاریخ ایران

مانند شتر مرغ

۳ـ

هستند

+۳

_ ۹

سیاست مداران در تاریخ ایران

همیشه فوق قانون

_ ۳

عمل کرده اند

+۲

_ ۶

چنانچه حاصل نمره ها را در فرمول ارزش یابی کمّی قرار دهیم، نتیجه می شود:

۱ ۳ × _ ۵۷ ۷ = _ ۷۱/۲

رقم به دست آمده، نهایت بیزاری و انزجار آقای جلایی پور را از سیاست مداران و نخبگان سیاسی تاریخ ایران نشان می دهد. قابل پیش بینی است که این میزان انزجار و بیزاری با تعبیرهای تندوخشن و تحقیرآمیز همراه باشد. در حقیقت، ابراز احساسات آقای جلایی پور به جامعه و ملت ایران در اینجا به شکلی دیگر ادامه می یابد و هویت و پیشینه سیاسی آن، با حمله شدید به سیاست مداران و نخبگان سیاسی این مرز و بوم دنبال می شود. اطلاق و عمومیت این تعبیرها به گونه ای است که همه جناح ها، گروه ها و شخصیت های سیاسی در تاریخ ایران را ــ اعم از راست و چپ، سنتی و مدرن، ملی گراها، مشروطه خواهان، سلطنت طلبان و... ــ در بر می گیرد.

ــ آیا این بدنامی که با اطلاق و عموم به نخبگان سیاسی ایران نسبت داده

ص: ۱۵۳

شـده است، واقعـا شامل همه سـیاست مـداران ایرانی و گروه های سیاسـی در تاریـخ ایران می شود؟ اگر همه آنها را در برنمی گیرد، چرا از نیـک نامـان آنان رفع اتهام نشـده است؟ ممکن است گفته شود که نویسـنده در مقام اسـتثنا نبوده است، ولی این احتمال، مردود است؛ زیرا در همین مقاله ها، آقایان: خاتمی، نوری، کرباسچی و همکاران ایشان استثنا شده اند.(۱)

اگر نزد آقای جلایی پور، سـیاست مـداران و کارگزاران نظام جمهوری اسـلامی از اطلاق و عمومی بدنامی بیرون بودند، نمی بایست مانند آقای خاتمی و حامیان ایشان استثنا می شدند؟

ــ واقعا چه مقدار مطالعه، تحقیق و قراین و شواهد مسـتند و مسـتدل پشـتوانه این ادعای سنگین و بزرگ ــ که سیاست مداران ایرانی ناجوان مردند و خوی شترمرغی و فوق قانون دارند ــ است؟

ــ بر فرض صـحت این ادعـا، اصولاً مقاومت و ایثار نخبگان سیاسـی این مرز و بوم در طول تاریـخ مبارزات سیاسـی ملت ایران چگونه تفسیر و تبیین می شود؟ به عبارت دیگر، آیا در طول تاریخ سیاسـی ایران، سیاست مداران و نخبگان سیاسی هیچ نقطه روشن و برجسته ای نداشته اند که در کنار منفی گویی از آنها یادی شود؟

ه) جلایی پور، روحانیت و جنبش روشن فکری

ه) جلایی پور، روحانیت و جنبش روشن فکری

آقای جلایی پور، درباره «نهاد روحانیت» جز در یک مقاله،(۲) اظهارنظر

۱- ۱.برای نمونه نک: جامعه، ۶/۳/۱۳۷۷ و ۳۰/۳/۷۷۱۳.

۲- ۱.جامعه، ۱۳/۴/۷۷۱۳.

صریحی نکرده،(۱) ولی در همان یک مقاله و در دو بند، جان کلام را گفته و دیدگاه خود را در مورد روحانیت و کارکردهای آن به روشنی بیان داشته است. وی در ابتدا، روحانیت را از جمله نهادهای مذهبی معرفی می کند:

آنها(۲) به راحتی خود را مجاز می دانند که روضه خوانی و سایر مراسم دینی و نیز نهادهای دینی چون مساجد و تکایا و حوزه های علمیه را در خدمت سیاست و قدرت قرار دهند.

جلایی پور در همان مقاله و چند سطر بعد با برشمردن کارکردهای نهادهای مذهبی _ مانند تلاش برای ایمان و هم بستگی مؤمنان و فراخوان و تهییج مردم برای حضور در بحران های بزرگ اجتماعی مانند: جنگ و انقلاب _ از زبان تحصیل کردگان روشن فکر محترمانه از آنان می خواهد که در سیاست دخالت نکنند:

برخلاف محافظه کاران، تحصیل کردگان... به تفکیک کارکرد نهادهای مذهبی از نهادهای سیاسی قائلند؛ چرا که کارکرد نهادهای سیاسی برای برقراری نظم از طریق نهادهای دولتی و دست یابی به قدرت و منصب حکومتی از طریق نهادهای حزبی است و کارکرد نهادها و مراسم دینی، ایجاد هم بستگی میان مؤمنین و زمینه سازی روحی و معنوی برای تقویت ایمانیّات آنان است و تنها در بحران های بزرگ ملی مثل انقلاب و جنگ، استفاده سیاسی از این نهادها معقول به نظر می رسد.

از این عبارت ها استفاده می شود که معنای «عینیت دیانت و سیاست» از دیدگاه آقای جلایی پور این است که نهادهای دینی و مذهبی مانند روحانیت،

۱- ۲.ولی به طور غیرمستقیم، بارها اظهار نظر کرده است که در بخش بعد به تفصیل، به آن خواهیم پرداخت.
۲- ۳.محافظه کاران _ راست سنتی.

با توجیه، تعدیل یا تهییج و فراخوان مردم، کارگزاران سیاسی و سیاست مداران را در مهار و حل بحران های بزرگ سیاسی و اجتماعی ـ که گریبانگیرشان شده است ـ یاری رسانند و پس از بازگشت آرامش و تعادل به جامعه، دوباره به مساجد و پایگاه های خود باز گردند و عرصه سیاست را برای فعالیت نهادهای سیاسی و سیاست مداران خالی کنند. این در حالی است که ایشان از پیروان این نظریه و مخالفان حضور روحانیت در مسائل سیاسی با عنوان تحصیل کرده یاد می کند:

ازاین رو، تحصیل کردگان با اعتقاد به اینکه نهادهای سیاسی باید در برابر مردم و نهادهای مدنی پاسخ گو باشند و نهادهای دینی باید به دور از شائبه قدرت سیاسی در خدمت موعظه و ارتقای معنوی آحاد جامعه قرار گیرند، از سوءاستفاده محافظه کاران از نهادها و مراسم مذهبی در رقابت های سیاسی به شدت گلایه می کنند.

آقای جلایی پور در ادامه، به تمام کسانی که در این عقیده ـ سنخیت نهادهای مذهبی، از جمله روحانیت، با فعالیت های سیاسی ـ با او همراهند و قاعدتا به دنبال جای گزینی شایسته هستند، شکل گیری جنبش روشن فکری را مژده می دهد:

آنان(۱) به یکی از قواعد توسعه سیاسی که «رقابت واقعی کاندیداهاست»، التزام ندارند. این عدم اعتقاد محافظه کاران تا زمانی که «بیداری سیاسی» در میان تحصیل کردگان این مرزوبوم اتفاق نیافتاده بود، یک معضل بالقوه بود و جای نگرانی نداشت، ولی هم اکنون تحصیل کردگان مذهبی بیدار شده اند و در عین پای بندی به اصول و ارزش های دینی، از دولتمردان و سیاست مداران (چه در عرصه دولت و چه در گرایشات سیاسی مختلف)

ص: ۱۵۶

۱- ۴.محافظه کاران.

انتظار دارنـد که به قواعـد سیاسـی ملتزم باشـند و با توجیهات مـذهبی از این قواعـد طفره نرونـد. معضل مـذکور جنبه جـدی و بالفعـل به خود گرفته است. از این، به روشـنی می توان نتیجه گرفت که اگر جنـاح محـافظه کار جمهوری اسـلامی پای بنـدی خود را به قواعـد توسـعه سیاسـی نشان دهد و به نتایج آن برای حفظ و تداوم نظام و جامعه یقین داشـته باشـند، جامعه و دولت ایران قادر خواهند بود در پناه ثبات سیاسی، بحران های معیشتی مردم را سر و سامان دهند. در غیر این صورت واللّه اعلم.

جلایی پور به منظور اثبات صـلاحیت و توانایی این جنبش رو به رشد برای مدیریت سیاسـی همواره به تعظیم و تکریم آنان ــ به جای نهاد روحانیت ــ می پردازد:

جدول تحلیل کیفی

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

علیه

له

نشانی

روشن فکران و تحصیل کردگان

ــ فارغ از دغدغه قدرت

;nbsp

۱

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه

;nbsp

۱

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ انتقال دستآوردهای فکری خود از طریق مقالات، کنفرانس، سخنرانی و کلاس ها

;nbsp

۱

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ معتقد به تفکیک کارکرد نهادهای مذهبی از نهادهای سیاسی

;nbsp

۱

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ معتقد به مسئولیت نهادهای سیاسی برابر مردم

;nbsp

۱

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ بیداری سیاسی

;nbsp

۱

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ پای بندی به اصول و ارزش های دینی

;nbsp

۱

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ التزام عملی سیاست مـداران و دولتمردان به قواعـد توسـعه سیاسـی و پرهیز از توجیهات مـذهبی و طفره نرفتن آنها را انتظار دارند.

;nbsp

۱

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ خواهان شفاف شدن مرزهای هویتی و مواضع گروهی و گرایشات سیاسی

;nbsp

۱

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ هویت ژلاتینی محافظه کاران را برنمی تابند.

;nbsp

۱

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ شعار اسلام خواهی و قانون طلبی محافظه کاران را جدی نگرفته، واکنش منفی نشان می دهند.

;nbsp

۱

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ به اعتقـاد آنـان، بـا حضور فعـال محـافظه کاران در صـحنه سیاسـی جمهوری اسـلامی جامعه طعم توسـعه و ثبات سیاسـی را نخواهد چشید و سیاست ایران راه به جایی نخواهد برد.

;nbsp

۱

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ص: ۱۵۷

ـ قاعده مشارکت همراه با رقابت، گرایشات سیاسی را پذیرفته اند.

;nbsp

۱

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ به درجه ای مطلوب از رشد سیاسی و مذهبی رسیده اند.

;nbsp

۱

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ برقراری ارتباط با آنان توسط شهید مطهری و بهشتی، پیروزی انقلاب اسلامی را ممکن ساخت.

;nbsp

۱

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ ارتباط مثبت و مشتاقانه جامعه تحصیل کردگان با جامعه روشن فکری

;nbsp

۱۶

جامعه ۱۳/۴/۷۷

شاید خواننده گرامی این سطور نیز موافق است که برای سنجش میزان گرایش منفی جلایی پور به روحانیت و گرایش مثبت ایشان به جامعه روشن فکری، به جدول کمّی اسگود نیازی نیست. از این جهت، گرایش شدید ایشان به تحصیل کردگان و جامعه روشن فکری برای امر هدایت جامعه و مدیریت سیاسی نظام درمقایسه با روحانیت، به خوبی پدیدار می شود. وی تلاش می کند با تعظیم و تکریم دیدگاه ها و فعالیت های سیاسی جامعه روشن فکری و تشکیک در کارکرد و توانایی های سیاسی روحانیت، این خوش بینی ـ نسبت به روشن فکران ـ را به مخاطبان خود نیز منتقل کند. در اینجا با طرح یک پرسش روش شناختی، ادامه این بحث را به تحلیل و نتیجه گیری نهایی وا می گذاریم. او که ـ با توجه به اصطلاحات به کار گرفته

شـده به وسـیله ایشان _ ظاهرا با مباحث علوم اجتماعی آشـنا است، نیک می دانـد تعبیرهایی مانند: «مردم می گویند، مردم می پرسـند یـا می خواهنـد، روشن فکران می گوینـد و...» اگر از پشـتوانه معتبر علمی و مطالعات اجتماعی برخوردار نباشـد، صـرفا حربه ای ژورنالیستی برای بیرون راندن رقیبان احتمالی به شـمار می آید. پس جای طرح این پرسـش باقی است که آن دیدگاه هـایی که ایشـان در مقاله های پیش گفته به روشن فکران، تحصـیل کردگان و جامعه روشن فکری نسـبت داده است، مبتنی بر مطالعـات اجتماعی و پژوهش میـدانی بوده یا مبتنی بر حـدس و گمان و در سـطح کارهای ژورنالیستی است؟ اگر نسـبت های داده شده، مبتنی بر مطالعه و یقین علمی نباشد، جلایی پور از

اخلاـق علمی فاصـله گرفته، برای همسویی افکـار عمومی بـا دیـدگاه هـای خود به کـاری ناروا از منظر عقلی، اخلاقی و دینی دست زده است.(۱) نـاگفته پیـداست چنـانچه مخالفان چنین تفکری از چنین روش هایی بهره می گرفتنـد، به آسانی متهم می شدند که کمترین آنها، مدعیان بی منطق و ناآگاهان به روش های علمی است!

۵- در بحث آینده خواهد آمد که بخش اصلی و محوری جناح محافظه کار را روحانیان تشکیل می دهند.

و) ولایت فقیه و رهبری از دیدگاه جلایی پور

و) ولایت فقیه و رهبری از دیدگاه جلایی پور

جلاـیی پور در مقـاله هـای خود، جز دوبـار، دیگر به طور مسـتقیم به موضوع ولایت فقیه و شـخص رهبری نپرداخته است. وی یک مورد با تشکیک در ولایت معنوی حکومت دینی و ولایت فقیه، حساب آن را از ولایت ائمه اطهار علیه السلام جدا کرده و در مورد دوم، مشخصا از رهبر انقلاب سخن گفته است. در دیگر موارد، رهبر انقلاب را به طور غیرمستقیم مورد خطاب قرار داده و بـه همین علت، مکنونـات قلبی و گرایش هـای درونی خـود را بهـتر آشـکار کرده است. نمـونه این گـونه تعبیرهـای ـ غیرمسـتقیم ـ را در بخش «نخبگـان سیاسـی ایران» و «روحـانیت» ـ که اطلاـق و عمومیت آنها رهبری را نیز شامل می شود ـ آوردیم و در بخش بعد به تفصـیل در آن باره سخن خواهیم گفت. به کسانی که علاقه مندند با دیدگاه ها و گرایش های وی درباره رهبری ـ بیش از آنچه گـذشت و اکنون پیش رو دارند ـ آشـنا شوند، مطالعه بخش بعد را پیشـنهاد می کنیم. در اینجا صرفا به تعبیرهای صریح ایشان بسنده

ص: ۱۵۹

۱- ۶.هرچند اگر پای مطالعات اجتماعی و پژوهش های میدانی در میان بود، قطعا جناب ایشان بدان اسـتناد می جست و دست کم به درصد روشن فکرانی که به این قضایا معتقدند، اشاره می کرد.

می شود. او در مقاله «ارزیابی موقعیت کنونی محافظه کاران در جمهوری اسلامی» _ جامعه ۱۳/۴/۷۷ _ جایگاه معنوی ولایت فقیه را زیر سؤال می برد و می نویسد:

ضعف بعدی محافظه کاران، دفاع از حکومت دینی بدون پشتوانه نظری منسجم است. آنها برای دفاع از حکومت دینی به طرز مبهمی، ولایت معنوی را با ولایت سیاسی (ولایت فقیه) ممزوج می کنند، در حالی که این امر نزد تحصیل کردگان مذهبی، تفسیر دیگری دارد. ولایت معنوی و باطنی حکایت از نفوذ انوار معنوی خداوند رحمان و معصومین کرام و اولیاء الله بر قلب مؤمن دارد و این از جمله اعتقاد مسلّم هر مسلمانی است. در صورتی که ولایت سیاسی به امر رهبری و حکومت مسلمین باز می گردد و نه به ایمانیات آنها. لذا حکومت دینی نمی تواند نسبت به قواعد توسعه سیاسی و حکومت داری یکسره بی توجه بماند. محافظه کاران با خلط دو ساحت ولایت معنوی و ولایت سیاسی سعی دارند اثبات نمایند همان طور که یک مسلمان به اولیای خداوند ایمان قلبی دارد، به حکم و حکومت اسلامی هم باید ایمان قلبی داشته باشد. شعار ذوب در ولایت که در انتخابات دوم خرداد از ناحیه محافظه کاران مطرح شد،(۱) نمونه بارزی از ادغام این دو ساحت است. در برابر غفلت محافظه کاران، تحصیل کردگان مذهبی به آن درجه از رشد سیاسی رسیده اند که در عین پذیرش انوار ولایت معنوی و ایمانی، در ولایت سیاسی و حکومت ذوب نشوند، بلکه تبعیت از حکومت دینی را در چارچوب قانون بپذیرند و در هرجا که لازم باشد، نقد و

۱- ۱.گفتنی است این اصطلاح مربوط به پیش از دوم خرداد بوده و به تعبیری، از شهید آیت الله محمدباقر صدر باز می گردد که فرمود: «ذوبوا فی الامام الخمینی کما ذابّ هو فی الاسلام.» این ایده _ ذوب در ولایت _ که در زمان رهبر فقید انقلاب، امام خمینی رحمه الله از سوی شخصیت ها و گروه ها و جناح های مختلف سیاسی _ چپ و راست _ حمایت و ترویج می شد، پس از ارتحال آن حضرت و تغییر و تحولات رهبری از سوی یک جناح _ جناح چپ _ هیچ گاه مورد استفاده و ترویج قرار نگرفت.

بررسی حکومت را نیز به عنوان یک وظیفه دینی و اجتماعی انجام دهند.(۱)

نویسنده با ردّ دیدگاه های بنیان گذار فقید جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی رحمه الله، درباره مشروعیت ولایت فقیه در شعاع حکومت ائمه علیه السلام، با جداسازی ساحت ائمه اطهار علیه السلام از ولایت فقیه، می کوشد از حکومت اسلامی ایران تقدس زدایی کند و رابطه عاطفی و قلبی مردم ایران با ولایت فقیه و پیروی مشتاقانه از رهبر را غیرضروری و فرادینی جلوه دهد. البته وی در بحبوحه ای که از ضرورت نداشتن ارادت قلبی به حاکم اسلامی و ولی فقیه سخن می گوید، بلکه ضرورت برخورد آگاهانه و عقلاییی با او را به جای برخورد عاطفی گوشزد می کند، عشق و ارادت بی مثال اقشار مختلف مردم به آقای خاتمی را به شدت ترویج می کند. برخی از این تعبیرها را ـ که در مقاله «چرا شخصیت های مرجع همچنان خاتمی را گرامی می دارند؟» (جامعه، ۶/۳/۷۷) آمده است ـ با هم مرور می کنیم. ایشان در ابتدا به تعریف گروه های مرجع می پردازد و می نویسد:

در راه پیمایی مدنی دوم خرداد چه کسانی شرکت داشتند؟ اگرچه عمده آنها دانشجو بودند، اما اساتید، فرهنگیان، اهالی هنر، مهندسان، پزشکان، حقوق دانان، روحانیان، دانش آموزان و... نیز در این راه پیمایی مشارکت داشتند.

قشرهای ذکر شده همان «شخصیت های مرجع» هستند؛ یعنی شخصیت هایی که به خاطر موقعیت تحصیلی، تخصصی و اجتماعی شان، افراد پیرامون خود را در میان اعضای فامیل، جمع دوستان و همکاران، تحت تأثیر قرار می دهند.

۱- جامعه، ۱۳/۴/۱۳۷۷.

جلایی پور در ادامه، به ارادت ستودنی گروه های مرجع به آقای خاتمی و عوامل آن پرداخته و می نویسد:

شخصیت های مرجع همچنان خاتمی را دوست دارند و به او احترام می گذارند و حتی عده ای به حق، به او می بالند. علت این موفقیت شگرف خاتمی در چیست؟ توجه به این سؤال وقتی ارزش خود را پیدا می کند که به گوشزد جامعه شناسان توجه کنیم که گفته اند: جلب توجه شخصیت های مرجع توسط سیاست مداران، خصوصا رؤسای جمهور، کاری بس دشوار است... . لیستی از علت ها می تواند جاذبه خاتمی در میان شخصیت های مرجع را توضیح دهد، مانند صداقت و فرزانگی او، پایداری (در عین نرمش) بر اصولی که با مردم در میان گذاشته است و موقعیت بی نظیر او در مقایسه با سایر رهبران کشورهای اسلامی... همه می دانیم در میان شخصیت های مرجع، انواع گرایشات اعتقادی، سیاسی (جناحی) و حتی قومی وجود دارد و نکته مهم این است که خاتمی در میان اغلب آنها، صرف نظر از هویت اعتقادی، جناحی و قومی شان مورد احترام و اکرام است... خاتمی نشان داد «دین داری که به آزادی احترام می گذارد» نیست، بلکه «آزاده ای دین دار و مسلمان» است... این شخصیت سیاسی می تواند الگویی برای جهان امروز، جهانی که رویکردی مجدد، اما آگاهانه به مذهب را در مرکز توجه خود قرار داده است، باشد. تندرستی و موفقیت خاتمی فرهیخته را از خداوند کریم خواستاریم.

جدول تحلیل کمی

موضوع داوری

مفهوم عامیانه

نمره

فعل

نمره

حاصل ضرب

خاتمی

در عرصه اقتصادی، کارنامه درخشانی

+۳

نداشته است

۲ _

۶_

خاتمی

از پایگاه عمیقی در میان شخصیتهای مرجع

+۳

برخوردار است

+۲

+۶

خاتمی را

شخصیت های مرجع، دوست

+۳

دارند

+۳

+۹

به خاتمی

شخصیت های مرجع، احترام

+۲

می گذارند

+۳

+۶

به خاتمی

شخصیت های مرجع، افتخار

+۳

می کنند

+۳

+۹

خاتمی

از موفقیت شگرف

+۳

برخوردار است

+۲

+۶

ص: ۱۶۲

خاتمی

صداقت

+۳

دارد

+۳

+۹

خاتمی

فرزانگی

+۳

دارد

+۳

+۹

خاتمی

بر اصولی که با مردم در میان گذاشته است، پایدار

+۳

است

+۳

+۹

خاتمی

مورد احترام و اکرام شخصیت های مرجع

+۳

است

+۳

+۹

خاتمی

آزاده ای دین دار و مسلمان

+۳

است

+۳

+۹

خاتمی

روحانی فرهیخته

+۳

است

+۳

+۹

خاتمی

روشن فکری مسلمان

+۳

است

+۳

+۹

خاتمی

الگویی برای جهان امروز

+۳

است

+۳

+۹

۳۱ × +۱۰۲ ۱۴ = +۴۳/۲

این نتیجه، حداکثر عشق و ارادت به آقای خاتمی را نشان می دهد. اگر ابراز عشق و ارادت این چنین به سیاست مداران امری روا و پسندیده است و اطمینان وثیق مردم ــ به ویژه نخبگان و گروه های مرجع ــ به حکمرانان در همه نظام ها و فرهنگ های سیاسی، یک امتیاز بزرگ و موفقیت شگرفت به شمار می رود، چرا هنگامی که نوبت به ولایت فقیه و مدیریت مجتهدی عادل می رسد که حکومت او حداقل از دیدگاه بنیان گذار انقلاب و جمهوری اسلامی دارای توجیه عقلی و دینی است و استمرار حکومت انبیا و اوصیا علیه السلام است، آقای جلایی پور از نداشتن ضرورت قانونی و عقلایی ولایت معنوی او سخن به میان می آورد و از ارادت و پیروی عاشقانه مردم از ایشان به نمایندگی از اقشار تحصیل کرده بیزاری و برائت می جوید؟

اگر تکریم و تمجید از سیاست مداران ــ دست کم سیاست مداران مردمی ــ برای گرایش، اعتماد و اطمینان روزافزون مردم به آنان، امری پسندیده است، چرا وقتی نوبت به شخص رهبری می رسد، در میان ۱۳ مقاله نوشته شده، صرفا یک بار به ایشان پرداخته می شود و در آن یک بار نیز وی را در سطح یک عنصر جناحی و حامی محافظه کاران تنزل می دهد:

محافظه کاران در دهه اول انقلاب برای مصون ماندن از فرامین رادیکال امام خمینی، فرامین ایشان را به احکام مولوی و ارشادی تقسیم کردند و فقط احکام مولوی ایشان را

لازم الاتباع می دانستند و در زمان حاضر که اوضاع باب مراد آنهاست، از «ذوب در ولایت» سخن می گویند.(۱)

اگر در فرهنگ نوین سیاسی، عشق، ارادت و اطمینان مردم به سیاست مداران پدیده ای غیرکارکردی، بلکه منفی ارزیابی می شود، چرا از عشق و ارادت و بالیدن همه اقشار، به ویژه گروه های مرجع، نخبگان و روشن فکران به آقای خاتمی سخن به میان آورده، آن را می ستاید و ترویج می کند؟ به بیان دیگر، هنگامی که بحث ولایت فقیه و رهبری مطرح است، از نداشتن توجیه عقلی و اعتقادی ایمان قلبی به آن، سخن به میان می آید و پس از تشکیک در ضرورت آن، از سوی تحصیل کردگان و روشن فکران تقبیح می شود. در مقابل، هنگام پرداختن به رئیس جمهور، با نقل و تحلیل اخبار مربوط به ابراز مراتب ارادت همه اقشار ــ به ویژه گروه های مرجع ــ به آقای رئیس جمهور، نه تنها از هرگونه تقبیح و تشکیک در ایمان قلبی مردم به سیاست مداران پرهیز می شود، بلکه مورد ستایش و تکریم قرار می گیرد. آقای جلایی پور این دوگانگی را چگونه توجیه می کند؟

ز) جناح محافظه کار و راست سنتی از دیدگاه جلایی پور

ز) جناح محافظه کار و راست سنتی از دیدگاه جلایی پور

پیش از بررسی دیدگاه های جلایی پور درباره جناح محافظه کار و تحلیل کمی و کیفی گرایش های ایشان، ضروری است با تعریفی که وی از این جناح ارائه می دهد، آشنا شویم. بی شک، تعریف ارائه شده می تواند ما را همچون خوانندگان روزنامه جامعه ــ به ویژه مقاله های ایشان ــ با مصادیق عینی و

۱ـ ۳.جامعه، ۱۳/۴/۷۷۱۳.

خارجی جناح راست سنتی آشنا سازد. اشخاص حقیقی و حقوقی زیر با استناد به تعبیرهای صریح جلایی پور از اجزای تشکیل دهنده جناح محافظه کار به شمار می آیند: آیت الله خامنه ای، رهبر انقلاب اسلامی؛ اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تأکید بر ریاست مجلس؛ قوه قضاییه؛ شورای نگهبان؛ جامعه مدرسین؛ جامعه روحانیت مبارز تهران؛ صدا و سیما؛ بنیادهای اقتصادی قدرتمند زیرنظر رهبری مانند: بنیاد مستضعفان؛ سازمان تبلیغات اسلامی. در اینجا به بیان تعبیرها و عبارت هایی می پردازیم که به اثبات این مدعا کمک شایانی می کند. جلایی پور در دو شماره از روزنامه جامعه _ ۱۳/۴/۷۷ و ۱۰/۶/۷۷ _ با تعبیرهای بسیار مشابه، به تعریف جناح محافظه کار می پردازد و می نویسد:

منظور از محافظه کاران در این نوشته، بخشی از طیف وسیع گروه های همسو است. در سمت راست گروه های همسو، یاران و نزدیکان ریاست محترم مجلس قرار دارند. سپس جامعه اسلامی مهندسین و جامعه وعاظ تهران، هیئت های مؤتلفه، وسط این طیف و گرایشات تندرو در چپ این طیف جای می گیرند. مجموعه این طیف خود را همسو و هم جهت با جامعه روحانیت مبارز تهران و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم می داند... چون گروه های همسو به قاعده «رقابت واقعی» کاندیداها به طور جدی پای بند نیستند، لذا گرایشات سیاسی در جبهه دوم خرداد، از آنان به راست افراطی یا انحصارگرا یا... یاد می کنند و از کاربرد واژه محافظه کار در مورد آنها خودداری می کنند. ازاین رو، اطلاق نام محافظه کار در این نوشته با اندکی تسامح همراه است و بیشتر به قسمت راست این طیف مربوط می شود.(۱)

۱- ۱.جامعه، ۱۳/۴/۷۷۱۳.

وی در مقاله «خطر لغزش محافظه کاران به سوی راست سنتی» ـ جامعه، ۱۰/۶/۷۷ ـ به معرفی عینی تری از مصادیق این جناح پرداخته، تسلط آنان را بر قوای حکومتی گوشزدمی کند:

محافظه کاران و راست گرایان افراطی هر کدام بخشی از طیف گروه های همسو را تشکیل می دهند. در سمت راست این طیف که محافظه کاران می توانند قرار داشته باشند، متشکل است از نزدیکان ریاست محترم مجلس، جامعه اسلامی مهندسین و جامعه وعاظ تهران و در وسط طیف هیئت های مؤتلفه واقع شده اند. گرایش راست افراطی نیز در سمت چپ این طیف قرار می گیرد. مجموعه گروه های همسو خود را همسو و هم جهت با جامعه روحانیت مبارز تهران و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم می دانند. عناصر متعلق به این گروه های همسو بر اغلب قوای حکومتی تسلط یا نفوذ جدی دارند، مانند: قوه قضاییه، قوه مقننه، صدا و سیما و سازمان تبلیغات، نهادهای قدرتمندی چون بنیاد مستضعفان و غیره.

جلایی پور در مقاله ای که به علایم لغزش محافظه کاران به راست افراطی، اختصاص یافته است، با بیان اولین علامت، رئیس مجلس را صریحا جزئی از جناح محافظه کار، بلکه از رهبران آن معرفی می کند:

اولین علامت را در سخنان آقای ناطق نوری از رهبران گروه های همسو در مراسم ترحیم مرحوم اسدالله لاجوردی می توان مشاهده کرد... لذا اینکه یکی از رهبران گروه های همسو، ایران را با شوروی مقایسه می کند، قطعا به این معنا نیست که ایران کشوری توتالیتر است.(۱)

شورای نگهبان نیز که اکثریت اعضای آن از جامعه روحانیت یا جامعه مدرسین هستند، در جناح محافظه کار جای می گیرد و هماهنگ با

۱- ۲.جامعه، ۱۰/۶/۷۷۱۳.

سیاست های آن گام برمی دارد:

محافظه کاران در جمهوری اسلامی طی بیست سال گذشته نشان داده اند که به مشارکت مردم در امر سیاست آن هم بیشتر به انگیزه های دینی، خصوصا از نوع مشارکت خیابانی و هدایت شده، اعتقاد دارند و حمایت آنان از اجرای حداکثری اصل نظارت استصوابی توسط شورای نگهبان نشان دهنده آن است که برای «رقابت» واقعی کاندیداها اصالتی قائل نیستند. لذا تحصیل کردگان و روشن فکران ایران که قاعدتا «مشارکت همراه با رقابت» گرایشات سیاسی را در صحنه سیاست پذیرفته اند، اتخاذ روش های توسعه نیافته (و استصوابی) محافظه کاران را در صحنه سیاسی برنمی تابند.(۱)

حساس ترین مرحله معرفی عینی مصادیق محافظه کاری هنگامی است که جلایی پور برای مخاطبان مقالات خود و روزنامه جامعه روشن می کند که شخص رهبر نیز همسو و هم آواز با جناح راست بوده است. وی می نویسد:

محافظه کاران در دهه اول انقلاب برای مصون ماندن از فرامین رادیکال امام خمینی، فرامین ایشان را به احکام مولوی و ارشادی تقسیم کردند و فقط احکام مولوی ایشان را لازم الاتباع می دانستند و در زمان حاضر که اوضاع باب مراد آنهاست، از «ذوب در ولایت» سخن می گویند.(۲)

جلایی پور در جایی دیگر با ظرافت تمام، به این مطلب اشاره می کند و چنین می نویسد:

با تسلط گرایش راست افراطی بر گروه های همسو به خاطر نفوذ این گروه بر هفتاد و پنج درصد مراکز قدرت، فرآیند توسعه سیاسی در ایران آسیب خواهد دید.(۳)

ص: ۱۶۷

۱- ۳.جامعه، ۱۳/۴/۷۷۱۳.

۲- ۴.جامعه، ۱۳/۴/۷۷۱۳.

۳- ۵.جامعه، ۱۰/۶/۷۷۱۳.

سپس در حاشیه این مقاله، به بیان گوشه ای از مراکز تحت سیطره جناح محافظه کار می پردازد:

عناصر متعلق به این گروه های همسو بر اغلب قوای حکومتی تسلط یا نفوذی جدی دارند، مانند: قوه قضاییه، قوه مقننه، صدا و سیما و سازمان تبلیغات، نهادهای قدرتمندی چون بنیاد مستضعفان و غیره... .(۱)

در این عبارت، آقای جلایی پور مراکز قدرتی را در اختیار و تحت نفوذ جناح محافظه کار قرار می دهد که تقریبا همگی آنها در دست رهبر انقلاب و زیرنظر ایشان اداره می شود. بنابراین، با این قرینه، مخاطبان ایشان می دانند که رهبری را باید در جناح راست و محافظه کار یا حداقل همسو و هم آواز با آنها قرار داد. افزون بر آن، وی در تبیین توزیع قدرت در نظام سیاسی جمهوری اسلامی، ۷۵ درصد از مراکز قدرت را در اختیار جناح محافظه کار قرار می دهد و بالطبع ۲۵ درصد دیگر _ قوه مجریه _ به جناح دوم خرداد اختصاص می یابد. پرسش اساسی که تا حدود زیادی دیدگاه وی را درباره شخص رهبری روشن می کند، این است که جایگاه رهبری نظام در این تقسیم قدرت در کدام مراکز قرار می گیرد؛ ۷۵ درصد مراکزی که در دست جناح محافظه کار است یا ۲۵ درصدی که در اختیار جناح دوم خرداد قرار دارد؟ بی گمان هیچ یک از خوانندگان روزنامه جامعه _ و حتی غیر آن _ احتمال نمی دهند که قدرت محوری رهبری در کفه جناح دوم خرداد قرار گیرد، چه اینکه در این صورت، سهم این جناح در ساختار قدرت به مراتب باید بیش

۱- ۶.همان.

از ۲۵ درصد محاسبه می شد. نیز احتمال سلب قدرت از ایشان به نص صریح قانون اساسی و واقعیت کلی جامعه منتفی می شود. چنانچه احتمال محاسبه سهم جداگانه برای آن منتفی است، چون با توزیع صددرصد قدرت _ ۷۵٪ + ۲۵٪ _ دیگر جایی برای اختصاص سهم مستقل برای ایشان نمی ماند، بنابراین، شکی نمی ماند که در فرآیند توزیع قدرت، رهبری را جزو مراکزی قرار داده است که در سیطره و نفوذ جناح محافظه کار است. تعبیر پیشین جلایی پور(۱) و نیز طبقه بندی مراکز قدرت مانند قوه قضاییه و صدا و سیما و... در مراکز قدرت جناح محافظه کار، این نظریه را به خوبی تأیید می کند.

اکنون و پس از آشنایی با منظور آقای جلایی پور از جناح محافظه کار و اشخاص حقیقی و حقوقی مورد نظر ایشان، نوبت به آن رسیده که با استفاده از روش تحلیل محتوای کمّی و کیفی به دست آوریم که آقای جلایی پور در نقدوبررسی جناحی که طیف گسترده ای از نیروهای انقلاب، همچنین رهبری را شامل می شود، از چه واژه ها و تعبیرهایی استفاده کرده است. به جز آن، کمیت و کیفیت تعبیرهای به کاررفته چه نوع و میزان گرایشی را نشان می دهد. در کنار آن، آیا آقای جلایی پور _ چنانکه ادعا دارد(۲) _ توانسته است در بررسی و نقد جناح محافظه کار، فراجناحی و بی طرف برخورد کند؟ با همه اینها، آیا این بررسی _ بر فرض که جناحی و جانب دارانه هم باشد _

ص: ۱۶۹

---

۱ – ۷.محافظه کاران... در زمان حاضر که اوضاع باب مراد آنهاست، از «ذوب در ولایت» سخن می گویند. جامعه، ۱۳/۴/۷۷

۲ – ۸.وی می نویسد: «روزنامه جامعه را نمی توان جناحی فرض کرد؛ زیرا هیچ جناحی نظر مخالف خود را درج نمی کند و مقالات در دیدگاه های انتقادی را به چاپ نمی رساند». جامعه، ۲۶/۳/۷۷

در چارچوب شیوه و سیره اعلام شده روزنامه جامعه(۱) در فضایی صادقانه، مسالمت آمیز، غیرخصمانه و به دور از هرگونه ناسزاگویی، تحقیر و نسبت ناروا انجام شده است یا خیر؟

جدول تحلیل کیفی

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

علیه

له

نشانی

جناح راست

_ محافظه کار

۴۳

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ضرورت حضور آنان در صحنه سیاسی کشور برای توسعه سیاسی

;nbsp

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

_ رویارویی آنان با قشر تحصیل کرده و روشن فکر

۲۲

;nbsp

جامعه ۱۰/۶/۷۷

ــ هویت و رفتار آنها بیشتر تابع قدرت است، نه التزام به ارزش های سنتی

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ حمله به محافل قانونی را محکوم نمی کنند.

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

;nbsp

ــ از مطبوعات مستقل دل خوشی ندارند.

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ حتی نهاد مرجعیت را برنمی تابند.

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ علاقه به استفاده ابزاری از نهاد مرجعیت

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ سوءاستفاده از نهادها و مراسم دینی در رقابت های سیاسی

۲

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ پای بند نبودن به قواعد توسعه سیاسی

۲

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ رفتار انحصارگرایانه

۳

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ برای رقابت واقعی کاندیداها اصالتی قائل نیستند.

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ اتخاذ روش های توسعه نیافته و استصوابی

۲

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ محرومیت از منابع مشروعیت مدرن سیاست

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ محرومیت از پشتیبانی روشن فکر دینی

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ گله مندی شدید تحصیل کردگان از آنان

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ مخالفت و بی تابی تحصیل کردگان از اتخاذ روش های

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ جوری عمل می کنند که گویی همه حقایق و مصالح سیاسی و اجتماعی را می دانند.

۲

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ خود را بی نیاز از جامعه روشن فکری می دانند

۲

;nbsp

جامعه ۱۴/۴/۷۷

ــ استفاده ابزاری از جامعه روشن فکری ــ در جایی که دستآوردهای علمی روشن فکران با منافع آنان سازگار است ــ روا می داند.

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ حمله به روشن فکران به عنوان لیبرال، سکولار، غرب زده، عامل تهاجم فرهنگی غرب

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ با روشن فکران با زبان قدرت سخن می گویند.

۳

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ ضدیت شدید با روشن فکران به رغم نقش روشن فکران در پیروزی انقلاب و روی کار آمدن محافظه کاران

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ص: ۱۷۰

۱- ۹.اگر از جامعه، ناسزا گویی نسبت به شخصیت ها و دستگاه سیاسی، مذهبی کشور را انتظار دارید، راه را به اشتباه آمده ایدم. جامعه به دنبال آنارشیسم نیست و آن را سم مهلکی می داند. جلایی پور، جامعه، ۱۹/۲/۷۷

ـ کاهش شدید منزلت و پایگاه سیاسی و اجتماعی محافظه کاران نزد تحصیل کردگان و جامعه روشن فکری

۳

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ به عقیده روشن فکران و تحصیل کردگان، تا هنگامی که محافظه کاران در صحنه سیاسی کشور فعالند، جامعه، طعم توسعه و ثبات سیاسی را نخواهد چشید.

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ به عقیده تحصیل کردگان و روشن فکران، با حضور آنان نظام سیاسی ایران راه به جایی نخواهد برد.

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ تحصیل کردگان، هویت ژلاتینی آنان را برنمی تابند.

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ تحصیل کردگان، شعار اسلام خواهی و قانون طلبی آنها را جدی نگرفته و نسبت به آن واکنش منفی نشان می دهند.

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ در خطر لغزش به راست افراطی «نادیده گرفتن حقوق شهروندان»

۳

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ پیشروی و تقویت گرایش راست افراطی در آنان

۲

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ بی توجهی و سکوت مطلق آنان پیرامون ادعای شکنجه و آزار شهروندان

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ برخوردهای دوگانه مانند مخالفت با کف زدن دوم خرداد و نادیده گرفتن رقص و پای کوبی برای تیم ملی فوتبال

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ پرهیز از هرگونه برخورد جدی و رسمی با این ضایعه انسانی ــ شکنجه و آزار شهروندان ــ در صورت اثبات

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

با وجود گرایش منفی شدید به جناح مقابل و گرایش مثبت شدید به جناح تحصیل کرده و روشن فکر _ که به پندار نویسنده، در مقابل جناح محافظه کار قرار دارد _ سخن گفتن از گفت وگوی مسالمت آمیز، دوستانه و صمیمی با جناح مقابل و نیز تحقق روزنامه فراجناحی بیشتر به یک شعار خوب و مردم پسند می ماند تا یک سیاست راهبردی و عملی. دقیقا به همین علت، در مقام عمل به فراموشی سپرده شده است و جناح مقابل صرفا از روزنه ای منفی مورد بررسی قرار گرفته و ناخوشایندترین نسبت ها _ البته به زبان محترمانه _ به آنها داده شده است.

در این مجال، توجه به چند نکته اساسی و تأمل برانگیز خالی از لطف نیست:

۱. تعریفی که آقای جلا‌یی پور از جناح محافظه کار ارائه داده است، خوانندگان روزنامه جامعه را با فضای مفهومی و مصداقی این اصطلاح و موارد کاربرد آن آشنا می سازد و به آنها کمک می کند از این پس، همه نسبت های

روا یا ناروایی را که در مقاله ها و اخبار این نشریه به جناح محافظه کار داده می شود، به اشخاص حقیقی و حقوقی اعمال شده بار کنند.

در حقیقت، در این گونه مقاله ها، افکار عمومی به ویژه ذهنیت خوانندگان جامعه با فضای مفهومی واژه ها و اصطلاحات دقیقا آشنا می شود تا در مواقع لزوم بتوانند به راحتی، مرجع حقیقی و عینی نسبت های غیرمستقیم داده شده را بیابند.

۲. دیدگاه و گرایش منفی نویسنده به این جناح، موجب می شود بررسی های انجام شده، یک سویه بوده و از دریچه منفی نگریسته شود و از ذکر نکات مثبت و محاسنی که حضور جناح محافظه کار را در عرصه سیاسی کشور ضروری و لازم می کند،(۱) پرهیز شود.

۳. صفات و ویژگی هایی که برای جناح محافظه کار برشمرده شده، دارای سیر منطقی و حساب شده ای است، به گونه ای ـ که برخلاف ادعای اولیه نویسنده درباره ضرورت حضور فعال جناح محافظه کار در عرصه سیاست نظام ـ برای خواننده در نبود صلاحیت سیاسی و اخلاقی در جناح محافظه کار برای مدیریت کشور هیچ شکی باقی نمی گذارد. اوصاف و القابی مانند قدرت طلبی، سوءاستفاده از نهادهای سیاسی، دینی و مردمی در جهت تحکیم حاکمیت خود، انحصارگرایی، پای بند نبودن به حقوق مردم و شهروندان و قواعد توسعه سیاسی، ضدیت با تحصیل کردگان و جامعه روشن فکری،

ص: ۱۷۲

۱- ۱۰.چنانچه آقای جلایی پور در مقاله های خود هفت بار بر این مطلب تأکید می کند. نک: جامعه، ۱۳/۴/۷۷۱۳.

خودرأیی و عدم استفاده از نیروهای متخصص و کارشناس و برخورد دوگانه و ابزاری با مردم و ارزش ها از جمله نسبت های داده شده، است. با برخی از این تعبیرها از نزدیک آشنا می شویم:

منزلت و نفوذ محافظه کاران یا طیف گروه های همسو در سال های اخیر در نزد تحصیل کردگان و شخصیت های مرجع جامعه به شدت کاهش یافته است. انتخاب دوم خرداد و شکست کاندیدای این طیف علامت روشنی برای درک این کاهش نفوذ بود. عدم پای بندی به قواعد توسعه سیاسی و رفتار انحصارگرایانه توسط محافظه کاران زمینه ساز وضعی شده که اقشار تحصیل کرده (و حتی روشن فکران) را به اظهار چنین نظری درباره آنان واداشته است. «تا زمانی که محافظه کاران در صحنه سیاسی جمهوری اسلامی فعّالند، جامعه طعم توسعه و ثبات سیاسی را نخواهد چشید و سیاست ایران راه به جایی نخواهد برد».(۱) چرا محافظه کاران در جمهوری اسلامی فاقد پایگاه سیاسی، اجتماعی در نزد تحصیل کردگان (و روشن فکران) می باشند؟

در اینجا و در پاسخ به این پرسش، به پنج آسیب و ضعف موجود در طیف محافظه کاران از دیدگاه تحصیل کردگان و روشن فکران اشاره می شود:

الف) محافظه کاران در جوامع جدید، مدتهاست به این اصل پای بند شده اند که برای دفاع از ارزش هایی که به آن اعتقاد دارند، مثل: ارزش مذهب، خانواده و قدرت سیاسی، به قواعد توسعه سیاسی متوسل شوند... به رغم اهمیت این اصل، محافظه کاران در جمهوری اسلامی، طی بیست سال گذشته نشان داده اند که به مشارکت مردم در امر سیاست، آن هم بیشتر به انگیزه های دینی خصوصا از نوع مشارکت خیابانی و هدایت شده اعتقاد دارند و حمایت آنان از اجرای حداکثری اصل نظارت استصوابی توسط شورای نگهبان، نشان دهنده آن است که برای «رقابت» واقعی کاندیداها، اصالتی قائل نیستند.

۱- ۱۱.جامعه، ۱۳/۴/۷۷۱۳.

ب) ضعف بعدی محافظه کاران، دفاع از حکومت دینی بدون پشتوانه نظری منسجم است. آنها برای دفاع از حکومت دینی به طرز مبهمی، ولایت معنوی را با ولایت سیاسی (ولایت فقیه) ممزوج می کنند... محافظه کاران با خلط دو ساحت ولایت معنوی و ولایت سیاسی سعی دارند اثبات نمایند همان طوری که یک مسلمان به اولیای خداوند ایمان قلبی دارد، به حاکم و حکومت اسلامی هم باید ایمان قلبی داشته باشد. شعار «ذوب در ولایت» که در انتخابات دوم خرداد از ناحیه محافظه کاران مطرح شد، نمونه بارزی از ادغام این دو ساحت است.

ج) ضدیت محافظه کاران با جامعه روشن فکری، مشکل دیگر آن است. مفهوم «جامعه روشن فکری»، حکایت از محیطی دارد که در آن، اهل نظر و روشن فکران فارغ از دغدغه قدرت، دست به تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه می زنند و دستآوردهای فکری خود را از طریق مقالات، کنفرانس ها، سخنرانی ها و کلاس ها به اقشار تحصیل کرده منتقل می کنند... محافظه کاران چنان عمل می کنند که گویی همه حقایق و مصالح سیاسی و اجتماعی جامعه برایشان روشن است و خود را بی نیاز از جامعه روشن فکری می دانند و معمولاً ـ هنگامی به جامعه روشن فکری روی خوش نشان می دهند که دستآوردهای جامعه روشن فکری با منافع و مصالح آنها سازگار باشد و در این شرایط، استفاده ابزاری از جامعه روشن فکری را جایز می شمرند.

د) ضعف بعدی محافظه کاران در نحوه استفاده از نهادها و مراسم مذهبی در رقابت های جناحی است. احساس آنها این است که اگرچه از منابع مشروعیت مدرن سیاست و از پشتیبانی روشن فکری دینی محرومند، اما از طریق نهادهای دینی و مراسم دینی و زبان مذهبی می توانند با بسیج توده های مسلمان در عرصه سیاست، مصالح سیاسی خود را پی گیری کنند. آنها با اتکای به اصل «سیاست، عین دیانت ماست»، به راحتی خود را مجاز می دانند که روضه خوانی ها و سایر مراسم دینی و نیز نهادهای دینی چون مساجد و تکایا و حوزه های علمیه را در خدمت سیاست و قدرت قرار دهند... . ازاین رو، تحصیل کردگان... از سوء استفاده محافظه کاران از نهادها و مراسم مذهبی در رقابت های سیاسی شدیدا گله مندند

.ص: ۱۷۴

ه_) ضعف دیگر محافظه کاران، هویت و رفتار ژلاتینی آنها در عرصه سیاست است؛ هویتی که نه مدرن است و نه سنتی.... محافظه کاران ما تا آنجا پیش رفته اند که حتی نهاد مرجعیت مستقل را که یکی از نهادهای جامعه مدنی سنتی ایران است، برنمی تابند و علاقه دارند آن را هم در ساحت سیاسی نظام هضم کنند. درواقع، هویت و رفتار محافظه کاران بیشتر تابع قدرت است، نه التزام به ارزش های سنتی. در این زمینه، مثال های فراوانی را می توان ذکر کرد. نمونه آن زمانی است که محافظه کاران در دهه اول انقلاب برای مصون ماندن از فرامین رادیکال امام خمینی، فرامین ایشان را به احکام «مولوی و ارشادی» تقسیم کردند و فقط احکام مولوی ایشان را لازم الاتباع می دانستند و در زمان حاضر که اوضاع باب مراد آنهاست، از «ذوب در ولایت» سخن می گویند. حمله به محافل علمی و اجتماعی و اجتماعات قانونی را محکوم نمی کنند و از مطبوعات مستقل دل خوشی ندارند... .

آنچه ذکر شد، نشان می دهد که هویت و رفتار محافظه کاران نه تابع اصول مدرن سیاست است و نه از ویژگی های تاریخی نیروهای سنتی پیروی می کند، بلکه بیشتر هویتی توده گرا با اتکای به قدرت نهادهای مذهبی برای بسیج احساسات مذهبی مردم به منظور کسب قدرت می باشد.

۴. اشخاص حقیقی و حقوقی که این نسبت ها به آنها داده شده است _ بنا بر تعریفی که آقای جلایی پور از این جناح ارائه داده است و پیش از این، به تفصیل بحث شد _ از ارکان اصلی نظام، انقلاب و کشور هستند. در اهانت آمیز بودن این گونه نسبت ها و اینکه اوصاف بر شمرده شده، تخریب و تقبیح چهره اشخاص یاد شده نزد افکار عمومی را به دنبال دارد، شکی نیست. به نظر نگارنده، اگر نویسنده این مقاله ها پس از انتساب این گونه نسبت ها از سوی مراجع رسمی یا مدعی العموم، برای اعاده حیثیت مسئولان نظام مورد پیگرد قانونی قرار نگرفته باشد، این حادثه می تواند نه تنها شاخص مناسبی برای شناخت سطح آزادی در ایران، بلکه شاخصی برای آزادی بی حد

و حصر و نبود تعریفی قانون مند از آن به شمار رود.

۵. مهم ترین نکته این است که آقای جلایی پور با مخاطبان خود صادقانه سخن نگفته، بلکه با تحریف حقایق تلاش کرده است ذهن مخاطب را به هر قیمتی، نسبت به جناح مقابل، بدبین و نا امید گرداند و بر آن بشوراند. مسلّم انگاشتن رویارویی جناح محافظه کار با قشر تحصیل کرده و جامعه روشن فکری یک ترفند کهنه، ولی معمول و مؤثر ژورنالیستی است که آقای جلایی پور در جنگ روانی و تبلیغاتی علیه جناح مقابل و برای همراه سازی افکار عمومی به خوبی از آن استفاده کرده است. چنانچه پیش تر دیدیم ایشان در بیش از بیست مورد، هرگاه از دیدگاه و عملکرد جناح مقابل ــ محافظه کار ــ سخن گفته است، بی درنگ بدان می افزاید: «قشر تحصیل کرده (و روشن فکر) با این دیدگاه، مخالف و از عملکرد جناح محافظه کار، شدیدا ناراضی و گله مند است» برای نمونه، پاره ای از این گونه تعبیرها را با هم مرور می کنیم:

ــ منزلت و نفوذ محافظه کاران با طیف گروه های همسو در سال های اخیر، نزد تحصیل کردگان و شخصیت های مرجع جامعه به شدت کاهش یافته است.

ــ عدم پای بندی به قواعد توسعه سیاسی و رفتار انحصارگرایانه توسط محافظه کاران، زمینه ساز وضعی شده که اقشار تحصیل کرده (و حتی روشن فکر) را به اظهار چنین نظری درباره آنان واداشته است: «تا زمانی که محافظه کاران در صحنه سیاسی جمهوری اسلامی فعالند، جامعه، طعم توسعه و ثبات سیاسی را نخواهد چشید و سیاست ایران راه به جایی نخواهد برد.

ــ چرا محافظه کاران در جمهوری اسلامی فاقد پایگاه سیاسی، اجتماعی در نزد تحصیل کردگان (و روشن فکران) می باشند؟

ــ آسیب و ضعف موجود در طیف محافظه کاران از دیدگاه تحصیل کردگان و

روشن فکران...

ـ برخلاف محافظه کاران، تحصیل کردگان... به تفکیک کارکرد نهادهای مذهبی از سیاسی قائلند.

ـ ضدیت محافظه کاران با جامعه روشن فکری، مشکل دیگر آنان است.

ـ ازاین رو، تحصیل کردگان... از سوء استفاده محافظه کاران از نهاد و مراسم مذهبی در رقابت های سیاسی شدیدا گله مندند.

ـ آنان به یکی از قواعد توسعه سیاسی که رقابت واقعی کاندیداهاست، اعتقاد ندارند. این عدم اعتقاد محافظه کاران تا زمانی که یک بیداری سیاسی در میان تحصیل کردگان این مرزوبوم اتفاق نیافتاده بود، یک معضل بالقوه بود و جای نگرانی نداشت، ولی هم اکنون تحصیل کردگان مذهبی بیدار شده اند.

ـ تحصیل کردگان و روشن فکران ایران که قاعده مشارکت همراه با رقابت گرایشات سیاسی را در صحنه سیاست پذیرفته اند، اتخاذ روش های توسعه نیافته (استصوابی) محافظه کاران را در صحنه سیاسی برنمی تابد.

ـ در برابر غفلت محافظه کاران، تحصیل کردگان مذهبی به آن درجه از رشد سیاسی و مذهبی رسیده اند که در عین پذیرش انوار ولایت معنوی و ایمانی، در ولایت سیاسی و حکومت ذوب نشوند.

ـ به رغم اهمیت جامعه روشن فکری، ضدیت محافظه کاران با این جامعه همچنان شدید است.(۱)

به راستی، چرا جلایی پور بر تقابل و رویارویی جناح محافظه کار با قشر تحصیل کرده و روشن فکر و مسلّم جلوه دادن و بیان پی درپی آن تأکید دارد؟

ـ آیا این تقابل و رویارویی و تکرار آن، استفاده از شیوه های روان

۱– ۱۲.جامعه، ۱۳/۴/۷۷۱۳.

شناختی ـــ تلقین و تکرار ـــ برای تحمیل یک امر غیر واقعی ـــ بی سوادی همه اعضای جناح محافظه کار ـــ بر مخاطبان به عنوان حقیقتی بدیهی و انکارناپذیر است یا اینکه به گمان وی، جناح محافظه کار واقعا متشکل از آدم های بی سوادی است که با تحصیل کردگان، ضدیت و دشمنی دارند؟

ـــ در این صورت، کسانی که در حوزه های علمیه تحصیل کرده اند و بخش بزرگی از این جناح را تشکیل می دهند، چه نام می گیرند؟

ـــ آیا جامعه اسلامی مهندسین ـــ که به تصریح ایشان از زیرمجموعه های جناح محافظه کار است ـــ با تحصیلات دانشگاهی، تحصیل کرده نام نمی گیرند؟

ـــ آیا جناح مقابل محافظه کاران، تماما تحصیل کرده و روشن فکر هستند ـــ که به گفته ایشان، مرکز فعالیت های ایشان دانشگاه ها و مراکز علمی است ـــ و مردم کوچه و بازار در آن نقش و سهمی ندارند، یا اینکه از پشتوانه مردمی برخوردارند؟

ـــ اگر جناح محافظه کار ترکیبی از با سوادان و تحصیل کردگان و بی سوادان و عوام است، چرا عنوان تحصیل کرده و روشن فکر را صرفا برای جناح مقابل به کار برده و چرا جناحی را که طبیعتا از افراد تحصیل کرده (و روشن فکر) تشکیل شده، ضد و دشمن تحصیل کردگان و روشن فکران معرفی کرده اید؟

ـــ آیا این به معنای نادیده گرفتن واقعیت ها، تحریف حقایق و تلاش برای انحراف افکار عمومی از واقعیات نیست؟

ـــ آیا این عملکرد با گفت وگوی مسالمت آمیز، صمیمی و صادقانه، منطقی، فرا جناحی و به دور از ناسزا به جناح مقابل ـــ که در مرام نامه روزنامه های

جامعه و توس بر آن پای فشرده اید، _ سازگار است؟

به نظر می رسد مسلّم انگاشتن این تقابل و رویارویی و تکرار آن به منظور تلقین و شرطی شدن مخاطبان انجام می گیرد تا بدین وسیله، اذهان عمومی از شنیدن یا دیدن اشخاص حقیقی و حقوقی این جناح در هر جای دیگر، بی درنگ، بی سوادی و رویارویی و ضدیت آنان را با نیروهای تحصیل کرده و باسواد جامعه تداعی کنند. بی شک، این روش با گفت وگوی صادقانه با مردم، بحث مسالمت آمیز و صمیمی با جناح های مختلف و تعهد دینی و اجتماعی اصحاب مطبوعات در جامعه دینی و مدنی، فرسنگ ها فاصله دارد.

واقعا امروز مشتریان نشریات جامعه و توس، به ویژه کسانی که به همین اندازه خواننده مقالات ایشان بوده اند، چه دیدگاه و گرایشی نسبت به جمهوری اسلامی، روحانیت، نخبگان سیاسی و سیاست مداران و مسئولان ارشد نظام دارند؟

نتیجه گیری

نتیجه گیری

براساس مطالب پیش گفته، آقای جلایی پور از روزنامه نگارانی است که در نوشته خود به مسائل سیاسی روز علاقه بیشتری نشان می دهد و بررسی و نقد جناح های سیاسی و دیدگاه ها و عملکرد آنها از محورهای ثابت مقاله های او به شمار می آید. وی در آثارش با تقسیم گروه ها و گرایش های سیاسی کشور به دو جناح عمده _ محافظه کار و جبهه دوم خرداد _ به بررسی و تبیین دیدگاه ها و عملکردهای آنان می پردازد و با طرح مسائل اختلافی و چالش های عمیق میان آنها، هرگونه مصالحه و آشتی را ناممکن جلوه می دهد. گرایش شدید آقای جلایی پور به یک جناح _ جبهه دوم خرداد _ و بیزاری

وی از جناح دیگر موجب شده است برخلاف ادعای اولیه، به تحلیل های جناحی روی آورد و با تجلیل و تکریم جناح خودی، به جای بحث و گفت وگوی سالم و منطقی، با استفاده از ابزارهای گوناگون به تخریب و تضعیف جناح مقابل بپردازد. دیدگاه ها و پیش فرض های آقای جلایی پور درباره جوامع اروپایی، نهاد روحانیت و قشر تحصیل کرده و جامعه روشن فکری، به تحلیل و ریشه یابی نظرهای ایشان کمک شایانی می کند. از دیدگاه وی، جوامع اروپایی به دلیل توفیق در پیمودن مراحل رشد و توسعه، الگوی مناسبی برای جامعه توسعه نیافته ایران به شمار می آیند.

از این رو، با الگوگیری از جوامع غربی، تز «جدایی دین از سیاست» و کارکردهای فردی و اخلاقی نهادهای مذهبی، از جمله روحانیت را طرح می کند و از آنان می خواهد ــ مانند کشیشان مسیحی ــ صحنه سیاسی را به سود سیاست مداران تحصیل کرده و جامعه روشن فکری ترک گویند. چنین اعتقادی، او را وامی دارد که برای اثبات نظریه اش و با استفاده از ترفندهای ژورنالیستی، به نقد و بررسی یک سویه و منفی مراکز قدرت در جمهوری اسلامی ــ که نوعا در دست روحانیون است ــ بپردازد و از سوی دیگر، محاسن و خدمات جامعه روشن فکری و قشر تحصیل کرده را یادآوری کند. شاید به همین علت، جایگاه معنوی ولایت فقیه را مورد تشکیک قرار می دهد، نهاد روحانیت را نهادی غیرسیاسی معرفی می کند، با گلایه از وضع موجود و نابه سامانی های جاری به ویژه نبود آزادی، به تخریب و جنگ روانی علیه جناحی دست می زند که بانیان و رهبران آن، روحانی و حوزوی هستند. همچنین از مردمی که تاکنون و در صحنه های مختلف همواره پیرو روحانیت

و حوزه های علمیه بوده اند، بیزاری می جوید و آنان را عقب مانده و توسعه نیافته می نامد. متأسفانه تعلق خاطر و گرایش بسیار مثبت جلایی پور به یک جناح و بیزاری وی از جناح مقابل، آثار قلمی او را به گفت وگویی جناحی تبدیل کرده است که در حد فاصل تثبیت و تکریم جناح خودی و تقبیح و تضعیف جناح مقابل در نوسان است.

۳. مسعود بهنود

اشاره

۳. مسعود بهنود

بهنود در یادداشتی با عنوان «مصالح ملی هم؟» _ روزنامه توس ۱۹/۵/۷۷، ص ۴ _ به معرفی خویش پرداخته است. این یادداشت در حقیقت دفاعیه بهنود در پاسخ به تعبیر کنایه آلود یکی از شرکت کنندگان در برنامه تلویزیونی «گفت وگو»(۱) است. تعبیر کنایه آمیزی که بهنود را به واکنش و دفاع از خود واداشته، به نقل خودش، این است:

فردی که در رادیو بختیار علیه جمهوری اسلامی سخنرانی می کرده و تازگی مقاله ای از او در مطبوعات داخلی و خارجی چاپ شده، مصالح ملی را به خطر می اندازد.

آقای مسعود بهنود، در ادامه یادداشت، به جای هر گونه پاسخ به ادعای یاد شده و به منظور سرپوش گذاشتن به پیشینه سیاسی خود، به تخریب صدا و سیما، گوینده مطالب مذکور و جناح او و دفاع از رادیوهای بیگانه می پردازد. وی در آغاز با استناد به رویدادهایی چون دفاع مقدس، دادگاه کرباسچی و واقعه دوم خرداد، صدا و سیما را به ناتوانی در ارائه واقعیت و انجام وظایف محوله متهم می کند و می افزاید:

۱- برنامه گفت و گو غروب جمعه ۱۶/۵/۱۳۷۷ از شبکه دوم سیما پخش شد.

مطلق زدگان نابلد، اما یک پیروزی داشتند و آن در پوشاندن شکست خود بود. این کار از عهده شان برآمد و هنوز به آن مشغولند.

بهنود در ادامه، به تخریب گوینده و جناح او می پردازد و آنان را در مقابل ملت هوشیار و با درایت ایران قرار می دهد:

باورم نیست کسانی که خود و عقیده خود و گروه و جناح خود را «مصالح ملی» فرض کرده اند و دارند چنین جفایی به مردمان باهوش و بادرایت ایران می کنند، واقعا و اندیشیده، درصدد آن بوده باشند که حواس ما را از خطراتی که «مصالح ملی» را تهدید می کند، منحرف کنند. باورم نیست، ولی این ناباوری چیزی از نگرانی آدمی نمی کاهد.

در مرحله پایانی دفاع از خود نیز به تخطئه نظریه توطئه و رد احتمال وابستگی رادیوهای بیگانه به سرویس های اطلاعاتی قدرت های استکباری می پردازد تا به این وسیله، مصاحبه کنندگان با این گونه رسانه ها را تبرئه کند:

جالب همین جاست. جا انداختن این تحلیل که آزادی بیان در همه جهان دروغ است؛ همه رسانه های جهانی در خدمت دستگاه های اطلاعاتی هستند و طبیعتا هر کس با آنها سر و کاری دارد هم عامل بیگانه است.

به هر حال، آنچه مهم است، این است که بهنود از پاسخ صریح به پرسش های زیر شانه خالی کرده است:

۱. آیا با رادیوی بختیار مصاحبه کرده است یا خیر؟

۲. آیا رادیوی بختیار از جمله رسانه هایی است که به دستگاه های اطلاعاتی وابسته نیست و هیچ دشمنی با اسلام و انقلاب ندارد تا مصاحبه با آن بی اشکال باشد؟

۳. آیا بهنود در مصاحبه با رادیوی یاد شده، مطالبی علیه جمهوری اسلامی گفته است یا خیر؟

ص: ۱۸۲

الف) دیدگاه ها و تمایلات پنهان بهنود در آیینه تعبیرها و واژه ها

الف) دیدگاه ها و تمایلات پنهان بهنود در آیینه تعبیرها و واژه ها

از میان چهار یادداشتی که به قلم آقای بهنود در این پژوهش بررسی شده است، دو نظریه از رهبران انقلاب اسلامی، تقبیح و به شدت مورد توهین و سرزنش قرار گرفته است که شأن صاحبان نظریه و حریم نقد و نقادی اقتضا می کرد در گزینش واژه ها، تأمل و احتیاط بیشتری به کار می رفت. یکی نظریه وابستگی رسانه های بیگانه است که از سوی حضرت امام خمینی رحمه الله مطرح شد و بارها مورد تأکید رهبر انقلاب قرار گرفت و دیگری نظریه تهاجم فرهنگی است. در اینجا به نقل عبارت های ایشان درباره دیدگاه تهاجم فرهنگی می پردازیم:

یک مثال دیگر، تهاجم فرهنگی است. دوستان باز در راستای پوشاندن ناتوانی های خود در ساخت و طراحی افکار عمومی به این مفهوم قدیمی هم دست دراز کردند و هر چه را نمی پسندیدند ــ از جمله مفهوم آزادی را ــ در بسته بندی «تهاجم فرهنگی» قرار دادند و هر کس را با نظریه و قرائت آنها مخالف بود، «عامل تهاجم فرهنگی بیگانه» نام دادند و به خیال خود، کار را تمام کردند... این برداشت تازه از «تهاجم فرهنگی» که برای استفاده روزمره و کوبیدن مخالفان ساخته شده، مهم ترین کاری که کرده، پرت کردن نظرها از تهاجم واقعی است... دوستان در قرائت تازه ای که از تهاجم فرهنگی، صهیونیسم حاکم بر رسانه های بین المللی و... داده اند، این همه را مساوی با آزادی بیان گرفته اند، در حقیقت، با آزادی بیان مخالفند و این مفاهیم را قرض می گیرند، ولی اینها همه مربوط به گذشته است و حوادث یک سال اخیر خود به تنهایی نشان داده که مردم و به ویژه جوانان تا چه حد رشد کرده اند و چقدر این ترفندها را شناخته اند.(۱)

۱- توس، ۱۹/۵/۱۳۷۷.

ب) بهنود و نظریه تهاجم فرهنگی

ب) بهنود و نظریه تهاجم فرهنگی

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

علیه

له

نشانی

نظریه تهاجم فرهنگی

ـ آیا کسی قرار است این تزها و استدلال ها را باور کند

;nbsp

;nbsp

;nbsp

ـ مفهوم قدیمی که

;nbsp

;nbsp

;nbsp

ـ دوستان در راستای پوشاندن ناتوانی های خود در ساختن طراحی افکار عمومی به آن دست دراز کرده اند.

;nbsp

;nbsp

;nbsp

ـ هر چه را نمی پسندند ـ از جمله خود مفهوم آزادی را ـ در بسته بندی تهاجم فرهنگی قرار دادند.

;nbsp

;nbsp

;nbsp

ـ هر کس با نظر و قرائت آنها مخالف بود، «عامل تهاجم فرهنگی بیگانه» نام دادند.

;nbsp

;nbsp

;nbsp

ـ نظریه ای است که از افکار شریعتی، آل احمد، فخرالدین شادمان، احسان نراقی و... قرض گرفته شده است.

۱۰

۰

توس ۴/۵/۷۷

ـ برای استفاده روزمره و کوبیدن مخالفان ساخته شده است.

;nbsp

;nbsp

;nbsp

ـ مهم ترین کاری که کرده پرت کردن نظرها از تهاجم واقعی است.

;nbsp

;nbsp

;nbsp

ـ کسانی که در حقیقت با آزادی بیان مخالفند، این مفاهیم را قرض می گیرند.

;nbsp

;nbsp

;nbsp

ـ مردم و جوانان در دوم خرداد نشان دادند تا چه حد رشد کرده اند و چقدر این ترفندها را شناخته اند.

;nbsp

;nbsp

;nbsp

اگرچه این جـدول، به خوبی دیـدگاه و گرایش آقای بهنود را درباره نظریه تهاجم فرهنگی نشان می دهـد، برای عینی شدن و توصیف کمی این گرایش از روش تحلیل محتوای اسگود نیز استفاده می کنیم.

جدول تحلیل ارزش یابی

موضوع داوری

مفهوم عامیانه

نمره

فعل

نمره

حاصل ضرب

نظریه تهاجم فرهنگی

باورکردنی

+۲

نیست

+۳

-۶

مفهومی قدیمی

-۳

است

+۳

-۹

برای پوشاندن ناتوانی

-۳

است

+۳

-۹

هرچه رانمی پسندنددربسته بندی آن

-۳

قرار می دهند

+۲

-۶

برای استفاده روزمره وکوبیدن مخالفان

-۳

ساخته شده است

+۲

-۶

مهم ترین کارکرد آن، پرت کردن نظرها از تهاجم واقعی

-۲

است

+۳

-۶

کسانی که باآزادی مخالفندآن راقرض

-۳

می گیرند

+۳

-۹

این ترفندها را مردم

-۳

شناخته اند

+۳

-۹

۳۱ × -۸۶۰ = _۵۰/۲

ص: ۱۸۴

بنابراین، شاخص گرایش آقای بهنود به نظریه تهاجم فرهنگی بسیار منفی خواهد بود.

ج) مسعود بهنود و نظریه وابستگی رادیوهای بیگانه

ج) مسعود بهنود و نظریه وابستگی رادیوهای بیگانه

ناگفته پیداست که نظریه توطئه و وابستگی های رادیوهای بیگانه به قدرت های بزرگ و استکباری از جمله نظریه های معروف حضرت امام خمینی رحمه الله و رهبر معظم انقلاب است. بهنود در مقاله «مصالح ملی هم؟»(۱) به جای هر گونه بحث و بررسی مستدل، به تقبیح و سرزنش این نظریه و صاحبان آن پرداخته، آن را مغالطه آمیز و شکست خورده می داند:

جالب همین جاست. جا انداختن این تحلیل که آزادی بیان در همه جهان دروغ است، همه رسانه های جهانی در خدمت دستگاه های اطلاعاتی هستند و طبیعتا هر کس با آنها سر و کاری دارد هم عامل بیگانه است... گویندگان این روایت به این ترتیب مغالطه ای را ممکن کردند که هر چه زمان گذشت، آشکار شد که جز خودشان کسی این را باور ندارد... در نتیجه تز تازه ای به میان آورده اند و می گویند در جهان آزادی بیان هست، رسانه های بین المللی هم آن طور که گفتیم در اختیار دستگاه های اطلاعاتی دشمن نیستند، ولی برنامه های به زبان فارسی جداست. از نظر آقایان در شبکه های بین المللی اطلاع رسانی فقط آن دو سه تا اداره و اتاقی که برنامه های فارسی تهیه می کنند، عوامل بیگانه اند و با ما دشمن!

واقعا آیا کسی قرار است این تزها و استدلال ها را باور کند؟ آیا واقعا ما باور داریم دست کاری های دیگری که در مفاهیم بین المللی کرده ایم، جا افتاده و بی نقص از کار درآمده؟

۱- توس، ۱۹/۵/۱۳۷۷، ص ۴.

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

علیه

له

نشانی

نظریه وابستگی رادیوهای بیگانه به استکبار جهانی

ــ گویندگان این روایت مغالطه ای را ممکن کردند که ــ

;nbsp

;nbsp

;nbsp

هر چه زمان گذشت آشکار شد جز خودشان کسی آن را باور ندارد

;nbsp

;nbsp

;nbsp

ــ دوستان، بی تجربه و نابلد بودند و

;nbsp

;nbsp

;nbsp

;nbsp

ــ از دیگران کمک نخواستند، خوب چه باید کرد؟

;nbsp

;nbsp

;nbsp

_ واقعا آیا کسی این تزها و استدلال ها را باور می کند؟

;nbsp

;nbsp

;nbsp

_ عدول از نظریه وابستگی رسانه های جهانی به وابستگی رادیوهای بیگانه به دلیل نابلدی و بی تجربگی

;nbsp

;nbsp

;nbsp

_ از نظرآقایان درشبکه های بین المللی اطلاع رسانی فقط آن دو سه تا اداره و اتاقی که برنامه فارسی تهیه می کنند، عوامل بیگانه اند و با ما دشمن!

;nbsp

;nbsp

;nbsp

جدول تحلیل کمّی

موضوع داوری

مفهوم عامیانه

نمره

فعل

نمره

حاصل ضرب

نظریه وابستگی رادیوهای بیگانه و رسانه های جهانی

گویندگان مغالطه ای را

-۳

ممکن کردند

+۲

-۶

جز خودشان کسی آن را باور

+۳

ندارد

-۳

-۹

گویندگان آن نابلد

-۳

بودند

+۳

-۹

گویندگان آن بی تجربه

-۳

بودند

+۳

-۹

گویندگان آن از دیگران کمک

+۲

نخواستند

-۳

-۶

از وابستگی رسانه های جهانی به وابستگی رادیوهای بیگانه عدول

-۲

کردند

+۳

-۶

شاخص گرایش بهنود به نظریه وابستگی رادیوهای بیگانه:

۳۱ × -۶۴۵ = -۵/۲

نتیجه به دست آمده نشان می دهد بهنود نه تنها با نظریه وابستگی رادیوهای بیگانه مخالف است، بلکه از آن منزجر است. جای شگفتی است که امثال بهنود ادعا می کنند که در جامعه اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، صاحبان مطبوعات آزادی ندارند! آیا اینکه نویسنده ای بتواند دیدگاه های بالاترین و رسمی ترین رکن تصمیم گیری نظام را که به تصریح

قانون اساسی فصل الخطاب امور کلان جمهوری اسلامی است، با تحقیرآمیزانه ترین واژه ها و تعبیرهای مطرح، و انزجار خود را از آن اعلام کند، از آزادی تقریبا بی حد و حصر سیاسی خبر نمی دهد و آیا این گونه آزادی تعریف نشده که در کمتر نظامی در سطح دنیا به چشم می خورد، به صلاح جامعه اسلامی نوپای ما است یا به سود دشمنان کینه توز اسلام و انقلاب؟

د) بهنود و قوه قضاییه

د) بهنود و قوه قضاییه

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

علیه

له

نشانی

عدلیه یا قوه قضاییه

ـ به دوران خودکامگی شبیه به بازی شطرنج با فتحعلی شاه.

۱

۰

جامعه ۳۱/۳/۷۷

ـ هر جا می خواست مهره ها را می راند.

۱

۰

جامعه ۳۱/۳/۷۷

ـ حریف هم چاره ای جز تمکین نداشت.

۱

۰

جامعه ۳۱/۳/۷۷

ــ صدور احکام و فرمان های ظالمانه «بکُشید پدر سوخته ها را».

۴

۰

جامعه ۳۱/۳/۷۷

ــ عدلیه را چنان به فرمان شاه شکل دهند که بتوان برید، درید و شکست و بست.

۰

۰

جامعه ۳۱/۳/۷۷

;nbsp

ــ برای عدلیه چه محظوری موجه تر از حکم و خواست آن که نظمیه و ارکان حرب در کف اوست.

۱

۰

جامعه ۳۱/۳/۷۷

ــ اگر نظر اعلی حضرت حقیقتا بر محکومیت کسی است، وقت نگذشته و عدلیه می تواند حکم مجازات صادر کند.

۱

۰

جامعه ۳۱/۳/۷۷

ــ اهل قضاگاه چو بید بر سر ایمان خود لرزیده اند.

۱

۰

جامعه ۳۱/۳/۷۷

ــ قوه قضایی و دیگر قوای محافظ بعد از انقلاب به حساب هر کس و هر گروه که دست به کاری زده اند، رسیده است و مفاصا حساب صادر کرده اند.

۱

۰

جامعه ۲۰/۴/۷۷

ــ شاید روزگاری با دود طبل از سربلندی ها پیام را برسانند، چرا که طریقی است که هیئت نظارت و هیئت منصفه، دادگاه قاضی و محکومیت ندارند.

۱

۰

توس ۴/۵/۷۷

گفتنی است بهنود بررسی تاریخچه عدلیه و قوه قضاییه را در بحبوحه دادگاه شهردار تهران و توقیف روزنامه جامعه از سوی قوه قضاییه به رشته تحریر درآورده است و چنانچه خود در ابتدای یادداشت ۳۱/۳/۷۷ گفته است: «هدف، تطبیق تاریخ با وقایع جاری و درس عبرت گرفتن از آنها است».

هــ) بهنود و مجلس شورا

هــ) بهنود و مجلس شورا

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

علیه

له

نشانی

دارالشورا یا مجلس شورا در تاریخ ایران

ـ طویله شاه و درباریان

۵

;nbsp

;nbsp

ـ درآن، نمایندگان خوش لباس، باترتیب،درصندلی های تمیزمی نشینند.

۱

;nbsp

;nbsp

ـ مؤدب و سر به راه و حرف شنو از شاه و درباریان

۳

;nbsp

;nbsp

ص: ۱۸۷

ـ دارالشورا که بود، مشورتی هم به کار بود. از وقتی مجلس شد، فقط شد جای جلوس.

۱

;nbsp

;nbsp

ـ این مجلس فقط یک اشکال داشت، دارالشورا نبود و نمایندگانش هم نه نماینده مردم

۱

;nbsp

;nbsp

ـ شورا نمی کردند و مشورتی نمی دادند.

۱

;nbsp

;nbsp

ـ درگیر با چهره و شخصیت های برجسته و مردمی و خون به دل آنها

۱

;nbsp

;nbsp

ـ اوضاع خراب است،کدام ملت،کدام مشورت،موقع این حرف هانیست.

۱

;nbsp

;nbsp

ـ مجلس، پارلمان و نوشته های خوش خط را همه دوست دارند، ولی مشورت را فقط بعضی طالبند و دیگران آن را جرم بزرگ می دانند.

۱

;nbsp

;nbsp

ـ صدام هم مجلسی دارد که اعضای آن را به نمایندگی از سوی مردم، استخبارات انتخاب می کنند.

۱

۰

توس ۴/۵/۷۷

ـ در مصر هم شورایی هست که نام نامزدها را بالا و پایین می کنند.

۱

;nbsp

;nbsp

ـ شیوخ هم مجالسی دارند که اعضای آن را خود انتخاب می کنند، ولی هر از گاه، به آنان خشم می گیرند که چرا نظر داده ای.

۱

;nbsp

;nbsp

ـ بزرگ ترین افتخار این مجالس که داشتند و دارند، در آن، سالی یک بار که فرامین قائد و رئیس... را از زبان خودشان می شنوند، نه مانند بقیه سال به واسطه و به پیغام

۱

;nbsp

;nbsp

ــ تفاوت پهلوی ها با شاهان قاجار در این بود که اینها دارالشورا داشتند و مشورت نمی کردند، آنها دارالشورا نداشتند و فقط با کسانی مشورت می کردند که نظرشان را تأیید کنند.

۱

;nbsp

;nbsp

ــ با عاقلان مشورت کن. مجلس قلابی درست نکن.

۲۳۱

;nbsp

;nbsp

گرایش های منفی بهنود و انزجار وی از مقوله دارالشورا و مجلس شورا چنان آشکار است که برای دست یابی به آن به روش اسگود نیازی نیست. با مطالعه یادداشت «اندر مضار شور و مشورت» و بررسی اوصاف به کار گرفته، چند پرسش اساسی پیش می آید:

ــ چرا بهنود در یادداشت «اندر مضار شور و مشورت» با وجود اینکه تاریخچه مجلس شورا در ایران را بررسی و حتی به مجالس فرمایشی کشورهایی همچون روسیه تزاری و عراق اشاره کرده، کمترین نامی از مجلس شورای اسلامی نبرده است؟

ــ آیا این نادیده گرفتن، به معنای کم اهمیتی نقش و کارکرد مجلس پس از انقلاب اسلامی ایران است یا اینکه این مجلس از آنجا که در نظر بهنود، خلف صالح مجالس پیشین و مشابه مجالس حکومت صدام و روسیه است، نیاز به بررسی جداگانه ندارد و حکمش از بررسی مجالس مشابه روشن می شود؟

ـ آیا اگر واقعا بهنود میان مجلس شورا پس از انقلاب و پیش از آن تمایز و تباین ماهوی قائل بود، باز هم هیچ نامی از آن نمی برد و یادی از آن نمی کرد؟

ـ یا اینکه بهنود به حکم «العاقل یکفیه الاشاره و الکنایه ابلغ من الصراحه» و با یادآوری وقایع تاریخی، از نشانه هایی استفاده کرده است که نتیجه گیری را برای خواننده مقاله آسان می کند؛ نشانه هایی مثل اینکه:

ـ این مقاله را در وصف مجلس شورا در تاریخ ایران و خون دل شدن شخصیت های برجسته و مردمی همچون مصدق توسط آن، هنگامی به رشته تحریر در می آورد که وزیر کشور دولت آقای خاتمی استیضاح و از سمت خود معزول شده است و در همین شماره ای که این یادداشت به چاپ رسیده، مقاله ای با عنوان «پیام رأی عدم اعتماد» منتشرشده است.

ـ استفاده بهنود از ترکیباتی همچون: مجلس شیوخ، استخبارات ـ بر وزن استصوابات ـ و بالا و پایین بردن نام کاندیداها برای انتقال ذهن خواننده از مجلس شیوخ خلیج فارس و حکومت عراق و مصر به انتخابات استصوابی مجلس شورای اسلامی؛

ـ خودداری آگاهانه نویسنده از بردن نام مجلس شورای اسلامی و نپرداختن به نقش، آثار و کارکردهای آن در جایی که مقام سخن و موضوع بحث اقتضای پرداختن به آن را دارد؛

ـ آیا اگر استفاده ابزاری و وقایع آن نبود، آقای مسعود بهنود می توانست نام مجلس شورا را با القابی چون طویله، فرمایشی، نمایشی وابسته به دربار شاهان و... مقرون ساخته، در ذهن خواننده آنان را تداعی کند؟

آقای بهنود از جمع ۹ یادداشتی که در روزنامه های جامعه و توس به چاپ رسانـده اند، دو مقاله را با نام های «اندرمضار شور و مشورت»(۱) و «قاب های کوچک تری هم هست» تماما به قوه مقننه و قضاییه اختصاص داده اند.(۲)

بهنود حرف آخر خود را درباره قوه مقننه به کنایه در طلیعه یادداشت «اندر مضار شور و مشورت» آورده است:

استاد زنـده یـاد مجتبی مینوی، روزگـاری در دیار فرنگ به تقی زاده که حکایت انقلاب مشـروطیت می گفت، طعنه زده بود که: «تا وقتی دارالشورا بود، مشورتی هم به کار بود؛ ولی از وقتی که مجلس شد، فقط شد جای جلوس».

وی در ادامه از فرمایشی بودن مجلس شورا در حکومت های مقتدر و مستبد سخن می گوید و به این بهانه، نام مجلس شورا را با طویله مقارن می سازد:

این مجلس فقـط یـک اشـکال داشت، دارالشورا نبود و نماینـدگانش هم نه نماینـده مردم؛ شوری نمی کردنـد و مشورتی نمی دادنـد. به پیشـنهاد ارکان حزب و دفتر مخصوص با تصویب همایونی برگزیده می شدند. رضاشاه، خود، این مجلس را «طویله» لقب داده بود.

سپس از روی کار آمدن دولت مردمی مصدق و سنگ اندازی های مجلس فرمایشی چنین یاد می کند:

از فردای نخست وزیری مصـدق، آنهـا که در طـویله رضاشـاهی بودنـد و افراد جدیـد دربـاری نگذاشـتند آب خوش از گلوی نهضت پایین برود، مشورتی ندادند و کاری کردند تا آنکه مصدق برای بستن مجلس به مردم متوسل شد.

۱- جامعه، ۷/۴/۱۳۷۷، ص ۴.

۲- جامعه، ۳۱/۳/۱۳۷۷.

بهنود به همین مقدار فضاسازی منفی پیرامون مجلس شورا اکتفا نمی کند، بلکه از مجلس شورای فرمایشی در رژیم شاهنشاهی و حکومت بعثی عراق چنین سخن به میان می آورد:

باری تا چند بار عقب و جلو شدن، این شاه هم سرانجام موفق شد تا دوباره مجلس های سر به راه و مؤدب و البته منظم بر پا دارد که هر دو سال _ بعدا چهار سال _ نمایندگانش نه به مردمی بلکه به فرمان برگزیده شوند... صدام هم مجلسی دارد در عراق که اعضای آن را به نمایندگی از سوی مردم، دفتر صدام و استخبارات انتخاب می کنند. در مصر هم شورایی هست که نام نامزدها را بالا و پایین می کند، مگر غریبه ای نامزد شود و خدای نکرده مردم به او رأی دهند...

در پایان مقاله نیز با تعبیرهای مبهم و دو پهلو نتیجه گیری می کند:

این حاکمان از جمله مشخصاتشان یکی هم این است که نیازی به مشورت ندارند و در نتیجه یا مثل رضا شاه «طویله» می سازند یا مانند فرزند او با افتخار می گوید «تمام موفقیت ما در این است که من نیازی به مشورت در خود نمی بینم. من اصلاً مشاور ندارم»... مصدق در دادگاه نظامی گفت و سید خمینی در سال ۴۲ بر بالای منبر... مضمون همه یکسان: «مردم را بپایید، روزی می روید و مردم شادمانی می کنند. آقا نکن این کارها را، با عاقلان مشورت کن، مجلس قلابی درست مکن». ولی چگونه است که همه نشنیدند و تا نشنوند، میزان الحراره را شکستند به تصور اینکه دیگر تب نخواهند کرد.

مشابه این تعبیرها در مقاله «قاب های کوچک تری هم هست» به قوه عدلیه _ قضاییه _ نسبت داده شده است. بهنود در این یادداشت نیز نتیجه گیری اصلی را در طلیعه بحث ذکر می کند:

جلال عبده که هم خود و هم پدرش محمد عبده در کار قضا بودند، پیرانه سر می گفت: کار در عدلیه به دوران خودکامگی شبیه به بازی شطرنج با فتحعلی شاه بود که هر کجا می خواست مهره ها را می راند و حریف هم چاره ای جز تمکین نداشت و در پایان هر بازی هم شکرگزار مراحم همایونی بود که تحمل کرده و صفحه شطرنج را به میان باغ پرتاب

نفرموده و این تفنن را بر ما زیردستان روا داشته اند!

سپس به مخاطبان خود ــ و احتمالاً مسئولان قوه قضاییه ــ هشدار می دهد که:

تاریخ، قصه شیرینی است اگر آدمی را به خواب نیندازد و بیداری آورد.

با این مقدمه، به نقل احکام ظالمانه و ناعادلانه قوه قضاییه در دوران حکومت شاهنشاهی پرداخته، به فضا سازی منفی پیرامون قضا و مصادر قضایی دامن می زند:

نقل است که محمدعلی شاه در باغ شاه قدم می زند و بدون اینکه شنل قرمز جدش ناصرالدین شاه را بر دوش انداخته باشد، فرمان می داد «بکُشید پدر سوخته ها را!»... آه بیگناهان باغ شاه، به ویژه آن شمع مرده ــ دهخدا هر وقت از او یاد می کرد، اشکی بر مظلومیتش می افشاند. ــ «میرزا جهانگیرخان صدر» دامان محمدعلی شاه را گرفت و نزار و زار راهی سفارت تزار شد که پیش از او هیچ یک از شاهان ایران بدین پستی و حقارت نیفتاده بودند. او بعدها در خاطره گویی های پریشان دوران تبعید و در به دری، خود را توجیه می کرد «می بایست حکومت را حفظ می کردم.» به ظاهر همه گرفتاری در همین جاست.

رضاخان شاه شد و قانون عدلیه مشروطیت را دست و پاگیر یافت. تیمورتاش، نصرت الدوله و داور مأمور شدند عدلیه را چنان شکل دهند که وقتی این شاه بدتر از محمد علی شاه فرمان بدهد، بتوان برید و درید و شکست و بست. چنان نوشتند که بعد از چند وقتی هر سه آنها در دهه پنجاه عمر به دام افتادند، چاره نبود و جان سپردند و باز محظور بود و چه محظوری موجه تر از حکم و خواست آنکه نظمیه و ارکان حرب در کف اوست... و باز فرمان قدر قدرت رسید: «محکوم کنید پدر سوخته را».

در زمان فرزند رضاخان باز این حکایت تکرار شد، این بار فرزند صدر الاشرف ــ جواد صدر ــ که کسوت پدر پوشیده بود، وقتی به وزارت دادگستری رسید باز حکم «بسوزانید این پدر سوخته ها را!» صادر شد... می توان گفت عدلیه سخت تر جایی است که در این نود سال که از عمر مشروطیت و قانون می گذرد، در کشور وجود داشته است. در آنجا اهلِ

قضا، گاه چو بید بر سر ایمان خود لرزیده اند. در پیری و پایان عمر _ وقتی آدم می ماند با تن فرسوده و خاطرات زندگی و حساب و کتاب را نزدیک می بیند _ معمولاً افراد به گذشته می آویزند. شاید توانسته باشند کسی را در برابر فرمان «بکشید این پدر سوخته را!» حفظ کرده باشند.

آقای بهنود حتما نخواهند گفت که انتخاب عدلیه و دارالشورا و بررسی پیشینه آنها _ آن هم در زمانی که مطبوعات داخلی و رادیوهای بیگانه، مجلس شورای اسلامی و قوه قضاییه را به القاب و صفات مشابه توصیف می کنند _ به طور اتفاقی صورت گرفته است. اتفاقا به نظر می رسد این انتخاب در بهترین زمان ممکن صورت می گیرد. در زمانی که رسانه های داخلی و خارجی با پوشش خبری کم سابقه، افکار عمومی را متوجه کاستی های مجلس شورا و قوه قضاییه کرده اند و با رواج اخبار و شایعه های ضد و نقیض، فضایی از بدبینی و بدگمانی را دامن زده اند، این گونه مقاله ها هماهنگ با کدهای رایج در افکار عمومی، آخرین ضربه را بر اعتبار قوه مقننه و قضاییه وارد می سازند و حرف های نگفته را _ مانند طویله شاهان، مجلس فرمایشی رضاخانی با واسطه قرار دادن دارالشورا و عدلیه در تاریخ ایران _ به طیب خاطر بر قلم جاری می کند. این هم نوعی کیاست روزنامه نگاری است که علیه اشخاص حقیقی و حقوقی با تندترین و خشن ترین واژه ها به گونه ای سخن می گویند که ظاهرا به کسی برنخورد یا کسی حق اعتراض و شکایت به خود ندهد.

بهنود در پاره ای موارد به این مقدار بسنده نکرده و به ذکر مصداق خارجی در وضعیت کنونی پرداخته است. مثلاً ـ در یادداشت «آزادی به حد کافی» _ جامعه ۲۰/۴/۷۷ _ برای خوانندگان آثار خود، روشن می سازد که قوه

قضاییه امروز خلف صالح عدلیه شاهنشاهی در بگیر و ببند مطبوعات آزاد اندیش است:

بعد از انقلاب هم که هر کس و هر گروه که دست به کاری زده بود که می توانست باعث پشیمانی از دادن آزادی به حد کافی شود، قوه قضاییه و دیگر قوای محافظ به حسابش رسیده و مفاصا حساب صادر شده است... از میان گروه هایی که در این محدوده زمانی می توانند کاری از آن دست که مورد ایراد است، انجام داده باشند یکی همین روزنامه جامعه است که در این دوران متولد شد و به اولین روزنامه جامعه مدنی شهرت گرفت که حکم اولیه لغو امتیازش صادر شده و به احتمال در دادگاه تجدید نظر هم تأیید خواهد شد.

و) بهنود و صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

و) بهنود و صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

صدا و سیما، رسانه رسمی نظام جمهوری اسلامی به شمار می آید. بی شک، اعتماد داشتن یا بی اعتمادی مردم به این رسانه در همراهی آنها با سیاست های نظام از یک سو و گرایش یافتن یا نیافتن آنان به رادیوهای بیگانه از سوی دیگر نقش مهمی دارد. نقد و بررسی عملکرد این رسانه از جمله مباحثی است که آقای بهنود به آن پرداخته است. اینکه تعبیرهای نقادانه ایشان اسباب ترغیب عمومی به این رسانه یا بیزاری و بدبینی آنان را فراهم می آورد، پرسشی است که جدول تحلیل کیفی تلاش می کند به آن پاسخ دهد. با تعبیرهای ایشان از نزدیک آشنا می شویم.

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

علیه

له

نشانی

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

_ مطلق زدگان

۱

۰

;nbsp

_ نابلد

۳

۰

;nbsp

_ ناتوان در انجام مسئولیت ها

۳

۰

;nbsp

_ ظاهرسازی

۱

۰

;nbsp

_ کم غیرت و بی تعصب

۱

۰

;nbsp

_ شکست خوردگانی که ناکامی خود را می پوشانند

۲

۰

;nbsp

ـ كوبيدن كرباسچی، خاتمی و هاشمی

۱

۰

;nbsp

ـ تحليل های نادرست و مغالطه آميز

۱

۰

توس ۱۹/۵/۷۷

ص: ۱۹۴

ـ تحلیل های شکست خورده و باورنکردنی

۳

۰

;nbsp

ـ بی تجربه

۱

۰

;nbsp

;nbsp

ـ خاموش کردن صداها

۱

۰

;nbsp

ـ بی خطر کردن خطرها

۱

۰

;nbsp

ـ از تقدس انداختن مفاهیم مقدس

۱

۰

;nbsp

ـ اعانه سرسام آور از بودجه عمومی

۱

۰

;nbsp

ـ بحران در مدیریت رسانه و ساختار ده هزار نفری و حجیم نیروهای ستادی

۱

۰

;nbsp

ـ بعضی برنامه ها پس از دوم خرداد دیدنی و اثرگذار

۲۵

۱

;nbsp

بار ارزشی منفی اوصاف به کار رفته به اندازه ای گویا است که مانند مباحث گذشته به ترسیم جدول کمی اسگود نیازی نیست.

بزرگ نمایی ضعف ها و کاستی های رسمی ترین رسانه نظام و انقلاب و نادیده گرفتن محاسن و کارکردهای انکارناپذیر آن، از جمله القاهایی است که موجب بی اعتمادی مردم به صدا و سیما و بی اعتباری آن می گردد.

بهنود در این زمینه می نویسد:

واقعیت دردناک این است که آقایان (پخش کننده، تهیه کننده برنامه و شرکت کنندگان در آن) با وجود آنکه بارها خود را «معمار افکار عمومی»، «مسئول رسانه»، «قلم به دست» و مانند آن معرفی کردند، این کارها را نمی دانند... مطلق زدگان نابلد، ولی یک پیروزی داشتند و آن در پوشاندن شکست خود بود. این کار از عهده شان برآمد و هنوز به آن مشغولند، چنان که برنامه گفت وگو بر همین اساس درست شده است. البته چند منظوره بدین معنا که کوبیدن کرباسچی، دولت خاتمی (البته زیر

پوشـش کلمات مطنطن) و دولت هاشـمی رفسنجانی هم منظور بود که بماند... در یک کلام، پذیرش ناتوانی آسان تر است تا از تقدس انداختن مفاهیم، بی خطر کردن خطرها و خاموش کردن صدا که در نهایت فقط به یک جا رهنمونمان می کند.(۱)

ص: ۱۹۵

۱- یادداشت «مصالح ملی هم؟»، توس، ۱۹/۵/۱۳۷۷.

این در حالی است که آقای مسعود بهنود نه تنها احتمال وابستگی رادیوهای بیگانه را شدیدا تقبیح و انکار می کند، بلکه به تکریم و تعظیم آنها و تحقیر رسانه ملی در مقایسه با آنها می پردازد:

از نظر آقایان، در شبکه های بین المللی اطلاع رسانی فقط آن دو سه تا اداره و اتاقی که برنامه فارسی تهیه می کنند، عوامل بیگانه اند و با ما دشمن! واقعا آیا کسی قرار است این تزها و استدلال ها را باور کند؟ آیا واقعا ما باور داریم دستکاری های دیگری که در مفاهیم بین المللی کرده ایم، جا افتاده و بی نقص از کار درآمده؟... صدا و سیما چرا از خود نمی پرسد که با داشتن بالاتر از ده هزار نفر مستخدم و دریافت اعانه سرسام آور از بودجه عمومی کشور ــ از جمله رقمی که روی قبض برق همه نقش می بندد و ماهانه می پردازند ــ چرا پربیننده ترین برنامه ای که در طول این همه سال پخش شد، محاکمه غلامحسین کرباسچی بود. هیچ می دانید همان شبکه عظیم صهیونیستی که اسب تروای فرهنگ امریکایی خوانده می شود؛ یعنی CNN ، با یک پنجاهم این تعداد نفرات و یک سوم این بودجه، بدون گرفتن پولی از بودجه عمومی کشور اداره می شود.

ز) بهنود و پیشینه مطبوعات در ایران و جهان

ز) بهنود و پیشینه مطبوعات در ایران و جهان

رسانه های گروهی به ویژه مطبوعات کشور از مقولاتی است که آقای بهنود در چند مقاله به آن پرداخته است. وی در این مقاله ها درصدد انتقال دو پیام اصلی و محوری به مخاطبان خود است:

۱. در حکومت های استبدادی و دیکتاتوری، رسانه های گروهی اصلاح طلب به ویژه مطبوعات، از جمله اولین مراکزی هستند که مورد ظلم و تعدی و سانسور و تعطیلی قرار می گیرند. نیز روزنامه نگاران روشن فکر و آزادی خواه در این نوع حکومت ها همواره در معرض شکنجه و آزار و حتی اعدام هستند.

۲. جامعه مطبوعاتی در ایران از دیرباز همواره مورد تعدی و ظلم

حکومت ها قرار گرفته و در جمهوری اسلامی نیز اعمال محدودیت ها و تعطیلی نشریات آزادی خواه به قوت خود باقی است.
در اینجا از نمایی نزدیک با گفته های ایشان آشنا می شویم.

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

علیه

له

نشانی

مطبوعات و روزنامه نامه نگاری در جهان

ــ گاهی نویسنده یا سردبیر هم ضمیمه پرونده به زندان ارسال می گردد.

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ توقیف روزنامه ها و مجلات متعهد و آزادی خواه

۶

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ توهین و اهانت به روزنامه نگاران متعهد و آزادی خواه مانند این عبارت «من آقای... و... را رام کرده ام، شماها که چیزی نیستید، فسقلی ها»

۴

;nbsp

توس ۴/۵/۷۷

ـ زندگی سخت و معیشت فقیرانه روزنامه نگاران متعهد

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ استقامت و مقاومت روزنامه نگاران آگاه و آزادی خواه در برابر سختی ها، تهدیدها و اذیت و آزار حاکمان زورگو

۶

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ حمایت و پشتیبانی مردم از روزنامه نگاران روشنگر و آزدی خواه

;nbsp

;nbsp

توس ۴/۵/۷۷

ـ بسته شدن مطبوعات متعهد به فرمان و حکم حاکمان

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ نظارت پلیسی بر جراید و سانسور آن

۲

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ مسئولیت نظارت بر مطبوعات در دهه های اخیر بر عهده ساواک و وزارت اطلاعات

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ اکنون هم مانند دوران قبل از انقلاب شده است و روزنامه نگاران آزادی خواه و متعهد عقاب می شوند و ـ ملامت می کشند

۱

;nbsp

توس ۱۳/۵/۷۷

ـ بعد از انقلاب قوه قضایی و دیگر قوای محافظ، هر کس و هر گروه که از حق آزادی استفاده کرده به حسابش رسیده و مفاصا حساب صادر شده است.

۲

;nbsp

جامعه ۲۰/۴/۷۷

ـ حکم لغو امتیاز اولیت روزنامه جامعه مدنی (جامعه) صادر شده و به احتمال در دادگاه تجدید نظر هم تأیید خواهد شد.

۲

;nbsp

جامعه ۲۰/۴/۷۷

ـ نشریات دیگر هم اگر کاری قبل از ۱۲ مرداد ۷۶ کرده بودند که توسط مجریان قانونی و غیر قانونی به حسابشان رسیده شد و پس از آن تاریخ هم وقتی شاکی خصوصی نداشته باشند، حجه الاسلام رازینی هشیار و بیدار به عنوان مدعی عموم شاکی می شود و تصور نمی رود در این مورد قصوری کرده باشد.

۱

;nbsp

توس ۲۰/۵/۷۷

_ دشمنی و خصومت ریشه دار واپسگرایان با جریان اطلاعات

۱

;nbsp

جامعه ۱۲/۵/۷۷

_ عدم تأمین جانی روزنامه نگاران متعهد و عدم اطمینان آنان به فردای خود حتی در امن ترین نقاط جهان

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

_ کشته شدن خبرنگار پرکار شبکه تلویزیونی داخلی امریکا به دلیل آ گاهی از فساد رؤسای پلیس

۱

;nbsp

توس ۲۲/۵/۷۷

_ اعدام فرهاد بازفت به دستور صدام

۱

;nbsp

توس ۲۲/۵/۷۷

;nbsp

ـ اعدام و آزار روزنامه نگاران به دلیل جست وجوی حقیقت و انتشار حقیقت

۲

;nbsp

توس ۲۲/۵/۷۷

ـ کشته شدن حدود چهارصد خبرنگار و عکاس و فیلم بردار در طول سال های تسلط خمرهای سرخ در کامبوج

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ قتل خبرنگار پاکستانی لحظاتی پس از اعدام مجیب الرحمان و خانواده اش

۱

;nbsp

توس ۲۲/۵/۷۷

ـ قتل خبرنگار ایرانی در پاکستان پس از مصاحبه با ذوالفقار علی بوتو در زندان

۱

;nbsp

توس ۲۲/۵/۷۷

ـ مرگ تنها یکی از دام هاست که بر سر راه خبرنگاران در این سوی جهان نهاده می شود.

۱

;nbsp

توس ۲۲/۵/۷۷

ــ روبه رویی مطبوعات و روزنامه نگاران متعهد با مشکلاتی که حاکمیت های قرون وسطایی بر ایشان فراهم می آورند

۱

;nbsp

توس ۲۲/۵/۷۷

ص: ۱۹۷

ـ منظور و مقصود طالبان و صدام و دیگر واپس گرایان مخالف جریان آزاد اطلاعات همیشه یک چیز است: خوف از آن که مردم با خبر شوند.

۱

;nbsp

توس ۲۲/۵/۷۷

بهنود در پنج یادداشت(۱) از یادداشت های نه گانه خود به طور مستقیم و غیرمستقیم به وضعیت اسفبار روزنامه نگاری در ایران و تهدید و ارعاب صاحبان مطبوعات از سوی قدرت های حاکم و مستبد در تاریخ ایران و جهان پرداخته است. وی در این یادداشت ها چهره ای تاریک و فضایی ناامید کننده از جامعه مطبوعاتی کشور ترسیم می کند و به خواننده خود، حاکمیت و گسترش آن را هشدار می دهد. بهنود برای ترسیم چنین فضایی، ابتدا به ذکر نمونه های عینی و تاریخی از محدودیت های اعمال شده بر جامعه مطبوعاتی می پردازد. کیاست روزنامه نگاری، این فرصت را برای وی فراهم آورده که در اینجا نیز ـ مانند بحث های گذشته عدلیه و مجلس شورا ـ خفقان و استبداد کنونی را به ویژه در بخش مطبوعاتی، در آیینه تاریخ به تصویر کشد! مهم ترین محدودیت هایی که بهنود از آن سخن به میان آورده، بدین شرح است:

یک ـ نظارت و سانسور روزنامه ها و جراید آزادی خواه

محرمعلی خان که نامش در تاریخ مطبوعات ایران به عنوان عامل بزرگ سانسور و اختناق ثبت شده... گاهی با آن وسیله (ژیبسی)(۲) کلمه یا سطری را از صفحه بیرون می کشید و گاه با یک ضربت، ستونی را به هم می ریخت و بعضی وقت ها نیز با مهارتی مانده از

ص: ۱۹۸

۱- یادداشت قاب های کوچک تری هم هست»، جامعه، ۳۱/۳/۱۳۷۷؛ یادداشت «قاضی شهر، عاشقان باید»، جامعه ۱۳/۴/۱۳۷۷؛ یادداشت «آزادی به حد کافی»، جامعه، ۲۰/۴/۱۳۷۷؛ یادداشت «ما می مانیم» توس، ۴/۵/۱۳۷۷ و یادداشت «برای نجات محمود صارمی» توس، ۲۲/۵/۱۳۷۷.

۲- وسیله ای مانند موچین که در صفحه بندی حروف سربی به کار می رفت به نقل از خود یادداشت.

سال ها، آن را لای خط برنج وسط صفحه ای می گذاشت و فشار می داد، صفحه برمی گشت و انتشار آن روزنامه در آن روز یـا شب غیر ممکن می شـد... بعـد از آن محرمعلی خان وداع کرد، متقاعـد شـد و رفت. نوبت به مأموران ساواک رسـید و بعد کارمنـدان وزارت اطلاعات تا خبرهای بـد را بیاورنـد و ببرند. روزگاری هر شب یکی از اینها همنشـین مجنونان و همسـفر این قافله بود. پهلوی سـردبیر می نشـست و خبرها را می خوانـد و یادداشت برمی داشت و می رفت در اتاق دیگر و با تلفن مکالمه ای طولانی می کرد و بعد اوامر رامی آورد بااشارت چشم وابرو؛ یعنی که دستور از بالاست، بالا بالا.(۱)

دو ــ توقیف روزنامه ها و جراید آزادی خواه

محرمعلی خان وقتی که می رسـید، معلوم بود که کار از جایی خراب است و باز روزنامه یا مجله ای توقیف شـده و باید نسـخه هـایی از آن جمع آوری و صورت جلسه شود. مجانین جونی(۲) از جمله مشـخصاتشان یکی هم این بودکه وقتی روزنامه شان تعطیل می شـد، انگار عزیزی را از کف داده بودنـد که عزا می گرفتنـد، حال آنها را فقط کسـی می داند که در جوانی پدر یا مادر داده باشد. چنان که سی و چند سال پیش وقتی برای اولین بار دیدم که چگونه نشریه ای بسته شد.(۳)

هر وقت درِ میخـانه را به تعبیر ابری(۴) می بسـتند تا در خانه تزویر و ریا بگشایند، او به خود وعده می داد که این شـغل را رها کند... چهار پنج نفری که آن روز نشریه شان تعطیل شده بود، دو سه ساعتی فعل نشر را صرف کردند تا دریابند که چرا وقتی نشـریه ای منتشـر نمی شود، کارکنانش منتشر می شوند و سرود معروف «فانتشروا، فانتشروا عاجلاً» از همان شب ورد زبان اهل قلم شد! وقتی درِ نشریه ای بسته می شود، جونی ها احساس می کنند منتشر

۱- «قاضی شهر عاشقان باید»، جامعه، ۱۳/۴/۱۳۷۷.

۲- به تفسیر یادداشت نویس = روزنامه نگاران آزادی خواه و متعهد.

۳- «قاضی شهر عاشقان باید»، جامعه، ۱۳/۴/۱۳۷۷.

۴- نام یک روزنامه نگار، که نویسنده چند بار از او در یادداشت خود یاد می کند.

شده اند... سال های آخر دهه چهل بسته بودند نشریه ای ادبی و سیاسی را... یک بار فردای روزی که در میخانه ای بسته شد، «جونی ها»، بی خبر، صبح زود رسیدند و در را بسته دیدند.(۱)

سه ــ توهین و توقیف و بازداشت روزنامه نگاران آزادی خواه

محرمعلی خان... جمله ای داشت که من سال ها پیش از او شنیده بودم: «من فرخی یزدی و محمد مسعود را رام کرده ام. شماها که چیزی نیستید فسقلی ها»... گاهی نویسنده یا سردبیر هم ضمیمه پرونده به زندان موقت ارسال می گردد!(۲)

چهار ــ عدم تأمین جانی روزنامه نگاران به ویژه در مشرق زمین

آنان که در این حرفه عمر سر کرده اند، خوب می دانند که جست وجوی حقیقت به قصد افشای آن همیشه شغل خطرناکی بوده است و در امن ترین نقاط جهان، این افراد به فردای خود اطمینانی ندارند... در این سوی جهان، خبرنگارانی که مانند فرهاد بازفت در بغداد اعدام می شوند، فقط و فقط گناهشان این است که در جست وجوی حقیقتند... حدود چهارصد خبرنگار و عکاس و فیلم بردار در طول سال ها تسلط خمرهای سرخ در کامبوج کشته و ناپدید شدند... در الجزایر و در همین پنج سال، چه ها که نمی کنند... در پاکستان خبرنگاری ایرانی که با اجازه مقامات دولت نظامی به دیدار ذوالفقار علی بوتو به زندان می رفت، شب در هتل خود نزدیک بود کشته شود، آن هم به نیش مار خطرناکی که در بستر او خوابانده بودند.(۳)

بهنود علت اصلی دشمنی و خصومت حکومت های مستبد و واپس گرا را با روزنامه نگاران، ترس و واهمه آنان از جریان اطلاعات و آگاهی مردم می داند:

ص: ۲۰۰

۱- «قاضی شهر عاشقان باید»، جامعه، ۱۳/۴/۱۳۷۷.

۲- همان.

۳- «برای نجات محمود صارمی»، توس، ۲۲/۵/۱۳۷۷.

بایـد هم دشـمنی و خصومت ریشه دار واپس گرایـان را بـا «اطلاعـات» به گوش جهانیان رسانـد... آنان (خبرنگاران و روزنامه نگـاران) در تمـام لحظـات بـا مشـکلاتی روبه رو هسـتند که حاکمیت های قرون وسـطایی برایشان فراهم می آورنـد. منظور و مقصود طالبان و صـدام و دیگر واپس گرایان مخالف جریان آزاد اطلاعات، همیشه یک چیز است: خوف از آنکه مردم باخبر شوند. آنان خوب می دانند که اگر مردم باخبر شوند، چه بر سرشان خواهد آمد.(۱)

بهنود پس از ترسـیم وضـعیت دشوار و اسـفبار روزنـامه نگـاران و محـدودیت اعمـال شـده بر آنـان، به ویژه در حکومت هـای دیکتاتوری و اسـتبدادی، در گام دوم، شوک اصـلی را به خواننده وارد و با اشاره و کنایه و گاه به صـراحت، نمونه های متعدد این گونه محدودیت ها و تهدیدها را در نظام جمهوری اسلامی گوشزد می کند:

اینک بار دیگر چنین شـده است و مردمی صف می کشـند، سـر هر راه فریاد می کننـد. مجنونان عتاب می شونـد و ملامت می کشند و خوشند.(۲)

در مقـاله «قاضـی شـهر عاشـقان بایـد» آنجـا که حکم توقیف و تعطیلی جرایـد آزادی خواه را در دوران حکومت سـتم شـاهی پهلوی به تصویر می کشد، به وقایع امروزی ــ تعطیلی روزنامه جامعه و امثال آن ــ گریزی زده، می نویسد:

نشـریه ای منتشر می کنند که تا هست «جریده شریفه» نام دارد، ولی روزی که محرمعلی خان می رسد با حکم همه آن ملامت هـا و عنـایت ها در لحظه ای تمام می شود. این حادثه ای ناگوار است. فرق نمی کنـد می توان امروزی بود و حکم را از طریق دستگاه های

۱– همان.

۲– «قاضی شهر عاشقان باید»، جامعه، ۱۳/۴/۱۳۷۷.

مدرن خبرگزاری دریافت کرد. به هر حال، نتیجه یکی است.(۱)

با نمونه ای از اظهارات صریح و آشکار آقای بهنود درباره محدودیت های روزنامه نگاران و بگیر و ببند آنان در نظام جمهوری اسلامی آشنا شویم:

شنبه صبح، سر چهار راه ولیعصر، روزنامه فروش دوره گرد را دیدم که لابه لای اتومبیل ها می گشت و خبر می داد که «جامعه توقیف شد»، «جامعه نداریم.» یک باره او چهل سال به عقب پرید و مانند روزنامه فروشان دوره نهضت ملی شده بود که خبر را در خیابان فریاد می کرد. در دوره ماهواره و سیستم های دیجیتال اطلاع رسانی، هنوز ابتدایی ترین انواع خبررسانی کارآمد است. شاید روزگاری با دود و طبل از سربلندی ها پیام را برسانند؛ چرا که طریقی است که هیئت نظارت و هیئت منصفه، دادگاه، قاضی و محکومیت ندارد و فعلاً مجوزی نمی طلبد.(۲)

بعد از انقلاب هم که هرکس و هرگروه که دست به کاری زده بود که می توانست باعث پشیمانی از دادن آزادی به حد کافی شود، قوه قضاییه و دیگر قوای محافظ به حسابش رسیده و مفاصا حساب صادر شده است. باقی می ماند بعد از ۱۲ مرداد ۱۳۷۶ که دولت حاضر رأی اعتماد از مجلس گرفت... از میان گروه هایی که در این محدوده زمانی می توانند کاری از آن دست که مورد ایراد است، انجام داده باشند، یکی همین روزنامه جامعه است که در این دوران متولد شد و به اولین روزنامه جامعه مدنی شهرت گرفت که حکم اولیه لغو امتیازش صادر شده و به احتمال در دادگاه تجدید نظر هم تأیید خواهد شد.(۳)

پرسش اساسی این است که اگر ما و شما خواننده گرامی نیز از خیل

۱- همان.

۲- «ما می مانیم»، توس، ۴/۵/۱۳۷۷.

۳- «آزادی به حد کافی»، جامعه، ۲۰/۴/۱۳۷۷.

هزاران جوانی به شمار می آمدیم که روزانه بارها این گونه مقالات و یادداشت ها را در مطبوعات کشور مطالعه کرده و می کنند، اکنون چه تصویری از نظام جمهوری اسلامی داشتیم؟ خوب یا بد؟ از روزنامه های توقیف شده جامعه، توس و امثال آنها چطور؟

اشاره به این نکته خالی از لطف نیست که آقای بهنود با یادآوری مقاومت و استواری سلف صالح روزنامه نگاران روشن فکر و آزادی خواه، از هم کیشان خود می خواهد به هر صورتی که شده، در این کشور خراب و از پای افتاده بمانند و به مسئولیت خود عمل کنند:

جونی ها سرگذشت غریبی دارند و جان سختی؛ هفت جان دارند و شاید هفتاد و هر یک را در لحظه ای که فرمان می رسد، از کف می دهند و باز کار از دست نمی نهند و باز سر در پی غزالی می نهند که به قول اسماعیل، چشمش رغبت صیادی آورد... با هم یکی می شوند و معمولاً بی آنکه بر زبان آورند، پیمانی نانوشته می بندند.(۱)

ما می مانیم، نه مانند آن کبوتر اسیر در دام مانده؛ می مانیم چون عهدی با خود بسته ایم. اینجا خانه ماست. نوشتن و پراکندن کار ما. در این سیزده ماه بسیار دیده ایم شادمانی و اشک، فریاد و بغض و همین نشانه بودن و زنده بودن ماست. چه عجب که ما می مانیم حتی اگر کارمان فقط تماشای تو باشد ــ ای ایران ــ ما می مانیم چه بسا کاری برای ما و به عهده ما نهاده باشی.(۲)

ح) ویژگی ها و آینده محتوم حکومت های مطلق گرا، مقتدر و مستبد

ح) ویژگی ها و آینده محتوم حکومت های مطلق گرا، مقتدر و مستبد

پیشاپیش از خواننده گرامی دعوت می کنیم تعبیرهای آقای بهنود درباره

۱- «قاضی شهر عاشقان باید»، جامعه، ۱۳/۴/۷۷.

۲- «ما می توانیم»، توس ۴/۵/۱۳۷۷، (یادداشتی که پس از تعطیلی جامعه در روزنامه توس چاپ شد).

حکومت های مستبد را با دقت بیشتری مطالعه فرماید.

جدول تحلیل کیفی

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

علیه

له

نشانی

حکومت های مستبد و مطلق گرا در ایارن و جهان ویژگی ها و آینده محترم آنها

ــ نظارت پلیسی و سانسور مطبوعات

۲

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ توهین و عتاب و سرزنش روزنامه نگاران آزادی خواه و متعهد

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ــ خوف از اطلاع و آگاهی مردم زیرا

۲

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ از قیام مردمی ترس دارند از این رو،

۱

;nbsp

جامعه ۱۳/۴/۷۷

ـ دشمنی و خصومت با جریان آزاد اطلاعات و روزنامه نگاران متعهد

۱

;nbsp

توس ۲۲/۵/۷۷

ـ شکنجه، آزار و قتل خبرنگاران روشن فکر

۷

;nbsp

توس ۲۲/۵/۷۷

ـ توهین به مردم و تحقیر آنان با تعبیرهای مختلف مانند

۱

;nbsp

جامعه ۲۰/۴/۷۷

ـ این ملت قابل آزادی و قانون و مشروطیت نیست یا این قدر مردم، مردم نکنید، ملت ایران قابل آزادی نیست یا ایرانیان برای آنکه مانند کشورهای آزاد، دموکراسی را بپذیرند هنوز آمادگی ندارند.

۱

;nbsp

جامعه ۲۰/۴/۷۷

ـ عدم توجه به انسان ها و حقوق آنها

۱

;nbsp

توس ۹/۶/۷۷

ـ نابودی آرمان های زیبای انسانی به سبب قدرت طلبی آنها

۱

;nbsp

توس ۱۶/۶/۷۷

ـ دست بردن در متون آموزشی و تغییر آنها به سود خود به ویژه درس تاریخ

۳

;nbsp

جامعه ۲۸/۴/۷۷

ـ محدودیت مردم و روشن فکران طبع و سرشت حکام مستبدی است که جز استبداد طریق دیگری برای باقی ماندن بر قدرت نمی شناسند و عجب آنکه معمولاً این را به مصلحت ملت مستند می کنند و از این طریق منتی بر سر ملت می گذارند.

۱

;nbsp

جامعه ۲۰/۴/۷۷

ـ ساختن طویله ای به نام مجلس شورا(فرمایشی ـ نمایشی)که

۸

;nbsp

توس ۴/۵/۷۷

ــ نمایندگانش از بالا منصوب می شوند

۴

;nbsp

جامعه ۳۱/۳/۷۷

ــ احکام و مصوبات آن از بالا ابلاغ می شود

۲

;nbsp

جامعه ۷/۴/۷۷

ــ آنها صرفا تمیز و منضبط بر صندلی می نشینند

۲

;nbsp

جامعه ۷/۴/۷۷

ــ نه نماینده مردم هستند و نه مشورت می دهند

۱

;nbsp

جامعه ۷/۴/۷۷

ــ به دستور بالا با چهره های مردمی مخالفت می کنند

۱

;nbsp

جامعه ۷/۴/۷۷

ــ این گونه حکومت نیازی به مشورت احساس نمی کند

۴

;nbsp

جامعه ۷/۴/۷۷

ــ صدور احکام ظالمانه مانند

۱

;nbsp

جامعه ۷/۴/۷۷

ــ بکشید پدر سوخته ها را!

۲

;nbsp

جامعه ۷/۴/۷۷

ــ بسوزانید پدر سوخته ها را!

۲

;nbsp

جامعه ۷/۴/۷۷

ــ محکوم کنید پدر سوخته ها را!

۱

;nbsp

جامعه ۳۱/۳/۷۷

ــ ببرید، بدرید، بشکنید و ببندید

۱

;nbsp

جامعه ۳۱/۳/۷۷

ــ از طریق قوه قضایه و دادگستری وابسته

۴

;nbsp

جامعه ۳۱/۳/۷۷

ــ بدون سند، مدرك و اقرار متهمان

۱

;nbsp

جامعه ۳۱/۳/۷۷

ــ آزادی خواهان در بند و زندان

۱

;nbsp

جامعه ۳۱/۳/۷۷

ــ لزوم مقاومت ومبارزه آزادی خواهان در این گونه حکومت ها

۲

;nbsp

جامعه ۳۱/۳/۷۷

ــ آه و نفرین مردم بالاخره دامن گیر آنان می شود و حکومت آنان را بر باد می دهد

۱

;nbsp

جامعه ۳۱/۳/۷۷

ــ فروپاشی و نابودی سرنوشت محتوم حکومتهای سرکوبگر و اختناقی که از دور خوش نقش می نمایند

۲

;nbsp

جامعه ۱۶/۶/۷۷

ــ مردن حکومت ها و ماندن اندیشه ها

۱

;nbsp

جامعه ۲۸/۴/۷۷

ــ به خاک سپاری از استخوان های آخرین امپراتور روسیه خانواده اش و لزوم درس عبرت گرفتن از آن

۱

;nbsp

جامعه ۲۸/۴/۷۷

ـ دو مار بودند، آری تزار و فرزندش زمانه بین که برآورد از دو مار، دمار

۱

;nbsp

جامعه ۲۸/۴/۷۷

ـ بی تفاوتی مردم نسبت به مرگ شاهان و پادشاهان

۲

;nbsp

جامعه ۲۸/۴/۷۷

ترسیم چهره دهشتناک حکومت های مستبد و غیرمردمی، ویژگی ها و سرنوشت محتوم آنها از جمله محوری ترین مباحثی است که مسعود بهنود در بیش از شش یادداشت خود بدان پرداخته است.(۱) شاید این امر به خودی خود جلب توجه نکرده و حساسیت برانگیز نباشد، ولی هنگامی که هماهنگی دقیق مباحث طرح شده با مسائل جاری کشور و رخدادهای سیاسی و اجتماعی و ذهنیت افکار عمومی دیده شود، شکی باقی نمی ماند که نویسنده برای مخاطبان خود پیام نو و سخن تازه ای دارد. مثلاً در جایی از برخوردهای خشن حکومت های قرون وسطایی و واپس گرا با روزنامه نگاران حقیقت جو و متعهد سخن می گوید(۲) و در جایی دیگر بر این حقیقت پا می فشرد که این گونه صحنه ها در نظام جمهوری اسلامی مکررا اتفاق می افتد و نشریات جست و جو گر متعهد و آزادی خواه تعطیل و توقیف می شوند.(۳)

در بعضی یادداشت ها، برخورد مجالس فرمایشی و وابسته به دربار با منویات مردم و دولت ها و چهره های مردمی را از ویژگی های حکومت خودکامه می داند(۴) و در مقاله دیگر به خواننده آثار خود القا می کند که

۱- یادداشت های «پاره استخوان های نیکلا»، جامعه، ۸/۴/۱۳۷۷؛ «قاب های کوچک تری هم هست»، جامعه، ۳۱/۳/۱۳۷۷؛ «اندر مضار شور و مشورت»، جامعه، ۷/۴/۱۳۷۷؛ «قاضی شهر عاشقان باید»، جامعه، ۱۳/۴/۱۳۷۷؛ «آزادی به حد کافی»، جامعه، ۲۰/۴/۱۳۷۷، «ما می مانیم»، توس، ۴/۵/۱۳۷۷ و «شبح آرمان ها»، توس، ۱۶/۶/۱۳۷۷.

۲- نک: ص ۱۷۰.

۳- نک: صص ۱۷۰ و ۱۷۱.

۴- نک: ص ۱۶۰.

مجلس فعلی نظام جمهوری نیز با استیضاح وزیران به برخوردهای خشن و اشکال تراشی برای دولت مردمی آقای خاتمی اقدام کرده است.(۱)

بهنود برای شرطی شدن مخاطبان خود به این مقدار شواهد و قراین بسنده نمی کند و پای قوه قضاییه را نیز به میان می کشد. در یادداشتی، صدور احکام ظالمانه، تعدی به حقوق مردم و فرزندان ملت از سوی عدلیه و دادگستری را از ویژگی های اصلی سلطنت های خودکامه می شمرد و در جایی دیگر از بگیر و ببند قوه قضاییه جمهوری اسلامی و تسویه حساب با روشن فکران و آزادی خواهان سخن می گوید.(۲) اما دقیقا در یادداشت شماره بعد درباره تعدیات قوه قضاییه به حقوق آزادی خواهان و روشن فکران در نظام جمهوری اسلامی به بحث می پردازد.(۳)

یکی دیگر از ویژگی های حکومت خودکامه و مستبد که بهنود به آن اشاره کرده، تغییر و تحریف در متون آموزشی به ویژه درس تاریخ است که خبر وقوع آن را در کتاب های تاریخ جمهوری اسلامی ــ آموزش و پرورش ــ به اطلاع خوانندگان آثار خود می رساند:

اما این تاریخ چیست و یا کیست که انسان ها به قضاوت و انصافش چنین مطمئنند. هر چه هست، آن نیست که در کتاب های درسی می آید؛ چرا که اینها مدام در تغییر است و گاه به مذاق قدرت حاکم، صد و هشتاد درجه ای می چرخد.... به دوران کتاب های درس تاریخ سرشار بود از شرح بزرگی و فتوحات پادشاهان و نسل تازه، کتاب هایی می خواند

ص: ۲۰۶

۱- نک: ص ۱۸۰.

۲- نک: ص ۱۶۰.

۳- نک: ص ۱۶۲.

سرشار از شرح ستم شاهی شاهان _ با اندک تسامحی در مورد صفویه _ و شرح مبارزات علیه ستم شاهی ها به ویژه مبارزات روحانیت.(۱)

اکنون مخاطب این گونه تعبیرها، به اندازه ای شرطی شده است که ذهن او از هر سخنی که درباره حکومت های خودکامه ایراد می شود، خود به خود به نظام جمهوری اسلامی منتقل می شود و مصادیق عینی آن را در تودرتوی مسائل جاری کشور پی جویی می کند. حتی اگر سه ماه قبل به طور اتفاقی! آقای بهنود از قتل روزنامه نگاران و اصحاب قلم در حکومت های قرون وسطایی سخن گوید، بدیهی است ذهن جویای مخاطب سه ماه بعد با شنیدن اولین خبر از قتل مرموز نویسندگان و ارباب جراید در جمهوری اسلامی، نظام را مسبب و مقصر اصلی این فاجعه قلمداد کند. بهنود سه ماه قبل در این باره چنین می نویسد:

(باید) هم دشمنی و خصومت ریشه دار واپس گرایان را با «اطلاعات» به گوش جهانیان رساند... آنان (خبرنگاران و روزنامه نگاران) در تمام لحظات با مشکلاتی روبه رو هستند که حاکمیت های قرون وسطایی برایشان فراهم می آورند. در این سوی جهان خبرنگارانی که مانند فرهاد بازفت در بغداد اعدام می شوند فقط و فقط گناهشان این است که در جست و جوی حقیقتند... حدود چهار صد خبرنگار و عکاس و فیلم بردار در طول سال ها تسلط خمرهای سرخ در کامبوج کشته و ناپدید شدند... در الجزایر و در همین پنج سال، چه ها که نمی کنند... در پاکستان خبرنگاری ایرانی که با اجازه مقامات دولت نظامی به دیدار ذوالفقار علی بوتو به زندان می رفت، شب در هتل خود نزدیک بود کشته شود، آن هم به نیش مار خطرناکی که در بستر او خوابانده بودند.(۲)

۱- «پاره استخوان های نیکلا»، جامعه، ۲۸/۴/۱۳۷۷.

۲- «برای نجات محمود صارمی»، توس، ۲۲/۵/۱۳۷۷.

آقـای بهنود پس از شـکل گیری ذهنیت مخاطبـان، به طور گسترده ای به بحث اسـتبداد و دیکتاتوری و تبیین تفصـیلی ویژگی های ماهوی آن می پردازد که در اینجا به ذکر گوشه ای از این تعبیرها می پردازیم:

یک _ توهین و اهانت به مردم در حکومت های استبدادی

وقتی محمـدعلی شاه قاجار به جنگ مشـروطیت همت گماشت، چون سواد و تجربه کافی نـداشت، نظر خود را لخت و عور به اطرافیـانش گفت: این ملت قابـل آزادی و قـانون و مشـروطه نیست... رضا شاه... پیش از این بارها به اطرافیان هراسـیده خود _ تقی زاده _ گفته بود: «این قـدر مردم مردم نکنیـد. ملت ایران قابل آزادی نیست، باید بر سـرش بزنی تا کار کند.» شاه آخرین نیز... به چنـد تن از رهبران جهـانی که دوسـتان او و خریـداران نفت ارزان بودنـد، گفت: ایرانیـان برای آنکهماننـد کشورهای آزاد، دموکراسی را بپذیرند، هنوز آمادگی ندارند.(۱)

دو _ حکومت های خودکامه و نادیده گرفتن حقوق مردم

محدودیت مردم و روشن فکران، طبع و سـرشت حکام مسـتبدی است که جز استبداد، طریق دیگری برای باقی ماندن بر قدرت نمی شناسند و عجب آنکه معمولاً این را به مصلحت ملت مستند می کنند و از این طریق منتی هم بر سر ملت می گذارند.(۲)

در موقع محاسـبه و روز ترازو نیز ممکن است کسانی را از این گناه ببخشـند که در کاری نشسـتند که آن را نمی دانستند، ولی آنها را نخواهند بخشـید، وقتی آشکار شود که برای پوشاندن گناهان خود به جان فرهنگ و مفاهیم اصولی ملتی افتادند و هیچ رحم نکردند.(۳)

سه _ فروپاشی و نابودی سرنوشت محتوم حکومت های استبدادی در رویارویی با

ص: ۲۰۸

۱- «آزادی به حد کافی»، جامعه، ۲۰/۴/۱۳۷۷.

۲- همان.

۳- «مصالح ملی هم؟»، جامعه، ۱۹/۵/۱۳۷۷.

آزادی و فرار از انقیاد

دیروز استخوان های آخرین امپراتور (تزار) روسیه و خانواده اش در شهری که دوباره نام رئیس رومانف ها و بنیان گذار پایتخت پیشین روسیه ــ پترزبورِگ ــ بر آن نقش بسته، در تابوت های چوبی مجلل به خاک سپرده شد. در صحن کلیسایی و مجلل و قدیمی... همان ها که در زمان اعدامشان ملک الشعرای بهار هیجان زده شده و سرود: دو مار بودند، آری تزار و فرزندش / زمانه بین که برآورد از دومار دمار... در آیین خاک سپاری نیکلا، تنها یک وجه، عبرت ناظرین بود: انسان ها در نهایت به سوی آزادی و فرار از انقیاد می روند. هم امپراتوری رومانف ها و هم استالینیسم هر دو به همین روی به خاک سپرده شدند. سرانجام انسان به آزادی و رها از قیود قضاوت می کند و آموزش های بسته بندی و تزریقی و واقعیت سازی های هر چند ماهرانه و تحمیلی، نقشی در این قضاوت ندارند. گورباچف و یلتسین هر دو در دوران استالین زاده شدند و همان کتاب های درسی را امتحان دادند و در اوج قدرت هیولایی برژنف رشد کردند، ولی سرانجام همان حرکت انسان به سوی آزادی، آنها را به قبول واداشت. تاریخ سرشار از نشانه های تلاش انسان برای حفظ سرشت انسانی خود است که حقیقت جویی، بخش زیبای آن است و باز تاریخ شاهد سعی بیهوده گروهی است برای قرار دادن انسان در قالب های پیش ساخته؛ جنگ این دو شاید واقعی ترین آورد تاریخ تمدن بشری است که سالیان دراز است که بازنده آن شناخته شده، گرچه هنوز کسانی هستند که بر «بازنده» شرط می بندند.(۱)

ط) بهنود، ملی گرایی و تحریف حقایق انقلاب

ط) بهنود، ملی گرایی و تحریف حقایق انقلاب

مسعود بهنود در مقالات خود تأکید خاصی بر تعظیم و تکریم ایران و وطن دوستی دارد:

ما می مانیم، نه مانند آن کبوتر اسیر در دام مانده. می مانیم چون عهدی با خود بسته ایم. به دعوت کسی نیامیده ایم که به عتابش برویم. این را بار دیگر هم نوشته ام. اینجا خانه

۱- «پاره استخوان های نیکلا»، جامعه، ۲۸/۴/۱۳۷۷.

ماست و نوشتن و پراکندن کار ما در این خانه کهن که زیستن در آن با کهنگی دیوارها و ریختگی کنج و گوشه ها و موریانه خوردگی درها دشوار است، ولی پندی در دندانه های دیوانش نهفته است که فقط می شنویم که اهل خانه ایم... در این سیزده ماه بسیار دیده ایم شادمانی و اشک، فریاد و بغض و همین نشانه بودن و زنده بودن ماست. چه عجب که ما می مانیم حتی اگر کارمان فقط تماشای تو باشد ـ ای ایران ـ که بالنده می شود، بلند می شود، فراز می شود و سرفراز می شود. ما می مانیم چه بسا کاری برای ما و به عهده ما نهاده باشی.

حس وطن خواهی و ایران دوستی، امری ستودنی و پسندیده است و بلکه از ویژگی های اخلاقی هر مسلمان غیرتمند ایرانی است، ولی تأکید و پررنگ کردن آن از یک سو و نادیده گرفتن عامدانه مفاخر و ارزش های دینی و اسلامی از سوی دیگر، این احتمال را قوت می بخشد که برجسته سازی حب وطن، بهانه ای برای کم رنگ کردن غیرت دینی ملت شریف و مسلمان ایران، به ویژه قشر جوان و ترویج ملی گرایی است. مثلاً بهنود در یادداشت «مصالح ملی هم؟» در تشریح دفاع مقدس، صرفا به انگیزه وطن دوستانه و عرق ملی رزمندگان اشاره می کند و کوچک ترین نامی از انگیزه دینی و خداجویانه رزمندگان اسلام به میان نمی آورد:

واقعیت دردناک تر اینکه در طول هشت سال جنگ که بر ملت ایران تحمیل شد، اینها نتوانستند حقانیت ایران و دلاوری فرزندان دلاور این مرز و بوم را که برای نجات مملکتشان از جان خود گذشتند تا کشور و مردم از تعرض آدم خواره صدام در امان بمانند، به گوش و نظر مردم جهان برسانند... درست این است که اگر ده درصد آن غیرت و توانایی را که بچه های کتانی پوشیده ایرانی در جبهه ها به نمایش گذاشتند، در وجود سیستمی بود که تبلیغات و آماده سازی افکار عمومی داخل و خارج را بر عهده داشت، تصویر ما، کشور ما، مردم ما و جنگ هشت ساله در ذهن جهانیان جور دیگری بود.

تلاش آگاهانه برای فرار از ذکر نام اسلام و انگیزه های الهی و انقلابی

ص: ۲۱۰

بسیجیان پیرو خط امام رحمه الله، پرسشی است که بهنود باید به آن پاسخ گوید.

ک) بهنود و اختلافات گروه ها و جناح های حامی انقلاب اسلامی

ک) بهنود و اختلافات گروه ها و جناح های حامی انقلاب اسلامی

عمیق جلوه دادن چالش ها و شکاف های سیاسی میان گروه ها و جناح های حامی اسلام و انقلاب و برجسته کردن زمینه های تفرقه به گونه ای که احتمال وحدت و اتحاد صفوف منتفی باشد، از جمله شیوه های دیرینه رسانه های بیگانه در مبارزه با انقلاب اسلامی بوده و هست. کم نیستند رسانه های گروهی داخلی که در ماه های اخیر آگاهانه یا ناآگاهانه دست بر زخم های کهنه گذاشته و به اختلافات جناحی و گروهی دامن زده اند. یکی از محورهای ثابت یادداشت مسعود بهنود، طرح مسائل اختلافی و بزرگ نمایی و برجسته سازی آنها بوده است:

مگر برای کرباسچی مشکل نبود، وقتی سرانجام حکمی را شنید که می دانست و ابعادش را حدس می زد. به شنیدن خبر مرگ عزیزی می ماند در بستر مرگ افتاده که از مدت ها همه چشم در انتظار نفس آخر اویند، لباس های عزا آماده است، اما باز وقتی اتفاق می افتد غم افزاست... مگر نه که آقای عبدالله نوری می گوید از روز اول وزارت به رئیس گفته بودم شش ماه بیشتر تحمل نمی کنند ـ و به لبخند می افزاید دو ماهی هم ارفاق کردند ـ آری اما باز وقتی آقای باهنر، سردسته استیضاح کنندگان، این بار در مقام عضو هیئت رئیسه و ناظر بر رأی گیری با شعف و اصرار به رئیس می گوید «رأی نیاورد، نیاورد دیگه» و هم فکر دیگرشان فریاد تکبیر سر می دهد که «افتاد» ناگوار است شنیدنش، حتی اگر از ۱۰ ماه پیش در انتظار باشی.(۱)

از نظر بهنود، برنامه گفت و گو بر همین اساس درست شده بود. البته

۱- توس، ۴/۵/۱۳۷۷.

چند منظوره بدین معنا که کوبیدن کرباسچی، دولت خاتمی (البته زیر پوشش کلمات مطنطن) و دولت هاشمی رفسنجانی هم منظور بود که بماند.(۱)

واپسین کلام

واپسین کلام

آقای مسعود بهنود در نُه یادداشت خود، اساسی ترین ارکان نظام و انقلاب _ حاکمیت، رهبری، قوه مقننه، قوه قضاییه و رسانه های گروهی، به ویژه صدا و سیما را محور اصلی بحث و بررسی قرار داده است. وی در بررسی ارکان یاد شده نه تنها از کارکردها و تأثیر مثبت سیاسی و اجتماعی آنها هیچ گونه سخنی به میان نیاورده است، بلکه با بررسی ابعاد منفی و بزرگ نمایی مشکلات و کاستی های موجود، به بدبینی، بدگمانی و ناامیدی مخاطبان از اسلام و انقلاب دامن زده است. بهنود به جای ارائه بحث های علمی و عمیق و گفت و گوی منطقی در فضایی سالم و به دور از تعصب و تهمت _ آنچه مکررا روزنامه های توس و جامعه و نویسندگان آنها مدعی آن بوده اند و همواره شعار آن را داده اند _ در بررسی ارزشمندترین و مقدس ترین نهادهای انقلاب اسلامی، واژه های خشن و تعبیرهای تحقیرآمیزی را به کار گرفته است، ولی در همان حال به دفاع از حریم رسانه های جهانی و رادیوهای بیگانه و تعظیم و تکریم CNNمی پردازد. به طور کلی، مهم ترین ویژگی های آثار قلمی بهنود به شرح زیر است:

_ گلوگاه ها و شریان های اصلی نظام و انقلاب مانند رهبری، مجلس شورا، قوه قضاییه، رسانه ها و مطبوعات و مسائل پیرامون آنها به عنوان

۱- توس، ۱۹/۵/۱۳۷۷.

موضوع یادداشت و مقاله، انتخاب می شوند.

ـ در بررسی موضوع های برگزیده، صرفا به بیان ابعاد منفی و بدگویی بسنده و نکات مثبت و امیدبخش جدا نادیده گرفته می شود.

ـ بررسی غیرمستقیم موضوع اصلی از طریق طرح رخدادهای تاریخی.

ـ استخدام واژه های خشن و تعبیرهای تحقیرآمیز به جای بحث و گفت و گوی علمی و منطقی در فضایی سالم و صمیمی.

آیا آقای بهنود و همکاران ایشان در روزنامه های جامعه و توس ـ که همواره از خفقان و نبود آزادی نالیده اند ـ مقصودشان از آزادی، این گونه آزادی است؟ اینکه هر انسانی ـ مثلاً روزنامه نگار یا حاکم ـ حق داشته باشد که توانایی و امکانات خود را ـ کاغذ و قلم یا زور و اسلحه ـ هرگونه بخواهد ـ تخریب، تحقیر و توهین... ـ علیه رقیب و خروج وی از صحنه به کار گیرد؟

در این صورت، نمی توان به توقیف و تعطیلی مطبوعات و نیز به برخوردهای خشن و قرون وسطایی با اصحاب قلم خرده گرفت؛ زیرا در قاعده این بازی رقیب هم آزاد است و می تواند از آنچه در اختیار دارد برای خروج رقیب استفاده کند و اگر منظور از آزادی در چارچوب قانون رسمی و به شرط رعایت حقوق دیگران است که ناسزا و بدگویی به ارکان نظام و هتک حریم آنان به وسیله تخریب، تحقیر و توهین در هیچ منظومه فرهنگی و قانونی ـ و از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ـ روا شمرده نشده است. بنابراین، در هر صورت، برخورد و جلوگیری از انتشار این گونه یادداشت ها و مطبوعات امری پسندیده و قانونی است. این حقیقتی است که در کلام

حضـرت امـام رحمه الله، رهبر معظم انقلاب اسـلامی و ریاست محترم جمهور بـدان اشارت رفته است و پیش از این در مقـدمه مجموعه به آن اشارت رفت.

۴. عمادالدین باقی

اشاره

۴. عمادالدین باقی

مطالبی که در پی می آید، بررسی نظریات و دیدگاه های آقای عمادالدین باقی را هدف قرار داده است. این مطالعه با توجه به هفت مورد مقاله ای که نام برده در روزنامه های جامعه و توس منتشر کرده، انجام شده است.

ردیف

عنوان مقاله

موضوع اصلی

موضوع فرعی

نظریه های ارائه شده

نشریه

۱

حقوق مخالفان

راه پیمایی و اجتماعات قانونیِ مخالفان

ناآرامی در مراسم مهندس بازرگان

جبهه مخالف دوم خرداد با توسل به خشونت می خواهد سیاست های خود را به دولت دیکته کند

جامعه ۲۳/۱/۷۷

۲

لزوم احراز نیت مجرمانه

عدم تناسب میان جرایم روزنامه جامعه و حکم دادگاه مبنی بر لغو پروانه

بی توجهی داوران و شاکیان پرونده به لزوم احراز نیت مجرمانه

تصویر مورد استفاده دادگاه مطلقا منع شرعی و قانونی نداشته، صرفا خلاف عرف بوده و زمان مورد استناد نیز هیچ گاه مصداق جرمی که به لغو انتشار روزنامه منجر شود نبوده است. افزون بر این همه، لازم بود نیت مجرمانه دست اندرکاران روزنامه در مورد جرایم احتمالی برای دادگاه احراز می گردید و حال آنکه چنین نشده است.

جامعه ۱۶/۴/۷۷

۳

مکانیسم تأثیر آزادی بر اقتصاد

مکانیسیم تأثیرگذاری آزادی بر رشد اقتصادی

تأثیر آزادی بر ایجاد انگیزه،

ص: ۲۱۴

احساس مسئولیت و ایجاد امنیت

در یـک جامعه بسـته، افراد افسـرده و بی انگیزه هسـتند، نه تنها افراد، بلکه مسـئولات هم احساس مسـئولیت نمی کننـد. در این شرایط فقـدان دیگر خواهی جایی برای رشـد اقتصادی که صـرفا محصول عزم و اراده جمعی است باقی نمی گذارد. در جامعه بسته، امنیت و ثبات شکنده و ناپایدار است.

توس ۵/۵/۷۷

۴

کارکردهای اقتصادی و اجتماعی آزادی

مکانیسیم تأثیر گذاری آزادی بر رشد اقتصادی

تأثیر آزادی بر تقویت اعتماد مردم و متعاقبا دسترسی به اطلاعات صحیح، مغایرت هزینه های انحصار با رشد اقتصادی

اسـاس برنـامه ریزی اقتصـادی اطلاعات است و اطلاعات صـحیح، در سایه اعتماد قابل دسترسـی است و آزادی فراهم آورنـده زمینه اعتماد می باشـد. حکومت بسـته ناگزیر است به صورت تصاعـدی هزینه های مادی و معنوی افزون تری را صـرف برنامه ریزی و مهـار نخبگـان غیرحـاکم کنـد و به علاـوه مهـار نارضایتی ها و بی اعتمادی های ناشـی از بسـته بودن فضای سیاسـی و فکری جامعه نیز مستلزم صرف هزینه فراوان است.

توس ۱۸/۵/۷۷

۵

ما همواره درجا زده ایم

بررسی تاریخی وضعیت مطبوعات از مشروطه

مشابهت اتهامات و مصایب وارد بر مطبوعات در دوران مشروطیت با زمان

ص: ۲۱۵

کنونی _ فقدان رکن چهارم و نظارت انتقادی قدرت را به فساد می کشاند.

توس ۲۲/۵/۷۷

۶

ما همواره درجا زده ایم (۲)

بررسی تاریخی وضیت مطبوعات از مشروطه

مشابهت اتهامات و مصایب وارد بر مطبوعات در دوران مشرطویت با زمان کنونی _ فقدان رکن چهارم و نظارت انتقادی قدرت را به فساد می کشاند.

توس ۲۴/۵/۷۷

۷

دو تجربه و سه الگو در باب نسبت آزادی و اقتصاد

ارزیابی وزانت دوعامل اقتصاد و سیاست در دگرگونی های اجتماعی

تحلیلی از علت فروپاشی شوروی و وقوع انقلاب اسلامی

علت اصلی انقلاب، فقدان آزادی و نارضایتی سیاسی است. عدم تعارض آموزه های دینی با دموکراسی و سوسیالیسم، تأمین آزادی های سیاسی مصرح در قانون اساسی به عنوان اولین و مهم ترین گام و یگانه مجرای تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی و حرکت به سوی تعادل است.

توس ۱۰/۶/۷۷

با توجه به محتوای مقاله های یاد شده، دیدگاه های آقای عمادالدین باقی را در محورهای «مطبوعات و روزنامه نگاری»، «ارزیابی حکم دادگاه روزنامه جامعه»، «ویژگی نظام های بسته و مستبد»، «ویژگی نظام های باز و آزاد» و «نظام سوسیال دموکراسی» مورد توجه قرار می دهیم. این بررسی صرفا به استخراج عبارات و جملاتی که حاکی از مواضع نام برده است، اکتفا و به دلیل نبود پیچیدگی خاص در مقالات از به کارگیری روش اسگود صرف نظر کرده

است. ضمنا عبارات، به طور کامل و بدونِ تحلیل ارائه شده و به تنهایی گویای اندیشه و دیدگاه نویسنده است.

الف) باقی، مطبوعات و روزنامه نگاری

الف) باقی، مطبوعات و روزنامه نگاری

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

نشانی

تهدید و تحدید مطبوعات و روزنامه نگاران آزادی خواه از سوی حکومت های مستبد

ـ آنچه در این تاریخ بسیار جلب توجه می کند شباهت وافر اتهامات، مصائب و سرنوشت ها برای مطبوعات مستقل و آزادی خواه است.

توس ۲۲/۵/۷۷

ـ شگفت آورتر اینکه آنچه در مجلس شورای ملی در دور اول و مطبوعات وابسته به قدرت سیاسی حاکمه علیه آزادی مطبوعات گفته می شد و روش هایی که برای محدود کردن و کنترل گام به گام آن اتخاذ می شد آن قدر شبیه سخنانی است که هم اکنون بعد از صد سال در همان کانون ها بر زبان رانده می شود.

توس ۲۲/۵/۷۷

ـ (این تشابه فراوان) نویسنده را از ذکر عبارت مشابه و گاه بسیار خشن تر و آمرانه تر در زمان خودمان و مقایسه آنها با آن زمان بی نیاز کرده است.

توس ۲۲/۵/۷۷

ـ بهانه کردن اقدامات ناصواب و افراطی برخی نشریات برای بستن دریچه های آزادی چنان گام به گام پیش رفت که دیگر بود و نبود مطبوعات علی السویه بود.

توس ۲۲/۵/۷۷

ـ به دلیل فقدان رکن چهارم و نظارت انتقادی، قدرت به فساد و استبداد کشیده شده است.

توس ۲۲/۵/۷۷

ـ طبق نخستین قانون ممیزی و سانسور (در زمان ناصرالدین شاه) اظهار نظرهای آزادی ممنوع می شود.

توس ۲۲/۵/۷۷

ـ کسی که جسارت نموده بر ضد پادشاه اعلانات و نوشتجات در کوچه ها بچسباند، هر کس بوده باشد و همچنین کسی که مخالف مردم حرکتی کرده و اذیت برساند... حبس خواهد شد.توس ۲۲/۵/۷۷ـ کسی که بر خلاف پادشاه یا خانواده سلطنت حرف بزند... یا تحریک بد در نظر داشته باشد... محبوس خواهد شد.

توس ۲۲/۵/۷۷

ـ در عهد مظفری، حتی روزنامه های آزاد و غیردولتی هم مجاز به درج هر مقاله و خبری نبودند.

توس ۲۲/۵/۷۷

ـ مدیران جراید موظف بودند مندرجات روزنامه را قبل از انتشار و فرستادن به چاپ خانه، به وزیر انطباعات یا جانشین او ارائه دهند و تأییدیه بگیرند.

توس ۲۲/۵/۷۷

ـ همین امر بلای بزرگی شده بود و حکومت را بر جراید مسلط کرده بود.

توس ۲۲/۵/۷۷

ـ همیشه جنگ و گریز میان روزنامه نگاران و حکومت سانسور وجود داشت، اما با پیروزی انقلاب مشروطه و وضع پارلمان، این مقررات نیز منحل شد.

توس ۲۲/۵/۷۷

ـ در سال ۱۳۲۵ ه .ق تعداد روزنامه های ایرانی که عموما سیاسی و اجتماعی بودند به ۸۴ مورد رسید که اوج اعتلای روزنامه های ایرانی بود.

توس ۲۲/۵/۷۷

ـ ولی امروز... تعداد روزنامه ها کمتر از آن زمان است با این که تناسبی با جمعیت ندارد. با وجود این مخالفان مطبوعات را نیز برافروخته کرده است.

توس ۲۲/۵/۷۷

ـ در دوره استبداد و سال های پیش از انقلاب نیز تعداد روزنامه های یومیه چند برابر بعد از انقلاب بود.

توس ۲۲/۵/۷۷

ـ نیروهای مستبد که زیر چتر شاه پناه گرفته بودند و نوعی حقوق ویژه نصیب آنان شده بود، از این فضای باز احساس خطر کردند؛ زیرا مطبوعات، آنان را مورد سؤال قرار می دادند.

توس ۲۴/۵/۷۷

ـ انتقاد از روزنامه ها در مجلس شروع شد و نمایندگان وابسته به آنها از لزوم قلع و قمع مطبوعات سخن می گفتند.

توس ۲۴/۵/۷۷

ـ و دولت و مجلس از برای جلوگیری از چاپ و نشر روزنامه ها و مجلات محلی و آزاد تشویق می کردند.

توس ۲۴/۵/۷۷

ص: ۲۱۷

ــ نمایندگان آگاه و انقلابی و در رأس آنان وکلای تبریز، هر بار در مقابل هجوم سانسورمآبان دولتی و مجلسی به استدلال منطقی و بحث علمی می پرداختند.

توس ۲۴/۵/۷۷

ــ و سعی می کردند به جناح مخالفان آزادی، تفهیم کنند که به جای توقیف و زندان و تهدید، به اصل آزادی قلم و بیان، مصرح در قانون اساسی احترام بگذارند.

توس ۲۴/۵/۷۷

;nbsp

ــ و محاکم عادلانه ای را برای رسیدگی به جرایم مطبوعاتی ترتیب دهند.

توس ۲۴/۵/۷۷

ــ گروه نخست (سانسور مآبان) وزارت علوم را وادار به تدوین قانون انطباعاتی منطبق بر سلیقه های خودکامه و سانسور گرایانه خود کردند و آن را برای تصویب به مجلس آورند.

توس ۲۴/۵/۷۷

ــ عناصر ترقی خواه و دموکراتیک و آزاداندیش مجلس رسیدگی به این لایحه و تصویب آن را به عقب می انداختند. تا بلکه زمینه مناسبی که برای افزایش سطح آگاهی های فرهنگی و سیاسی جامعه و گسترش بینش اجتماعی پدید آمده را هر چه بیشتر پایدار نگه دارد.

توس ۲۴/۵/۷۷

دیدگاه آقای عمادالدین باقی درباره وضعیت مطبوعات با توجه به سرگذشتی که برای مطبوعات دوران مشروطیت نقل می کند (و آن را کاملاً مشابه شرایط کنونی معرفی می کند) به خوبی روشن می شود. مطابق این دیدگاه، وجود مطبوعات مستقل و آزادی خواه از عوامل بسیج افکار عمومی محسوب می شود و از این رو، مطبوعات به عنوان یک رکن مهم اجتماعی قابل بررسی و مطالعه است. در عین حال، با توجه به اینکه مطبوعات مستقل یکی از رسالت های خویش را انتقاد از سودجویان و فرصت طلبان دانسته و هیچ گاه از انجام این وظیفه خطیر عقب نمی نشینند، همواره از ناحیه نیروهای مستبد که معمولاً در مصادر امور قرار دارند، مورد انتقاد، تهدید و تحدید قرار می گیرند. در واقع، کسانی که صلاحیت اداره امور را ندارند، تداوم حضور خود را در دستگاه حکومتی تنها در شرایطی ممکن می دانند که هیچ انتقادی متوجه آنها نشده و ضعف ها و کاستی های آنها مورد مداقه و تحلیل قرار نگیرند. البته حاصل عملکرد این گروه در تهدید و تحدید مطبوعات مستقل که به کرات به نتیجه رسیده و موجب تعطیلی و لغو پروانه انتشار مطبوعات فراوانی گشته است، چیزی جز کشیده شدن قدرت (حاکمه) به

سوی فساد و استبداد نیست.

ب) باقی و ارزیابی حکم دادگاه روزنامه جامعه۱

ص: ۲۱۸

ب) باقی و ارزیابی حکم دادگاه روزنامه جامعه(۱)

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

ارزیابی حکم دادگاه روزنامه جامعه

ـ این نکته حقوقی (لزوم تناسب حکم و جرم) همان است که نبود آن حاکی از فقدان مبنای قانونی برای لغو امتیاز روزنامه است.

ـ اصرار بر جرم پس از محکومیت اول، نیازمند شاکی و تشکیل دادگاه و محکومیت دوم است که منجر به تشدید مجازات می شود.

ـ قاضی مربوطه... به دلیل اصرار بر جرم در فاصله دو جلسه دادگاه، پروانه را لغو کرده است. حال آنکه دو جلسه، در حکم واحد بوده است.

ـ حکم صادره، با رأی هیئت منصفه مغایرت دارد.

ـ حکم صادره با وعده های شفاهی مغایرت دارد.

ـ حکم صادره ظاهرا مبتنی بر درخواست مراجع بالاتر بوده است.

ـ حکم دادگاه با شتاب زدگی و به منظور اغتنام از فرصت و ختم کار روزنامه صادر شده است.

ـ عکس مورد استناد دادگاه، مطلقا خلاف عفت عمومی نیست و تاکنون هیچ فقیهی حکم حرمت چنین تصویری را نداده است.

ـ تنها خدشه ای که می توان به انتشار عکس مزبور وارد کرد، نزدیکی ماه محرم است که این مورد نیز هیچ گونه حرمت شرعی ندارد.

ـ تنها انتقاد وارد به روزنامه، انتخاب تصویری است که تا حدی با عرف ناسازگای دارد.

ـ اگر هم تصویر مبتذل مانند رقص جمعی از زنان یا صورت عریان آنها بود باز هم احراز نیت لازم می آمد.

ـ هدف رمان مورد استناد همان چیزی است که نشریات و گروه های افراطی و تنگ نظر برای تخریب وجهه همان طبقه دنبال می کنند.

ـ هر قسمت از رمان جدا از روح کلی و حاکم بر آن، اثر مستقلی بر جای گذاشته و نوعی ابتذال و لودگی را نمایش می دهد که نه زیبنده روزنامه بود و نه مؤلف آن.

ـ منع انتشار رمان مورد نظر قابل قبول بود، اما آن را مصـداق انتشار مطالب خلاف عفت عمومی به عنوان ملاک صدور حکم لغو پروانه دانستن، وجاهت قانونی و شرعی ندارد.

ـ متأسـفانه شاکیـان و داوران مـاجرای دادگـاه جامعه، شـرایط و وسواس لازم را در احراز نیت منظور نکرده و حکمی غیرقابل اثبات داده اند.

ـ به این وسیله با عِرض عده ای مسلمان بازی کرده اند که در روایات عدیده ای حرمت آن از خانه کعبه گران تر شمرده شده است.

ـ مقام رهبری جلد نخست همین رمان را که حاوی عباراتی مشابه یا اشد از آن بود، یک رمان اسلامی دانسته اند.

ـ در صورتی که دادگاه قضایی می خواست از شائبه سیاسی بودن حکم اجتناب ورزد، آنچه در مورد این نوشتار (رمان آتش و دود) بر عهده دادگاه بود، تذکر معقولی مبنی بر منع ادامه انتشار آن بود.

اگر تحلیل آقای عمادالدین باقی از سرگذشت تاریخی مطبوعات را در کنار

۱- تمامی تعبیرها و جمله ها به مقاله «لزوم احراز نیت مجرمانه» مندرج در روزنامه جامعه، ۱۶تیرماه ۱۳۷۷ مربوط است.

ارزیـابی ایشـان از دادگـاه روزنـامه جـامعه قرار دهیم به خوبی درمی یـابیم که از نظر وی، روزنـامه جامعه مصـداق روشـنی از مطبوعات آزاد و مسـتقل است و نوع برخوردی که با این روزنامه شده است، دقیقا مشابه برخوردی است که نیروهای مسـتبد و انحصار طلب (قدرت طلب) با روزنامه های مسـتقل داشـته اند. دقت در مقاله «لزوم احراز نیت مجرمانه» روشن می کند که لغو پروانه انتشـار روزنـامه جامعه از دیـدگاه ایشان، به هیـچ وجه مبنای قانونی نـدارد و تنها حکمی که سـزاوار روزنامه بوده است، جلوگیری از انتشـار رمان آتش و دود بوده است و نه بیشتر. بر این اساس تنها دلیلی که برای لغو پروانه باقی می مانـد چیزی از مقـوله مصـلحت اندیشـی مقامـات و مراجع ذی نفوذ و ذی نفع بوده است و این نکته ای است که آقـای عمادالـدین بـاقی نمی تواند در مقاله خود از تصـریح بدان صرف نظر کند. چنان که اظهار می دارد: «با توجه به مغایرت حکم با رأی هیئت منصفه و نیز وعده های شفاهی داده شده، ظاهرا مراجع بالاتر، شتاب زدگی کرده و خواستار اغتنام فرصت و ختم کار روزنامه شده اند.» با این وصف جامعه ایران و نظام سیاسی کشور در حال حاضر، لااقل از حیث برخوردی که با مطبوعات مستقل دارد، نمونه ای از یک نظام بسته و مستبد و فاقد آزادی های اساسی شهروندان است.

ج) عمادالدین باقی و نظام های بسته و مستبد

ج) عمادالدین باقی و نظام های بسته و مستبد

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

علیه

له

نشانی

نظام های بسته و مستبد

ـ در تمام دوره ها و مقاطع تاریخ که با شـرایط یک جامعه اسـتبدادی مواجه هستیم، ارتقای علمی و اقتصادی مشاهده نشده و وضعیت، وضعیت رکود است.

۱

;nbsp

توس ۵/۵/۷۷

ـ در یک جامعه بسته، افراد افسرده و بی انگیزه هستند.

۱

;nbsp

توس ۵/۵/۷۷

ــ در یک جامعه بسته، چون افراد استقلال و شخصیت خود را یک سره از دست می دهند و اجازه اشتباه کردن و راه یافتن و خود راه رفتن را به آنها نمی دهند و اراده ای مافوق اراده آنها چیره است، خلاقیت را از کف می دهند.

۳

;nbsp

توس ۵/۵/۷۷

ــ در جامعه بسته، پیشرفت و رشد محصول اراده و خواست افراد تلقی نمی شود، بلکه محصول تقدیر یا اراده مافوق است.

۲

;nbsp

توس ۵/۵/۷۷

ص: ۲۲۰

ـ نه تنها افراد، بلکه مسئولان هم احساس مسئولیت نمی کنند.

۲

;nbsp

توس ۵/۵/۷۷

ـ کسانی که هیچ سهامی ندارند، احساس مسئولیتی هم از آنان انتظار نمی رود.

۱

;nbsp

توس ۵/۵/۷۷

ـ اگر مردم مشارکت فعالانه ناشی از آزادی مطلوب را نداشته باشند، حاکمان نیز خود را در برابر مردم مسئول نمی شناسند؛ زیرا خود را برگزیده آنها نمی دانند که ملزم به پاسخ گویی به آنها باشند.

۲

;nbsp

توس ۵/۵/۷۷

ـ در شرایط بسته، خودخواهی حاکم شده و فقدان دیگر خواهی، جایی برای رشد اقتصادی که صرفا محصول عزم و اراده برنامه جمعی است باقی نمی گذارد.

۲

;nbsp

توس ۵/۵/۷۷

ـ در جامعه بسته امنیت و ثبات، شکننده و ناپایدار است.

۲

;nbsp

توس ۵/۵/۷۷

ـ جامعه بسته همچون چوب خشک و مستحکمی است که در برابر ضربه های مشت مقاومت می کند.

۱

;nbsp

توس ۵/۵/۷۷

ـ اگر در اثر تضادها و نارضایتی های انباشته شده ضربه مشت کمی افزون تر از مقاومت چوب گردد، کاملاً می شکند و دو نیمه می شود.

۱

;nbsp

توس ۵/۵/۷۷

ـ در جامعه ای که امنیت وجود ندارد، یا امنیت وجود دارد، اما شکننده و ناپایدار است، نیروهای داخلی و خارجی با اجتناب از سرمایه گذاری های اساسی و بلند مدت، ریسک خود را پایین می آورند.

۱

;nbsp

توس ۵/۵/۷۷

ـ غیرواقعی بودن آمار و اطلاعات (در اثر بی اعتمادی مردم) موجب می شود برنامه های طراحی و پیش بینی شده مدیریت کشور تناسبی با واقعیت ها نداشته و درد یک امر و درمان نسخه دیگری باشد.

۱

;nbsp

توس ۱۸/۵/۷۷

ـ در نتیجه برنامه ریزی غلط که حاصل اطلاعات غلط است، تلاش ها بیهوده شده و چون حرکت اسب عصاری است که هر

چه کار می کند پیش نمی رود

۱

;nbsp

توس ۱۸/۵/۷۷

ـ این مـایه حیـاتی برنـامه ریزی (اطلاعـات) چیزی است که مردم در اختیـار مـدیران می گذارنـد و مادامی که مردم به سیاستگذاران کشور اعتماد نداشته باشند، اطلاعات صحیحی در اختیار آنان نمی گذارند.

۱

;nbsp

توس ۱۸/۵/۷۷

ـ در جامعه بسته و فاقد مشارکت و رقابت، اعتماد به پایین ترین حد خود رسیده و پایه مدیریت کشور را سست می کند.

۱

;nbsp

توس ۱۸/۵/۷۷

ـ در جامعه بسته مردم حاکمان را از خود نمی دانند و همه اقدامات آنها را در هاله ای از حیله و فریب و دسیسه می نگرند.

۲

;nbsp

توس ۱۸/۵/۷۷

ـ هزینه انحصارگرایی در سیاست (در جامعه بسته) و کارکردهای پنهان ولی مؤثر اقتصادی آن از دیگر مصادیق رابطه آزادی و اقتصاد است.

۱

;nbsp

توس ۱۸/۵/۷۷

ــ نخبگان غیرحاکم از طبقات پایین جامعه می جوشند و در حکومت راه نمی یابند. به تدریج تکثیر می شوند و به نیروی قابل توجهی در برابر نخبگان حاکم تبدیل می شوند و چون نظام بسته سیاسی به آنان راه نمی دهد و هر کدام را با انگ و عنوان اتهامی کنار می زند، در برابر نیروی تعیین کننده اجتماعی قرای می گیرند.

۲

;nbsp

توس ۱۸/۵/۷۷

;nbsp

ــ حرکت بسته ناگزیر است به صورت تصاعدی هزینه های مادی و معنوی افزون تری را صرف برنامه ریزی و مهار نخبگان غیرحاکم کند.

۱

;nbsp

توس ۱۸/۵/۷۷

ــ مهار نارضایتی ها و بی اعتمادی های ناشی از بسته بودن فضای سیاسی و فکری جامعه، خود مستلزم صرف هزینه های سنگین تری است و منابعی (مادی و معنوی) که باید در راه توسعه اقتصادی و اجتماعی به خدمت گرفته شود، در مسیر خنثی کردن نیروی عظیم اجتماعی و نیز نخبگان غیرحاکم مستهلک می شود.

۳

;nbsp

توس ۱۸/۵/۷۷

ــ برای یک حکومت بد، هیچ چیز بدتر از اصلاحات دیر هنگام نیست و اگر اصلاحات به موقع انجام نشود، در زمانی دیگر تبدیل به عامل شتاب زای انقلاب خواهد شد.

۲

;nbsp

توس ۱۰/۶/۷۷

ـ وقوع انقلاب اسلامی علی رغم بهبود نسبی وضع اقتصادی مردم، نشان داد که با افزایش رفاه خطر سرنگونی رژیم مرتفع نشده و جامعه نیازمند «آزادی»، «اعتماد» و «مشروعیت

ص: ۲۲۱

حکومت» بود.

۱

;nbsp

توس ۱۰/۶/۷۷

ــ یگانه عامل یا مهم ترین علت سقوط امپراطوری کمونیستی شوروی، علت سیاسی و وجود خفقان و نظام بسته استبدادی بود.

۱

;nbsp

توس ۱۰/۶/۷۷

ــ در صورتی که منطق و توضیحات برخی از رجال روحانی ایران را در هفته های گذشته، اساس تحلیل خود درباره شوروی قرار دهیم، نباید نظام سیاسی کشوری که نیازهای ضروری اغلب شهروندان را تأمین کرده است سقوط می کرد.

۱

;nbsp

توس ۱۰/۶/۷۷

ــ جامعه شوروی تشنه آزادی و رعایت حقوق شهروندی و دشمن انحصار قدرت در دست حزب واحد کمونیستی بود.

۲

;nbsp

توس ۱۰/۶/۷۷

ــ آزادی مخالفان و کمونیست ها هم که قانونی است پیشکش، کار به جایی رسیده است که برگزاری مراسم درگذشت مهندس بازرگان توسط تعداد کمی از افراد یک گروه به خشونت کشیده می شود.

۲

;nbsp

جامعه ۲۳/۱/۷۷

ــ گروه انـدک اعلام می کنند وزیر کشور باید ریشه هرج و مرج را بخشـکاند؛ یعنی اساسا نباید به آنهایی که ما نمی خواهیم اجازه اجتماع بدهند تا ما هم به آنها حمله کنیم.

۱

;nbsp

جامعه ۲۳/۱/۷۷

ــ دو روزنامه بلندگوی آنان هم تا چند روز می نویسند چرا ادارات کشور اجازه برگزاری این مراسم را می دهند تا...

۱

;nbsp

جامعه ۲۳/۱/۷۷

ــ روز ۱۱ اسفند اجتماع اعتراض آمیز دفتر تحکیم وحدت نیز با حمله همین گروه اندک به خشونت کشیده می شود.

۱

;nbsp

جامعه ۲۳/۱/۷۷

ــ همان روزنامه های خشونت طلب، وزارت کشور را متهم می کنند که وقتی شما می دانید دادن این مجوزها با مخالفت روبه رو می شود چرا مجوز می دهید؟

۱

;nbsp

جامعه ۲۳/۱/۷۷

ــ وزارت کشور فقـط به کسانی مجوز اجتماعات دهـد که آنها را خرسـند می کننـد و در غیر این صورت وزارت کشور عامل آشوب و ناامنی است.

۱

;nbsp

جامعه ۲۳/۱/۷۷

د) باقی و نظام های باز و آزاد

د) باقی و نظام های باز و آزاد

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

علیه

له

نشانی

نظام های باز و آزاد

ــ تجربه تاریخی بشری قوام بخش نظریه محوریت آزادی است.

;nbsp

۱

توس ۵/۵/۷۷

ــ هرچه آزادی سیاسی و فکری بیشتر، پیشرفت علمی و رشد اقتصادی بیشتر.

;nbsp

۱

توس ۵/۵/۷۷

ــ یکی از پارامترهای مؤثر در رشد تولید، روحیه و نشاط کار است. این انگیزه و روحیه از تقویت احساس تعلق اجتماعی

برمی خیزد.

;nbsp

۱

توس ۵/۵/۷۷

ــ احساس مسئولیت فردی و اجتماعی تأثیر مستقیمی در رشد اقتصادی و اجتماعی دارد.

;nbsp

۱

توس ۵/۵/۷۷

ــ در جامعه آزاد، تعدد تضادها همدیگر را خنثی کرده و منبع رشد و خلاقیت و سازندگی می شوند، بر خلاف جامعه بسته.

;nbsp

۱

توس ۵/۵/۷۷

ــ جامعه باز در برابر ضربه ها انعطاف پذیر است و مانند حایل لاستیکی دوباره به جای تعادل خود باز می گردد.

;nbsp

۱

توس ۵/۵/۷۷

;nbsp

ــ هرچه آزادی های قانونی بیشتر باشد، میزان امنیت و پایداری آن افزون تر و ریسک فعالیت اقتصادی و سرمایه گذاری کمتر است.

;nbsp

۲

توس ۵/۵/۷۷

ـ اعتماد (شاخصه جامعه باز) و برنامه ریزی اقتصادی و اجتماعی پیوند وثیقی دارند.

;nbsp

۱

توس ۱۸/۵/۷۷

ـ اساس برنامه ریزی ها اطلاعات است. به هر میزان آمار و ارقام و اطلاعات دقیق تر باشد (که از اعتماد مردم نشئت می گیرد) موفقیت برنامه ها بیشتر است.

;nbsp

۱

توس ۱۸/۵/۷۷

ـ با گشوده شدن فضای سیاسی و نهادینه شدن آزادی های قانونی، هزینه های گزاف و تصاعدی انحصارطلبی و خشونت صرفه جوئی شده و انرژی آزاد شده ای در خدمت توسعه قرار می گیرد و گردش دایمی نخبگان تضمین کننده استفاده بهینه از آن منابع است.

;nbsp

۲

توس ۱۸/۵/۷۷

ـ در صورت گسترش آزادی های قانونی، هزینه های اجتماعی، اقتصاد انحصار به صفر

رسیده و در خدمت توسعه قرار خواهد گرفت.

;nbsp

۱

توس ۱۸/۵/۷۷

ـ آنچه که به نظام سیاسی اردوگاه غرب سرمایه داری دیرپای بخشیده است، وجود آزادی های سیاسی و اجتماعی در کنار همان نظم طبقاتی است.

;nbsp

۱

توس ۱۰/۶/۷۷

ـ جهان همواره به سوی تعادل در حرکت است و در این افق آنچه موتور و انگیزه حرکت را تشکیل می دهد، آزادی است.

;nbsp

۱

توس ۱۰/۶/۷۷

ـ تأمین آزادی های سیاسی مصرح در قانون اساسی به عنوان اولین و مهم ترین گام برای تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی و حرکت به سوی تعادل است.

;nbsp

۱

توس ۱۰/۶/۷۷

از مجموع هفت مقاله ای که در این مطالعه، بررسی شده، سه مورد آن درباره آزادی و نقطه مقابل آن؛ یعنی استبداد و ویژگی های نظام های بسته و باز سیاسی است. انصاف این است که آقای عمادالدین باقی در این سه مقاله موفق شده است ویژگی های زیادی را از این دو نظام ترسیم کند، ولی نکته حایز اهمیت این است که از چندین فراز این نوشته ها چنین استنباط می شود که نظام جمهوری اسلامی را می توان نمونه جامعه بسته دانست و بر این اساس، تمام ویژگی های جامعه بسته را که در

این مجموعه بدان اشاره شده است، به آن منتسب کرد. به عبارت دیگر، در شرایط کنونی، افراد افسرده و بی انگیزه هستند و خلاقیت خود را از دست داده اند. به علاوه، نه تنها افراد، بلکه مسئولان هم احساس مسئولیت نمی کنند. مردم مشارکت فعالانه ناشی از آزادی مطبوعات را ندارند و حاکمان نیز خود را در برابر مردم مسئول نمی شناسند. اصولاً مسئولان، خود را برگزیده مردم نمی دانند و ملزم به پاسخ گویی به آنها نیستند. امنیت و ثبات جامعه، شکننده و ناپایدار معرفی شده است و چنین عنوان شده که نظام، تنها در برابر ضربه های کوچک توان مقاومت دارد و اگر نتواند تضادها و نارضایتی ها را مرتفع کند، انباشت این نارضایتی ها می تواند ضربه مهلکی بر پیکر نظام وارد آورد.

به علاوه، نظام هیچ گاه نمی تواند به اطلاعات صحیحی که لازمه برنامه ریزی های دقیق اجتماعی و اقتصادی است، دست یابد؛ زیرا مردم نسبت

به مسئولان اعتماد کافی و لازم را ندارند و اطلاعات صحیح را در اختیار آنها قرار نمی دهند. مشکل دیگر نظام بسته این است که به واسطه انحصارطلبی خود، باید هزینه زیادی بابت مهار نیروهای خارج از حاکمیت و به ویژه نخبگانِ غیرحاکم بپردازد و این همه، باعث می شود که نظام، دورنمای مثبت و روشنی از نظر توسعه اجتماعی و شکوفایی اقتصادی نداشته باشد.

ه‍_) باقی و نظام سوسیال دموکراسی

ه‍_) باقی و نظام سوسیال دموکراسی

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

علیه

له

نشانی

نظام سوسیال دموکراسی

_ سوسیالیسم منهای لیبرالیسم سیاسی و لیبرالیسم سیاسی خالی از عدالت اجتماعی (سوسیالیسم) و همه آنها بدون معنویت، انسان را به جامعه ایده آل خویش واصل نمی گرداند.

;nbsp

۱

توس ۱۰/۶/۷۷

_ جامع ترین الگوی زندگی به عنوان سومین الگو در قرن حاضر مدلِ سوسیال دموکراسی است، که هر دو وجه نیاز انسان را به آزادی و برابری تأمین خواهد کرد.

;nbsp

۱

توس ۱۰/۶/۷۷

_ این مدل (سوسیال دموکراسی) مطلوب ترین وضع در مقایسه با دیگر جوامع است، ولی خلأ معنویت، آن را نیز به مخاطره

افکنده است.

;nbsp

۱

توس ۱۰/۶/۷۷

ـ آموزه های دینی نه با دموکراسی تعارض دارد (بلکه عالی ترین نمونه های آن را در سیره نظری و عملی امام علی علیه السلام می توان نشان داد).

;nbsp

۱

توس ۱۰/۶/۷۷

ـ و نه با سوسیالیسم تعارض دارد که استاد مرتضی مطهری، اسلام را یک سوسیالیسم اخلاقی خوانده است.

;nbsp

۱

توس ۱۰/۶/۷۷

ـ انتخاب مدل سوسیال دموکراسی که منطبق با شعار «عرفان، برابری، آزادی» دکتر شریعتی است، نه یک انتخاب آرمانی، که محصول تجربه بشری به شمار می رود.

;nbsp

۱

توس ۱۰/۶/۷۷

ـ به همین لحاظ وجود نارسایی های آن نباید وسیله منع کردن از دست یابی بدان گردد.

۱

;nbsp

توس ۱۰/۶/۷۷

ـ در عالم سیاست، امر دایر میان انتخاب خوب و بد نیست بلکه امر دایر است میان بد و بدتر... یعنی مدل سوسیال دموکراسی با تأمین معنویت آن، کمترین بدی را در مقایسه با دیگر نظام های موجود دارد.

;nbsp

۱

توس ۱۰/۶/۷۷

ـ جمهوری اسلامی با قرائتی که قانون اساسی ایران نیز بیشترین تناسب را به آن دارد، چنان محتوایی (سوسیال دموکراسی) را برمی تابد.

;nbsp

۱

توس ۱۰/۶/۷۷

آقای عمادالدین باقی در مقاله «دو تجربه و سه الگو»، به بررسی علت فروپاشی نظام شاهنشاهی و وقوع انقلاب اسلامی می پردازد و با ناکارآمد دانستن نظام های سوسیالیستی صرف و همین طور نظام های لیبرالیسم سیاسی صرف، به این نتیجه می رسد که تلفیقی از این دو می تواند موفقیت آمیزتر باشد. در عین حال اذعان می کند که ترکیب این دو نظام همچنان از تأمین

یـک عامـل اساسـی در قوام جوامع انسـانی و حرکت روبه رشـد و تعالی آن ناتوان است و آن عامل چیزی جز معنویت نیست. آقـای بـاقی در ادامه به طرح این مسـئله می پردازد که نظـام سوسـیال دموکراسـی در عین اینکه یـک انتخـاب آرمانی نیست و محصول تجربه بشـری به شـمار می رود، بیشترین انطباق را با جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور دارد و ضمنا به این نکته نیز توجه می دهد که اسلام نه تعارضی با دموکراسی دارد و نه در تضاد با سوسیالیسم است.

نتیجه گیری

نتیجه گیری

بـا نگـاهی مجـدد به نکته هـای برجسـته مقاله های آقای عمادالـدین باقی ــ که در این بررسـی مورد توجه قرار گرفته است ــ معلوم می گردد که مرکز ثقـل تمـام آنها، مفهوم «آزادی» و بزرگـداشت و تمجیـد از این موهبت بزرگ خـدادادی است. سـه مقاله از مجموع هفت مقاله مـذکور به بررسـی رابطه آزادی با رشـد اقتصادی ــ اجتماعی می پردازد. دو مقاله، رسالت و تعهد مطبوعـات آزادی خـواه و تـاوان این آزادی خـواهی و روشـنگری را به تصویر می کشـد. یـک مقـاله به اثبـات آزادی خواهی روزنامه جامعه می پردازد و حکم دادگاه در خصوص تعطیلی آن را اجرت این آزادی خواهی و اسـتقلال می دانـد. یک مقاله نیز به تبیین حقوق مخالفان و آزادی اجتماعات قانونی توسط آنها می پردازد.

پیداست که سـتایش آزادی و تلاش برای به دست آوردن و بهره گیری از آن امری طبیعی و از حقوق اولیه و مسلّم هر انسانی محسوب می شود. ازاین رو، قلم زدن در این بـاب اگر ممـدوح نباشـد، دست کم مـذموم نخواهـد بود. این در حـالی است که بیشتر عبارات و جملات آقای عمادالدین باقی در

این مقالات، به شیوه ای مستدل و به دور از هجو و تعبیرهای ناپسند و زننده است و تماما در مدح آزادی و آثار آن در حیات سیاسی ـ اجتماعی یک جامعه است. نکته قابل توجه در این میان، این است که در کنار تعبیرهای آرام و عاری از جهت گیری نویسنده، جملاتی دیده می شود که نشان می دهد نام برده، جامعه فعلی ایران را فاقد آزادی و حتی استبدادزده و مستبد قلمداد می کند.

آنچه در این تاریخ بسیار جلب توجه می کند، شباهت وافر اتهامات، مصایب و سرنوشت ها برای مطبوعات مستقل و آزادی خواه است. شگفت آورتر اینکه آنچه در مجلس شورای ملی در دوره اول و مطبوعات وابسته به قدرت سیاسی حاکم علیه آزادی مطبوعات گفته می شود و روش هایی که برای محدود کردن و کنترل گام به گام آن اتخاذ می شود، آن قدر شبیه سخنانی است که هم اکنون بعد از صد سال در همان کانون ها بر زبان رانده می شود که نویسنده را از ذکر عبارت مشابه و گاه بسیار خشن تر و آمرانه تر در زمان خودمان و مقایسه آنها با آن زمان بی نیاز کرده است.

عمادالدین باقی در آنجا که رابطه آزادی و اقتصاد را بررسی می کند، با بیان عبارت زیر نشان می دهد که از نظر وی جامعه ایران هنوز به این مرحله نرسیده است:

تأمین آزادی مصرح در قانون اساسی به عنوان اولین و مهم ترین گام برای تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی و حرکت به سوی تعادل است.

جالب تر اینکه از عبارات اندکی که آقای عمادالدین باقی درباره دوم خرداد در مقالات خود آورده است، تحلیل نهایی وی از شرایط کنونی جامعه آشکار می شود.مطابق این تحلیل، دوم خرداد در حقیقت، واقعه ای بود که جامعه ایران را از نزدیک شدن به مرحله براندازی و سقوط نجات داد و نویدبخش تأمین آزادی های سیاسی بود؛ زیرا در دوم خرداد:

نیروی روبه رو رشد نخبگان غیرحاکم و انحصارگر را در اقلیت کوچکی قرار داده بود و در اثر سیاست های خشن آنها به سوی بی اعتمادی مطلق و براندازی سوق می یافت. با کمترین گشایش سیاسی تبدیل به نیروی اصلاح طلب شد و نیروی عظیم اجتماعی منفعل یا فعال آزاد شده مهار شد. در غیر این صورت، فقدان آزادی ها به حرکت های شورشی یا انقلابی منجر می شد که از نظر اقتصادی ویرانگر بود.(۱)

با این اوصاف، مخالفان جریان دوم خرداد، از نظر آقای باقی کسانی هستند که مخالف آزادی اند و با ایجاد هرج و مرج درصدد تداوم حضور خود در جامعه و دیکته کردن سیاست های خود به دولت دوم خردادند و این نکته ای است که آقای عمادالدین باقی به آن تصریح می کند:

جریان خشونت طلب می خواهد در حالی که در دوم خرداد رأی لازم را احراز نکرده است، سیاست های خویش را به دولت دیکته کند. وزارت کشور فقط به کسانی مجوز اجتماعات دهد که آنها (شکست خوردگان دوم خرداد) را خرسند می کند و در غیر این صورت، وزارت کشور عامل آشوب و ناامنی است.

۵. حمید لیلاز مهر آبادی

اشاره

۵. حمید لیلاز مهر آبادی

انقلاب اسلامی ایران که یک انقلاب فرهنگی تمام عیار است، بزرگ ترین ضربه سیاسی و فرهنگی را به حیثیت و اقتدار ابرقدرت های جهان، مخصوصا امریکا وارد آورد و فصل تازه ای را در حوزه اندیشه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فراروی تمدن بشری گشود.

دشمنان قسم خورده انقلاب که موجودیت و بقای خود را در معرض خطر می دیدند، از همه امکانات و روش های ممکن برای نابودی و یا حداقل

۱- توس، ۱۸/۵/۱۳۷۷.

مهار آن سود جستند تا سرانجام به این نتیجه رسیدند که «برای مقابله با نظام بهترین روش، فعالیت فرهنگی است».(۱) آنان این مهم را از طریق انتشار کتاب های علمی و تاریخی و راه اندازی نشریات گوناگون سیاسی و اجتماعی پی گرفتند و به هواداران خود در داخل توصیه کردند که «هر کس می تواند، امتیاز نشریه بگیرد و از این تریبون به مبارزه برخیزد».(۲)

برای حمایت فکری و قلمی از این نشریات لازم بود موج گسترده ای از روزنامه نگاران، نویسندگان و قلم به دستان که از ظرافت های کار فرهنگی مطلع هستند و با حفظ ظواهر می توانند بنیان های عقیدتی و سیاسی نظام و ارکان حکومتی آن را نشانه بگیرند، سازماندهی شوند. در همین راستا، «روزنامه نگاران تصفیه شده انقلاب بازگشتند»(۳) و توانستند با «تسخیر سنگر مطبوعات، پرده های حرمت را دریده و انتقاد را از مرحله حرف به مرزهای دشنام برسانند».(۴)

در حالی که این توطئه مراحل اولیه خود را می پیمود، ناخدای دریا دل و بیدار انقلاب اسلامی از تهاجم و شبیخون فرهنگی دشمن علیه انقلاب پرده برداشت و چون هجوم را گسترده تر یافت، به صراحت اعلام کرد:

عزیزان من، در داخل مرزهای ملت ما کسانی هستند که متأسفانه همان حرفی را می زنند که سازمان سیای امریکا به وسیله قلم به مزدهای خود در مجلات و مطبوعات دنیا

۱- هویت، ص ۱۹۶، به نقل از: منوچهر گنجی.

۲- همان، ص ۷۰.

۳- نشریه سلطنت طلبان کیهان چاپ لندن به نقل از: هفته نامه ارزش ها، شماره ۷۶.

۴- همان.

پخش می کنند.(۱)

امام امت نیز بارها با تأکید مسئله مهم به کارگیری نویسندگان متعهد در نشریات و جراید، مسئولان مطبوعات کشور را از به کارگیری افراد دارای سابقه سوء منع کرده بود:

شما نمی توانید در مجله ای که دارید، افرادی را انتخاب کنید که در سابقه شان انحراف بوده است به حساب اینکه حالا دیگر خوب شده است و آدم مسلمانی است و به این حساب او را در روزنامه تان وارد کنید. اینکه او خیلی خوب است برای خودش، ما نمی گوییم بد است، اما نمی توانیم مطلبی را که در تربیت یک ملتی، در سرنوشت یک ملتی دخالت دارد، به دست او بدهیم.(۲)

اهمیت منحصر به فرد نویسندگان مطبوعات در جهت گیری فکری و تربیتی جوانان، ما را بر آن داشت که به طور مستقل به بررسی اندیشه ها و دیدگاه های نویسندگان روزنامه های جامعه و توس بپردازیم.

این نوشتار بدون هیچ گونه اشاره ای به سوابق سیاسی و فکری حمید لیلاز و صرفا با تکیه بر یادداشت ها و مطالب منتشر شده از نام برده در روزنامه های جامعه و توس، به ترسیم دیدگاه های وی در مسائل سیاسی و اجتماعی می پردازد.

یادداشت ها به طور تصادفی و با برش زمانی خاص از تاریخ ۹/۴/۷۷ تا ۴/۶/۷۷ برگزیده شده اند، به گونه ای که همه مقاله های ایشان را در این فاصله زمانی در برمی گیرد. با این تفاوت که سه مقاله در روزنامه جامعه و دو مقاله

۱- از سخنان مقام معظم رهبری، ۲۹/۱/۱۳۷۷.
۲- صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۵۰.

نیز در روزنامه توس بوده است. فهرست عنوان مقاله ها و موضوع آنها در صفحه بعد به تفصیل آمده است.

یادداشت های آقای لیلاز بیشتر سیاسی است. ایشان با تکیه بر اتفاقات تاریخی صد سال اخیر به بازخوانی و تحلیل حوادث سیاسی جاری کشور پرداخته است. قلم وی اگرچه روان است، در مواردی به غایت تیز، عصبی و خشن می شود. همین نکته، مقاله های ایشان را حساس و خواندنی و خواننده را از تأمل زیاد برای درک مقصود ایشان آسوده می کند.

نکته دیگری که حساسیت و اهمیت یادداشت های آقای لیلاز را نشان می دهد، موضوع هایی است که ایشان برای مقاله های خود برگزیده اند. موضوع های انتخابی ایشان دقیقا از مهم ترین، حساس ترین و زیربنایی ترین مسائل جامعه است. این محورها عبارتند از: نظام جمهوری اسلامی و ارکان آن (رهبری و قوای سه گانه)؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی؛ خواسته مردم و رأی اکثریت؛ جناح راست.

به جرئت می توان گفت در موضوع های سیاسی و اجتماعی کشور کمتر موضوعی را می توان یافت که از جهت اهمیت و جایگاه با محورهای یادشده برابری کند.

هدف اصلی این مقاله آن است که با تحلیل محتوا و بررسی علمی نظرهای نویسنده یاد شده، گام کوچکی در جهت شفاف شدن مواضع جریان های سیاسی و فرهنگی کشور بردارد.

ص: ۲۳۰

مقالات حمید لیلاز در جامعه و توس

۹/۴/۷۷ تا ۴/۶/۷۷

ردیف

عنوان مقاله

موضوع اصلی

موضوع فرعی

نظریه های ارائه شده

نشریه

۱

قوه قضاییه، غفلت و حساسیت زدایی

دادگاه غلامحسین کرباسچی

ناتوانی قوه قضاییه در برخورد با جرائم

ــ دلایل کرباسچی محکم تر از دادگاه است ــ مردم طرفدار کرباسچی و مخالف قوه قضاییه

ــ این پرونده بر حساسیت مردم نسبت به فساد در جامعه تأثیر منفی می گذارد.

جامعه۹/۴/۷۷

۲

آزمونی در قدرشناسی یک موهبت

نقش مردم در پایداری حکومت ها

ضرورت اصلاح در ساختار سیاسی کشور پس از دوم خرداد

ــ دوم خرداد نشان داد که مردم خواهان اصلاح در امور کشور هستند.

ـ اصلاحات مورد نظر مردم، همه جانبه است، ولی بیشتر سیاسی و اجتماعی است.

ـ اگر به خواسته مردم توجه نشود، به تدریج مردم به انقلاب قهرآمیز کشانده می شوند.

جامعه ۱۸/۴/۷۷

۳

چک بی محل

اعتراض به حکم لغو امتیاز روزنامه جامعه

تفسیر خودسرانه از قانون توسط جناح راست و قوه قضاییه

ـ قوه قضاییه از قانون سوء استفاده می کند.

ـ با تعطیل شدن روزنامه جامعه جناح راست مخالفت عملی خود را با برنامه های رئیس جمهور نشان داد.

ـ جناح راست از مقابله با برنامه های توسعه سیاسی رئیس جمهور ناتوان است.

جامعه ۲۳/۴/۷۷

۴

مأموریتی که مردم می دهند

بررسی علل روی گردانی مردم از مصدق

مکانیزم حمایت مردم از جریان های سیاسی

ـ مردم در یک بسیج آنی به رهبران جریان های اجتماعی مأموریتی را می دهند، ولی تا زمانی آنها را همراهی می کنند که رهبران را در چارچوب خواسته های خود ببینند.

ـ مردم طرفدار کرباسچی و مخالف قوه قضاییه

ـ این پرونده بر حساسیت مردم نسبت به فساد در جامعه تأثیر منفی می گذارد.

توس ۳/۶/۷۷۵

۵

در تکمله

سیاست خارجی ایران

سیاست خارجی ایران در افغانستان

ـ ناتوانی مفرط سیاست خارجی ایران

توس ۴/۶/۷۷

الف) لیلاز و جناح راست یا جناح بازنده دوم خرداد

اشاره

الف) لیلاز و جناح راست یا جناح بازنده دوم خرداد

یکی از موضوع هایی که لیلاز به آن پرداخته است، جناح راست است که با عنوان هایی مانند: «جناح بازنده دوم خرداد» و «جناح محافظه کار» از آن یاد

ص: ۲۳۱

می کنـد. پرداخت هـای گـاه و بی گـاه آقـای لیلاـز به جنـاح محافظه کار در مقالاتش و اختصاص یک مقاله ویژه به بررسـی دیـدگاه ها و عملکردهای آن، نشان دهنده اهتمام وی به این موضوع است، ولی آنچه موجب تقدیم تحلیل محتوای این بخش بر دیگر موضوع هـا شـده، طیف وسـیعی از اشـخاص حقیقی و حقوقی است که فضـای مفهومی گسـترده جنـاح راست، آن را شامل می شود.

در حقیقت، اظهارنظرهـای آقـای لیلاـز دربـاره جنـاح راست و نسـبت هایی که به این جناح روا داشـته، به یک معنا، اظهار نظر دربـاره نظـام، رهبری، قوه مقننه، قوه قضاییه، مجلس خبرگان، شورای نگهبان و مراکز و سازمان های زیرمجموعه رهبری مانند بنیاد مستضـعفان و صـدا و سـیما است. وی در مقاله «آزمونی در قدرشناسـی یک موهبت»،(۱) در تعریف ضـمنی جناح راست می نویسد:

با این حساب، پس از خرداد ماه ۷۶، صورت بندی حکومت به این شکل درآمد که جناح بازنده انتخابات، بخشی از حکومت (قوه مجریه) را از دست داد، لیکن همچنان _ و عجالتا _ مواضع و مناصب کلیدی بسـیاری در اختیار دارد و جناح پیروز که از این حیث در اقلیت به سر می برد، بـا پشـتوانه فراگیر مردم، کاملاًـ مسـتعد تجمع و فعـالیت مؤثر در چارچوب یک اپوزیسـیون رسمی است.

اگر در مفهوم گیری از این عبارت به بیراهه نرفته باشـیم، می توان نتیجه گرفت که تا پیش از دوم خرداد، تمام قـدرت و بخش هـای حکـومت در دست جنـاح راست _ جنـاح بازنـده دوم خرداد _ بـوده است و بـا انتخابـات ریـاست جمهوری، اگرچه قوه مجریه را از دست داده اند، ولی عجالتا دیگر پست ها و

۱- جامعه، ش ۱۰۹.

بخش های کلیدی نظام مانند: رهبری، مجلس شورا، قوه قضاییه، مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان، ارتش و سپاه و... در اختیـار آنـان است. مشـابه این تعبیر در آثـار قلمی جلاـیی پور ــ صـاحب امتیـاز و مـدیر مسـئول روزنامه جامعه ــ به چشم می خورد، ولی جلایی پور صریح تر از لیلاز، رهبری و برخی قوای کشوری را از اعضای این جناح معرفی کرده است.(۱)

اکنون وقت آن شـده که نسـبت هـا، القـاب و اوصـافی را که آقـای لیلاز برای این جناح به کار برده، بررسـی کنیم و به تحلیل محتوای آنها و ارزیابی دیدگاه ها و گرایش های وی بپردازیم. مهم ترین ویژگی های جناح راست از نظر ایشان عبارتند از:

۱. جناح راست در پی منافع جناحی، غیرمردمی و به ویژه غیرقانونی است. (جامعه، شماره ۱۱۲)

۲. جنـاح راست موانع، تضـییقات و معضـلاتی را بر دولت آقـای خاتمی و جنبش جامعه مـدنی تحمیل می کنـد و ادعای جناح راست در وحـدت و همـدلی و وفاق با دولت خاتمی، اهداف و برنامه هایش تنها از مقوله صدور چک بلامحل است. (جامعه، شماره ۱۱۲)

۳. رفتارهای جناح محافظه کار، غیراصولی و کودکانه است. (جامعه، شماره ۱۱۲)

۴. جناح راست به مقابله با نیروهایی برخاسته است که پشتوانه عظیمی از آرای مردمی را با خود دارد. (جامعه، شماره ۱۱۲)

۱- نک: ص ۵۴.

اگر ویژگی های یادشده را در مصادیق جناح راست ضرب کنیم، نتیجه، نابودی حیثیت سیاسی جناح محافظه کار در افکار عمومی است.

بهتر است پیش از هرگونه تحلیل و بررسی دیگری ابتدا به اصل عبارت های ایشان درباره جناح راست و عملکرد آن نگاهی گذرا داشته باشیم.

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

له

علیه

نشانی

جناح راست

۱. جناح راست اقدام به تفسیر انحصاری و تک مرجعی قانون می کند.

;nbsp

×

جامعه شماره ۱۱۲

۲. جناح راست در پی منافع جناحی، غیرمردمی و به ویژه غیرقانونی است.

;nbsp

×

جامعه شماره ۱۱۲

۳. مجموعه موانع، تضییقات و معضلاتی که جناح بازنده انتخابات دوم خرداد از آن پس، بر دولت آقای خاتمی و جنبش جامعه مدنی تحمیل می کنند، غالبا در چارچوب قانون و... بر مبنای تفسیر دل بخواهی از قانون بوده است.

;nbsp

×

جامعه شماره ۱۱۲

۴. با استناد به قانون، حتی ضعیف ترین و سست ترین و بی ربط ترین مصادیق نقض قانون بزرگنمایی شده و با تفسیر یک جانبه و انحصاری و دل بخواهی و اغراق آمیز و غیراخلاقی توأم گشته است.

;nbsp

×

جامعه شماره ۱۱۲

۵. جناح راست باید بداند که همچون آن کودکی رفتار می کند که دائما مرگ آموزگارانش را آرزو می کرد، حال آنکه می بایست مرگ پدرش را بخواهد، چون تا پدر باشد، مکتب رفتن و یافتن آموزگاری دیگر قریب به یقین.

;nbsp

×

جامعه شماره ۱۱۲

۶. این انتظار وجود دارد که آن دسته از جناح های حکومت که به تحولات علت ساز و معلول دوم خرداد روی خوش نشان نداده اند با تجدید نظر اساسی در انگاره و رفتار خود در قبال این تحولات، به سمت پویایی و ثبات روزافزون نظام حرکت کنند.

;nbsp

×

جامعه شماره ۱۰۹

;nbsp

۷. حکم لغو امتیاز روزنامه ها یکی دیگر از رفتارهای غیراصولی جناح محافظه کار است.

;nbsp

×

جامعه شماره ۱۱۲

۸. ادعای جناح راست در وحدت و همدلی و وفاق با دولت خاتمی، اهداف و برنامه هایش تنها از مقوله صدور چک بلامحل است.

;nbsp

×

جامعه شماره ۱۱۲

۹. به تبع این اتفاق (عدم تحقق خواسته های مردم) جناح یا جناح هایی که فعلاً بخش های عمده تری را از دستگاه حکومتی در اختیار دارند، مندرجا از امکان فراهم سازی شرایط مطلوب اینان (مردم) به مرحله جلوگیری از طرح خواسته هایشان پا می گذارند و از آن به سرکوب قهرآمیز.

;nbsp

×

جامعه شماره ۱۰۹

۱۰. جناح راست به مقابله با نیروهایی برخاسته است که پشتوانه عظیمی از آرای مردمی را با هر علل و عواملی با خود دارد.

;nbsp

×

جامعه شماره ۱۱۲

۱۱. جناح بازنده انتخابات بخشی از حکومت (قوه مجریه) را از دست داد، لیکن همچنان ــ عجالتا ــ مواضع و مناصب کلیدی بسیاری را در اختیار دارد.

;nbsp

×

جامعه شماره ۱۰۹

همان طور که ملاحظه می فرمایید، آقای لیلاز بدون هیچ گونه مسامحه و پرده پوشی، نظر خود را درباره موقعیت و عملکرد جناح راست بیان کرده

ص: ۲۳۴

است. همین مسئله اگرچه ارزیابی خواننده را از طرز تفکر ایشان در این باره آسان می سازد، ولی جدول تحلیل کمّی اسگود، به وضوح بیشتر آن کمک شایانی می کند.

جدول تحلیل کمی

موضوع داوری

مفهوم عامیانه

نمره

فعل

نمره

حاصل ضرب

جناح راست

به تفسیر انحصاری قانون

-۳

اقدام می کند

+۲

-۶

جناح راست

در پی منافع جناحی

-۲

است

+۳

-۶

جناح راست

در پی منافع غیرمردمی

-۳

است

+۳

-۹

جناح راست

در پی منافع غیرقانونی

-۳

است

+۳

-۹

جناح راست

موانعی بر دولت خاتمی

-۲

تحمیل می کند

+۲

-۴

جناح راست

همچون کودکان

-۳

رفتار می کند

+۲

-۶

جناح راست

دارای رفتارهای غیراصولی

-۲

است

+۳

-۶

جناح راست

ادعاهای دروغ

-۳

دارد

+۳

-۹

جناح راست

به سرکوب قهرآمیز مردم

-۳

احتمالاً می پردازد

+۱

-۳

جناح راست

مخالف نیروهای مردمی

-۳

است

+۳

-۹

۳۱ × -۱۰۶۷ = -۲۳/۲

با توجه به اینکه بالاترین احساس منفی (انزجار و تنفر) در شاخص ارزش یابی کمی اسگود، با عدد (۳-) نشان داده می شود، نمره ۲۳/۲- گویای شدت انزجار آقای لیلاز از جناح راست و طیف گسترده ای از مسئولان نظام است. در حقیقت، انگیزه اصلی آقای لیلاز در بررسی یک سویه و منفی جناح راست و نیز پرخاش کردن و انتساب القاب ناخوشایند به این جناح را می بایست در همین احساس شدیدا منفی جست وجو کرد؛ احساسی که به

ص: ۲۳۵

راحتی و روشنی آن را در مقاله های خود ـ که در رسانه های گروهی و کشوری به چاپ رسانیده است ـ نسبت به بالاترین ارکان نظام اسلامی ابراز داشته است.(۱) پس از بررسی کمّی و کیفی تعبیرهای لیلاز درباره جناح راست، می توان مجموعه آن را در سه محور اساسی خلاصه کرد:

یک ـ القای رویارویی مردم با جناح راست

یک ـ القای رویارویی مردم با جناح راست

آقای لیلاز در نوشته های خود، بیزاری و رویارویی مردم با جناح راست، نداشتن پایگاه اجتماعی و برخوردار نبودن آنان از پشتوانه مردمی را حقیقتی مسلّم فرض می کند. سپس بر مبنای آن، انتخابات دوم خرداد را نمود نارضایتی عمومی از وضعیت موجود و حرکتی اصلاح طلبانه برای تغییر ساختار سیاسی و مدیریتی کشور می شمارد:

اینک توده مردم، در عین حفظ وفاداری، اولاً تمایل به تغییر نوع حمایت خود از نظام را بروز داده اند که عمدتا ناشی از گذر توفیق آمیز و درس گرفتن از بحران هاست و ثانیا خواهان اصلاحاتی هستند که اکنون فرصت پرداختن به آنها فراهم آمده است... این اصلاحات عمدتا معطوف به توسعه همه جانبه، بسط و گسترش حقوق سیاسی و مدنی و به طور فراگیر دموکراسی کامل (اقتصادی و سیاسی که متضمن عدالت و آزادی است) تلقی می شود. تبلور این رویکرد را می توان در دوم خرداد ۷۶ سراغ گرفت.(۲)

وی سپس با مقایسه وضعیت موجود با دوران حکومت پهلوی، تفاوت

۱- گفتنی است اگر ایشان تاکنون به سبب نگارش و انتشار این گونه مقالات از سوی هیچ مرجع سیاسی و امنیتی یا قضایی در جمهوری اسلامی مورد پیگرد قانونی و بازجویی قرار نگرفته باشد و همچنان در نوشتن مقالات یا انجام مصاحبه از آزادی عمل برخوردار باشد، آن را باید به حساب گذشت، خویشتن داری و آزادمنشی مسئولان و مدیران ارشد نظام سیاسی ایران گذاشت.

۲- حمید لیلاز، «آزمونی در قدرشناسی یک موهبت»، جامعه، ۱۸/۴/۱۳۷۷.

این دو دوره را در امکان بروز اعتراض های مردمی در یک اپوزیسیون داخلی و قانونی ــ در جمهوری اسلامی ــ می داند:

برای نمونه، رژیم پهلوی در محرومیت کامل از حمایت مردمی و به تبع آن مشارکت و امکان بسیج گسترده، تلاش های نافرجامی را در قالب حزب رستاخیز اعمال کرد. ناکامی دیگر رژیم پهلوی در همین چارچوب، عدم توفیق در خلق و شناسایی یک اپوزیسیون داخلی و قانونی بود... با دوم خرداد ۷۶ زمینه های بسیار مساعدی فراهم آمد ــ برخلاف محرومیت و ناکارآیی رژیم پهلوی ــ که می توان به تثبیت و توسعه هرچه بیشتر نظام اندیشید. بدین ترتیب که میل وافر مردم به مشارکت با تکوین و شفافیت بیش از پیش یک اپوزیسیون در داخل حکومت تلاقی پیدا کرد. به عبارت روشن تر، توده مردم که خواهان اصلاحاتی هستند از یک سو و بخشی از پرسنل سیاسی که همین مطالبات را دارند و البته سهم بیشتری از قدرت را طلب می کنند، از سوی دیگر، ائتلاف کرده و در حقیقت یکدیگر را یافتند... جناح پیروز که از این حیث در اقلیت به سر می برد، با پشتوانه فراگیر مردمی کاملاً مستعد تجمع و فعالیت مؤثر در چارچوب یک اپوزیسیون رسمی است.(۱)

آقای لیلاز در پاورقی مقاله «آزمونی در قدرشناسی یک موهبت»، از پیوستن مردم به اپوزیسیون و رویارویی آنان با سران قدرت در جمهوری اسلامی به طور صریح تری یاد می کند:

علی القاعده، اپوزیسیون رسمی به بخشی از نظام اطلاق می شود که سهم کمتری از مقبولیت نزد تضمین کنندگان ریخت و ساختار پرسنل نظام در رأی دهندگان داراست و بالطبع سهم کمتری از قدرت را. حال اینکه چگونه بخشی از نظام (حکومت) در عین برخورداری از پشتوانه ۲۰ میلیون رأی، اپوزیسیون خوانده می شود، مسامحه صرف نیست؛

۱- همان.

مشکل منحصر به فرد نظام، چنین حکم می کند.(۱)

وی در ادامه به جناح بازنده دوم خرداد که عجالتا پست های کلیدی نظام را در اختیار دارند، هشدار می دهد از مقابله با مردم و مقاومت در برابر خواست آنان در مورد تغییرات و اصلاحات ساختاری قدرت که نتیجه ای جز درگیری های خشونت بار و قهرآمیز ندارد، بپرهیزند:

ناگفته پیداست آنچه با این ترتیبات به تثبیت و توسعه نظام یاری می رساند، همان طور که گفته شد وفاداری دیرپای مردمی متبلور در اپوزسیونی است که خصیصه «اصلاح طلبی» دارد. در حالی که می توانست، برای مثال، از خصیصه «ساختاری» برخوردار بوده، به ابزار و روش های قهرآمیز توسل جوید. حال اگر این روند، سیر طبیعی و مطلوب خود را طی نکند، چه خواهد شد؟ یعنی اگر مطالبات جدی مردم به هیچ انگاشته شود و از اپوزسیونی که به هر حال وجود دارد، شرایط و زمینه های فعالیت رسمی، قانونی و سالم سلب شود، چه تبعاتی خواهد داشت. بی شک، اگر این دو، نشانه های مثبت و قانع کننده ای را در طرح و تحقق مطالبات خود نبینند، صورت مسئله بغرنج تر و حمل آن دشوارتر خواهد بود. اپوزیسیون رادیکال تر شده تا بتواند اولاً خواست های خود را جامعه عمل بپوشاند و ثانیا انتظارات توده مردم را پاسخگو باشد. مردم نیز با تحت فشار قرار گذاشتن بیش از پیش اپوزیسیون در رادیکال شدنش تأثیر مضاعف خواهند گذاشت و در صورت ناکامی غایی در نیل به اهداف خود، به اپوزیسیون های دیگر روی می آورند. به تبع این اتفاق، جناح یا جناح هایی که فعلاً بخش های عمده تری را از دستگاه حکومتی در اختیار دارند، متدرجا از امکان فراهم سازی شرایط مطلوب اینان به مرحله جلوگیری از طرح خواسته هایشان پا می گذارند و از آن به سرکوب قهرآمیز.(۲)

۱- همان.

۲- همان.

در نهایت به جناح محافظه کار توصیه مؤکد می کند که:

آن دسته از جناح های حکومت که به تحولات علت ساز و معلول دوم خرداد روی خوش نشان نداده اند، با تجدید نظر اساسی در انگاره و رفتار خود در قبال این تحولات، به سمت پویایی و ثبات روزافزون نظام حرکت کنند. از این دیدگاه (ایفای نقش عقلانی ــ اخلاقی هر یک از جناح ها) کلیت نظام رویاروی یک آزمون بزرگ قرار دارد. ناکامی در این آزمون، در دادگاه تاریخ که داور اصلی اش، نسل های آینده اند، نابخشودنی است.(۱)

چنان که مشاهده می شود، مخالفت و مقابله صلح آمیز مردم با سران قدرت در جمهوری اسلامی، محوری ترین مطلبی است که آقای لیلاز با مسلّم انگاشتن و بازگویی مکرر آن، در پی القای آن به عنوان حقیقت مسلّم به مخاطبان است. وی از آموزش این نکته اساسی به مخاطبان خود نیز دریغ نورزیده است که در صورت تمکین نکردن صاحبان قدرت به خواست و نظر مردم، تنها راه گریزناپذیر، مبارزه قهرآمیز است. اتفاقا آقای لیلاز در دیگر مقاله های خود ــ مانند دیگر مقاله نویسان روزنامه جامعه ــ عبرت نگرفتن و استمرار برخوردهای مقتدرانه و انحصاری جناح حاکم را مکررا تلقین می کند و در برخی موارد، از خویشتن داری مردم و تأخیر در مبارزه های قهرآمیز اظهار شگفتی می کند:

این ملت چقدر شریف است که به جای وزارت امور خارجه، سفارت پاکستان را هدف خشم و تظاهرات خود ساخته است.(۲)

با احتمال قریب به یقین، می توان مقاله های آقای لیلاز را ــ برخلاف

۱- همان.

۲- توس، ش ۲۸.

ادعای اولیه مسئولان روزنامه های جامعه و توس در پای بندی به قانون اساسی، التزام به ولی فقیه و پرهیز از ناسزاگویی سیاسی ــ از مصادیق بارز تقبیح و تخریب مسئولان ارشد نظام ایران و تحریک مردم به شورش و اعتراض علیه هیئت حاکمه به شمار آورد.

دو ــ جناح راست و قانون

دو ــ جناح راست و قانون

آقای لیلاز در یادداشت ۲۳/۴/۷۷ روزنامه جامعه به تفصیل، به بررسی عملکرد جناح راست در برابر قانون پرداخته است. ایشان معتقد است که جناح راست به منظور تأمین منافع گروهی، به تنظیم قوانین و خصوصا تفسیر به رأی آن می پردازد. ایشان در تحلیلی درباره حکم لغو امتیاز روزنامه جامعه توسط قوه قضاییه می نویسد:

تفسیر خودسرانه و تک مرجعی قانون، نحوه اجرا و در اختیار داشتن تمام یا بخشی از نهادها و کارگزاران و نیروهای اجرایی آن، قانون را به ضد خود تبدیل می کنند. در این میان، مورد نخست، یعنی تفسیر انحصاری و تک مرجعی قانون مهم تر و شاخص تر می نماید. این حربه برای آنان که در پی منافع جناحی، غیرمردمی و به ویژه غیرقانونی اند، بسیار کاراست و ازاین رو، برای اینان لزومی ندارد که ضرورت قانون را یک سره انکار کنند و بر آن پا بگذارند و به طاق نسیانش کوبند.(۱)

در بخش دیگری از همین یادداشت پس از آنکه جناح راست را به ایجاد تضییقات و معضلاتی برای رئیس جمهور از طریق تفسیر دل بخواهی از قانون متهم می کند، ادامه می دهد که:

با استناد به قانون، حتی ضعیف ترین و سست ترین و بی ربط ترین مصادیق نقض قانون

۱- جامعه، ش ۱۱۲.

، بزرگ نمایی شده، با تفسیر یک جانبه و انحصاری و دل بخواهی و اغراق آمیز و غیراخلاقی توأم گشته، شدیدترین حکم ممکن صادر می شود و نتیجه مطلوب حاصل می آید.

لیلاز در پایان، جناح راست و به ویژه قوه قضاییه را به رفتار کودکانه و ناعاقلانه متهم می کند و می نویسد:

جناح راست باید بداند که همچون آن کودکی رفتار می کند که دایما مرگ آموزگارانش را آرزو می کرد، حال آنکه می بایست مرگ پدرش را بخواهد، چون تا پدر باشد مکتب رفتن و یافتن آموزگاری دیگر قریب به یقین.

آقای لیلاز در مقاله «چک بی محل»، جناح راست و مسئولان ارشد نظام را به استفاده ابزاری از قدرت و قانون برای بیرون راندن مخالفان از صحنه و تحکیم پایه های حکومت خود متهم می سازد. این صفت که در میان همه ملت ها و فرهنگ ها صفتی غیراخلاقی و ضدانسانی تلقی می شود، اگرچه انتسابش به جناح حاکم ـ به ویژه اگر رهبری نظام را در برگیرد ـ و قوه قضاییه صرفا به دلیل محاکمه یک نشریه، ادعایی بزرگ، احتمالاً نابخشودنی و قابل پی گرد قانونی است، از سویی دیگر، ضرورت تبیین آزادی مطبوعات و حدود آن را در جامعه دینی گوشزد می کند. نکته جالب توجه، سیر منطقی بحث های آقای لیلاز است. ایشان در مقاله «آزمونی در قدرشناسی یک موهبت» ـ جامعه، ۱۸/۴/۷۷ ـ اعلام می کند اگر جناح حاکم که عجالتا پست های کلیدی متعددی را در اختیار دارد، به خواست عمومی تمکین نکند، مردم ناگزیرند به مبارزه قهرآمیز روی آورند و درست پنج روز بعد ـ جامعه ۲۳/۴/۷۷ ـ در مقاله «چک بی محل» به خوانندگان خود گوشزد می کند که جناح حاکم و بازنده دوم خرداد، نه تنها متنبه نشده است، بلکه با سوء استفاده از قدرت و ابزارهای قانونی، به بیرون راندن رقیبان همت گمارده

ص: ۲۴۱

است:

مجموعه موانع تضییقات و معضلاتی که جناح بازنده دوم خرداد از آن پس، بر دولت آقای خاتمی و جنبش جامعه مدنی تحمیل می کند، غالبا در چارچوب قانون و به نام اجرای قانون باز هم مهم تر از هر چیز، بر مبنای تفسیر دل بخواهی از قانون بوده است.(۱)

سه _ جناح راست و رئیس جمهور

سه _ جناح راست و رئیس جمهور

انتخابات دوم خرداد و حمایت نکردن برخی گروه ها و جمعیت ها از آقای خاتمی، موجب شد که تحلیل ها و برداشت های متفاوتی از رابطه این گروه ها و جمعیت ها با رئیس جمهور پس از انتخابات دوم خرداد در اذهان عمومی نقش ببندد. چنان که برخی آن را به تقابل و دشمنی و گروهی دیگر آن را به رقابتی سالم بین دو جریان خودی تعبیر کردند. آقای لیلاز برای ترسیم رابطه میان رئیس جمهور و گروه های رقیب، بیش از هر چیز از تعبیر جناح بازنده انتخابات و جناح پیروز استفاده می کند(۲) و از این طریق تلاش می کند رابطه ای تیره و خصمانه را میان آنها به تصویر کشد. ازاین رو، ادعای رقبای خاتمی در وحدت و همدلی و وفاق با دولت وی و اهداف و برنامه هایش را ترفندی سیاسی و از مقوله چک بی محل معرفی می کند:

جامعه بیش از پیش در خواهد یافت که ادعای جناح راست در وحدت و همدلی و وفاق با دولت آقای خاتمی، اهداف و برنامه هایش _ که توسعه سیاسی از اهم آنهاست و آزادی مطبوعات از اهم شئون سیاسی _ تنها از مقوله صدور چک بی محل است.(۳)

آقای لیلاز به این مقدار بسنده نکرده است. او برای تعمیق چالش ها و

۱- جامعه، ۲۳/۴/۱۳۷۷.

۲- جامعه، ش ۱۰۹.

۳- جامعه، ۲۳/۴/۱۳۷۷.

شکاف های جناحی، به اهداف و منافع غیرمردمی و غیرقانونی جناح رقیب(۱) و مجموع موانع و تضییقات و معضلاتی که بر دولت آقای خاتمی و جنبش جامعه مدنی تحمیل کرده اند، اشاره می کند.(۲) بر این اساس، همه موضع گیری ها و رفتارهای جناح راست ــ به اصطلاح ایشان ــ را بر مبنای مخالفت و تضعیف دولت خاتمی ــ و نه منافع ملی و خواسته های مردم ــ تفسیر می کند. مثلاً قوه قضاییه در برخورد با پرونده آقای کرباسچی بیش از آنکه حق و باطل یا حتی مصلحت نظام را در نظر بگیرد، تحت تأثیر علل و عوامل سیاسی به صدور حکم پرداخته است:

مردم طی پی گیری های قابل ستایش پرونده دادرسی، آشکارا موارد اتهامی را سست و بی پایه می دانند و استنکاف قوه قضاییه را در بررسی کارشناسانه تر موضوع، نشئت گرفته از علل و عوامل سیاسی قضیه و برائت متهم قلمداد می کنند، چون نتیجه قضایی پرونده در درجه دوم اهمیت قرار دارد... .(۳)

از آنچه گذشت می توان نتیجه گرفت که آقای لیلاز در بحث جناح بندی های سیاسی، سه مطلب اساسی را دنبال می کند:

۱. انصراف اذهان عمومی از تضادهای بیرونی نظام و انقلاب (با ضد انقلاب و استکبار) به اختلافات درونی و درگیری های جناح های سیاسی؛

۲. تلقین «جنگ قدرت» و «تضاد منافع» میان جناح های درگیر به جای اختلاف دیدگاه ها و سلیقه ها؛

۱- نک: ص ۲۱۵.

۲- مانند نقل قول بالای همین صفحه.

۳- جامعه، ش ۱۰۱.

۳. عمیق جلوه دادن چالش های موجود و بزرگ نمایی آن به گونه ای که احتمال هرگونه آشتی و وحدت را منتفی می سازد.

ب) لیلاز و قوه قضاییه

ب) لیلاز و قوه قضاییه

موضوع دیگری را که در یادداشت ها و مقالات آقای لیلاز پی می گیریم، بررسی دیدگاه های ایشان درباره قوه قضاییه و توانایی ها و کاستی های آن است. در میان پنج مقاله بررسی شده، دو مقاله در این باره نگاشته شده است. در یکی، به طور مستقل، میزان عدالت و دقت قوه قضاییه بررسی و در مقاله دوم، قوه قضاییه به عنوان بخشی از جناح راست به علت تفسیر دل بخواهی قانون مورد اعتراض واقع شده است.

در اینجا پیش از هرگونه تحلیلی لازم است به تعبیرهای ایشان درباره قوه قضاییه نگاهی بیفکنیم.

جدول تحلیل محتوای کیفی گرایش آقای لیلاز به قوه قضاییه

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

له

علیه

نشانی

قوه قضاییه

۱. متهم همواره خواهان بررسی های دقیق، کارشناسانه و فنی است و سرباز زدن از این خواسته شهردار تهران تنها به زیان قوه قضاییه است.

;nbsp

×

جامعه شماره ۱۰۱

۲. مردم استنکاف قوه قضاییه را در بررسی کارشناسانه تر موضوع نشئت گرفته از علل و عوامل سیاسی و قضیه و برائت متهم قلمداد می کنند.

;nbsp

×

جامعه شماره ۱۰۱

۳. مردم طی پی گیری های قابل ستایش پرونده و داوری، آشکارا مورد اتهامی را سست و بی پایه می دانند.

;nbsp

×

جامعه شماره ۱۰۱

۴. آیا اساسا در بدنه اجرایی کشور، اختلاس ارتشا و فسادی گسترده و مزمن وجود دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، چرا قوه قضاییه به آنها نمی پردازد؟

;nbsp

×

جامعه شماره ۱۰۱

۵. قوه قضاییه با پرداختن طولانی مدت و تا حدی کسل کننده به یک مورد نافرجام خواسته و ناخواسته افکار عمومی را منحرف، خسته و بی حساسیت می سازد.

;nbsp

×

جامعه شماره ۱۰۱

۶. در (جریان لغو امتیاز روزنامه جامعه توسط قوه قضاییه) با استناد به قانون حتی ضعیف ترین و سست ترین و بی ربط ترین مصادیق نقض قانون بزرگ نمایی شده، با تفسیر یک جانبه، انحصاری و دل بخواهی و اغراق آمیز و غیراخلاقی توأم گشته، شدیدترین حکم ممکن صادر می شود و نتیجه مطلوب حاصل می آید.

;nbsp

×

جامعه شماره ۱۱۲

جدول تحلیل کمی ارزش یابی محتوای مقاله قوه قضاییه

موضوع داوری

مفهوم عامیانه

نمره

فعل

نمره

حاصل ضرب

قوه قضاییه

از خواسته های مردم

+۳

سرباز می زند

-۲

-۶

ص: ۲۴۴

قوه قضاییه

اتهاماتی سست و بی پایه مطرح

-۳

می کند

+۲

-۶

قوه قضاییه

با پرونده برخورد سیاسی

-۳

می کند

+۳

-۹

قوه قضاییه

افکار عمومی را منحرف

-۳

می کند

+۳

-۹

قوه قضاییه

افکار عمومی را خسته

-۲

می کند

+۳

-۶

قوه قضاییه

افکار عمومی را بی حساسیت

-۲

می سازد

+۳

-۶

قوه قضاییه

از جرائم بزرگ غفلت

-۳

می کند

+۳

-۹

قوه قضاییه

دارای عملکرد نادرست

-۳

راست

+۳

–

قوه قضاییه

دارای رفتاری عصبی و تند

–۳

است

+۳

–۹

قوه قضاییه

به تفسیر دل بخواهی و خودسرانه قانون

–۳

می پردازد

+۳

–۹

نتایج به دست آمده از جدول را در فرمول قرار می دهیم:

۳۱× –۱۰۷۸ = –۶۰/۲

نتیجه محاسبه، شدت انزجار آقای لیلاز از دستگاه قضایی و احکام آن را نشان می دهد.

آقای لیلاز مقارن با محاکمه آقای کرباسچی و متعاقب لغو امتیاز روزنامه جامعه، با نقد و بررسی عملکرد قوه قضاییه، عدالت خواهی این قوه را مورد تردید جدی قرار می دهد. مجموعه اعتراض های ایشان به قوه قضاییه در محورهای زیر خلاصه می گردد:

۱. قوه قضاییه به جای برخورد قانونی با جرایم، برخورد سیاسی می کند.(۱)

۲. قوه قضاییه با غفلت از بقیه جرایم موجود در بدنه اجرایی کشور و پ

۱- نک: ص ۲۱۸.

رداختن طولانی و بی مورد به برخی پرونده ها، افکار عمومی را منحرف، خسته و بی حساسیت می سازد:

این پرسش جان می گیرد که آیا اساسا در بدنه اجرایی کشور، اختلاس، ارتشا و فسادی گسترده و مزمن وجود دارد و در صورت مثبت بودن پاسخ، چرا قوه قضاییه به آنها نمی پردازد و چرا با غفلت از آنها و پرداختن طولانی مدت و تا حدی کسل کننده به یک مورد نافرجام (اثبات فساد در دستگاه شهرداری...) خواسته یا ناخواسته افکار عمومی را منحرف و خسته و بی حساسیت می سازد.(۱)

۳. تفسیر خودسرانه، تک مرجعی و دل بخواهی قوه قضاییه از قانون به منظور دست یابی به منافع غیرقانونی جناحی و گروهی.(۲)

دلیل اصلی آقای لیلاز برای توصیف کلیت قوه قضاییه به بی عدالتی و اوصاف دیگر، پیش داوری غیرمستند ایشان درباره بازداشت و محاکمه سیاسی آقای کرباسچی و بی گناهی وی و نیز ناعادلانه بودن حکم لغو امتیاز روزنامه جامعه است. در این مورد چند پرسش پیش می آید:

ـ آیا هر شهروندی به سبب ارتباط عاطفی و تعلق خاطر به متهم یا متهمان و با تکیه بر پیش داوری و حدس و گمان خود می تواند دادگاه، قاضی و عدالت آن را زیر سؤال برد؟

ـ بر فرض که قانون چنین حقی را برای شهروندان در نظر بگیرد، آیا راه اعمال آن، نقد و بررسی منطقی دادگاه و حکم صادر شده است یا تخریب حیثیتی دادگاه و قاضی؟

۱- جامعه، ۹/۴/۱۳۷۷.

۲- نک: صص ۲۱۵ و ۲۱۷.

ـ اگر توهین و تخریب حیثیت دادگـاه و قاضـی، قانونی و روا باشـد، آیا این پیش داوری مستمسـکی برای توهین به کلیت قوه قضاییه، دادگاه ها و قضات است؟

ـ بر فرض که پیش داوری نویسـنده مطابق واقع باشد و محاکمه شهردار و حکم لغو امتیاز روزنامه جامعه واقعا ناعادلانه باشد، آیا به اسـتناد آن، کلیت قوه قضاییه و احکام صادر شده باید مورد تردید و توهین قرار گیرد و به بی عدالتی متهم شود یا صـرفا رئیس قوه قضاییه، قاضی و دادگاه مورد سؤال و انتقاد مستند قرار گیرند؟

ـ آیا برای روزنامه ای که مسـئولان محترمش مکررا آن را به عنوان بهترین الگوی روزنامه جامعه مدنی معرفی کرده اند، بهتر نبود به جـای جنـگ روانی و تخریب چهره دادگاه و قوه قضاییه، به طرح ادله دادگاه و رد مسـتند و منطقی آن بپردازد و نتیجه گیری را بر عهده خوانندگان فهیم و باشعور خود بگذارد؟

ـ به راستی، اگر به دلیـل خطاهـای موردی قضـات و دادگـاه ها، قرار باشـد عـدالت خواهی دسـتگاه قضایی هر کشوری مورد تردید و تشکیک قرار گیرد، چه جای گزینی برای حفظ نظم و اجرای قانون باقی می ماند؟

به هر حال، آنچه از بررسـی جدول تحلیل محتوای کمّی اسـگود و کاربرد واژه ها و تعبیرهای خشن اسـتفاده می شود، تردید و تشـکیک آگاهـانه آقـای لیلاز در مشـروعیت و عـدالت خواهی قوه قضاییه است، نه بررسـی منتقـدانه عملکرد و احکام صادره برخی از دادگاه ها. ناگفته پیداست که اسـتمرار چنین روندی، بسیج احساسات و افکار عمومی علیه قوه قضاییه نظام جمهوری اسلامی را به دنبال دارد.

ج) لیلاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی

ج) لیلاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی

ص: ۲۴۷

موضوع دیگری که در مقاله های درج شده از آقای لیلاز مورد توجه قرار گرفته است، مسئله سیاست خارجی ایران است. ایشان در مقاله ای که در مورخ ۴/۶/۷۷ در روزنامه توس درج شده است، به بهانه گروگان گرفته شدن کارمندان سفارت ایران در افغانستان و خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی، تحلیلی یک سویه و کاملاً منفی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ارائه داده است. در واقع، جنایات طالبان در افغانستان و غافل گیری وزارت امور خارجه در مقابل آن، دست آویزی برای تقبیح و تردید در سیاست های خارجی ایران در همه صحنه ها از ابتدای انقلاب تاکنون و نادیده گرفتن موفقیت های آن قرار گرفته است.

قبل از آنکه به تحلیل محتوایی مقاله یاد شده و ترسیم اهداف آن بپردازیم، لازم است به تعبیرهای به کار رفته درباره وزارت امور خارجه، نگاهی گذرا داشته باشیم.

جدول تحلیل محتوای کیفی گرایش آقای لیلاز به سیاست های خارجی نظام

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

له

علیه

نشانی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

۱. سیاست خارجی ایران رنگ و بوی ایدئولوژیک دارد

;nbsp

×

توس ۴/۶/۷۷

۲. سیاست خارجی ایران سخت غیرمنعطف است.

;nbsp

×

توس ۴/۶/۷۷

۳. سیاست خارجی ایران به روز نیست.

;nbsp

×

توس ۴/۶/۷۷

۴. استراتژی و افق های دور دست و دیدگاه های کلان _ که همگی باید منطقی و عقلایی باشد _ و راهکارهای منطقی و عقلایی در خود آنها در سیاست خارجی ما محلی ندارد.

;nbsp

×

توس ۴/۶/۷۷

۵. حتی در جزئیات و امور پیش پا افتاده نیز حداقل کارآیی دیده نمی شود.

;nbsp

×

توس ۴/۶/۷۷

۶. سیاست خارجی ما از عدم وقوف کامل بر منابع قدرت ملی مان _ در کنار دیگر عوامل _ به ضعفی مفرط و مزمن گرفتار آمده است.

;nbsp

×

توس ۴/۶/۷۷

۷. کار شاید از ضعف گذشته به خونریزی داخلی رسیده باشد.

;nbsp

×

توس ۴/۶/۷۷

۸. اینک بر اثر ندانم کاری دستگاه رسمی سیات خارجی اش امروز به جایی رسیده است که باید با توسل به قدرت های درجه ۲ منطقه (پاکستان) و واسطه تراشی های پراکنده، هیئت نمایندگی به گروگان گرفته شده خود را باز پس بگیرد.

;nbsp

×

توس ۴/۶/۷۷

۹. وزارت امور خارجه این منابع عظیم قدرت ملی را نفله کرده است.

;nbsp

×

توس ۴/۶/۷۷

۱۰. این ملت چقدر شریف است که به جای وزارت خارجه، سفارت پاکستان را هدف خشم و تظاهرات خود ساخته است.

;nbsp

×

توس ۴/۶/۷۷

اگر این تعبیرها با اندک تغییری ــ بدون آنکه به محتوای اصلی آنها لطمه ای وارد آید ــ به مفاهیم عامیانه و جمله های کوتاه و روشن تبدیل شود، می توانیم درجه مخالفت ایشان با اصول سیاست خارجی ایران را به کمک جدول تحلیل ارزش یابی اندازه گیری کنیم.

موضوع داوری

مفهوم عامیانه

نمره

فعل

نمره

حاصل ضرب

سیاست خارجی ایران

رنگ و بوی ایدئولوژیک

-۱

دارد

+۳

-۳

سیاست خارجی ایران

سخت غیرمنعطف

-۳

است

+۳

-۹

سیاست خارجی ایران

به روز

+۳

نیست

-۳

-۹

سیاست خارجی ایران

راهکارهای منطقی و عقلایی

+۳

محلی ندارد

-۲

-۶

سیاست خارجی ایران

آینده نگری

+۳

وجود ندارد

-۲

-۶

سیاست خارجی ایران

حداقل کارآیی

+۲

دیده نمی شود

-۲

-۴

سیاست خارجی ایران

برمنافع ملی وقوف کامل

+۳

ندارد

-۳

-۹

سیاست خارجی

به ضعفی مفرط و مزمن

-۳

گرفتار آمده است

+۲

-۶

وزارت امور خارجه

دچار ندانم کاری

-۲

شده است

+۲

-۴

وزارت امور خارجه

منابع عظیم قدرت ملی را نفله

+۳

کرده است

-۲

-۶

وزارت امور خارجه

باید مورد حمله مردم

-۳

قرار می گرفت

+۲

-۶

نتایج به دست آمده از جدول را در فرمول قرار می دهیم:

۳۱× -۱۰۶۸ = -۰۶/۲

با توجه به آنچه در جمع بندی جدول ارزش یابی پیشین گفته شد و نزدیک بودن ۰۶/۲- به عالی ترین سطح مخالفت، می توان نتیجه گرفت که آقای لیلاز موضع گیری بسیار شدیدی علیه سیاست خارجی ایران دارد.

موضع گیری ایشان در قبال سیاست خارجی ایران بر چند محور اساسی

استوار است:

محور اول: سیاست خارجی ایران آینده نگری ندارد و صرفا بر اساس گرایش های ایدئولوژیک عمل می کند تا مصلحت های سیاسی و محلی. آقای لیلاز در این باره می گوید:

آری سیاست خارجی ایران رنگ و بوی ایدئولوژیک دارد. سخت غیرمنعطف است. به روز نیست. استراتژی و افق های دور دست و دیدگاه های کلان _ که همگی باید منطقی و عقلایی باشد _ و راهکارهای منطقی و عقلایی در خور آنها در سیاست خارج ما محلی ندارد.(۱)

محور دوم: سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر توان مندی های ملی تکیه ندارد و منابع عظیم قدرت ملی را نادیده گرفته است. آقای لیلاز در توضیح این محور می نویسد:

سیاست خارجی ما از عدم وقوف کامل بر منابع قدرت ملی مان _ در کنار دیگر عوامل _ به ضعفی مفرط و مزمن گرفتار آمده است و کار شاید از ضعف گذشته و به خونریزی داخلی رسیده باشد.(۲)

سپس فهرست مفصلی از توانایی های کشور ایران را از جهت منابع عظیم طبیعی، مقبولیت سیاسی، قدرت نظامی و موقعیت ژئوپلیتیکی ارائه می دهد و با انتقاد از کمک خواهی ایران از پاکستان، نتیجه گیری می کند که:

جز اینکه بگویم وزارت امور خارجه این منابع عظیم قدرت ملی را نفله کرده، چه می توان گفت.(۳)

ص: ۲۵۰

۱- توس، ش ۲۸.

۲- همان.

۳- همان.

محور سوم: نتیجه منطقی محور اول است و تأکید بر ناتوانی، ناکارآیی و ضعف مفرط سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران در معادلات سیاسی جهان امروز است. ایشان در این زمینه می گوید:

راهکارهای منطقی و عقلایی در سیاست خارجی ما محلی ندارد. حتی در جزئیات و امور پیش پا افتاده نیز حداقل کارآیی دیده نمی شود. مثلاً در دستور ترک مزارشریف به هیئت ایرانی، پیش از اشغال توسط طالبان، که نه هوشیاری، بلکه تبعیت از غریزه هم کافی بود.(1)

آقای لیلاز در این بحث نیز کاربرد واژه ها و تعبیرهای تند، خشن و تحقیرآمیز را بر بحث و بررسی علمی رویدادها در فضایی آرام و منطقی ترجیح داده است و به تقبیح سیاست خارجی جمهوری اسلامی به ویژه عملکرد خارجی دولت آقای خاتمی پرداخته است. تحلیل وی از سیاست خارجی نظام در وقایع افغانستان به گونه ای طرح ریزی شده است که مخاطب در پایان مقاله به درستی سیاست خارجی ایران در دیگر موارد ــ مانند لزوم قطع رابطه با امریکا و اسرائیل ــ شک و تردید به خود راه می دهد. از سوی دیگر، به جای دعوت از ملت ایران برای اتحاد و همدلی با دولت مردمی علیه دشمنان خارجی، احساسات عمومی را علیه وزارت خارجه دولت آقای خاتمی بسیج می کند:

این ملت چقدر شریف است که به جای وزارت خارجه، سفارت پاکستان را هدف خشم و تظاهرات خود ساخته است.(2)

نکته قابل توجه برخورد دوگانه آقای لیلاز با دولت آقای خاتمی است.

۱- همان.

۲- همان.

ایشان از یک سو، جناح راست را به خاطر لغو امتیاز روزنامه جامعه، در ادعای همدلی و وفاق با دولت آقای خاتمی دروغ گو می نامد(۱) و از سوی دیگر، با وجود حمایت های مکرر لفظی از دولت آقای خاتمی، در بررسی عملکرد آن، به جای نقد علمی و صمیمی، با استفاده از تعبیرهای خشن و تحقیرآمیز، ندانم کاری و ناتوانی آن را در تصمیم گیری های عاقلانه و منطقی گوشزد می کند.

حق انتخاب و رأی مردم از دیدگاه آقای لیلاز

لیلاز مکرر از عنصر حمایت و پشتوانه مردمی جبهه دوم خرداد _ که خود را عضوی از آن می داند _ سخن می گوید(۲) و جناح رقیب _ محافظه کار، در تعبیر ایشان _ را به رویارویی و مقابله با آرای اکثریت مردم متهم می کند.(۳) در آغاز تحلیل محتوای این بخش از دیدگاه ها و گرایش های آقای لیلاز، خوب است با استفاده از جدول تحلیل کمی و کیفی با گرایش واقعی ایشان آشنا شویم. جدول های کمی و کیفی به این پرسش پاسخ می دهند که آقای لیلاز به رأی اکثریت مردم، نقش تعیین کننده و اساسی آن در معادلات سیاسی، اگر

۱- نک: ص ۲۱۷.

۲- جامعه، ۱۸/۴/۱۳۷۷: در کنار دیگر عوامل و عناصر مقوم نظام، عنصر حمایت گسترده مردمی در پاسداری از حاکمیت و حکومت و تثبیت و ماندگاری نظام نقشی به سزا داشته است... جناح پیروز که از این بحث در اقلیت به سر می برد با پشتوانه فراگیر مردمی کاملاً مستعد تجمع و فعالیت مؤثر در چارچوب یک اپوزیسیون رسمی است.

۳- وی پس از اشاره موانع و تضییقات که به گمان وی، جناح رقیب برای دولت مردمی آقای خاتمی به وجود آورده، می نویسد: نه در این مرز و بوم و نه در بسیاری از کشورهای دیگر، تازگی ندارد که این مصائب بر نیروهایی وارد شود که پشتوانه عظیمی از آرای مردمی را با هر علل و عواملی با خود دارد. (جامعه ۲۳/۴/۱۳۷۷)

چه بر خلاف دیدگاه ها و گرایش های فردی و گروهی وی باشد، گرایش دارد یا اصولاً نسبت به آن خنثی یا گرایش منفی دارد و صرفا به دلیل هم خوانی مقطعی مردم با مقاصد گروهی، از آنان تجلیل کرده است. با هم تعبیرهای ایشان را درباره رأی مردم، میزان صائب بودن و قوام و استواری آن مرور می کنیم.

موضوع

تعبیرهای به کار رفته

علیه

له

نشانی

رأی مردم و نظر اکثریت و ویژگی های آن

۱. مردم صبح مصدقی بودند و عصر ضدمصدقی.

;nbsp

×

توس ۳/۶/۷۷

۲. «مردم انقلابی»، «مردم همیشه در صحنه» و... توهم و رؤیاست.

;nbsp

×

توس ۲۳/۴/۷۷

۳. نیروهای برخوردار از رأی اکثریت مردم مهجورند.

;nbsp

×

توس ۲۳/۴/۷۷

۴. مردم کارگزاران دایمی سیاست نیستند.

;nbsp

×

توس ۲۳/۴/۷۷

۵. حتی اگر در خوش بینانه ترین تحلیل ــ مردم را کارگزاران دایمی سیاست بدانیم ــ باز هم تضمینی نیست که انرژی و اعمالشان را در جهت ثابت و پایداری پیش بینی کنیم.

;nbsp

×

توس ۲۳/۴/۷۷

۶. تکیه بیش از اندازه و همیشگی بر پشتوانه عظیم بیست میلیونی و از این قبیل ادعاها خطاست. یک خطای محاسباتی فاجعه آفرین.

;nbsp

×

توس ۲۳/۴/۷۷

۷. حمایت های مردمی در معرض بی ثباتی، تزلزل و تلاشی است.

;nbsp

×

توس ۲۳/۴/۷۷

۸ . عنصر حمایت گسترده مردم در پایداری از حاکمیت و حکومت و تثبیت و ماندگاری نظام نقشی به سزا داشته است.

;nbsp

×

توس ۱۸/۴/۷۷

آقای لیلاز در این تعبیرها ـ که خواننده را ناخودآگاه به یاد تعبیرهای آقای جلایی پور درباره ملت ایران و جامعه ایرانی می اندازد(۱) ـ به هم فکران خود هشدار می دهد که به سه دلیل، تکیه بیش از اندازه و خوش بینانه به رأی مردم، یک فاجعه و خطای بزرگ است:(۲)

۱. حضور سیاسی مردم، مقطعی و آنی و تداوم ناپذیر است.

۲. حضور آنان در صحنه های مختلف، غیرقابل پیش بینی و برنامه ریزی است.

۱- نک: به دیدگاه های آقای جلایی پور.

۲- توس، ۳/۶/۱۳۷۷.

۳. حضور سیاسی مردم و رأی اکثریت، متزلزل و سریعا تغییرپذیر است.

از نمایی نزدیک با این توصیه و دلایل آن آشنا می شویم:

جنبش جامعه مدنی می باید با این واقعیت برخوردی طبیعی و واقع بینانه داشته باشد و بداند که تکیه بیش از اندازه و همیشگی بر پشتوانه عظیم بیست میلیونی و از این ادعاها خطاست. یک خطای محاسباتی فاجعه آفرین، چنین پشتوانه ای... می تواند اولاً همچون شمشیری دو لبه عمل کند و ثانیا در معرض بی ثباتی، تزلزل و تلاشی است.(۱)

پدیده ای به نام اکثریت مردم، سخت نسبی و تغییرپذیر است و ثانیا در صورت وجود بی چون و چرای آن کاملاً شناور، به گفته ریمون آرون مردم انقلاب می کنند، ولی انقلابی نیستند [یا انقلابی نمی مانند.]. نادیده انگاشتن این واقعیت، کاملاً غیر طبیعی است. «طبیعت» مردم چنین است. سیاست همچون بسیاری دیگر از امور، کارگزاران خاص خود را می طلبد که غالبا ــ متأسفانه یا خوشبختانه ــ مردم را نمی توان کارگزاران دایمی اش دانست. حتی اگر ــ خوش بینانه ترین تحلیل ــ مردم را کارگزاران دایمی سیاست بدانیم (انقلابیون دایمی و حرفه ای، که...) باز هم تضمینی نیست که انرژی و اعمالشان را در جهت ثابت و پایداری پیش بینی کنیم.(۲)

جدول تحلیل کمی گرایش آقای لیلاز به رأی اکثریت مردم

موضوع داوری

مفهوم عامیانه

نمره

فعل

نمره

حاصل ضرب

مردم

صبح مصدقی وعصرضدمصدقی

-۳

بودند

+۲

-۶

مردم انقلابی وهمیشه درصحنه

یک توهم

-۳

است

+۳

-۹

نیروهای مورد حمایت مردمم

هجور و مورد ظلم و تعدی

-۲

هستند

+۳

-۶

حضور سیاسی مردم

دایمی و پایدار

+۲

نیست

-۳

-۶

رأی و نظر مردم

طبیعتا متزلزل و ناپایدار

-۳

است

+۳

-۹

اعتمادوخوشبینی به رأی مردم

خطا و فاجعه آمیز

-۳

است

+۳

-۹

حمایت های مردم

در معرض تزلزل و تلاشی

-۲

است

+۳

-۶

حمایت های مردمی

نقش به سزا در تحکیم نظام

+۲

داشته است

+۲

+۴

۳۱× −۱۰۴۷ = −۹۶/۱

ص: ۲۵۴

۱- همان.

۲- همان.

عدد به دست آمده نشان می دهد آقای لیلاز ــ بر خلاف ادعای ظاهری ــ نه تنها به رأی مردم اعتماد و گرایش ندارد، بلکه با اعمال و ترتیب اثر دادن آن در ساختار و معادلات سیاسی کاملاً مخالف است.

با بررسی این تحلیل کمی، این پرسش پیش می آید که با توجه به این دیدگاه و گرایش کاملاً منفی نسبت به مردم و رأی آنان در صحنه های سیاسی، چرا آقای لیلاز بعضا ــ چنان که پیش از این ذکر شد ــ به آن استناد می جوید؟[(۱)] به نظر نگارنده این سطور به احتمال قوی، تحقیق علمی و مطالعه میدانی برای سنجش نظرها و گرایش های مردم ــ در موضوعاتی که آقای لیلاز به آن اشاره کرده است ــ در کار نبوده و همراهی مردم و نسبت های داده شده به آنان مبتنی بر حدس و گمان روزنامه نگاری بوده است. ازاین رو، تمسک و استناد به قول مردم و رأی اکثریت آنان در آثار آقای لیلاز بیشتر به یک نوع جنگ روانی و تدبیر ژورنالیستی برای تلقین برخورداری جناح خودی در همه زمینه ها از پشتوانه مردمی و طرد جناح رقیب شباهت دارد تا احترام به رأی و نظر اکثریت مردم که در موضوع های یادشده اصلاً از راه و روش علمی به دست نیامده است.

نتیجه گیری

نتیجه گیری

اگر چه نتیجه گیری و تحلیل نهایی مقاله های آقای لیلاز به عهده

ص: ۲۵۵

۱- مانند تعبیر وی در روزنامه جامعه، ۹/۴/۱۳۷۷: مردم طی پی گیری هایی قابل ستایش پرونده و دادرسی آشکارا، موارد اتهامی را سست و بی پایه می دانند و استنکاف قوه قضاییه را در بررسی کارشناسانه تر موضوع، نشئت گرفته از علل و عوامل سیاسی قضیه و برائت متهم قلمداد می کنند.

خوانندگان محترم این مجموعه است، تذکر این نکته اساسی خالی از لطف نیست که به نظر نگارنده و بر مبنای شواهد و قراین متعدد، آقای حمید لیلاز مهرآبادی در آثار خود سر جنگ با نظام اسلامی دارد.

این حقیقت از خلال نگرش ها و تحلیل های یک سویه و منفی درباره مسائل نظام و انقلاب و کاربرد واژه های تند و زننده ــ که طبیعتا تخریب ارکان نظام را در اذهان عمومی به دنبال دارد ــ به خوبی روشن و آشکار است. دقیقا به همین دلیل، در آثار لیلاز، کمتر با خبر یا تحلیل مثبت و امیدوارکننده ای درباره ایران و انقلاب برمی خوریم. این در حالی است که هرگاه زمینه مناسبی برای هجوم به یکی از ارکان یا اشخاص حقیقی و حقوقی وابسته به نظام و انقلاب ــ مانند رهبری، قوه قضاییه، مردم و حتی دولت آقای خاتمی ــ فراهم آمده است، فرصت را مغتنم شمرده، با استخدام ابزار و شیوه های رایج در تبلیغات و جنگ روانی به تخریب حیثیت و وجاهت سیاسی ــ اجتماعی آنان پرداخته است. به راستی، آیا پای بندی نبودن به قانون اساسی، اخلاق مطبوعاتی و سرستیز داشتن با نظام، معنا و مصداقی غیر از این دارد؟

مقایسه ای گذرا میان مرام نامه روزنامه های جامعه و توس،(۱) سخنان آقایان جلایی پور(۲) و شمس الواعظین از یک سو(۳) و نگرش ها، تحلیل ها و تعبیرها و واژه های به کار رفته در مقالات آقای لیلاز از سوی دیگر، نشان می دهد که

ص: ۲۵۶

۱- جامعه و توس، ش ۱.

۲- رجوع شود به همین سلسله مباحث بررسی دیدگاه آقای جلایی پور.

۳- سرمقاله توس، ش ۱.

مفـاد آن مرام نـامه نه تنهـا محقق نشـده، بلکه کاملاً خلاف آن عمل شـده است. در این میان، پرسـش این است که با توجه به میـدان عملیاتی وسـیعی که در اختیار مطبوعات کشور قرار گرفته بود، چرا نشـریاتی ماننـد جامعه و توس حتی در زمانی که به طور آزادانه، گران ترین جرایم را بر مسئولان نظام بار می کردنـد و به محاکمه و توهین و تخریب آنان می پرداختنـد، همواره از خفقان و نبود آزادی سـخن می راندنـد؟ آیا برای آزادی، حـدی فراتر از آزادی عمل در هتک حیثیت و وجاهت دیگران و عدم پی گرد قانونی طلب می کردند؟

ص: ۲۵۷

نگاه آخر

نگاه آخر

آنچه که از مجموعه بررسی های انجام گرفته می توان دریافت عبارتند از:

الف) نقد و بررسی در روزنامه های جامعه و توس جانب دارانه بوده، بیشتر به دیدگاه ها و عملکردهای جناح رقیب می پردازد و جناح خودی نوعا از نقد و بررسی ها در امان می ماند و مورد تعظیم و تکریم قرار می گیرد.

ب) یک سویه نگری در نقد و بررسی اشخاص و جناح های رقیب، به گونه ای است که محاسن و امتیازات آنها در بیشتر موارد، نادیده گرفته شده و کمتر به آن پرداخته می شود. متأسفانه در این گفتمان ها ملت ایران، جامعه ایرانی، پیشینه و هویت آن در مقایسه با فرهنگ اروپایی، تحقیر شده و توسعه نیافته و عقب مانده نام گرفته اند.

ج) پایه ها، ارکان و مؤلفه های اصلی نظام جمهوری اسلامی که قاعدتا نظام بدون آنها معنا ندارد، مانند: رهبری، قانون اساسی، قوای سه گانه، شورای نگهبان، خبرگان رهبری، روحانیت و... در نظر و عمل، مورد تشکیک، تخریب و تقبیح قرار گرفته اند. نمونه برجسته این گونه برخورد در نقد و بررسی جناح محافظه کار و تمامیت خواه که طیف وسیعی از ارکان و مؤلفه های نظام و انقلاب را تشکیل می دهد، به چشم می خورد.

د) جهت کمّی اخبار و تحلیل ها به سوی ترسیم چهره ای ناخوشایند و ناگوار از اوضاع عمومی کشور و انقلاب نشانه رفته است. اخبار و تحلیل هایی که هر یک به سهم خود، از فضای ملتهب و متشنج سیاسی، اوضاع نابه سامان اقتصادی، موانع و معضلات اجتماعی و فرهنگی و آینده ای

نامشخص سخن می گوید و دل سردی، بدبینی و ناامیدی افکار عمومی را به دنبال دارد.

هـ) برخورد توس و جامعه با آقای رئیس جمهور و دیدگاه ها و اندیشه های ایشان بر خلاف ادعای ارادت و مراتب پیروی از وی، برخوردی سودجویانه بوده است. دقیقا به همین دلیل، اگرچه در پاره ای موارد، به تمجید و تعظیم ایشان پرداخته اند، ولی دیدگاه های آقای خاتمی درباره اسلامیت نظام، ولایت فقیه، قانون اساسی، آزادی مطبوعات و حدود آنان، رابطه با امریکا، لزوم وحدت نیروهای انقلاب و... کاملاً نادیده گرفته شده و به بررسی و تبیین آنها نپرداخته اند.

آیا مقصود از آزادی، این بوده که هرکس حق داشته باشد از توانایی و امکانات خود چه کاغذ و قلم یا زور و اسلحه، هرگونه که بخواهد، به تخریب، تحقیر و توهین بپردازد تا رقیب را از صحنه خارج کند؟!

مقایسه ای گذرا میان مرام نامه روزنامه جامعه و توس با سخنان آقایان جلایی پور، شمس الواعظین، بهنود، باقی و لیلاز مهرآبادی نشان می دهد که نه تنها مرام نامه محقق نشده، بلکه کاملاً خلاف آن عمل شده است. پرسش اساسی این است که زمانی که این نشریات به طور آزادانه سنگین ترین جرایم را بر مسئولان نظام بار می کردند و به بازخواست، محاکمه و توهین و تخریب آنان می پرداختند، چرا همواره از خفقان و نبود آزادی سخن می راندند.

در هر حال، داوری نهایی بر عهده هیئت منصفه میلیونی و افکار عمومی است.

ص: ۲۵۹

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹